



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

سیره ائمه در عزاداری امام حسین

(با رویکرد روضانه‌ای)



ایرج حجازی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیره ائمه: در عزاداری امام حسین علیه السلام با رویکرد رسانه ای

نویسنده:

ایرج حجازی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	سیره ائمه: در عزاداری امام حسین علیه السلام با رویکرد رسانه ای
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۹	دبیاچه
۲۱	پیش گفتار
۲۵	فصل اول: کلیات و مبانی
۲۵	اشاره
۲۷	بیان مسئله
۲۸	ضرورت پژوهش
۳۰	پرسش های پژوهش
۳۰	اشاره
۳۰	سؤال اصلی
۳۰	سؤالات فرعی
۳۰	پیشینه پژوهش
۴۱	مفهوم شناسی پژوهش
۴۱	اشاره
۴۲	۱. سیره
۴۴	۲. عزاداری
۴۷	۳. تعزیه
۵۱	۴. مداحی
۵۲	۵. نوحه
۵۴	۶. سینه زنی

۷. زنجیرزنی ۵۴
۸. سنگ زنی ۵۵
۹. روضه ۵۵
۱۰. مقتل ۵۸
۱۱. رثا و مرثیه ۵۹
۱۲. قمه ۶۱
۱۳. تحریف ۶۲
۱۴. رسانه ۶۴
۱۵. وسایل ارتباط جمعی ۶۵
- فصل دوم: سوگواری در سیره پیامبر(ص) و ائمه معصومان: ۶۶
- اشاره ۶۶
- اسلام و سوگواری ۶۸
- سوگواری در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۷۱
- اشاره ۷۱
- گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ عبدالمطلب ۷۲
- گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ ابوطالب ۷۲
- گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ فاطمه بنت اسد ۷۳
- گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در شهادت شهدای جنگ احد و حمزه سید الشهداء ۷۳
- زیارت قبور شهدای احد ۷۵
- گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در شهادت جعفر بن ابی طالب ۷۶
- گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ نجاشی ۷۷
- اجازه پیامبر صلی الله علیه و آله به ام سلمه برای سوگواری در مرگ ولید بن مغیره ۷۷
- گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ عثمان بن مظعون ۷۸
- گریستن پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ فرزندش ابراهیم ۷۸

- ۷۹ گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر مزار مادر
- ۸۰ گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در عیادت از سعد بن عباده
- ۸۰ سوگواری مسلمانان در فراق نبی اکرم صلی الله علیه و آله
- ۸۰ گریه فاطمه زهرا علیها السلام در فراق پدر
- ۸۱ گریه امام حسن علیه السلام در فراق پدر
- ۸۱ گریه امام سجاد علیه السلام و خاندان بنی هاشم در شهادت امام حسین علیه السلام
- ۸۲ سوگواری امام محمد باقر علیه السلام
- ۸۳ امام صادق علیه السلام در سوگ اسماعیل
- ۸۴ امام موسی بن جعفر علیه السلام
- ۸۴ جمع بندی
- ۸۶ فصل سوم: سوگواری امام حسین (ع) در سیره امامان:
- ۸۶ اشاره
- ۸۸ مقدمه
- ۸۹ چرا به سیره اهل بیت مراجعه کنیم؟
- ۹۰ چرا سوگواری امام حسین علیه السلام
- ۹۴ مرحله اول سوگواری
- ۹۴ اشاره
- ۹۴ سوگواری امام حسین علیه السلام پس از شهادت:
- ۹۶ سوگواری مردم مدینه
- ۹۹ مرحله دوم سوگواری: برگزاری مراسم سوگواری آیینی، مذهبی از سوی ائمه علیهم السلام
- ۹۹ اشاره
- ۹۹ دوره زمینه سازی
- ۱۰۱ سوگواری امام حسین علیه السلام در دوره امام باقر علیه السلام
- ۱۰۳ کمیت اسدی در خانه امام باقر علیه السلام

- ۱۱۷ شیوه های ائمه علیهم السلام در سوگواری امام حسین علیه السلام
- ۱۲۲ جمع بندی و ارزیابی
- ۱۲۶ فصل چهارم: کثری ها و آسیب های سوگواری
- ۱۲۶ اشاره
- ۱۲۸ مقدمه
- ۱۲۸ مهم ترین ویژگی های سوگواری دوره ائمه علیهم السلام
- ۱۲۹ ویژگی های سوگواری های امروزی
- ۱۳۰ فلسفه سوگواری
- ۱۳۵ آسیب های سوگواری و مصلحان دینی
- ۱۳۵ اشاره
- ۱۳۵ ۱. محدث نوری (۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ ه. ق.)
- ۱۳۶ ۲. سید محسن امین عاملی (۱۲۸۴ - ۱۳۷۱ ه. ق.)
- ۱۳۸ ۳. شهید مطهری
- ۱۳۹ ۴. مقام معظم رهبری
- ۱۳۹ عوامل تحریف ها و آسیب ها
- ۱۳۹ اشاره
- ۱۴۰ ۱. نشستن وسیله به جای هدف
- ۱۴۱ ۲. اسطوره پردازی
- ۱۴۳ ۳. واکنش نشان ندادن به طرح مطالب دروغ، سست و بی پایه
- ۱۴۴ ۴. کم دانشی متولیان و مجریان مجالس سوگواری
- ۱۴۵ ۵. کم توجهی به معیار درستی عمل
- ۱۴۸ آسیب ها و تحریف های سوگواری
- ۱۴۸ اشاره
- ۱۴۸ ۱. غلبه جنبه عاطفی بر حماسی و عقلانی

۲. تبدیل شدن عمل به عادت ۱۵۴
۳. مداح محوری ۱۵۵
- آسیب های حوزه مداحی ۱۵۵
۴. اسراف در نذرهای غذایی ۱۶۹
۵. قمه زنی ۱۷۲
۶. ترویج دهه های سوگواری ۱۹۷
- فصل پنجم: راهکارها و پیشنهادات ۲۰۵
- اشاره ۲۰۵
- راهکارها و پیشنهادات ۲۰۷
- اشاره ۲۰۷
- نکته اول ۲۰۸
- نکته دوم ۲۰۹
- نکته سوم ۲۱۰
۱. راهکارهای رسانه ای ۲۱۰
- اشاره ۲۱۰
- تلویزیون ۲۱۱
- مجالش سوگواری امام حسین علیه السلام و ظرفیت رسانه ای آن ۲۱۲
- نگاهی به برنامه های سوگواری رسانه ملی ۲۱۵
- سوگواری و کارکردهای رسانه ۲۲۳
- ارزیابی کارکردهای رسانه در سوگواری ۲۳۷
- بایسته های رسانه ملی در سوگواری ۲۳۹
- محورهای برنامه سازی ۲۴۲
۲. راهکارهای پژوهشی و علمی ۲۴۵
- اشاره ۲۴۵

۱. تولید محتوای سالم و مطمئن ۲۴۷
۲. پرداختن به فقه سوگواری ۲۴۸
۳. سازماندهی های امور فرهنگی و تبلیغی ۲۵۰
- اشاره ۲۵۰
۱. مدیریت و سازماندهی مبلغان و فرصت های تبلیغی ۲۵۰
۲. برنامه ریزی برای استفاده کافی از ابزارهای جدید تبلیغی و آموزشی ۲۵۱
۳. ضرورت سازماندهی مداحان ۲۵۱
- خلاصه ای از راهکارهای رسانه ای و غیر رسانه ای ۲۵۳
- کتاب نامه ۲۵۷
- اشاره ۲۵۷
- کتاب ۲۵۹
- مقاله ۲۶۸
- نرم افزار ۲۶۹
- سایت ها ۲۶۹
- درباره مرکز ۲۷۲

سیره ائمه: در عزاداری امام حسین علیه السلام با رویکرد رسانه ای

مشخصات کتاب

سرشناسه: حجازی، ایرج، ۱۳۵۱-

عنوان و نام پدیدآور: سیره ائمه: در عزاداری امام حسین علیه السلام با رویکرد رسانه ای / ایرج حجازی.

مشخصات نشر: قم: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص.

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۳۵۵-۶ ۷۷۰۰۰ ریال؛

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: حسین بن علی ۷، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق -- سوگواری ها -- فلسفه

موضوع: عاشورا -- تحریف

موضوع: عاشورا -- خطاها و جعلیات تاریخی

موضوع: واقعه کربلا، ۶۱ ق -- خطاها و جعلیات تاریخی

موضوع: رسانه های گروهی -- تاثیر

شناسه افزوده: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۹ س ۳ ح / ۳ / ۲۶۰ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۷۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۳۹۱۸۲

ص: ۱

اشاره

ص: ۹

دیباچه

دیباچه

برگزاری مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام در پرورش شعور و شور مذهبی مسلمانان نقش زیادی داشته است. عظمت بی مانند واقعه خونین عاشورا و به دنبال آن نقش محافل سوگواری امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش این رخداد را به موضوع مهم و سترگی تبدیل کرده که همواره الهام بخش و سرآغاز حرکت های مهم بوده و در طول تاریخ، منشأ روشنگری و راهیابی به حقیقت بوده است. این مجالس، زمینه آشنایی مردم را با معارف اهل بیت و مسائل روز جهان اسلام، فراهم می کند و سبب تقویت باورهای اخلاقی مردم می شود. در واقع، مجالس عزاداری مانند دانشگاهی است که مردم در آن آموزش می بینند، بدون اینکه به تشکیلات خاصی یا بودجه معینی نیاز داشته باشند.

البته به مرور زمان، سلیقه ها، فرهنگ ها و آداب و رسوم مناطق، ناخواسته، بر ساختار و ماهیت مجالس عزاداری، اثر گذاشته و گاهی زمینه انحراف آنها را فراهم آورده است.

دشمنان قسم خورده اسلام که آثار شگرف این مجالس را دیده اند، بی کار ننشسته اند و سال هاست برای تهی کردن این مجالس، از معنویت راستین، می کوشند.

ص: ۱۰

از این رو، شناسایی سیره رفتاری و عملی ائمه علیهم السلام، نقش فراوانی در زدودن این خرافات از دامان مجالس عزاداری دارد. پژوهش حاضر که به همت پژوهشگر ارجمند، آقای ایرج حجازی نگاشته شده است، می‌کوشد سیره معصومان علیهم السلام را در برپایی این مجالس بازگو کند تا به برنامه‌سازان رسانه در ساخت برنامه‌ها یاری رساند.

و من الله التوفیق

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

ص: ۱۱

پیش گفتار

پیش گفتار

برگزاری مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام، یکی از شعائر بزرگ دینی به شمار می آید که توانسته ارزش های مکتب تشیع را حفظ و از نسلی به نسل دیگر منتقل کند؛ به گونه ای که امروزه گسترده ترین سوگواری ها میان شیعیان، سوگواری حضرت حسین بن علی علیه السلام است. چنانکه ماه محرم برای شیعیان، همواره یکی از کانون های محوری دین داری بوده است و فرهنگ شیعه از قیام عاشورا اثر پذیرفته و با شهادت طلبی و سوگواری برای امام حسین علیه السلام درآمیخته است.

در متون حدیثی، روایات بسیاری وجود دارد که به سوگواران، مرثیه سرایان و زائران حرم امام حسین علیه السلام، مژده پاداش فراوان می دهد. بر پایه این اخبار، واقعه عاشورا مانند رخدادی سرنوشت ساز و نقطه عطفی در تاریخ حیات بشری است. اهمیت این رخداد به اندازه ای است که همه انبیا و اولیای خداوند از آن آگاه بوده و به یاد آن گریسته اند و آن را گرامی داشته اند. همه این اخبار و گزارش ها، بر اهمیت، منحصر به فرد بودن رخداد عاشورا، به مثابه رخدادی تأکید کرده اند که آثار و نتایج فرازمانی و فرامکانی و رسالتی عظیم و تاریخی را در حیات بشری بر عهده دارد.

ص: ۱۲

سوگواری امام حسین علیه السلام عملی است که آثار و برکات فراوان دارد و عملی عبادی به شمار می آید. از این رو، باید برگزاری این مراسم در چارچوب های تعیین شده صورت بگیرد. عمل ما باید ناظر به عمل الگو و معیار مطلوب باشد که در رفتار و گفتار امامان شیعه ظهور و بروز یافته و گزارش های آن به ما رسیده است. توجه داشتن به معیارها و شیوه رفتاری امامان شیعه در امر سوگواری، یکی از روش های مهم و بنیادی است که از انحراف در بر پایه سوگواری سالار شهیدان، جلوگیری می کند. بخشی از کزی هایی که در سوگواری ها به وجود آمده است در توجه نداشتن کافی و لازم به سیره و سبک رفتاری ائمه علیهم السلام ریشه دارد. از این رو، این نوشتار می کوشد با واکاوی منابع، گزارش هایی از سیره رفتاری امامان در سوگواری امام حسین علیه السلام استخراج کند تا الگوهای عملی را برای سوگواری آن حضرت ارائه دهد؛ زیرا برای تبیین و تفسیر امور در چارچوب دین و شرع، آیه اطاعت، ما را به پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام فراخوانده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در حدیث ثقلین، مسلمانان را به تمسک به قرآن و عترت سفارش کرده اند. بنابراین، در مقام یک مسلمان وظیفه داریم به اهل بیت علیهم السلام مراجعه کنیم.

علاوه بر این سوگواری در سیره رفتاری پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، آسیب شناسی مجالس عزاداری، از جمله مباحث این اثر است و راهکارهای رسانه ای و غیر رسانه ای در بخش پایانی آمده زیرا رسانه ملی همچون سایر مسئولان دینی و فرهنگی در حوزه تحریف ها و آسیب های سوگواری، وظیفه سترگی بر عهده دارد. از این رو، بخشی به راهکارهای رسانه ای اختصاص یافت تا بتوان از توانمندی، کارکردها و ظرفیت های رسانه ملی در ارائه سوگواری مطلوب کمک گرفت و در

ص: ۱۳

پیراسته کردن سوگواری از چنین آسیب‌هایی گام‌های مؤثری برداشت؛ زیرا رسانه ملی از سویی باید مراقبت بکند که در دام تحریف‌ها و آسیب‌های سوگواری گرفتار نگردد و خود نیز این تحریف‌ها را ترویج نکند و از سوی دیگر با شناسایی آسیب‌ها و ارائه راه‌حل‌های مناسب، با چنین کاستی‌هایی مبارزه کند و مخاطبان را نسبت به پیامدهای چنین معضلاتی آگاه سازد.

ص: ۱۵

فصل اول: کلیات و مبانی

اشاره

فصل اول: کلیات و مبانی

زیر فصل ها

بیان مسئله

ضرورت پژوهش

پرسش های پژوهش

پیشینه پژوهش

مفهوم شناسی پژوهش

ص: ۱۷

بیان مسئله

بیان مسئله

امروزه گسترده‌ترین سوگواری‌ها در میان شیعیان، سوگواری حضرت حسین بن علی علیه السلام است. چنانکه ماه محرم برای شیعیان، همواره یکی از کانون‌های محوری دین داری بوده است و فرهنگ شیعه از قیام عاشورا اثر پذیرفته و با شهادت طلبی و سوگواری برای امام حسین علیه السلام عجین شده است. ائمه علیهم السلام نیز بر سوگواری برای آن حضرت تأکید کرده‌اند؛ البته سفارش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان شیعه درباره سوگواری مذهبی به زمانی پیش تر از واقعه کربلا باز می‌گردد که مهم‌ترین جریان آن، سوگواری برای شهدای جنگ احد به ویژه حمزه سیدالشهداء علیه السلام است. با اشاره پیامبر صلی الله علیه و آله اهل مدینه سوگواری برای کشته‌های خود را رها کردند و برای حمزه علیه السلام به سوگ نشستند. (۱) پس از آن، مهم‌ترین سوگواری که در میان شیعیان جهان فراگیر شد، سوگواری برای امام حسین علیه السلام است. این مراسم آیینی از عصر عاشورا و صبح روز پس از آن آغاز شد و تاکنون ادامه دارد. امروزه نیز شاهد برپایی مراسم سوگواری آن حضرت در زمان طولانی، در

۱- سید جعفر مرتضی عاملی، سیره صحیح پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، ج ۳، ترجمه: محمد سپهری، ص ۱۵۸؛ محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، ج ۳، ص ۵؛ محمد بن عمر واقدی، المغازی، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، ص ۲۲۸.

ص: ۱۸

جاهای بسیار و به دست بسیاری از عاشقان آن حضرت هستیم. برگزاری مراسم سوگواری برای امام حسین علیه السلام عملی دینی و مذهبی است که سبب تقرب به درگاه الهی می شود، در طول تاریخ سوگواری برای سالار شهیدان با توجه به فرهنگ های مختلف، از زمان و شیوه های زندگی اثرپذیر بوده و دگرگونی هایی در حوزه شکل، محتوا و ابزار داشته است و روشنی با شیوه ای که در زمان ائمه علیهم السلام وجود داشته، متفاوت است. این تفاوت ها نقطه کانونی این پژوهش بوده و درصدد است دگرگونی های به وجود آمده را بررسی و سازگاری یا ناسازگاری آنها را با شرع مشخص کند. همچنین در این پژوهش برآنیم آسیب ها و کاستی هایی را که متوجه اصل سوگواری شده است، معرفی نماییم. این مسئله روشن نخواهد شد مگر زمانی سیره و منش اهل بیت علیهم السلام در سوگواری، گزارشی درست ارائه شود. از این رو، نگارنده درصدد است، با تبیین درست و نگاه جامع به سیره رفتاری، عملی و گفتاری معصومان علیهم السلام در سوگواری امام حسین علیه السلام تصویر روشنی از شیوه و سبک رفتاری آنان به منظور الگو دهی به مخاطبان ارائه دهد. سپس با تمرکز بر اینکه رسانه چگونه می تواند از این رفتارها در بخش برنامه سازی استفاده نماید راهبردهایی را در این باره به رسانه ملی ارائه دهند.

ضرورت پژوهش

ضرورت پژوهش

عظمت بی بدیل واقعه خونین عاشورا و در پی آن نقش محافل سوگواری امام حسین علیه السلام و یاران با وفایش در استمرار و احیای اهداف بلند اسلامی، این رخداد را به موضوعی مهم و سترگ تبدیل کرده که همواره

ص: ۱۹

الهام بخش و سرآغاز حرکت های مهم بوده است. چنانکه در طول تاریخ منشأ روشنگری و راهیابی به حقیقت شده، آثار و برکات فراوانی برای جوامع اسلامی نیز به همراه داشته است. از سویی، گستره این آیین از دید زمانی که چیزی بیش از دو ماه (محرم و صفر) است و پوشش جمعیتی سوگواران ده ها میلیون نفری، انجام پژوهش های جامع و ژرف را پیرامون این واقعه عظیم ضروری می نماید.

شناخت سیره ائمه معصومان علیهم السلام در مقام الگوهای عملی و اینکه در برابر مصایب عاشورا چه رفتاری در پیش گرفته اند از موضوعات مهم برای این پژوهش و معیار و میزان عمل شیعیان آن حضرت است؛ زیرا پیروان باید عمل خود را در این باره، با دستورات دینی و عمل بزرگان دینی بسنجند. اگر عمل آنان در چارچوب شرع، سیره و رفتار ائمه علیهم السلام باشد، نباید نگران باشند، اما چنانچه عمل شان با سیره ائمه علیهم السلام زاویه پیدا کند، نگران کننده است.

دستیابی به چنین خواسته ای امکان پذیر نیست، مگر در سایه پژوهش های عمیق و مستند که می توان با کمک آنها سره را از ناسره و راه را از بیراهه تشخیص داد و زمینه را برای شناسایی مباحث تحریف شده، مهیا کرد.

چنانچه حادثه عظیم کربلا دچار آسیب، کاستی و تحریف شود و اقدام درخور توجهی برای برطرف کردن آن صورت نگیرد، دیری نخواهد پایید که این حرکت، کارایی اصلی خود را از دست می دهد؛ چه بسا گاه اصل سوگواری حسینی زیر سؤال برده شود. بر این اساس، آسیب شناسی مجالس سوگواری با هدف آسیب زدایی از آن، خدمتی بزرگ است و آگاه کردن عزاداران از این آسیب ها و راهکارهای مبارزه

ص: ۲۰

با آن، وظیفه ای همگانی است که البته بیشتر بر دوش روحانیان، مبلغان، و متولیان امور فرهنگی و مذهبی است.

پرسش های پژوهش

اشاره

پرسش های پژوهش

پرسش هایی که در این پژوهش به آنها پرداخته خواهد شد، عبارتند از:

سؤال اصلی

سؤال اصلی

سیره و روش ائمه علیهم السلام در سوگواری امام حسین علیه السلام، سالروز و بزرگداشت روز عاشورا چه بوده است؟

سؤالات فرعی

سؤالات فرعی

۱. دیدگاه اسلام پیرامون اصل سوگواری چیست؟ آیا فرد می تواند در فقدان بستگان، دوستان و همسایگانش سوگواری کند؟ یا خیر؟ سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان اسوه حسنه و همچنین معصومان علیهم السلام در این موارد چگونه بوده است؟ آنان در فقدان فرد یا افرادی از اعضای خانواده، یاران و مسلمانان چه رفتاری از خود بروز می دادند؟

۲. با توجه به سیره و سبک رفتاری ائمه علیهم السلام در سوگواری امام حسین علیه السلام آسیب ها و تحریف های سوگواری امام حسین علیه السلام چیست؟

۳. راهکارهای رسانه ای و غیر رسانه ای برای ترویج و تبیین سوگواری سازگار با سیره اهل بیت علیهم السلام و برای خروج از این آسیب ها چیست؟

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش

اطلاع از یافته های دیگران پیش از انجام هر پژوهشی امری ضروری

است، زیرا از این راه می توان از پژوهش های موجود آگاهی یافت همچنین مشخص می کند پژوهش های انجام شده چه بخشی از این مسئله را بررسی کرده اند، با چه رویکرد به آن پرداخته اند و چه بخش هایی از آن موضوع مغفول مانده است. افزون بر این، با بررسی پژوهش های موجود، می توان از تکرار، موازی کاری و مشکلات احتمالی تجربه شده دیگران جلوگیری کرد.

درباره سیره اهل بیت علیهم السلام در سوگواری به صورت عام و سوگواری امام حسین علیه السلام به طور ویژه با تأکید بر آسیب ها و راهکارها، پژوهش هایی انجام شده که عنوان برخی از آنها با این پژوهش اشتراک لفظی دارد و برخی دیگر افزون بر مباحث عاشورا و سوگواری امام حسین علیه السلام به صورت پراکنده به پاره ای از مباحث این پژوهش پرداخته اند. مرور پژوهش های پیشین، نشان می دهد که بیشتر این پژوهش ها، درباره تاریخ عاشورا، آسیب شناسی سوگواری ایام محرم است. در حالی که، پژوهش حاضر به دنبال بررسی سیره ائمه علیهم السلام در سوگواری امام حسین علیه السلام و راهکارهای رسانه ای و غیر رسانه ای آن است. در این باره پژوهش های اندکی انجام شده است؛ با این حال مطالعه پژوهش های مرتبط با موضوع این پژوهش، در احاطه بر موضوع تحقیق کمک فراوانی می کند. از این رو، به چند پژوهش مهم اشاره می شود که مطالعه آنها نیز توصیه می شود:

۱. دانشنامه امام حسین علیه السلام؛ محمد محمدی ری شهری، با همکاری سید محمود طباطبایی نژاد و سید روح الله سیدطبایی و دیگر پژوهشگران مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث: ترجمه عبدالهادی مسعودی.

ص: ۲۲

دانشنامه امام حسین علیه السلام حاصل تلاش ده ساله جمعی از پژوهشگران است که با جست و جو در بیش از پانصد مصدر تاریخی، حدیثی، فقهی، تفسیری، کلامی و... سخنان و آرا و نظریات دیگران را درباره امام حسین علیه السلام از آغاز تا انجام زندگی شخصی، اجتماعی و سیاسی سید الشهداء علیه السلام مورد توجه قرار داده و با ملاحظه دقیق آیات قرآنی و صدها گزارش روایی و تاریخی و نقد، پالایش و تنظیم کارآمد آنها توانسته است خلأی بزرگ را در معرفی یکی از مهم ترین چهره های آسمانی و تاریخ ساز، پر کند.

این مجموعه چهارده جلدی، در پانزده بخش اصلی، ۱۳۸ فصل و ۶۶۱۲ صفحه همراه با ترجمه فارسی تدوین شده است. این مجموعه افزون بر آنکه ۴۱۹۱ متن روایی و تاریخی را در خود جای داده است، بیش از چهارصد تحلیل و بیان درباره موضوعات مرتبط، پاسخ به شبهات و نمایاندن تحریفات دارد که بخش عمده ای از آنها نو و قابل توجه اند و به سترگی اثر افزوده اند. همچنین ترسیم پنج نقشه ابتکاری خط سیر کاروان حسینی علیه السلام از ویژگی های دانشنامه امام حسین علیه السلام است.

پانزده بخش اصلی دانشنامه امام حسین علیه السلام عبارت است از: زندگی خانواده سیدالشهدا علیه السلام، فضیلت ها و ویژگی های امام حسین علیه السلام، دلایل امامت امام حسین علیه السلام و فرزندان، امام حسین علیه السلام پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا شهادت پدر، امام حسین علیه السلام پس از شهادت پدر تا قیام عاشورا، خبر دادن پیشاپیش شهادت امام حسین علیه السلام خروج امام حسین علیه السلام از مدینه تا رسیدن به کربلا، از رسیدن امام حسین علیه السلام به کربلا تا شهادت ایشان، وقایع پس از شهادت امام حسین علیه السلام، بازتاب شهادت امام حسین علیه السلام و

ص: ۲۳

فرجام کسانی که در کشتن او و یارانش نقش داشتند، سوگواری و گریه برای امام حسین علیه السلام، نمونه مرثیه هایی که در سوگ امام حسین علیه السلام و یارانش سروده شده است، زیارت امام حسین علیه السلام، مزار امام حسین علیه السلام و حکمت های رسیده از امام حسین علیه السلام.

از آنجا که بخش یازدهم به عزاداری و گریه برای امام حسین علیه السلام اختصاص دارد. بیشتر به آن می پردازیم:

این بخش در چهار فصل سامان یافته است. در فصل اول، پس از نقل احادیثی که به عزاداری برای سیدالشهدا (به ویژه در دهه اول محرم) سفارش می نمایند، نخستین عزاداران امام علیه السلام پس از واقعه کربلا را معرفی می کند. در پایان، جریان تاریخی مراسم عزاداری حسینی از قرن اول هجری تا عصر حاضر، در کنار تحلیلی خواندنی، پیش روی پژوهشگران قرار می گیرد.

در فصل دوم، مصیبت های سیدالشهدا علیه السلام و تشنگی آن حضرت در هنگام شهادت یادآوری شده است. همچنین یادآوری مصیبت های امام حسین علیه السلام نزد امام باقر و امام صادق علیه السلام آمده است.

در فصل سوم، پس از نقل روایتی درباره اهمیت ویژه روز عاشورا به آداب این روز، اشاره شده است.

در فصل چهارم احادیثی درباره تشویق به گریستن، آشکار کردن اندوه، سوگواری پرسوز و گداز، در مصیبت امام حسین علیه السلام، ثواب گریه بر آن حضرت و پاداش سرودن شعر در مصیبت ایشان ارائه می گردد.

شماری از ویژگی های برجسته این دانشنامه عبارتند از:

۱. بازنگری تاریخ زندگی امام حسین علیه السلام؛

۲. استناد به منابع کهن و قابل استناد؛

ص: ۲۴

۳. بهره گیری از منابع شیعه و منابع اهل سنت، مانند تاریخ الطبری، أنساب الأشراف، الفتوح ابن اعثم و... که تاریخ عاشورا را گزارش کرده اند؛

۴. بررسی تفصیلی مسائل مرتبط با حادثه عاشورا؛

۵. جمع بندی و تحلیل روایات متعارض؛

۶. تنظیم منطقی فصل ها.

۲. عاشورا پژوهی با رویکردی به تحریف شناسی تاریخ امام حسین علیه السلام؛ نوشته محمد صحتی سردرودی است که انتشارات خادم الرضا علیه السلام در سال ۱۳۸۴ در ۵۵۲ صفحه آن را منتشر کرده است.

این کتاب مقاله هایی درباره عاشورا است که در شش فصل نگارش یافته، با پیش درآمدی آغاز و با فهرست آیات، احادیث، اشعار و نام ها پایان می یابد.

فصل اول کتاب با نام ماخذ شناسی تاریخ امام حسین علیه السلام شامل سه مقاله می شود. فصل دوم عاشورا در شعر شاعران سده اول است و فصل سوم در پنج مقاله به عاشورا در آرا و اندیشه ها می پردازد. نویسنده در این جستار به بیان پرسش هایی درباره رویداد کربلا و طرح دیدگاه های گوناگون در تحلیل و تفسیر عاشورا پرداخته است. دیدگاه های ابن عربی، ابن تیمیه، ابن کثیر و ابن خلدون از آن جمله اند. در مقاله دوم این فصل عاشورا از دیدگاه اهل سنت بررسی شده که اندیشمندان این فصل: جاحظ، عبد الجبار معتزلی، ابن جوزی، ابن ابی الحدید هستند و در این بخش نظرات و اندیشه های آنان درباره عاشورا نقد و بررسی شده است. در مقاله چهارم این فصل هدف های امام از دیدگاه علمای شیعه بیان شده است. در مقاله

پنجم با نام هدف غایی و نهایی نیز این دیدگاه‌ها جمع‌بندی و نتیجه‌گیری شده، نظر نویسنده بیان شده است.

فصل چهارم عرفان و آزادی در آئینه عاشورا در سه مقاله مطرح شده است؛

فصل پنجم تحریف شناسی تاریخ امام حسین علیه السلام و عاشورا است که مشتمل بر سه مقاله است.

نام فصل ششم بازاندیشی در تحریف شناسی است و پنج مقاله این فصل مصاحبه‌هایی است که با نویسنده کتاب، انجام شده است.

۳. حماسه حسینی، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا؛ مجموعه‌ای است که سخنرانی‌ها و یادداشت‌های استاد مرتضی مطهری درباره حادثه کربلا را در بر گرفته است. این کتاب در چاپ‌های اولیه در سه جلد انتشار یافت، ولی در چاپ‌های جدید، در دو مجلد و پس از آن در جلد هفدهم مجموعه آثار استاد مطهری ارائه شده است.

جلد اول این مجموعه شامل هفت فصل است. فصل اول با عنوان حماسه حسینی، مجموعه سه سخنرانی استاد شهید است که با همین نام ایراد شده است. فصل دوم را سخنرانی‌های استاد با عنوان تحریفات در واقعه تاریخی کربلا تشکیل می‌دهد. ماهیت قیام حسینی عنوان فصل سوم این کتاب است و فصل چهارم سخنرانی آن شهید بزرگوار درباره تحلیل واقعه عاشورا است. شعارهای عاشورا عنوان فصل پنجم این کتاب است و فصل ششم شامل هفت سخنرانی استاد شهید با عنوان عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی است. در فصل هفتم به عنصر تبلیغ در نهضت حسینی پرداخته است

جلد دوم مجموعه حماسه حسینی شامل نوشته‌ها و یادداشت‌های استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری در این باره است. این کتاب

ص: ۲۶

دربگیرنده مطالبی است که استاد شهید به مرور ایام نگاشته اند و هدف از آنها یادداشت مطالب قابل توجه برای مراجعات بعدی یا آمادگی برای سخنرانی بوده است. این مطالب از نظر اجمال و تفصیل گوناگون اند؛ به طوری که برخی از آنها به صورت یک مقاله است و برخی دیگر چند سطر بیش نیست و در موارد اندکی نیز مطلب با اشاره بیان شده است.

این جلد از کتاب شامل هشت فصل است که موضوع برخی از آنها همان موضوع های جلد اول است. برخی موضوع ها و نوشته نیز اختصاصی است؛ به طوری که می توان گفت فصول جلد اول و دوم به نوعی مکمل یکدیگرند.

۴. عاشورا، سوگواری، تحریفات؛ مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم، ناشر: صحیفه خرد، ۶۷۸ صفحه.

سلسله مقاله ها و گفت و گوهایی است که عاشورا پژوهان، محققان و عالمان برجسته حوزه علمیه قم در تشریح اهداف قیام امام حسین علیه السلام و فلسفه سوگواری برای آن حضرت، ارائه کرده اند. به جز بحث های تشریحی، توصیفی هدف عمده این مجموعه شناسایی آسیب ها، آفات و کاستی های سوگواری ها و یافتن راهکارهایی برای اصلاح آنهاست.

خرافات و تحریف ها در فرهنگ عاشورا مانند هر فرهنگ اصیل دیگر رسوخ کرده است. وظیفه عالمان، خرافه زدایی از این فرهنگ اصیل شیعی است. میرزا حسین نوری و شهید مطهری از پیشتازان آسیب شناسی روضه خوانی هستند. که در این مجموعه آرا و مبانی فکری آنها منعکس شده است. شیخ عباس قمی، محمدرضا حکیمی، محمدعلی ایازی، محمد اسفندیاری و محمد صحتی از دیگر نویسندگانی هستند که به نقد شیوه های سوگواری و مرثیه خوانی پرداخته اند. این کتاب که جمع آوری

ص: ۲۷

ارزشمندی از کتاب های علمای معاصر و مقاله های صاحب نظران درباره سوگواری عاشورا است، با آثاری از شهید مطهری (تحریفات و عوامل آن)، محمدرضا حکیمی (عاشورا، مظلومیتی مضاعف)، میرزا حسین نوری مازندرانی (راستی در مقتل خوانی)، علامه سید محسن امین (سوگواری های نامشروع با ترجمه جلال آل احمد)، شیخ عباس قمی (اصلاح سوگواری) و دیگر کارشناسان دینی در کنار مقاله هایی از سید محمد ثقفی (نقش مصلح دینی در خرافه زدایی)، محمد صحتی سردودی (دستاویز قمه زنی و خرافه زدایی از عاشورا)، غلامرضا گلی زواره (از مرثیه تا تعزیه)، ناصر باقری بیدهندی (بایدها و نبایدهای سوگواری) و ...

در بخش دوم این کتاب، پنج مصاحبه مفصل با علما و کارشناسان دینی آمده که در قالب این مصاحبه ها درباره زوایای پنهانی از موضوع انحرافات سوگواری و حدود شرعی آن بحث شده است؛ مصاحبه های با آقایان محمد هادی معرفت، یوسفی غروی، سید ضیاء مرتضوی، نظری منفرد و ... در این مجموعه ارزشمند ارائه شده است.

۵. از عاشورای حسین تا عاشورای شیعه، محمد اسفندیاری، این کتاب را در ۹۶ صفحه نوشته و در قطع رقعی، در انتشارات «صحیفه خرد» قم منتشر شده است. در سال ۱۳۸۴ نیز به چاپ دوم رسیده است.

در این کتاب، نویسنده با دیدی جامعه شناختی و با رویکردی تاریخی کوشیده است، ابتدا به تفاوت دیدگاه ها درباره عاشورا و حماسه یا تراژدی بودن آن پردازد و در پایان، ریشه بیشتر انحرافات سوگواری را نیز در همین دیدگاه نادرست تراژیک به حادثه کربلا ارزیابی می کند:

«عوام، هرچه را عجیب تر، غریب تر، گزافه تر و خرافه تر باشد، بیشتر

دین می دانند... عوام، نخستین مشتری خرافاتند؛ بلکه نخستین سفارش دهنده تولید خرافات [هستند]... توده های مردم خواهان دینی هستند که از حیث معجزه و اسرار و اساطیر اغنی باشد... هیچگاه چگونگی احکام دینی به دست مردم نیفتاد و آنها معین نکردند که چگونه نماز بخوانیم و روزه بگیریم و حج بگذاریم؛ اما از آنجا که شکل معین و دقیقی برای سوگواری ترسیم نشد، میدان برای سلیقه های مردم باز شد و آنها صورت هایی به سوگواری دادند که گاه آمیخته به خرافه و بدعت است.

گذشته از این دیدگاه تحلیلی، نگارنده در این کتاب مستندات تاریخی قابل توجهی برای ادعاهای خود ارائه داده است و انحراف های گوناگون سوگواری چه محتوایی و چه شکلی، از جمله قمه زنی را از لحاظ تاریخی، موشکافی کما بیش دقیقی کرده است.

۶. آسیب شناسی سوگواری، مرتضی فاطمی، این کتاب در ۲۲۰ صفحه، در انتشارات ائمه علیهم السلام در سال ۱۳۸۵ منتشر شد.

این کتاب افزون بر بحث درباره اهداف و فلسفه قیام امام حسین علیه السلام و پیام های اصیل آن به شناسایی برخی تحریفات و آسیب ها درباره شخصیت و قیام آن حضرت می پردازد و در چهار بخش با عناوین زیر به نقد مراسم سوگواری و رد برخی از اعمال غیر اسلامی می پردازد.

در این پژوهش، نویسنده آسیب هایی که مجالس امام حسین علیه السلام را تهدید می کند به سه دسته تقسیم کرده است:

الف) آسیب های أغراضی که به انگیزه ها و جهت گیری های دست اندرکاران و اثرگذاران بر این مجالس بازمی گردد؛ یعنی اهداف راهبردی ای که بر محتوا و چهارچوب این گونه مجالس حاکم است و به

این مجالس سمت و سو می بخشد مانند شبهات وهابیت، توطئه های استکبار، غفلت از نشر معارف، کاسب کاری و... .

ب) آسیب های گفتاری؛ یعنی محتوای سخنانی که با موازین شرعی و حقایق تاریخی سازگار نیست و نهضت عاشورا را مخدوش می کند. مانند تحریف لفظی و معنوی، دروغ، غلو، سخنان ذلت بار، سخنان به دور از بلاغت و نامفهوم یا بدمفهوم، متهم کردن نظام هستی به کج روی و بی عدالتی، مراجعه نکردن به کتاب های مقتل و به کار بردن برخی واژه های رکیک.

ج) آسیب های کرداری؛ یعنی نوع عملکرد و شیوه های ناپسند اجرای مجالس امام حسین علیه السلام که چهره بدی از قیام عاشورا و مذهب شیعه در اذهان بدخواهان ترسیم می کند؛ مانند طولانی شدن مجالس، ضعف دانش و بینش کارگردانان مجالس عزا، قمه زنی، زیان های بدنی، نوع استفاده از آهنگ های مبتذل و آلات موسیقی.

اثر حاضر دارای چند مشخصه است: گردآوری، تنظیم، تنقیح و نقد آسیب های تازه مانند سبک های جدید و قدیمی نظیر برخی تحریفات رایج، بهره بردن از منظر کلامی و فقهی در نقد آسیب ها، استناد به استفتائات مراجع تقلید، توجه به منشأ تاریخی پیدایش برخی آسیب ها.

۷. پاسخ به شبهات سوگواری؛ نوشته حسین رجبی، این کتاب را مرکز انتشارات دفتر نماینده مقام معظم رهبری در امور اهل سنت بلوچستان در ۲۳۸ صفحه، در سال ۱۳۷۹ چاپ کرده است. این پژوهش با بهره گیری از منابع شیعه و سنی، درصدد است تا در کنار رفع شبهات و ابهامات، به تبیین ریشه های اعتقادی، فقهی و تاریخی سوگواری ها به

ص: ۳۰

ویژه سوگواری سالار شهیدان حسین بن علی علیه السلام بپردازد. از این رو، محقق در آغاز، با طرح موضوع بحث و انگیزه های سوگواری ها، نگاهی گذرا به قرآن و سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیه السلام و سایر مسلمانان داشته است؛ نویسنده در پیش گفتار می گوید سوگواری، امری عمومی و انسانی است که میان تمام اقوام و ملل، وجود داشته و دارد. هر فرد یا گروهی برای آرامش روحی و التیام ناراحتی های روانی در برابر مصیبت ها و حوادث جانسوز و دردناک، مراسم و آداب ویژه ای برگزار می کند و این، امری عمومی است؛ ولی سخن در این است که آیا سوگواری از نظر قرآن و سنت مشروعیت دارد؟

آیا سوگواری در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام آن حضرت و سایر مسلمانان صدر اسلام، وجود داشته است؟

در صورتی که مشروعیت سوگواری ثابت شود آیا مسلمانان به آن عمل می کرده اند؟ آیا نوحه سرایی، گریه، سینه زنی و حرکت هیئت های عزا رواست؟

این کتاب دارای پیش گفتار و پانزده فصل است که عناوین برخی از مباحث این کتاب عبارتند از:

۱. عزاداری در پرتو قرآن؛

۲. عزاداری در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله با استفاده از منابع اهل سنت؛

۳. عزاداری در منابع شیعه؛

۴. بررسی و تحلیل روایات مخالف سوگواری؛

۵. عزاداری در سیره عملی امامان معصوم علیهم السلام؛

۶. عزاداری در سیره مسلمانان؛

۷. تجدید عزاداری و سالگردها؛

ص: ۳۱

۸. عوامل رشد و گسترش عزاداری؛

۹. چه کسانی با مجالس عزاداری به مبارزه برخاستند.

مفهوم شناسی پژوهش

اشاره

مفهوم شناسی پژوهش

زیر فصل ها

۱. سیره

۲. عزا

۳. تعزیه

۴. مداحی

۵. نوحه

۶. سینه زنی

۷. زنجیرزنی

۸. سنگ زنی

۹. روضه

۱۰. مقتل

۱۱. رثا و مرثیه

۱۲. قمه

۱۳. تحریف

۱۴. رسانه

۱۵. وسایل ارتباط جمعی

۱. سیره

۱. سیره

سیره، اسم مصدر و از ریشه سَیر گرفته شده است. سیر به معنای حرکت در روز و شب، (۱) گذشتن و حرکت کردن (۲) روی زمین و عبور کردن (۳) است.

سیره بر وزن فعله است که بر نوع دلالت دارد. برای مثال جلسه یعنی نشستن (۴) و جلسه یعنی سبک و نوع نشستن، سیره نیز بر نوع حرکت، شیوه و سبک رفتار و کردار انسان دلالت دارد و از این رو، بسیاری سیره را به معنای «طریقه، هیئت و حالت» دانسته اند. (۵)

سیره در اصطلاح یعنی حالت و روشی که انسان و غیر انسان دارد و تفاوتی نمی‌کند که این حالت و روش به صورت طبیعی باشد یا غریزی. (۶)

سیره عبارت است از منش عملی و عادات رفتاری؛ سیره اصولی پایدارند که تعیین کننده سبک رفتار در حوزه ای معین باشد. آنچه اهمیت دارد، دستیابی به آن اصول و پایبندی به آنها است که فرد را صاحب منطق عملی می‌کند. از طرفی، این اصول تابع احساسات و عواطف فرد نیست و با تغییر موقعیت‌ها، تغییر نمی‌کنند.

آنچه در این نوشتار مراد است، عبارت است از روش، شیوه و سبک

۱- محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۴۵۴.

۲- ابوالحسین احمد بن فارس ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج ۳، ص ۱۲۰.

۳- حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۴۷.

۴- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۵۰.

۵- فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۴۰.

۶- المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۴۷.

ص: ۳۲

رفتار اهل بیت علیهم السلام در رویارویی با مصیبت از دست دادن فردی از اعضای خانواده، یاران و مسلمانان به طور عام اینکه در این گونه موارد، چگونه عمل می کردند و شیوه آنان چه بوده است و در گام بعدی اینکه امامان شیعه بعد از امام حسین علیه السلام در مصیبت و سال روز شهادت آن حضرت چگونه عمل می کردند و واکنش و سیره رفتاری آنان در آن مصیبت چگونه بوده است؟

سیره شناسی

شناخت اصول و روش های گوناگون افراد در رفتار، منش و کردار را سیره شناسی می نامند. به عبارتی، سیره شناسی، سبک شناسی است (۱) که در علوم انسانی نیز بسیار رایج است.

ضرورت سیره شناسی

بررسی، شناسایی و استخراج سیره ائمه علیهم السلام در عرصه ها و بخش های مختلف، در کمال جویی ریشه دارد و از نیاز انسان به الگو و اسوه حسنه برخاسته است. سیره شناسی ائمه علیهم السلام به عنوان یکی از مهم ترین منابع آموزه های دینی است که حجیت آن در قرآن و حدیث ریشه دارد و در جای جای قرآن و روایات به این حقیقت اشاره شده است. برای نمونه درباره حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به صراحت بیان شده است:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (۲)

به روشنی برای شما در [اقتدا] به رسول خدا سرمشقی نیکوست.

۱- مرتضی مطهری، سیری در سیره نبوی، ص ۵۱.

۲- سوره احزاب: ۲۱.

ص: ۳۳

آنچه اهمیت دارد، شناخت دقیق و درست سیره ائمه علیهم السلام در گام نخست، تولید و ارائه الگوهای مطلوب در گام بعدی است.

کلمه سیره نخستین بار در مورد شرح حال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با نام سیره نبوی به کار برده شد و نویسندگان آن به اصحاب سیر معروف شدند^(۱) و نخستین رشته تاریخی دوره اسلام که توجه نویسندگان را به خود جلب کرد، «علم السیره» است. آثار زیادی در این بخش به ویژه در شرح حال و سیره حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله تولید شد و در اختیار طالبان آن، قرار گرفت.

۲. عزا

۲. عزا

عَزَى از باب تفعیل و به معنای تسلی دادن و توصیه به صبر کردن است. «عَزَى بَعْضَهُمْ بَعْضًا»^(۲) یعنی یکدیگر را توصیه به صبر کردند و «أَحْسَنَ اللَّهُ عَزَاكَ»^(۳) یعنی خداوند به تو صبر و نیکی بدهد. در زبان فارسی واژه عزا به معنای سوگ، ماتم و مصیبت به کار می رود.^(۴)

با مراجعه به واژه «عزا» در کتاب‌های لغت‌شناسی مانند لغت نامه دهخدا، خواهیم یافت که واژگانی که از ریشه عزا گرفته شده، پر دامنه است. پر دامنگی این واژگان حکایت از قدمت سوگواری در فرهنگ ایرانی است که برای نمونه به برخی از واژگان مرتبط اشاره می شود: عزا، ایام عزا، عزاپرستی، عزاخانه، عزادار، عزاداری، عزاداری کردن، عزا

۱- احمد صدرحاج سید جوادی، دائرة المعارف تشیع، ج ۹، ص ۴۸۱.

۲- لسان العرب، نک: واژه عزا.

۳- فیومی، مصباح المنیر، نک: واژه عزا.

۴- فرهنگ عمید؛ لغت نامه دهخدا، نک: واژه عزا.

ص: ۳۴

داشتن (۱) و... و در زبان عربی معادل هایی چون: عزاء ماتم، نوحه، نائحه، مرثیه و... دارد.

سوگواری؛ سوگواری کردن، اقامه مراسم عزا و ماتم گرفتن است. (۲) واژه ای است آیینی که نشان دهنده رفتار و مراسم ویژه ای است که در زمان های ویژه ای اقوام و ملل گوناگون انجام می دهند. سوگواری در اصطلاح عبارت است از اجتماع گروهی از مردم که برای آرامش بخشیدن به فرد یا افراد مصیبت دیده، طلب آموزش برای فرد از دنیا رفته است که در آن بازماندگان را با قرائت قرآن، خواندن مرثیه و همنوایی با آنان، تسلیت می دهند و به شکیبایی سفارش می کنند.

گریستن یکی از اصلی ترین مظاهر سوگواری است و از رفتارهای طبیعی انسان هاست که هنگام اثرپذیری های درونی و عاطفی از عوامل گوناگون در فرد آشکار می شود.

آنچه در این نوشتار مراد است، عبارت است از مجالس سوگواری که مسلمانان به یاد مظلومیت امام حسین علیه السلام و یاران با وفای ایشان در طول سال به ویژه ماه های محرم و صفر در گوشه و کنار جهان مسلمانان برگزار می کنند و به نهادی فراگیری تبدیل شده که دارای کارکردهای آموزشی، تبلیغی، جامعه سازی و مانند آن است.

در بخش فرهنگ مکتوب و شفاهی، نقش سوگواری قابل توجه است؛ زیرا برگزاری هزاران مجلس سوگواری که بیشتر با وعظ و خطابه همراه است، به مانند دستگاهی اثرگذار و فراگیر است که در سامان بخشیدن به جامعه شیعه نیز نقش ویژه ای ایفا می کند. ازاین رو،

۱- لغت نامه دهخدا، نک: واژه عزا.

۲- فرهنگ عمید؛ لغت نامه دهخدا، نک: واژه عزاداری

ص: ۳۵

پرداختن به سوگواری امام حسین علیه السلام جایگاه ویژه‌ای دارد و ادبیات ویژه‌ای نیز تولید کرده است. برای روشن شدن بحث ضرورت دارد، مهم‌ترین مفاهیم این بخش واکاوی شوند. هر چند این مفاهیم در عنوان پژوهش نیامده‌اند، اما نمونه‌های سوگواری هستند که سوگواری در قالب آنها آشکار می‌شود.

لطم؛ معنای این واژه در لغت عربی «ضرب الخدّ و صفحات الجسم بیسط الید» (۱) «أو بالكف مفتوحه» (۲) که در فارسی لطم به معنای ضربه زدن با کف دست و سیلی زدن (۳) ترجمه شده است که این ضربه به معنای خراشیدن صورت نیست و می‌توان از آن به ضربه زدن به صورت، سینه و سر تعبیر کرد.

برای خراشیدن و زخمی کردن صورت در زبان عربی از واژه «خَدش» (۴) استفاده می‌شود.

ماتم؛ به معنای اجتماع گروهی از مردان یا زنان برای اندوه، عزا یا سرور و شادی است، (۵) اما این واژه به مرور زمان برای اجتماع بانوان به هنگام عزا به کار برده شده است. (۶) در ابتدا به هر نوع اجتماعی ماتم می‌گفتند، اما به مرور زمان فقط برای اجتماعی که دارای حزن و اندوه باشد به کار رفته است. (۷)

بنابراین، اقامه عزا برای فردی که از دنیا رفته و برگزاری آیین

۱- خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۷، ص ۴۳۳.

۲- لسان العرب، ج ۱۲، ص ۵۴۲؛ مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۶۲.

۳- فرهنگ عمید.

۴- لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۹۲.

۵- لسان العرب، ج ۱، ص ۶۲.

۶- مجمع البحرین، نک: ماده ماتم.

۷- نک: جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ماده «ماتم».

ص: ۳۶

سوگواری را ماتم گفتن و به ماتم نشستن، می گویند و در «آداب اسلامی اقامه عزا و رسیدگی به بازماندگان، غذا دادن به داغ دیدگان آمده است»^(۱).

۳. تعزیه

۳. تعزیه

تعزیه واژه ای است که از ادبیات عرب وارد فرهنگ فارسی شده است و از ماده عَزَى گرفته شده و به معنای صبر و شکیبایی کردن است.^(۲)

از دیرباز واژه های شبیه و تشبیه و مانند آن در نوشته ها و منابع وجود داشت و به جای واژه تعزیه استفاده می شد و مفهوم شکلی و نمایشی آن را نیز بهتر می رساند؛ اما این واژه خیلی زود توانست جای خود را در ادبیات فارسی به نیکی پیدا کند و رفته رفته معنای اصطلاحی جدید پیدا کرد که با معنای لغوی آن متفاوت است.

تعزیه در اصطلاح

تعزیه نمایشی آیینی، روایی، منظوم و موسیقایی است که از دل سوگواری برای پیشوای سوم شیعیان حضرت حسین بن علی علیه السلام پدید آمد و درباره واقعه عاشورا است^(۳) و یادآوری کننده واقعه کربلا است که در ماه های محرم و صفر برگزار می شود و ریشه در اجتماعات و آیین ها و مراسم شهادت امام حسین علیه السلام دارد.

با عنایت به این خاستگاه تمامی تعاریف تعزیه در این مسئله که محور تعزیه مذهبی واقعه کربلا است، اتفاق نظر دارند. از این رو، تعزیه پس از واقعه عاشورا، هیچ گاه، ماهیت مذهبی خود را از دست نداده

۱- جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۳۹۵.

۲- فواد افرام بستانی، المنجد الطلاب، نک: واژه «عزی».

۳- محمد حسین ناصر بخت، «تعزیه خوانی یک هنر است»، نشریه زائر، سال ۱۹ شماره ۲۲.

ص: ۳۷

است. (۱) و بازنمایی واقعه عاشورا را برای عبرت گرفتن از گذشته و تلاش برای بازسازی آینده برعهده دارد. کلام، موسیقی و حرکت یا اجرای ارکان اصلی تعزیه را تشکیل می دهند. (۲) و در تعزیه از اهمیت ویژه ای برخوردارند. به صورت خلاصه می توان گفت:

تعزیه نوعی نمایش مذهبی است که گروهی حرفه ای بر پایه قصه ها و روایات زندگی و مصائب خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله در محوطه ای، با حضور مردم به عنوان مخاطب برگزار می کنند و به جای نقش نیروهای حاضر در صحنه کربلا- با لباس ها و ابزارهای خاص ایفای نقش می نمایند.

گفتنی است افزون بر تعزیه خوانی صحرای کربلا، تعزیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، امام حسن مجتبی علیه السلام و تعزیه شهادت امام رضا علیه السلام نیز به صورت پراکنده در گوشه و کنار کشور در ماه صفر برگزار می شود.

تاریخچه و خاستگاه تعزیه

درباره تعزیه، دو نکته در خور توجه و بررسی است: نخست آن که ریشه، منشأ و خاستگاه تعزیه چیست؟ مطلب دوم تاریخ شکل گیری این گونه نمایش های مذهبی در جامعه ایران چه زمانی است؟

در مورد مطلب اول دیدگاه های گوناگونی ابراز شده است، برخی بر این باورند که تعزیه ریشه در نمایش دراماتیک پیش از اسلام ایران دارد و نمونه آن را در داستان مرگ سیاوش دانسته اند، اما بیشتر صاحب نظران آن را به دوره صفویه نسبت داده اند. (۳) پایه های تعزیه به سبک و سیاق

۱- پیتر چلکووسکی، تعزیه: آیین و نمایش در ایران، ترجمه: داوود، حاتمی، ص ۹.

۲- علی بلوکباشی، تعزیه خوانی، حدیث قدسی مصائب در نمایش آیینی، ص ۶۲.

۳- صادق همایونی، تعزیه در ایران، ص ۲۱.

ص: ۳۸

امروزین خود، از اواخر دوره صفویه پی ریزی شد، اما به خاطر ملاحظاتی که وجود داشت فراگیر نشد. تعزیه در دوره قاجاریه نیز به دلیل حمایت شاهان و برخی طبقات گسترش یافت و در دوره ناصرالدین شاه به اوج خود رسید. البته نباید نظر میرزای قمی را (۱۱۵۱ ۱۲۳۱ ه. ق) درباره بلا مانع بودن اجرای تعزیه به لحاظ شرعی در ترویج و گسترش روز افزون آن، نادیده گرفت؛^(۱) زیرا برخی از فقها پیش از میرزای قمی و پس از ایشان با تعزیه، مخالفت می کردند. برای نمونه، می توان به مخالفت بزرگانی چون مرحوم آیت الله شاه آبادی رحمه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری و آیت الله بروجردی پس از دوره قاجاریه اشاره کرد که با توجه به نوع اجرای مراسم، آن را جایز نمی شمردند.^(۲)

مسئله شبیه خوانی از دیدگاه فقهی نیز مورد بحث و بررسی عالمان شیعه قرار گرفت و برخی مخالفت های جدی را نیز در پی داشت. در آغاز بسیاری از فقیهان با شبیه خوانی و تعزیه خوانی مخالفت می کردند که پوشیدن لباس معصومان علیهم السلام و ظاهر شدن در نقش آنان دلیل های آنان برای مخالفت با شبیه خوانی بود.

ساخت مکان هایی برای اجرای این نوع نمایش ها در دوره قاجاریه شتاب گرفت. به طوری که در سال ۱۲۶۹ (ه. ق) بیش از ۵۴ تکیه در تهران وجود داشت؛ سه تکیه آن به نام های تکیه پادشاهی و تکیه صدراعظم و تکیه دریچه در محله ارگ سلطنتی قرار داشت.^(۳) تکیه دولت نیز به دستور ناصرالدین شاه، در چهار طبقه با گنجایش بیست

۱- عبدالهادی حائری یزدی، نخستین رویارویی های اندیشه گران ایران با دو رویه بورژوازی غرب، ص ۳۲۴.

۲- غلامرضا گلی زواره، ارزیابی سوگواری های نمایشی، ص ۴۱.

۳- تعزیه خوانی حدیث قدسی مصائب در نمایش آیینی، ص ۱۳۵.

ص: ۳۹

هزار نفر ساخته شد. بدیهی است که مشاهده تئاترهای اروپایی در سفرهای خارجی ناصرالدین شاه نیز در رونق گرفتن تعزیه بی تأثیر نبوده است. (۱)

مطلب دیگر اینکه تعزیه خوانی بیرون از مسجد و منبر و زیر نفوذ دستگاه دولتی و دور از نظر و دیدگاه جامعه روحانیت، در میان توده مردم دیندار و متعصب کوچک و بازار تکوین یافت و شکل گرفت. (۲) همین مسئله نیز بر پیچیدگی آن افزود و آن را به یک سوگواری اشرافی تبدیل کرده بود؛ زیرا به وسایل و ابزار گوناگونی چون لباس مخصوص، دهل، شیپور، نیزه، شمشیر، خنجر، زره، مشک آب، اسب و... نیاز داشت که افراد عادی توانایی تأمین آنها را نداشتند.

از دید تاریخی برخی پژوهشگران بنیان و اساس تعزیه به صورت امروزی در نیمه دوم حکومت صفویه نهاده شده است. در دوره افشاریه به دلیل روابط دوستانه و صمیمانه نادرشاه با حکومت عثمانی رشد تعزیه متوقف می شود و در دوره زندیه رشد خود را از سر می گیرد. یکی از عوامل توجه روز افزون به تعزیه، انگیزه اعیان و اشراف برای کسب شهرت و اعتبار بوده است. (۳)

تعزیه با توجه به جذابیت ها و عناصر هنری و داشتن ویژگی های چون اطلاع رسانی، ارشادی، اخلاقی، تربیتی آن هم به شکل ساده و قابل فهم برای همگان خیلی زود توانست جایگاه مناسبی بیابد و در دوره ای نیز تبدیل به دستگاه کامل سوگواری شد تا جایی که دیگر گونه های

۱- یحیی آرین پور، از صبا تا نیما، ج ۱، ص ۳۲۲.

۲- تعزیه خوانی حدیث قدسی مصائب در نمایش آیینی، ص ۴۳.

۳- جابر عناصری، شبیه خوانی، گنجینه نمایش های آیینی مذهبی، ص ۱۲۶.

ص: ۴۰

سوگواری را تحت الشعاع قرار داد و رقیب جدی دیگر قالب های سوگواری شد. تعزیه اگر درست و با حفظ موازین شرعی و رعایت شئون اهل بیت علیهم السلام انجام شود، بسیار اثرگذار است و ابزاری ارزشمند برای انتقال فرهنگ دینی به نسل های آینده به شمار می آید.

۴. مداحی

۴. مداحی

مداحی به لحاظ لغوی از مدح و مداح گرفته شده و به معنای تمجید، تحسین و ستودن (۱) به کلام زیبا (۲) است.

مداحی به معنای مدح بسیار گفتن و ستایش گری فراوان است و در تعریف آن می توان گفت که وصف شخص با مقوله ای ویژه با آوایی دلنشین و کلماتی زیبا و آمیخته از شعر و نثر مداحی است و به فرد خواننده آن مداح می گویند.

مداح؛ روضه خوانی که ایستاده در کنار منبر، شعر، مدح و مصیبت های اهل بیت را به آواز (۳) می خواند. مداح به افرادی اطلاق می شود که در ایام شهادت، ولادت و اعیاد مذهبی شعر و نثر می خوانند. به کار مداحان نیز مداحی می گویند. پایه کار مداحان بر صدا، شعر، اجرا و مخاطب استوار است.

بی تردید مداحی نقش بسزایی در برگزاری و رونق مجالس سوگواری دارد؛ زیرا عامل عمده گردآوری و ایجاد انگیزه برای شرکت افراد در هیئت و مجلس سوگواری را مداح و جذابیت های مداحی به دوش

۱- العین، نك: واژه «مدح».

۲- معجم مقاییس اللغه؛ نك: واژه «مدح».

۳- لغت نامه دهخدا؛ نك: واژه «مداح».

ص: ۴۱

می‌کشد. حرفه مداحی در کنار سایر حرفه‌های این بخش، همچون: روضه خوانی، دعاخوانی و سخنرانی امروزه جایگاه ویژه‌ای دارد و به رسانه‌ای مهم و مؤثر برای برگزاری مجالس سوگواری و جشن تبدیل شده است که به طور معمول مخاطبان برای حضور در مجالس و هیئت‌های سوگواری، بر اساس اینکه چه کسی مداحی می‌کند و چه سبکی دارد، انتخاب و شرکت می‌کنند.

۵. نوحه

۵. نوحه

در لغت به معنای مقابل هم قرار گرفتن دو چیز است و از این رو برابر هم نشستن زنان گریه‌کننده در سوگواری نوح و به مجلس سوگ آنان مناحه گفته شده است. (۱) دهخدا نیز بیست ترکیب را که از نوحه ساخته می‌شود، نام برده است مانند: نوحه گر، نوحه خوان، نوحه سرا، نوحه گاه، نوحه پرداز (۲) و... که همه اینها براساس گریه و زاری ساخته شده است. به معنای بیان مصیبت، گریه کردن با آواز و شعری است که در سوگواری به صورت غم‌آلود و ناله و زاری خوانند؛ خواه سوگواری برای کسی که تازه از دنیا رفته یا برای امامان شیعه باشد. (۳)

تعریف نوحه

گرچه واژه نوحه قرابت معنایی خود را حفظ کرده است، اما در فرهنگ و ادب فارسی به یک اصطلاح ویژه تبدیل شده است و به یکی از

۱- معجم مقاییس اللغه؛ همان، نك: واژه «نوحه».

۲- لغت نامه دهخدا، نك: واژه «نوحه».

۳- لغت نامه دهخدا، نك: واژه «نوحه».

ص: ۴۲

جنبه‌ها و مصداق‌های مهم و برجسته مراسم سوگواری امامان معصوم علیهم السلام و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله به ویژه امام حسین علیه السلام اطلاق می‌شود که شعر، رکن اصلی آن را تشکیل می‌دهد. یکی از ویژگی‌های برجسته نوحه، تحریک عواطف و احساسات برای گریه و زاری و بیان مصیبت است.

از این رو، می‌توان گفت نوحه قالب ادبی خاصی است که با درون‌مایه حزن و اندوه همراه با وزن‌های متنوع اجرا می‌شود و عناصر تشکیل‌دهنده آن کلام و آهنگ است. عنصر مهم نوحه در اجرا مخاطبانی (عزادارانی) هستند که هماهنگ با آهنگ و ریتم نوحه به سینه زنی یا زنجیرزنی می‌پردازند و با تغییر آهنگ نوحه خوان فاصله زمانی بر سینه زدن را تغییر می‌دهند. به طور معمولاً مراسم نوحه خوانی پس از مرثیه خوانی ارائه می‌شود.

نوحه خوان؛ به کسی گفته‌شود که در روزهای سوگواری امامان برای دسته‌های سینه یا زنجیر زن، اشعار مصیبت، نوحه و مرثیه را با آهنگی ویژه می‌خواند و عزاداران با آهنگ او سینه و زنجیر می‌زنند. (۱)

در فرهنگ سوگواری به گونه‌ای از مرثیه که با آهنگ ویژه و ضرباهنگ مشخص در مجالس سوگواری امام حسین علیه السلام خوانده می‌شود، نوحه می‌گویند و به خواننده آن اشعار، نوحه خوان می‌گویند. نوحه خوانی امروزه با قالب‌های چون سینه زنی و زنجیرزنی همراه است.

نوحه با این بار معنایی و کاربردی که دارد، سابقه دیرینی چون

۱- میرزا ابوالحسن یغمایی جندقی (۱۱۹۶ ۱۲۷۶ ه ق) نخستین شاعری است که بخشی از دیوان او به نوحه اختصاص یافته است. وی مرثیه مذهبی را در اوزان جدید ریخته و آن را نوحه سینه زنی و یا سنگ زنی نامیده است.

ص: ۴۳

مداحی، روضه خوانی و... ندارد. برخی نوحه سرایی به این صورت را از یغما جندقی (۱) می‌دانند که شعرهایی در قالب مستزاد می‌ساخت. (۲) وصال شیرازی نیز از نوحه سرهای دوره قاجاریه است. (۳)

۶. سینه زنی

۶. سینه زنی

از رایج‌ترین مراسم سنتی سوگواری برای سیدالشهداء و دیگر ائمه علیهم السلام مراسم سینه زنی است که همراه با نوحه خوانی انجام می‌شود.

سنت سینه زنی در میان عرب‌ها فراگیر بوده و بعدها شکل امروزی یافت. این گونه سوگواری ابتدا به صورت فردی بوده و زمانی که سوگواری علنی و گسترده شد، به ویژه در زمان صفویه به شکل گروهی درآمد. (۴) برای این گونه سوگواری‌ها نوحه‌های سنگین انتخاب می‌شود و با دست یا زنجیر بر سینه و پشت زده می‌شود.

۷. زنجیرزنی

۷. زنجیرزنی

مجموعه‌ای از حلقه‌های ریز فلزی به هم متصل که به دسته‌ای چوبی یا فلزی متصل است، زنجیر نام دارد. با این وسیله در روز عاشورا به صورت دسته جمعی و همراه با نوای نوحه خوانی بر پشت و سینه خود می‌زنند که معمولاً جای آن کبود می‌شود و به طور معمول این مراسم با نواختن طبل و سنج همراه است.

۱- لغت نامه دهخدا. نک: واژه «نوحه».

۲- میمنت میرصادقی (ذوالقدر)، واژه نامه هنر شاعری: فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فن شعر و سبک‌ها و مکتب‌های آن، ص ۲۸۷.

۳- حسن مشحون، موسیقی مذهبی ایران، ص ۲۹.

۴- مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم، عاشورا عزاداری، تحریفات، ص ۲۴۰.

ص: ۴۴

زنجیر زنی از هندوستان و پاکستان به ایران آمده است. از آنجا که برخی به وضع نامناسبی با زنجیر سوگواری کرده و موجب زخمی شدن بدن و خون آمدن از آن می شوند، برخی فقها این گونه از زنجیر زنی ها را حرام می دانند. (۱)

این مراسم به موازات دیگر مراسم، چون سینه زنی طرفداران ویژه خود را دارد و در گوشه و کنار مناطق شیعه نشین مرسوم است.

۸. سنگ زنی

۸. سنگ زنی

سنگ زنی از جمله رسومی است که در دوره صفویه به فهرست رسوم سوگواری عامه اضافه شد. (۲) سنگ زنان دسته ای از افراد عزادار بودند که هر کدام دو تکه چوب گرد یا سنگ در دست داشتند و با ریتمی هماهنگ آن دو را به هم یا به سینه خود می کوبیدند و نوحه یا ذکری را زمزمه می کردند. آنها گاه بدن های خود را با نفت یا خاکه زغال سراسر سیاه و براق می کردند یا با روغن ها و رنگ های ویژه به رنگ سرخ در می آوردند. (۳) این مراسم کمابیش از گردونه خارج شده و امروزه چندان رایج نیست.

۹. روضه

۹. روضه

معنای آن در لغت، باغ، گلزار و بوستان است. (۴) اما در اصطلاح معنای

۱- مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم، عاشورا عزاداری، تحریفات، ص ۲۴۰، به نقل از: موسوعه العتبات المقدسه، ج ۸ ص ۳۷۸.

۲- محسن حسام مظاهری، رسانه شیعه، ص ۷۱.

۳- یعقوب آژند، نمایش در دوره صفویه، صص ۶۵ ۶۶.

۴- دهخدا، لغت نامه؛ نک: واژه «روضه».

ص: ۴۵

خاصی پیدا کرده که عبارت است از بیان مصیبت و حوادث کربلا که بر حضرت سیدالشهداء و خاندان اهل بیت علیهم السلام رفته است.

امروزه مراسم روضه خوانی به یکی از مهم ترین مصداق های سوگواری امام حسین علیه السلام تبدیل شده است؛ به طوری که از مجالس سوگواری آن حضرت به روضه یاد می شود و به طور معمول به کار بردن آن برای دیگر خاندان اهل بیت علیهم السلام با افزودن قید است.

پیدایی روضه

فراگیر شدن این واژه را می بایست پس از نگارش کتاب روضه الشهداء تألیف ملا حسین کاشفی سبزواری (در گذشته ۹۱۰ ه. ق) و بر گرفته از آن دانست. در آن کتاب گرچه از کتاب های مانند عیون اخبارالرضا شیخ صدوق، ارشاد شیخ مفید مطلب نقل شده است، اما بیشتر مطالب آن از کتب نامعتبر،^(۱) مانند کنزالغرائب فی قصص العجایب، مبکیات، گل و هرمز، مقتل امام اسماعیل و... است.^(۲)

این کتاب را می توان نخستین اثری دانست که در مقتل نگاری به زبان فارسی نگارش یافته است. این کتاب با نثری شیوا و زیبا به جزئیات حوادث کربلا- پرداخت، بدین سان کتاب یاد شده مورد اقبال ذاکران و مرثیه خوانان مجالس سوگواری امام حسین علیه السلام قرار گرفت، آنان از روی این کتاب وقایع کربلا را برای مردم می خواندند که از این روی به روضه خوان مشهور شدند.

در دوره حکومت شاه اسماعیل صفوی (۹۳۰ ۹۰۷ ه ق) خواندن

۱- میرزا عبدالله افندی اصفهانی، ریاض العلماء، تحقیق: سید احمد حسینی، ج ۲، ص ۱۹۰.

۲- رسول جعفریان، تأملی در نهضت عاشورا، ص ۳۴۵.

ص: ۴۶

کتاب روضه الشهداء در مجالس سوگواری امام حسین علیه السلام بیش از پیش رایج شد و حسین ندایی نیشابوری آن کتاب را در دو هزار بیت به نظم درآورد و آن را به شاه اسماعیل تقدیم کرد.^(۱)

از سوی دیگر، محمد بن سلیمان بغدادی معروف به فضولی بغدادی هم آن کتاب را به زبان ترکی ترجمه کرد و آن را حدیقه السعداء نامید.^(۲)

سابقه نام روضه به پیش از روضه الشهداء ملا حسین کاشفی است، کتاب روضه الواعظین، قتال نیشابوری (۵۰۵ ق) مربوط به چند قرن قبل از این اثر است که بخشی از آن نیز در بردارنده مقتل امام حسین علیه السلام است.

به تدریج خواندن روضه از روی کتاب روضه الشهداء فراموش شد؛ زیرا روضه خوانان مطالب را حفظ کرده و در مجالس سوگواری می خواندند.

گفتنی است، روضه الشهداء ادبیات ویژه خود را پدید آورد؛ ادبیاتی که چندان به بخش واقعی و تاریخی ماجرا توجهی ندارد و فقط حادثه را مانند پدیده ای ویژه، در قالب متونی خاص، به شکل داستانی، ادبی و روضه تصویر می کند. سابقه این ادبیات را می توان در قرن پنجم جست و جو کرد و آثاری چون لهوف سید بن طاووس، مثير الاحزان، ابن نماحلی و کامل شیخ بهایی نام برد.^(۳)

اصطلاح روضه برای مرثیه خوانی و ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام در فرهنگ عامه به سرعت جای گرفت؛ به گونه ای که از مجالس سوگواری

۱- رسول جعفریان، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ص ۸۷۷.

۲- رسول جعفریان، تأملی در نهضت عاشورا، ص ۳۳۹.

۳- رسول جعفریان، تأملی در نهضت عاشورا، صص ۲۳۹-۳۴۶.

ص: ۴۷

امام حسین علیه السلام و خاندان اهل بیت علیهم السلام با این عنوان یاد می شود. روضه خوان ها اغلب نظم و نثر را با هم ترکیب می کنند و به شیوه ای خاص بر بالای منبر به ذکر مصایب امام حسین علیه السلام و وقایع عاشورا می پردازند.

۱۰. مقتل

۱۰. مقتل

مقتل در لغت به معنای قتلگاه و محل کشتن است و در اصطلاح درباره کتاب هایی به کار می رود که یک حادثه خونین را به صورت لحظه به لحظه با انگیزه کشف تمام جوانب، شرح می دهند. (۱)

مقتل نگاری؛ بخشی از تاریخ نگاری اسلام به شمار می رود که دارای سابقه دیرینه است و آثار مستقلی در این بخش به نگارش درآمده است. با توجه به مصیبت هایی که در طول تاریخ بر خاندان اهل بیت علیهم السلام رفته، مقتل نگاری در میان شیعیان جایگاه ویژه ای یافت. از این رو، بیش از هفتاد مقتل درباره حماسه عاشورا و قیام امام حسین علیه السلام نگاشته شده است. برای نمونه شیخ آقا بزرگ تهرانی، هفتاد عنوان را نام می برد و مقتل اصبع بن نباته را اولین مقتلی می داند که نگارش شده است. (۲)

مقتل خوانی؛ گونه ای از آیین های سوگواری امام حسین علیه السلام است. ذاکران و مرثیه خوانان، در مجالس سوگواری آن حضرت حوادث و رخداد های کربلا را به صورت دقیق و با جزئیات کامل، از روی کتاب های مقتل برای عزاداران می خوانند.

گرچه روضه خوانی به ظاهر مرحله تکامل یافته مقتل خوانی است؛ اما

۱- نک: جواد محدثی، فرهنگ عاشورا.

۲- آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲۲، ص ۲۱ به بعد.

ص: ۴۸

از آنجا که پایه حفظی، شفاهی و بداهه گویی دارد، آسیب‌هایی متوجه آن است. در صورتی که اگر منبع مقتل خوانی مستند، مطمئن و موثق باشد، این آسیب‌ها را در پی ندارد و مشکلات آن نیز کمتر است؛ زیرا پایه و فلسفه شکل‌گیری مقتل نگاری عاشورا، ثبت رخدادها و داستان‌های تاریخی مربوط به امام حسین علیه السلام است.

امروزه آیین مقتل خوانی با توجه به دگرگونی‌های صورت گرفته، به صورت نمادین، محدود و پراکنده برگزار می‌شود که به نظر می‌رسد بازگرداندن آن به برنامه‌های سوگواری و توجه ویژه بدان، ضرورت دارد.

۱۱. رثا و مرثیه

۱۱. رثا و مرثیه

رثا، به معنای گریستن بر مرده، برشمردن خوبی‌های او و شعر گفتن درباره مرگ کسی با دلسوزی است! مرثیه، مرده ستایی، سوگواری و چکامه‌ای که در عزای از دست رفته‌ای می‌سرایند، مراسم عزایی که به یاد شهیدان کربلا، در ایام محرم برپا می‌شود و اشعاری که در یادآوری مصیبت‌ها و شرح شهادت پیشوایان دین به ویژه امام حسین علیه السلام می‌سرایند نیز مرثیه است. (۱)

مرثیه سخنی تأثر انگیز است که از دلی سوخته و جانی اندوهگین برخاسته و با بیانی ساده و عاطفی بازگوکننده احساسات درونی سرآینده آن است. همچنین گونه‌ای ادبی است که در ادبیات عرب و فارسی سابقه‌ای دیرینه دارد؛ بنابراین مرثیه از قدیمی‌ترین قالب‌های به کار رفته در معنای عام و خاص سوگواری بوده است. همچنین پیشوایان دینی بر آن در سوگواری امام حسین علیه السلام تأکید کرده و آن را تشویق نموده‌اند تا

۱- جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۲۱۸.

ص: ۴۹

بتوان با کمک ظرفیت های شعر؛ رشادت ها، مظلومیت ها و حوادث کربلا را زنده نگه داشت و به آیندگان منتقل کرد. از این رو، بر کاربرد شعر، به مثابه ابزاری کارآمد در نشر و اشاعه فرهنگ اسلام تأکید شده است.

مرثیه عاشورایی

در یک تقسیم کلی، مرثیه عاشورایی بخش مهم مراسم مذهبی را تشکیل می دهد که متن های فراوان درباره آن نوشته شده است. به اشعاری که در سوگ امام حسین علیه السلام و واقعه جانگداز کربلا سروده شده مرثیه عاشورایی می گویند. در این گونه از مرثیه به رخدادهای روز عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام و همراهان او پرداخته شده است و محتوای آن بر پایه بیان مظلومیت و مصیبت های امام و یارانش استوار است.

مرثیه سرایی و مرثیه خوانی یکی از آیین های سوگواری امام حسین علیه السلام در فرهنگ و سیره اهل بیت علیهم السلام است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي النَّاسِ مَنْ يَفِدُ الْإِنَّا وَيَمْدَحُنَا وَيُرْتِي لَنَا؛ خدا را سپاس که در میان مردم، کسانی را قرار داد که به سوی ما می آیند و بر ما وارد می شوند و ما را مدح و مرثیه می گویند».^(۱)

امام رضا علیه السلام به دعبل فرمود: ای دعبل برای حسین بن علی علیه السلام مرثیه بگو، تو تا زنده ای، یاور و ستایش گر مایی، پس تا می توانی از یاری ما کوتاهی مکن.^(۲)

مرثیه سرایی بر خلاف دیگر سوگواری های رایج، در سیره اهل

۱- محمدحسن شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۹۶۴.

۲- سیدحسین بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۷۶۵.

ص: ۵۰

بیت علیهم السلام مقبول و مرسوم بوده است. چنان که در دوره پیامبر صلی الله علیه و آله، دو شاعر بزرگ به نام های حسان بن ثابت و کعب بن مالک (۱) در رثای شهدای احد شعر گفته اند.

می توان جملات منسوب به حضرت زینب علیها السلام در روز عاشورا را پس از شهادت امام حسین علیه السلام، هنگام عبور از کنار جسد پاک آن حضرت، خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نخستین مرثیه هایی دانست که در گرامی داشت امام حسین علیه السلام و واقعه کربلا سروده شده است:

«يا مُحَمَّداه! صَلِّیْ عَلَیْكَ عَلَیْكَ الْمَلِیْكَ السَّمَاءِ، هَذَا حُسَیْنٌ مُرْمَلٌ بِالْذَّمِّ، مُقَطَّعُ الْأَعْضَاءِ، يا مُحَمَّداه! و بناتك سبایا و ذریتك مقتله تَشْرِیْفِی عَلَیْهِ الصَّبَا! ای محمد! ای محمد! درود ملائکه آسمان بر تو باد، این حسین توست که عریان است، در خون خود آغشته و اعضای پیکرش از هم جدا شده اند. ای محمد! دختران تو به اسیری می روند و فرزندان تو کشته شده اند و باد صبا بر اجساد آنها خاک می باشد.» (۲)

۱۲. قمه

۱۲. قمه

قمه نام سلاحی فلزی است، شبیه شمشیر؛ اما کوتاه تر و پهن تر (۳) است و به کسی که با این سلاح در روز عاشورا سرخویش یا دیگران را مجروح می سازد قمه زن و به این عمل قمه زنی می گویند. مراد از قمه زنی عملی است که فقط در روز عاشورا و در بخش های شیعه نشین و به دست برخی افراد انجام می شود که خود را عزادار امام حسین علیه السلام می دانند.

۱- ابن هشام، سیره النبویه، ج ۳، ص ۱۵۹ ذیل واقعه جنگ احد.

۲- بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۰۶؛ طبری، تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک)، ج ۵، ص ۴۰۰.

۳- دهخدا، لغت نامه. نک: واژه «قمه».

ص: ۵۱

این مسئله از زمان پیدایش تاکنون همچون برخی دیگر از گونه های سوگواری، مورد اختلاف بوده است و حتی برخی بزرگان دین نیز به حرمت آن حکم داده اند.

امروزه قمه زنی به سوژه ای برای رسانه های غربی تبدیل شده و انعکاس وسیعی یافته است. در جامعه مذهبی نیز چالشی است که عکس العمل های متفاوتی را در پی داشته و مخالفت هایی از لحاظ فقهی و قانونی با آن صورت گرفته است.

۱۳. تخریف

۱۳. تخریف

تخریف در لغت از ماده حرف به معنای طرف، گوشه یا جانب آمده و تخریف الشی به معنای عدول از مواضع اصلی به طرف و جانبی دیگر و تخریف کلام به معنای تفسیر نادرست کلام، آن هم بدون دلیل است. (۱)

دهخدا تخریف را گردانیدن سخن از جای خود، تفسیر عام از هر چیز، تغییر به ویژه کتاب، تغییر، تبدیل، انقلاب، سرنگونی، واژگونی و انحراف سخن یا چیزی دیگر از حالت و وضع خود و تقلب در آن معنا کرده است. (۲) تبدیل لفظ، مبهم نمودن و نامفهوم کردن کلام برخلاف مقصود گوینده یا نویسنده از جمله نمونه های تخریف است.

اقسام تخریف

الف. تخریف به معنای زیاد کردن و افزودن به متن.

۱- سیدحسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۱۹۷.

۲- لغت نامه دهخدا، نک: واژه تخریف، ج ۱۲، ص ۴۱۹.

ص: ۵۲

ب. تحریف به معنای کم کردن و کاستن از متن.

ج. تحریف به معنای تبدیل کردن معنای کلام.

د. تحریف به دلیل و محتوای کلام.

بیشتر پژوهشگران و نویسندگان که از تحریف‌های عاشورا سخن به میان آوردند، از تحریف در دو قسم کلی سخن گفته‌اند:

تخریف می‌تواند در ساحت لفظ و معنا راه یابد. از این رو، دو قسم تحریف لفظی و تحریف معنوی شکل می‌گیرد.

تخریف لفظی: هنگامی که برای دگرگون کردن معنای کلام، لفظ کم، زیاد یا جا به جا شود، تحریف لفظی رخ داده است.

تخریف معنوی: هنگامی که لفظ تحریف نمی‌شود، اما به گونه‌ای معنا تحریف می‌شود که خلاف مقصود گوینده باشد؛ یعنی سخن یا هرچیز دیگری را به گونه‌ای معنا می‌کنید که مورد نظر شماست و نظر گوینده نبوده است.

در تحریف لفظی هدف از دگرگونی در لفظ، تغییر معناست؛ اما در تحریف معنوی هدف دگرگون کردن مفهوم و روح حاکم بر کلام و پیام است؛ بدون اینکه در لفظ تغییری صورت گیرد.

برای نمونه می‌توان هدف امام حسین علیه السلام از قیام را به هدفی کوچک محدود کرد؛ یا فلسفه قیام سید الشهداء علیه السلام را این گونه تحریف کرد که امام شهید شدند تا امت خود را در قیامت شفاعت کنند.

تمامی تحریف‌های لفظی و معنوی را می‌توان با توجه به هدف مشترکی که دارند؛ یعنی دگرگون سازی معنای واژه در آسیب‌های محتوایی جای داد.

کژی‌ها و وارونگی‌ها می‌تواند برای دستیابی به چند هدف باشد:

ص: ۵۳

الف) تحریف در شکل بیان حادثه و دگرگون سازی حوادث و رخدادها

نمونه این تحریف را عاشورا پژوهان استخراج و معرفی کرده اند؛ شهید مطهری نیز در کتاب حماسه حسینی به طور مفصل نمونه های از آنها را مطرح کرده است.

ب) تحریف در تفسیر

در این باره می توان به دیدگاه هایی اشاره کرد که برای نمونه امام حسین علیه السلام را همانند مسیح که فدائی مسیحیان شد، فدایی امت مسلمان می دانند؛ یا اینکه یکی از دلایل شهادت آن بزرگوار را گناه گناهکاران می دانند و بر این باورند که او جان و مال خود را برای کفاره گناه گناهکاران به خدا فروخته و در برابر آن بهشت را برای نجات گناهکاران و شفاعت ایشان خریده؛ (۱) یا اینکه حضرت بی دلیل کشته شد و خونسش به هدر رفت. تحریف دیگر شهادت امام حسین علیه السلام را از حوزه بشری خارج می داند، بنابراین فهم بشری نمی تواند از آن تفسیری ارائه دهد.

ج) پررنگ کردن حاشیه و غلبه دادن آن بر متن

بدین معنا که برخی جنبه ها را خیلی پررنگ می کنیم تا متن را تحت الشعاع قرار دهیم؛ به گونه ای که حماسه حسینی و آموزه های بلند آن در حاشیه قرار بگیرند.

۱۴. رسانه

۱۴. رسانه

واژه لاتینی آن Medium است که جمع آن Media است و در لغت به

۱- نک: اسرار شهاده آل الله، میرزا محمدباقر شریف طباطبایی، ص ۷۳ و صفحات ۱۳۳-۱۳۴

ص: ۵۴

معنای وسیله یا واسطه است. رسانه به معنای هر وسیله‌ای است که انتقال دهنده پیام (فرهنگ، افکار و مانند آن) باشد و امروزه نمونه‌هایی چون روزنامه، مجلات، تلویزیون، رادیو، ماهواره، اینترنت و.. دارد. رسانه ابزاری است که پیام را از فرستنده به گیرنده منتقل می‌کند.

۱۵. وسایل ارتباط جمعی

۱۵. وسایل ارتباط جمعی

به وسایلی گفته می‌شود که از آنها برای رساندن پیام‌ها و انتقال مفاهیم استفاده می‌کنند. وسایل ارتباط جمعی ابزارهایی هستند که با آنها می‌توان به افرادی نه به طور جداگانه یا به گروه‌های خاص و همگون؛ بلکه به اجتماع یا توده‌ای از مردم به طور یکسان دسترسی پیدا کرد. (۱) در دسترس بودن، سرعت انتشار، گستردگی حوزه انتشار، دسترسی آسان و فراگیری پوشش مخاطبان از ویژگی‌های وسایل ارتباط جمعی است.

۱- ادادگران، محمد، مبانی ارتباط جمعی، ص ۳۰

ص: ۵۵

فصل دوم: سوگواری در سیره پیامبر(ص) و ائمه معصومان:**اشاره**

فصل دوم: سوگواری در سیره پیامبر(ص) و ائمه معصومان:

زیر فصل ها

اسلام و سوگواری

سوگواری در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

سوگواری مسلمانان در فراق نبی اکرم صلی الله علیه و آله

گریه فاطمه زهرا علیها السلام در فراق پدر

گریه امام حسن علیه السلام در فراق پدر

گریه امام سجاد علیه السلام و خاندان بنی هاشم در شهادت امام حسین علیه السلام

سوگواری امام محمد باقر علیه السلام

امام صادق علیه السلام در سوگ اسماعیل

امام موسی بن جعفر علیه السلام

جمع بندی

ص: ۵۷

اسلام و سوگواری

اسلام و سوگواری

سوگواری در مرگ فرد یا افرادی از بستگان، دوستان و... رفتاری طبیعی است که از مهر و محبت سرچشمه می‌گیرد و برنامه‌ای آیینی رایج در همه اقوام و ملت‌ها است، اما در چگونگی برگزاری برنامه‌ها و آیین‌ها، تفاوت‌هایی وجود دارد که این امر نیز طبیعی است؛ زیرا معمولاً تنوع فرهنگی و قومی تنوع آیین‌ها را می‌شود با توجه به اینکه انسان موجودی اجتماعی است و حالت‌ها و رفتارهای گوناگون دارد، سوگواری نیز از عواطف او سرچشمه می‌گیرد و با رفتارهای چون گریه، اظهار غم و اندوه در از دست دادن نزدیکان همراه است.

طرح این موضوع ضرورت دارد که دیدگاه دین مبین اسلام درباره سوگواری به معنای عام و فراگیر آن که انسان در مصیبت فردی از بستگان و دوستان از خود بروز و ظهور می‌دهد چیست؟ و البته می‌توان آن را به این پرسش تبدیل کرد که نظر اسلام درباره سوگواری چیست؟ و آیا سوگواری و گریه در فراق دیگران جایز است؟ و آیا می‌توان در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام مواردی را شناسایی کرد که آنان نیز گریه و سوگواری کرده باشند؟ و اگر سوگواری جایز است حدود آن چیست؟ و در صورتی که از آن بازداشته‌اند، در کدام موارد این گونه است؟ در مراجعه به سیره رفتاری معصومان علیهم السلام که نمونه‌های انسان کامل هستند واکنش

ص: ۵۸

آنان در چنین مواقعی چه بوده است؟ و از سوی دیگر واکنش رهبران مذهبی و دینی با هدف الگوسازی چگونه بوده است؟

در سیره حلبیه نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آغاز از نوحه خوانی زنان جلوگیری می کرد، پس از آن گروهی از زنان خدمت آن حضرت رفتند و گفتند که بر اثر گریه و نوحه بر اموات، نوعی راحتی می یابیم شما اجازه بفرمایید گریه کنیم. آن حضرت فرمود: با این شرایط اجازه می دهم که موهای خود را پریشان و گریبان ها را پاره نکنید و از زخمی کردن صورت پرهیز نمایید. (۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

هنگام ماتم و عزا بانوان برای اشک ریختن برای کاستن بار مصیبت نیاز به شیون و زاری دارند، اما شایسته نیست سخنان بیهوده و باطل بگویند و باید با فرا رسیدن شب، نوحه، گریه و فریاد را رها سازند تا فرشتگان آزار نینند. (۲)

در این حدیث گریه منع نشده است؛ بلکه از رفتارهایی که در چارچوب شرع نمی گنجند، نهی شده و از طرفی محدوده زمانی و ساعات مشخص برای سوگواری و گریه مشخص شده است.

از امام صادق علیه السلام در فرمایش دیگری می فرمایند: «سوگواری سه روز است و بیش از آن جایز نیست؛ مگر زن در مرگ شوهرش و آن هم تا اینکه عده اش به سر آید». (۳)

در مورد سوگواری دو دسته روایت داریم. برخی از اینها با سوگواری

۱- علی بن برهان الدین حلبی شافعی، سیره حلبیه، ص ۲۵۵.

۲- محمد حسن شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۹۰.

۳- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۷۲.

ص: ۵۹

مخالفت کرده و برخی دیگر سوگواری را تأیید کرده اند. در توضیح این روایات باید گفت که تحقیق و بررسی در محتوای هر دو دسته نشان می دهد بین آنها هیچ گونه ناسازگاری وجود ندارد؛ اما چگونه می توان بین آنها وجه مشترکی پیدا کرد و آنها را با هم دیگر جمع کرد؟ در پاسخ به این تضاد و تناقض می توان گفت که این روایت ها مخالف سوگواری نیستند؛ بلکه با بعضی رفتارها و کارهای نادرستی که در سوگواری ها انجام می شود مثل فریاد زدن، گریبان دریدن، سخن باطل گفتن.

سوگواری برای افراد از دست رفته در فرهنگ اسلامی با شکیبایی بر سختی ها و راضی بودن به قضا و قدر الهی منافات ندارد و گریستن امری غریزی، عاطفی و از جلوه های دلسوزی انسان ها است. البته تا زمانی اشکالی ندارد که در بردارنده حالاتی چون جزع و فزع افراطی، بی تابی، جامه دریدن، ضربه زدن بر بدن، نمایان ساختن و پریشان کردن موها (توسط زنان) و چنگ انداختن نباشد.

در فقه شیعه مباحث سوگواری، به صورت فرعی در بحث احکام مردگان آمده است. برای نمونه، در اثر بزرگ فقهی شیعه کتاب جواهر الکلام چنین آمده است.

«بدون شک گریستن بر متوفا به دلیل روایت های متعدد که به حد تواتر معنوی رسیده و فتواهای فقهاء جایز است»^(۱).

پس از آن مرحوم صاحب جواهر به روایات گریستن رسول خدا صلی الله علیه و آله بر حضرت حمزه و مواردی از این قبیل اشاره کرده است و می نویسد: «تمام این موارد نشان دهنده این است که ندبه و نوحه سرایی، برای کسانی که دارای ویژگی های برجسته اند، منعی ندارد؛ بلکه مستحب است تا در

۱- محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۳۶۴.

پرتو مجالس عزا، فضایل آنان نشر یابد و دیگران نیز از آنان الگو گیرند» (۱).

روایات مربوط به گریه و عزا، چنان فراوان و گسترده است که جای هیچ گونه تردیدی نمی گذارد که گریه و سوگواری برای مردگان اشکالی ندارد موضوع هیچ یک از نهی های شریعت نیست. نمونه های فراوان از فعل، (۲) تقریر (۳) و قول (۴) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومان علیهم السلام در کتب تاریخی و منابع روایی وجود دارد که نشانگر جواز گریه در عزای از دست رفتگان است. برای نمونه گریه آن حضرت در روز مرگ عموی بزرگوارش ابوطالب و حمزه سیدالشهداء، زید بن حارثه، عبدالله بن رواحه، جعفر بن ابی طالب و... حکایت از این جواز دارد. (۵)

سوگواری در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

اشاره

سوگواری در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از منابع مهم شریعت و شناخت احکام دین به شمار می رود. در این باره قرآن کریم می فرماید:

۱- محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۳۶۴.

۲- اعمال و افعالی را که معصومین انجام می داده اند «فعل معصوم» می نامند. مقدار دلالت فعل معصوم این است که اگر کاری را انجام داد، دلالت دارد که کار مباح است (انجامش اشکالی ندارد). اما واجب یا مستحب بودن فعل را نمی رساند. و اگر کاری را انجام نداد، دلالت دارد که فعل، حداقل واجب نیست. اما بر حرمت یا کراهت دلالت ندارد. مگر اینکه از دلیل یا نشانه یا علامت دیگری بفهمیم که واجب، مستحب، حرام یا مکروه است. (مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، ج ۲، ص ۵۷-۶۲)

۳- منظور از تقریر یا امضای معصوم: این است که فردی نزد معصوم: کاری انجام دهد و یا سخنی بگوید و معصوم بدون وجود مانعی همچون تقیه با سکوت خود آن را تأیید کند.

۴- گفته ها و سخنان معصومین: را که در احادیث و روایات آمده است «قول معصوم» می گویند.

۵- محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۳۶۴.

ص: ۶۱

«وَمَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا؛ آنچه رسول خدا دستور دهد بپذیرید و هر چه نهی کند واگذارید» (۱).

و در جای دیگر می فرماید:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ قطعاً برای شما در [اقتدا] به رسول خدا سرمشقی نیکوست» (۲).

روشن است که در مسئله سوگواری، شیوه و روش نبی اکرم صلی الله علیه و آله راهگشا خواهد بود. بدین سان در سیره حضرت رسول صلی الله علیه و آله، مصیبت‌هایی وجود دارد که آن حضرت در برابر آنها رفتارهایی ویژه داشتند و مواردی از آن برای نمونه در اینجا گزارش می شود.

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ عبدالمطلب

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ عبدالمطلب

پس از درگذشت عبدالمطلب جد بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله، گزارش شده که آن حضرت گریه کرد (۳). ام ایمن می گوید: من پیامبر را دیدم که گریه کنان در پی جنازه عبدالمطلب راه می رفت (۴).

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ ابوطالب

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ ابوطالب

حضرت علی علیه السلام می فرماید: وقتی خبر رحلت پدرم را به پیامبر دادم، ایشان گریست. آنگاه فرمود: او را غسل بده، کفن کن و به خاک بسپار. خداوند او را بیامرزد و مورد رحمت خویش قرار دهد (۵).

۱- حشر: ۷.

۲- احزاب: ۲۱.

۳- پیامبر ۹ در این موقع هشت سال داشت.

۴- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۱۶۲.

۵- محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۲۳؛ شیخ مفید، ارشاد، ج ۱، ص ۸؛ ذخائر العقبی، ص ۵۶.

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ فاطمه بنت اسد

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ فاطمه بنت اسد(۱)

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود که حضرت علی علیه السلام گریان وارد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: چرا گریه می کنی! گفت مادرم فاطمه وفات کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به خدا مادر من هم بود. پس با شتاب برخاست تا بر او وارد شد و چون به او نگریست، گریان شد. آنگاه به زن ها دستور داد، غسلش دهند(۲) و پس از آنکه قبر فاطمه آماده شد، حضرت در قبر خوابید و برای او دعا و طلب مغفرت کرد(۳).

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در شهادت شهدای جنگ احد و حمزه سید الشهداء

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در شهادت شهدای جنگ احد و حمزه سید الشهداء

در جنگ احد حدود هفتاد نفر از سپاه اسلام به درجه شهادت رسیدند و بر وجود نازنین نبی اکرم صلی الله علیه و آله نیز آسیب وارد شد. یکی از شهدای این جنگ حمزه، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله بود که پشتوانه نیرومندی برای آن حضرت به شمار می رفت، بدنش پس از شهادت، به دست هند همسر ابوسفیان به طور فجیعی مثله شد. شهادت وی برای مسلمانان و پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار گران بود. به طوری که ناراحتی شدید پیامبر صلی الله علیه و آله در منابع تاریخی، حدیثی و سیره، به طور گسترده انعکاس یافته است.

گریه رسول خدا صلی الله علیه و آله در شهادت حمزه به گونه ای است که مانند آن از ایشان دیده نشد و گزارش نگردید. رسول خدا صلی الله علیه و آله جنازه او را به سوی قبله گذاشت. سپس با صدای بلند گریه کرد. پس از آن فرمود: ای عموی رسول خدا! ای شیر خدا! ای شیر رسول خدا! ای حمزه! ای انجام دهنده

۱- فاطمه بنت اسد در سال سوم هجری در مدینه وفات کرد.

۲- اصول کافی، ج ۲، ترجمه مصطفوی، ج ۲، ص ۳۴۸.

۳- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۷۹.

کارهای ثواب! ای حمزه! ای برطرف کننده غم‌ها و سختی‌ها از چهره پیامبر، ای کسی که دشمن را از مقابل رسول خدا دور کرده، وجود او را نگهداری نمودی! (۱)

واقعی نقل می‌کند: «پیامبر فرمود: هرگز مصیبتی به بزرگی مصیبت تو به من نرسیده است! آنگاه، خطاب به صفیه (خواهر حمزه) و فاطمه فرمود: مژده دهید! هم اکنون جبرئیل به من خبر داد که در آسمان‌های هفتگانه برای حمزه نوشته‌اند که شیر خدا و شیر رسول خداست.» (۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله پس از دفن شهدای جنگ احد در بازگشت به مدینه از کنار خانه‌های قبیله بنی‌الاشهل و بنی‌ظفر می‌گذشت؛ صدای نوحه و گریه زنان را که برای کشته‌گان خود سوگواری و نوحه سرایی می‌کردند، شنیدند؛ چشمانش پر از اشک شد و فرمود؛ اما عمویم حمزه گریه کننده ندارد. (۳) سعد بن معاذ و اسید بن حضیر که از یاران آن حضرت بودند، به زنان دستور دادند که از سوگواری برای کشته‌گان خود دست بکشند و بروند برای حمزه سیدالشهداء مجلس عزا به پا کنند. (۴) اول بر حضرت حمزه گریه کنند سپس بر کشته‌های خود. (۵)

تأثیر این سخن به اندازه‌ای بود که از آن پس، در مدینه هر گاه کسی سوگوار عزیزی می‌شد، پیش از سوگواری برای فرد از دنیا رفته، بر حمزه سوگواری می‌کرد و کار این به صورت یک سنت در میان مردم

۱- علی بن برهان الدین حلبی الشافعی، السیره الحلبیه، ج ۲، ص ۶۰.

۲- محمد بن عمر واقدی، المغازی، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، ص ۲۰۹.

۳- ابوجعفر محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک)، ج ۲، ص ۵۳۲.

۴- ابوجعفر محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک)، ج ۲، ص ۵۳۲.

۵- سید جعفر مرتضی عاملی، سیره صحیح پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، ج ۳، ترجمه محمد سپهری، ص ۱۵۸؛ محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، ج ۳، ص ۵؛ محمد بن عمر واقدی، المغازی، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، ص ۲۲۸.

ص: ۶۴

رواج پیدا کرد. (۱) به گونه ای که حضرت فاطمه علیها السلام تا پایان عمر شب های جمعه بر سر مزار شهدای احد و حمزه سیدالشهداء حاضر می شد، (۲) کنار قبر آنان می گریست و دعا می کرد. (۳)

زیارت قبور شهدای احد

زیارت قبور شهدای احد

مرحوم کلینی می گوید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله هر سال به زیارت قبور شهدای احد می رفت و چون به دامنه احد می رسید، صدای خود را بالا می برد و بلند می گفت: «السلام علیکم بما صَبَرْتُمْ و نِعْمَ عُقْبَى الدار؛ سلام بر شما باد بر آنچه شکیبایی کردید و خانه آخرت چه نیکواست». (۴)

در ماجرای شهادت حضرت حمزه، پیامبر صلی الله علیه و آله چند کار انجام دادند:

الف) گریه حضرت در مواجهه با جنازه حمزه سید الشهداء.

ب) ترغیب مردم مدینه به گریه بر آن حضرت با این فرمایش که حمزه گریه کننده ندارد.

ج) زیارت قبور شهدای احد

رفتارهای پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره با دیگر موارد مشابه متفاوت است و این نشانگر علاقه و ارتباط آن حضرت با عمویش حمزه سیدالشهداء و نقشی است که حمزه در پیش برد اهداف اسلام بر عهده داشت.

مسلمانان به قبر حمزه تبرک جسته و از خاک آن تسبیح درست می کردند. (۵)

۱- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۱۴.

۲- میرزا حسن نوری، مستدرک الوسائل الشیعه، ص ۳۸۲.

۳- سید جعفر مرتضی عاملی، سیره صحیح پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، ج ۳، ترجمه محمد سپهری، ص ۱۶۱.

۴- کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۶۰.

۵- کلینی، کافی، ج ۴، ص ۱۶۰.

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در شهادت جعفر بن ابی طالب

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در شهادت جعفر بن ابی طالب

یکی دیگر از جلوه های سوگواری پیامبر صلی الله علیه و آله پس از شهادت جعفر بن ابی طالب (در جنگ موته^(۱))، سخت اندوهناک شد و در سوگ وی و یار هم‌رزم و شهیدش زید بن حارثه گریست. همچنین مانند پدری مهربان و دلسوز به خانه جعفر رفت و بر سر کودکان یتیم وی، دست نوازش کشید و در کنار دلجویی از همسر جعفر اسماء بنت عمیس، از دختر خود فاطمه زهرا علیها السلام خواستند، برای اهل خانه جعفر غذا ببرند.^(۲)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

وقتی خبر شهادت جعفر بن ابی طالب و زید بن حارثه به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رسید، از آن پس هرگاه وارد خانه می شد، بر آن دو شهید به شدت می گریست و می فرمود: آن دو شهید با من هم سخن، همدم و انیس بودند و هر دو با هم رفتند.^(۳)

«اسماء بنت عمیس می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله به خانه ام آمدند و فرمودند ای اسماء پسران جعفر کجایند؟ آنها را به حضورش آوردم ایشان را در آغوش کشید و بویید و سپس دیدگانش به اشک نشست و گریست، پرسیدم ای رسول خدا شاید خبری از جعفر به شما رسیده است! فرمود: آری همین امروز کشته شده است، من از جای برخاستم و شیون کردم، زنان پیش من جمع شدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود ای

- ۱- غزوه موته در سال هشتم هجری با رومیان رخ داد در آن جنگ زید بن حارثه و پس از او جعفر بن ابی طالب و پس از او عبدالله بن رواحه به فرماندهی رسیدند و به درجه شهادت نائل آمدند؛ ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۲۶۷.
- ۲- محمد بن حسن شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۴.
- ۳- محمد بن علی شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۷۷، حدیث ۵۲۷.

اسماء سخن ناپسند مگو و به سینه مکتوب آنگاه پیامبر از پیش من بیرون شد و خود را به خانه دخترش فاطمه رساند که می‌گریست و می‌گفت وای بر من، بر اندوه و فقدان عمویم؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آری که بر مانند جعفر باید گریه کنندگان بگریند آنگاه فرمود: امروز شما برای خاندان جعفر غذا فراهم آورید که آنان امروز از خویشتن بازمانده اند. (۱) در این قضیه پیامبر صلی الله علیه و آله هم خود گریه کرد و هم اینکه در حضور او اسماء و دیگر زنان گریه کردند. در حقیقت بنابر فعل و تقریر پیامبر صلی الله علیه و آله منعی متوجه کار سوگواری نیست و نهی پیامبر صلی الله علیه و آله متوجه این امر است که در ضمن سوگواری خلاف شرعی صورت نگیرد.

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ نجاشی

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ نجاشی

حضرت علی علیه السلام فرمود: «هنگامی که جبرئیل خبر درگذشت نجاشی را به پیامبر صلی الله علیه و آله داد، پیامبر به شدت گریست و فرمود: برادران نجاشی از دنیا رفت. پس به صحرا رفت و برای او درود فرستاد و هفت بار تکبیر گفت». (۲)

اجازه پیامبر صلی الله علیه و آله به ام سلمه برای سوگواری در مرگ ولید بن مغیره

اجازه پیامبر صلی الله علیه و آله به ام سلمه برای سوگواری در مرگ ولید بن مغیره

امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که ولید بن مغیره پسر عموی ام سلمه از دنیا رفت، ام سلمه از پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه خواست تا در مراسم نوحه و ماتم او شرکت نماید. آن حضرت اجازه دادند؛ آنگاه در برابر رسول خدا با

۱- محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۲۰.

۲- محمد بن علی شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۳۵۹.

ذکر اشعاری برای مغیره گریه کرد، آن حضرت هم جلوگیری نکرد و چیزی نفرمود»^(۱).

گرچه در این قضیه خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گریه نکرد، اما از آنجا که پیامبر اکرم دارای جایگاه رهبری جامعه اسلامی و رفتارهای (اعم از فعل، قول و تقریر) او جنبه الگوسازی دارد. از گریه ام سلمه نیز نهی نکردند، پس گریه به تنهایی خلاف شرع نیست و آنچه درباره این باره نهی شده گریه نبوده؛ بلکه کارهای خلاف شرع بوده است.

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ عثمان بن مظعون

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ عثمان بن مظعون

وی یکی از شخصیت‌های ممتاز و از یاران رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود و در میان یاران آن حضرت احترام ویژه‌ای داشت، عثمان بن مظعون، نخستین مسلمانی بود که در مدینه از دنیا رفت و مرگ او موجب تأثر شدید پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش شد. چنان که در مرگ او گریستند و به دستور آن حضرت عثمان را در بقیع دفن کردند.^(۲)

گریستن پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ فرزندش ابراهیم

گریستن پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ فرزندش ابراهیم^(۳)

در موارد متعدد آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مصیبت و مرگ عزیزان و نزدیکان خود اشک می ریخت. جابر بن عبدالله انصاری در مرگ ابراهیم، فرزند رسول خدا نقل می کند:

«پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه عبدالرحمان بن عوف بر بالین پسرش ابراهیم که در حال جان دادن بود، آمد و او را در آغوش گرفت و شروع به گریه کرد.

۱- شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۲۲، باب جواز البكاء علی المیت و المصیبه.

۲- محمد بن اثیر جزری، جامع الاصول من احادیث الرسول، ج ۱۱، ص ۱۰۵، شماره ۸۵۷۷.

۳- محمد بن اثیر جزری، جامع الاصول من احادیث الرسول، ج ۱۱، ص ۱۰۵، شماره ۸۵۷۷.

ص: ۶۸

عبدالرحمان گفت آیا شما هم گریه می کنید؟ مگر شما از گریه نهی نفرموده اید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این گریستن نشانه مهر و محبت است و هر کس مهربان نباشد بر او مهربانی نمی شود (۱) و ما مردم را از فغان و داد و فریاد دو گروه احمق و سفیه بازداشتیم. کسانی که در هنگام مصیبت چهره می خراشند و گریان می درند و آنان که ناله های شیطانی سر می دهند. (۲) همین واقعه را نیز انس بن مالک نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ به عبدالرحمان فرمود:

«دیده گریان است و دل اندوهگین؛ ولی هرگز سخنی برخلاف رضای پروردگار بر زبان جاری نمی کنم. ما از فراق تو ای ابراهیم اندوهناکیم.» (۳) این گزارش تأکیدی است که گریه و سوگواری اشکالی ندارد و آنچه ناپسند است، سخنی است که برخلاف رضای حق و تقدیر و مشیت او بر زبان آورده شود.

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر مزار مادر

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر مزار مادر

در سال ششم هجری که پیامبر صلی الله علیه و آله با مشرکان قریش پیمان صلح حدیبیه را بست. هنگام عبور از منطقه ابواء، قبر مادر خود را زیارت کرد. آن را مرمت نمود. او بر سر قبر مادر گریه کرد و همراهانش نیز با ایشان هم نوا شدند. به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردند چرا گریه می کنید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود به یاد مهربانی او افتادم و گریستم. (۴)

۱- محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۲۶، ترجمه مهدوی دامغانی، محمود.

۲- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۹۰.

۳- سید مرتضی عسکری، گریه بر میت از سنت های رسول خدا، ۹، ترجمه محمد جواد کرمی، ص ۱.

۴- محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۶.

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در عیادت از سعد بن عباد

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در عیادت از سعد بن عباد

سعد در بستر بیماری بود. پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه عده ای به عیادت وی رفتند. سعد بیهوش بود. حضرت سؤال کرد: آیا سعد از دنیا رفته؟ عرض کردند نه؛ پس پیامبر صلی الله علیه و آله گریست، آنگاه همراهان آن حضرت گریه کردند. سپس ایشان در پاسخ برخی از اصحاب که گویا به گریه آن حضرت اعتراض داشتند؛ فرمودند: آیا نمی دانید که خداوند کسی را به خاطر اشک چشم و اندوه قلبی عذاب نمی کند. آنگاه حضرت به زبانشان اشاره کردند و فرمودند، تنها زبان انسان است که باعث عذاب می گردد؛ مگر آن که خدا بنده اش را مورد رحمت قرار دهد و عذاب نکند. (۱)

سوگواری مسلمانان در فراق نبی اکرم صلی الله علیه و آله

سوگواری مسلمانان در فراق نبی اکرم صلی الله علیه و آله

ابوذئیب هذلی می گوید: «پس از رسیدن خبر وفات پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی مدینه حرکت کردم، پس از ورود به مدینه با گریه و آواز سر و صدای مردم مدینه روبه رو شدم. گریه ها به گونه ای بلند بود که گویا مردم برای حج، محرم می شدند و لیبک می گویند». (۲)

گریه فاطمه زهرا علیها السلام در فراق پدر

گریه فاطمه زهرا علیها السلام در فراق پدر

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در فراق پدر بسیار می گریست، برای جلوگیری از سرزنش مردم از مدینه خارج می شد و در قبرستان بر مزار شهدا می گریست (۳) و خطاب به پدر بزرگوارشان چنین می گفتند:

۱- محمد بن اثیر جزری، جامع الاصول فی الاحادیث الرسول، ج ۱۱، ص ۱۰۱، شماره ۸۵۷۳.

۲- میرزا حبیب الله خویی، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۱۰۰.

۳- شیخ صدوق، خصال، ج ۱، ص ۲۷۳.

ص: ۷۰

لَا خَيْرَ بَعْدَكَ فِي الْحَيَاةِ وَإِنَّمَا أَبْكِي مَخَافَةَ أَنْ تَطُولَ حَيَاتِي (۱)

در زندگی بعد از تو خیری نیست؛ همانا گریه ام از آن است که مبادا زندگیم طولانی شود.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: به کسان خود دستور دهید که بر سر جنازه سخن نیکو بگویند؛ زیرا آنگاه که پدر بزرگوار حضرت فاطمه علیها السلام از دنیا رفت، همه دختران بنی هاشم با او هم ناله شدند. به آنان فرمود: شمارش (اوصاف میت) را کنار بگذارید و دعا کنید. (۲)

گریه امام حسن علیه السلام در فراق پدر

گریه امام حسن علیه السلام در فراق پدر

ابومخنف از ابی اسحاق سبعی روایت کرده که امام حسن علیه السلام در بامداد آن شبی که امیرالمؤمنین علیه السلام از دنیا رفت، خطبه خواند و حمد و ثنای خدای را به جا آورد و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله درود فرستاد. آنگاه فرمود: به راستی در این شب مردی از دنیا رفت که پیشینیان در کردار از او پیشی نگرفته، و آیندگان نیز در کردار به او نرسند، پس آن حضرت گریست و مردم نیز با آن حضرت گریه کردند. (۳)

گریه امام سجاد علیه السلام و خاندان بنی هاشم در شهادت امام حسین علیه السلام

گریه امام سجاد علیه السلام و خاندان بنی هاشم در شهادت امام حسین علیه السلام

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

«نَبِحَ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ سَنَةً كَامِلَةً كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ وَ ثَلَاثُ سِنِينَ مِنَ الْيَوْمِ الَّذِي أُصِيبَ فِيهِ؛ خاندان بنی هاشم یک سال شب و روز و سه سال

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۳.

۲- همان، ج ۲، ص ۶۱۸.

۳- شیخ مفید، ارشاد، ترجمه رسولی محلاتی، ج ۲، باب احوال حضرت امام حسن مجتبی، ص ۷، ص ۲.

در سالروز شهادت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا نوحه گری و سوگواری کردند» (۱).

سوگواری امام محمد باقر علیه السلام

سوگواری امام محمد باقر علیه السلام

چند نفر از اصحاب خدمت حضرت رسیدند؛ در حالی که یکی از فرزندان مریض بود. امام خیلی ناراحت بود و قرار نداشت. اصحاب با خود گفتند اگر پیشامدی رخ دهد، می ترسیم که با وضع ناجوری روبه رو شویم. چیزی نگذشت که صدای ناله و فریاد از میان خانه بلند شد، دیدند امام علیه السلام آمد، ولی گشاده رو؛ بر خلاف وضعی که پیش تر داشت. عرض کردند: فدایت شویم ما ترسیدیم که اگر چنین اتفاقی بیفتد شما را در حال افسردگی ببینیم که ما نیز افسرده شویم. فرمود ما عافیت و سلامتی را دوست داریم برای کسی که او را دوست داریم؛ ولی وقتی امر خدا آمد، در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم.

در این ماجرا بی تابی حضرت پیش از مرگ فرزندش و پیشگیری نکردن از گریه و شیون دیگران نشان دهنده این است که اگر اصل گریه و شیون خلاف شرع بود و امری منکر شمرده می شد، امام علیه السلام نیز از آن نهی می کردند؛ پس این گونه نیست و گریه و شیون اشکالی ندارد.

در فرمایش دیگر داریم که امام محمد باقر علیه السلام برای مجلس سوگ و ماتم خود هشتصد درهم وصیت کرد و این را برای رعایت سنت می دانست؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از شهادت جعفر بن ابی طالب فرمود، برای اهل خانه جعفر طعامی مهیا کنید که اهل خانه گرفتارند. (۲).

۱- ابن حیون، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۷.

۲- محمد بن علی شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ترجمه غفاری، ج ۱، ص ۲۶۱، حدیث ۵۴۶.

ص: ۷۲

امام باقر علیه السلام در وصیت خود به فرزندش امام صادق علیه السلام می فرماید: «ای جعفر! از مالم مقداری وقف نوحه خوانان کن تا به مدت ده سال در منا در ایام حج، بر من نوحه خوانی و سوگواری کنند».(۱)

مرحوم شهید ثانی در مُسکن الفؤاد ذیل این حدیث می گوید:

«مقصود آن است که مردم را به فضائل و مزایای ایشان آگاه کنند؛ تا مردم اقتدا به ایشان کنند چون بعد از وفات و شهادت ایشان دیگر مجالی برای تقیه نمی باشد».(۲)

امام صادق علیه السلام در سوگ اسماعیل

امام صادق علیه السلام در سوگ اسماعیل

حسن بن زید می گوید: آنگاه که اسماعیل فوت کرد، امام بر او جزع شدیدی نمود. به امام صادق عرض شد: آیا در خانه شما نوحه می شود؟ امام فرمود: هنگامی حمزه شهید شد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود بر حمزه گریه کنند؛ چرا که او گریه کننده ندارد.(۳) شیخ مفید در کتاب ارشاد می نویسد: «انگیزه امام از این رفتارها آن بود تا کسانی که به امامت اسماعیل پس از ایشان معتقد شده بودند از عقیده خود بر گردند و بدانند که اسماعیل قبل از ایشان فوت کرده است».(۴)

محمد بن عبدالله کوفی می گوید:

«چون مرگ اسماعیل، فرزند امام صادق علیه السلام، فرا رسید آن حضرت سخت بی تاب شد. راوی گوید: چون چشمان او را بست یک پیراهن پاکیزه، شسته یا نو طلب کرد و آن را بر تن نمود؛ سپس محاسن خود را

۱- کلینی، فروع کافی، ج ۵، ص ۱۱۷؛ شهید ثانی، مسکن الفؤاد عند فقد الاولاد، ص ۱۱۳.

۲- شهید ثانی، مسکن الفؤاد عند فقد الاولاد، ص ۱۱۳.

۳- محمد بن علی شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۷۳.

۴- شیخ مفید، ارشاد، ترجمه رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۲۰۱.

ص: ۷۳

شانه کرد و بیرون آمد و دستوراتی داد. آنگاه یکی از اصحابش گفت: فدایت شوم وقتی بی تابی شما را دیدیم، پنداشتیم تا مدتی از شما بی بهره خواهیم بود. امام فرمود: ما اهل بیتی هستیم که تا مصیبت نیامده بی تابیم و چون فرود آمد بردبار خواهیم بود. (۱)

امام موسی بن جعفر علیه السلام

امام موسی بن جعفر علیه السلام

فردی به نام کاهلی روایت می کند: «به امام موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم: همسر و خواهرم در مجالس ماتم دوستان و آشنایان شرکت می کنند و من آنها را از این کار باز می دارم. آنان به من می گویند: اگر شرکت در این گونه مراسم حرام است، ما را منع کن تا شرکت نکنیم و اگر حرام نیست پس چرا ما را منع می کنی؟ تا [زیرا] اگر کسی از ما فوت شد، مردم نیز از ادای حقوق و شرکت در مجلس ما خودداری خواهند کرد و به تعزیت ما نیایند، آن حضرت فرمود: از حقوق سؤال می کنی؟ (یعنی آنان که به عزا و عروسی شما می آیند ایشان نسبت به شما دارای حقی هستند و رفتن به مجالس ایشان کار بیهوده نیست). پدرم به مادرم ام فروه رخصت می داد که حقوق اهل مدینه را بجا آورند.» (۲)

جمع بندی

جمع بندی

نمونه هایی که یاد شد، گویای این واقعیت است که سوگواری و به سوگ نشستن برای از دست دادن بستگان و عزیزان، نه تنها مورد نکوهش

۱- شیخ مفید، ارشاد، ترجمه رسولی محلاتی، ج ۱، ص ۱۴۴، ترجمه پهلوان.

۲- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، حدیث ۵۲۹.

ص: ۷۴

نیست؛ بلکه پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومان علیهم السلام نیز آن را تأیید می کنند و سیره رفتاری آنان مؤید این معنا است. آنچه اهمیت دارد رعایت حریم هایی است که پدید آمده، تا سیره اهل بیت علیهم السلام آشکار شود.

به عبارت دیگر پیامبر و ائمه امامان علیهم السلام بر کارکردهای مثبت سوگواری از جمله یاد خدا و تسلی خاطر بازماندگان مهر تأیید زده اند در عین حال رفتارهایی را که به لحاظ شکلی و رفتاری خلاف شرع باشد، نهی می کنند؛ بنابراین باید سوگواری ها در چارچوب احکام شرع باشد تا آثار و کارکردهای مورد نظر را داشته باشد. این باید و نبایدها درباره سوگواری امامان درست است با این تفاوت که کارکردهای آن قابل مقایسه نیست و کارکرد مجالس امامان بسیار بیشتر است؛ البته حساسیت های بیشتری نیز درباره رعایت چارچوب های آن وجود دارد.

ص: ۷۵

فصل سوم: سوگواری امام حسین(ع) در سیره امامان:

اشاره

فصل سوم: سوگواری امام حسین(ع) در سیره امامان:

زیر فصل ها

مقدمه

چرا به سیره اهل بیت مراجعه کنیم؟

چرا سوگواری امام حسین علیه السلام

مرحله اول سوگواری

مرحله دوم سوگواری: برگزاری مراسم سوگواری آیینی، مذهبی از سوی ائمه علیهم السلام

جمع بندی و ارزیابی

ص: ۷۷

مقدمه

مقدمه

در متون حدیثی شیعه روایات بسیاری وجود دارد که به سوگواران، مرثیه سرایان و زایران حرم امام حسین علیه السلام مژده پاداش فراوان می دهد. روح حاکم بر این روایات شاعران و مرثیه سرایان را به سرودن شعر در رثای امام حسین علیه السلام و گریاندن مردم ترغیب و تشویق می کند. همچنین در این منابع با احادیث فراوانی روبه رو می شویم که سابقه سوگواری و گریه بر حضرت سیدالشهداء را به قرن ها پیش از واقعه عاشورا برمی گردانند. بر پایه این اخبار، واقعه عاشورا به مثابه رخدادی سرنوشت ساز و نقطه عطفی در تاریخ حیات بشری است. این رخداد واجد چنان اهمیتی است که همه انبیاء و اولیای خداوند از آن آگاه بوده و به یاد آن گریسته اند و آن را گرامی داشته اند. همه این اخبار و گزارشات، بر اهمیت، منحصر به فرد بودن رخداد عاشورا، به مثابه رخدادی تأکید کرده اند که آثار و نتایج فرا زمانی و فرا مکانی دارد و رسالتی عظیم و تاریخی را در حیات بشری بر عهده دارد.

شیخ جعفر شوشتری در کتاب خصائص الحسینیه محافل سوگواری امام حسین علیه السلام را به پنج مرحله کلی تقسیم بندی می کند:

۱. محافلی که پیش از خلقت آدم برپا شده است. (۱)

۱- جعفر شوشتری، خصائص الحسینیه، ویژگی های امام حسین علیه السلام، ترجمه: علی کرمی، ص ۲۴۳.

ص: ۷۸

۲. محافلی که پس از خلقت آدم و پیش از ولادت امام حسین علیه السلام برپا شده است. (۱)

۳. محافلی که پس از ولادت و پیش از شهادت آن حضرت برپا شد. (۲)

۴. محافلی که پس از شهادت در این دنیا برگزار می شود. (۳)

۵. محافلی که روز رستاخیز برپا خواهد شد. (۴)

این نوشتار با توجه به رسالتی که برایش ترسیم شده است، در صدد بررسی چگونگی این مراحل نیست؛ بلکه این پژوهش به مرحله چهارم محافل سوگواری امام حسین علیه السلام می پردازد که امامان پس از شهادت آن حضرت برگزار کرده اند. همچنین در صدد است از لایه لای این گزارش ها، سیره رفتاری امامان را استخراج کند. تا الگوهای عملی برای سوگواری آن حضرت ارائه دهد.

چرا به سیره اهل بیت مراجعه کنیم؟

چرا به سیره اهل بیت مراجعه کنیم؟

توجه به این نکته لازم است که چرا باید فرهنگ عاشورا را در سیره اهل بیت علیهم السلام جست و جو کرد و نه در جای دیگر و سیره دیگران؟ زیرا برای تبیین و تفسیر امور در چارچوب دین و شرع، آیه اطاعت (۵) ما را به پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله فراخوانده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در حدیث ثقلین (۶) مسلمانان را به تمسک به قرآن و عترت سفارش کرده اند. بنابراین

۱- جعفر شوشتری، خصائص الحسینیه، ویژگی های امام حسین علیه السلام، ترجمه: علی کرمی، صص ۲۴۴۲۵۲.

۲- جعفر شوشتری، خصائص الحسینیه، ویژگی های امام حسین علیه السلام، ترجمه: علی کرمی، ص ۲۵۲.

۳- جعفر شوشتری، خصائص الحسینیه، ویژگی های امام حسین علیه السلام، ترجمه: علی کرمی، ص ۲۸۰.

۴- جعفر شوشتری، خصائص الحسینیه، ویژگی های امام حسین علیه السلام، ترجمه: علی کرمی، ص ۲۹۱.

۵- آل عمران: ۳۲. قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ.

۶- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، صص ۲۳۳ ۲۳۴.

ما در مقام یک مسلمان وظیفه داریم که بدان عمل کنیم. افزون بر این باید در شناخت هر امری نزد کسی رفت که آگاهی لازم درباره آن را دارد و این رویه ای است که در همه جوامع بشری پذیرفته شده است.

اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز آگاهان و آشنایان به قوانین شرع هستند که حقایق دین و قرآن کریم را روشن می کنند؛ بنابراین ضرورت دارد برای دریافت بایدها و نبایدهای سوگواری امام حسین علیه السلام به ایشان مراجعه کنیم تا عمل خود را در چارچوب عمل، رفتار و سیره آنان قرار داده، مشمول عناوینی چون بدعت، خرافه و مانند آن نشویم و روشن است که کم توجهی به این نکته ما را گرفتار رفتارهایی خارج از چارچوب شرع خواهد کرد. از این رو، شناخت و آگاهی کامل از سیره ائمه علیهم السلام می تواند کمک شایان و قابل توجهی به درستی عمل پیروان کند و معیاری برای درستی رفتار آنان باشد.

از سویی باید برای تشخیص درستی و نادرستی هر عملی که به نام اسلام و مذهب انجام می گیرد، به شرع و بنا بر حدیث شریف ثقلین، به قرآن و اهل بیت علیهم السلام مراجعه کنیم. در سوگواری اهل بیت علیهم السلام به ویژه مجلس سوگواری امام حسین علیه السلام نیز باید تابع سیره امامان باشیم و به آنها اقتدا کنیم و در این باره نیز سیره آنان راهنمای عمل و نقشه راه باشد.

چرا سوگواری امام حسین علیه السلام

چرا سوگواری امام حسین علیه السلام

امام صادق علیه السلام به این پرسش پاسخ می دهد. عبدالله بن فضل هاشمی می گوید: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا چه طور روز عاشورا روز ماتم، اندوه، بی تابی و گریه شد؟ ولی روز رحلت پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله و روز درگذشت فاطمه علیها السلام و روز شهادت امیر مؤمنان علیه السلام و روز کشته شدن امام حسن علیه السلام با زهر چنین نشد؟»

حضرت در پاسخ فرمود: «روز شهادت الحسین علیه السلام مصیبتی بزرگ تر از دیگر روزها دارد. این از آن روست که اصحاب کسا که گرامی ترین مردمان در پیشگاه خدای متعال اند، پنج تن بودند. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از میان آنان رفت امیرمؤمنان علیه السلام، فاطمه علیها السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام بودند. آنها برای مردم مایه آرامش و دلخوشی بودند. هنگامی که فاطمه علیها السلام درگذشت مردم با دلداری و تسلی حسن علیه السلام و حسین علیه السلام آرامش و تسکین می یافتند. نیز وقتی حسن علیه السلام درگذشت، حسین علیه السلام برای مردم مایه دلداری و تسلی بود؛ ولی زمانی که حسین علیه السلام کشته شد، هیچ کس از اصحاب کسا باقی [نمانده بود] که مردم با او دلداری و تسکین پیدا کنند؛ بنابراین رفتن حسین علیه السلام به مثابه رفتن همه آنها بود و همان گونه که بودن ایشان به مثابه بودن همه آنها بود. بدین جهت روز کشته شدن حسین علیه السلام بزرگ ترین مصیبت بود»^(۱).

گر چه سوگواری و اشک ریختن بر مظلومیت اهل بیت عصمت درباره همه امامان مظلوم و شهدای اهل بیت علیهم السلام، دارای پاداش است؛ اما در این میان عزای امام حسین علیه السلام ویژگی چشمگیرتری، اثر گذاری و تحول آفرینی بالاتری دارد. در متون روایی شیعه از سوگواری ائمه علیهم السلام در سالروز شهادت یا وفات دیگر ائمه علیهم السلام گزارشی نیامده که امامی برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام یا حضرت علی علیه السلام سوگواری کرده و به سوگ نشسته باشند یا مجلسی بر گزار کرده باشند؛ اما همه آنها

۱- شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۲۵، باب ۱۶۲.

تا جایی که شرایط حکومتی اجازه می داد، برای امام حسین علیه السلام مجلس عزا بر پا کرده اند. از این رو، امامان بیشتری تأکید را درباره گریه و عزا و زیارت امام حسین علیه السلام داشته و آن را به گونه ای منحصر به فرد کرده اند. همچنین ثواب و پاداش ویژه ای برای آن منظور شده است. که درباره دیگر امور مستحبی این تأکید ویژه را نداریم.

امر به سوگواری امام حسین علیه السلام در سیره ائمه علیهم السلام به صورت ویژه آشکار شده است و چنان مورد تأکید، تشویق و ترغیب قرار گرفته که چنین اهمیتی را درباره دیگر موضوع ها و مناسبت ها نداریم. این تأکید نشانگر این است که این حادثه فراتر از مصیبت یا جریانی غم انگیز است و یادآوری غم بار فقدان عزیزان است.

شکل گیری برگزاری آئین عاشورایی به دوران زندگی معصومان علیهم السلام باز می گردد. پیشوایان دینی همواره بر این سنت تأکید کرده، آن را تشویق کرده اند. سیره عملی و گفتاری آنان نیز بر برپایی سوگواری امام حسین علیه السلام را یکی از راه های احیاء اهداف بلند نهضت حسینی شمرده است. آنان هم دیگران را به عزاداری سفارش می کردند. هم با توجه به فرصت های پیش آمده مجلس عزا به پا می کردند.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«خداوند شیعیان ما را مشمول رحمت خویش قرار دهد. به خدا قسم، شیعیان ما همان مومنین اند، آنان به خدا قسم! با حزن و حسرت طولانی خویش [در عزای ما] شریک و هم درد مصیبت های ما خاندانند»^(۱).

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۲۲؛ شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۲۱۷.

ص: ۸۲

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«کسی که متذکر مصایب ما شود و به جهت ستم هایی که بر ما وارد شده، گریه کند در روز قیامت با ما خواهد بود. مقام و درجه ما را خواهد داشت و کسی که مصیبت های ما را بیان کند و خود بگرید و دیگران را بگریاند، در روزی که همه چشم ها گریان است، چشم او نگیرد و هر کسی در مجلسی بنشیند که در آن مجلس، امر ما را زنده می کنند؛ روزی که قلب ها می میرند، قلب او نخواهد مرد».^(۱)

امام صادق علیه السلام در جای دیگری به فضیل می فرماید: «آیا مجالس عزا برپا می کنید و از اهل بیت و آنچه بر آنان گذشته است، صحبت می کنید؟» فضیل گفت: «آری قربانت گردم.» امام فرمود:

«این گونه مجالس را دوست دارم، پس امر ما را زنده گردانید که هر کس امر ما را زنده کند، مورد لطف و رحمت خدا قرار می گیرد».^(۲)

ائمه علیهم السلام خود عاملان این اندیشه بودند و در احیای نام و یاد امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا و اهداف بلندی آنان، از هیچ تلاشی دریغ نکردند.

سوگواری امام حسین علیه السلام بهترین، مهم ترین و کارآمدترین ابزار برای زنده نگهداشتن دین حق و برقراری پیوند مردم با رهبران الهی است. به طوری که هیچ جانشینی برای آن از نظر قدرت، گستردگی و کیفیت، وجود ندارد؛ چه بسا ثواب فراوانی که برای سوگواری در نظر گرفته شده، به دلیل همین نقش کلیدی و راهبردی عزاداری باشد و میزان ثواب به میزان اثر آن در رفتار فرد بستگی دارد.

۱- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۸؛ شیخ صدوق، امالی، ص ۷۳.

۲- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۸۲ و ص ۲۸۹؛ عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الاسناد، ص ۱۸.

ص: ۸۳

سوگواری به دلیل نوع سازندگی فردی و اثری که در نظم اجتماعی دارد، ارزش مستقل و ویژه ای دارد. بدین سان سوگواری سیدالشهداء سرمایه ای مذهبی است که باید به شکل شایسته و مطلوبی برای تحقق اهداف الهی و انسان سازی از آن استفاده کرد.

مرحله اول سوگواری

اشاره

مرحله اول سوگواری

زیر فصل ها

سوگواری امام حسین علیه السلام پس از شهادت:

سوگواری مردم مدینه

سوگواری امام حسین علیه السلام پس از شهادت:

سوگواری امام حسین علیه السلام پس از شهادت:

اولین سوگواری را بازماندگان که بیشتر همسران و فرزندان شهدا بودند، پس از واقعه عاشورا، عصر همان روز و پس از پایان یافتن نبرد، برگزار کردند. (۱)

سوگواری بعدی را زنان اهل بیت علیهم السلام فردای عاشورا پس از به آتش کشیدن خیمه ها به دست لشکریان عمر سعد، برگزار کردند؛ حضرت زینب علیها السلام بر سر اجساد مطهر شهیدان حاضر شد و به نوحه و مرثیه خوانی پرداخت، نوحه خوانی ای که دوست و دشمن را به گریه انداخت. (۲) نمونه ای از مرثیه خوانی حضرت زینب کبری علیها السلام این چنین است:

«یا مُحَمَّداه! صِلِی عَلَیْکَ مَلِیْکُ السَّمَاءِ، هَذَا حُسَیْنٌ مُرْمَلٌ بِالِدِّمَاءِ، مُقَطَّعُ الْأَعْضَاءِ، وَبَنَاتُکَ سَبَّابَا، اِلَی اللّٰهِ الْمُشْتَتِکِ وَ اِلَی عَلِی الْمُرْتَضِی وَ اِلَی فَاطِمَه الزَّهْرَا، وَ اِلَی حَمَزَه سَیْد الشَّهْدَاءِ، هَذَا حُسَیْنٌ بِالْعَرَاءِ تَسْفِی عَلَیْهِ الصَّبَا، قَتِیلُ اَوْلَآءِ الْاَدْعِیَاءِ، وَاحْزَنَاهُ! الْیَوْمَ مَاتَ جَدِّی رَسُوْل اللّٰهِ، یَا اَصْحَابَ مُحَمَّدَاه، هَذَا ذَرِیَّه الْمَصْطَفِی یَسَاقُوْنَ سَوْقَ السَّبَّابَا فَادَابَتِ الْقُلُوْبَ الْقَاسِیَه،

۱- سید بن طاووس، اللهوف، ص ۱۸۰.

۲- سید بن طاووس، اللهوف، صص ۱۸۰ ۱۸۴.

و هَدَّتِ الْجِبَالَ الرَّاسِيَةَ؛ ای محمد! که ملائک آسمان بر تو درود می فرستند، این حسین توست که در خون خود آغشته و اعضای پیکرش از هم جدا شده است. این دختران تو هستند که آنها را به اسارت می برند، به خدا، به علی مرتضی و به فاطمه زهرا و به حمزه سیدالشهداء، شکوه می کنیم... ای محمد! این حسین توست که بر روی خاک کربلا افتاده است و باد صبا بر روی پیکر بی جاننش خاک می پاشد. آنکه چه مصیبتی و چه غم جانکاهی است، امروز جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله درگذشت، ای اصحاب محمد! اینان فرزندان مصطفی هستند که به اسارت برده می شوند».

گام بعدی سوگواری پس از قتل، غارت و آتش زدن خیمه ها و راه انداختن کاروان اسیران توسط لشکر عمر سعد است که کاروان در راه، سوگواری می کرد.

با رسیدن کاروان اسرا به کوفه مردم بیرون آمدند، تماشا می کردند و می گریستند و نوحه سرایی می کردند. این وضع به گونه ای بود که مورد اعتراض امام زین العابدین علیه السلام قرار گرفت و فرمود:

«أَتَوْحُونَ وَ تَبْكُونَ مِّنْ أَجْلِنَا؟ فَمَنْ ذَا الَّذِي قَتَلَنَا؟» برای ما نوحه سرایی و زاری می کنید؟ پس چه کسی عزیزان ما را کشته است؟» (۱)

حضرت زینب علیها السلام نیز وقتی این وضع مردم کوفه را دید، فرمود:

«آیا گریه می کنید و شیون و زاری برپا کرده اید؟ آری! به خدا سوگند باید که بسیار گریه کنید و کمتر شاد شوید، زیرا دامن شما به ننگی آلوده شده است که هرگز نمی توانید آن را بشوید» (۲).

۱- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، تصحیح: سیدهاشم رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۲۶۳؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص

۱۰۸، سید بن طاووس، اللهوف، ترجمه: سید احمد فهری، ص ۲۰۶

۲- محمد بن محمد شیخ مفید، امالی، ص ۳۲۲، مجلس ۳۸.

ص: ۸۵

در شام نیز پس از حضور کاروان و حرکت افشاگرانه آنان، حکومت اجازه سوگواری داد. یزید دستور داد که زنان را به بخش زنانه ببرند و سه روز سوگواری کنند، هیچ زنی از آنان نماند، مگر این که برای حسین علیه السلام می گریست و نوحه سرایی می کرد. (۱)

سوگواری مردم مدینه

سوگواری مردم مدینه

«هنگام بازگشت اهل بیت به مدینه، کاروان آنها در نزدیکی شهر اقامت کوتاهی کرد. امام زین العابدین علیه السلام آنگاه متوجه بشیر بن حدلم شد و فرمود: ای بشیر! خدا پدرت را رحمت کند که شاعر بود آیا تو هم می توانی شعر بسرایی؟ بشیر عرض کرد: آری، ای پسر رسول خدا! من هم شاعرم.

فرمود: پس جلوتر از ما به مدینه برو و خبر کشته شدن حسین علیه السلام و ورود ما را اعلام کن.

سوار اسب شدم و تاختم تا وارد مدینه شدم، وقتی به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدم صدایم را بغض آلود کردم و چنین سرودم.

يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مَقَامَ لَكُمْ بِهَا قُتِلَ الْحُسَيْنُ فَأَذْمَعِي مِدْرَأُ

الْجِسْمُ مِنْهُ بِكَوْبَلَاءَ مُضْرَجٌ وَالرَّأْسُ مِنْهُ عَلَى الْقَنَاهِ تَدَارُ

ای مردم یثرب! این شهر، دیگر جای نشستن نیست حسین، کشته شد! مانند باران بگریید. تنش در کربلا گلگون افتاده، سرش بر تیرک ها چرخانده می شود.

آنگاه گفتم: این علی بن حسین است که با عمه ها و خواهرانش در

۱- محمد ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۴۸۹. (طبقه خامسه من الصحابه)

نزدیکی شما فرود آمده اند و در آستانه وارد شدن بر شما می‌نمایند و من فرستاده او هستم» (۱).

مردم مدینه یکپارچه به سوی کاروان امام روی آوردند. در حالی که زنان ناله و شیون می‌کردند، جمعیت به اندازه ای بود که بشیر نمی‌توانست خود را به آن حضرت برساند. آنگاه امام سجاد علیه السلام وقایع روز عاشورا را برای مردم شرح داد و شهر مدینه در سوگ امام حسین علیه السلام و یارانش عزادار شد. امام سجاد علیه السلام از جلوی خانه های شهیدان کربلا عبور می‌کرد و آنها را خالی می‌دید. نمی‌توانست جلوی احساسات خود را بگیرد و اشک همچنان از دیدگانش سرازیر می‌شد. (۲).

یعقوبی معتقد است که مردم مدینه را نخستین بار، ام سلمه وادار به سوگواری برای امام حسین علیه السلام کرد. طبق گفته او در اثر ناراحتی ام سلمه، چنان شیون و زاری از زنان مدینه برخاست که هرگز مانند آن شنیده نشد. (۳).

از روز عاشورا تا ورود کاروان بازماندگان به سرپرستی امام زین العابدین علیه السلام به شهر مدینه چندین محفل سوگواری برگزار شد که در منابع روایی و تاریخی انعکاس فراوانی داشته اند. آن مجالس عبارتند از:

۱. عصر روز عاشورا

۲. صبح روز یازدهم محرم

۳. هنگام ورود کاروان اسیران به کوفه

۱- بحارالانوار، ج ۴۵، صص ۱۴۷ و ۱۶۶.

۲- سید بن طاووس، اللهوف، ص ۸۸.

۳- یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۸۳.

ص: ۸۷

۴. سوگواری در کاخ یزید

۵. سوگواری مردم مدینه در استقبال از کاروان بازماندگان

امام زین العابدین علیه السلام در تمامی این مراحل حضور داشت که در برخی از این محافل خود حضرت نیز سوگواری می کردند و یا اینکه شاهد سوگواری همراهان بودند و سوگواری آن حضرت بیشتر به صورت گریه بود.

این چند محفل مرحله نخست سوگواری با حضور امام علیه السلام بود که می توان آن را عادی شمرد و معمولاً پس از هر مصیبتی سوگواری ای چنین رایج است. گرچه سوگواری های نخستین اهل بیت علیهم السلام تا هنگام کشته شدن قاتلان امام حسین علیه السلام متأثر از فرهنگ اجتماعی عرب و عرف آن زمان بود؛ اما اگر این سوگواری تناسب اندکی با آن فرهنگ داشته باشد، ابعاد آن حتی به لحاظ زمانی بسی متفاوت است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام داریم که فرمود:

«هیچ زنی از خاندان ما، موی خود را رنگ نمود و آرایش نکرد و سرمه به چشم نکشید و شانه به سر نزد، تا زمانی که سر عبیدالله بن زیاد آمد و ما همواره اشک ریختیم»^(۱).

پس از این مرحله، سوگواری امام حسین علیه السلام وارد مرحله دیگری می شود که این مصیبت را با دیگر رخدادهای و مصیبت ها و نمونه پیشین آن که سوگواری حمزه سیدالشهداء است، متمایز می کند. سوگواری امام حسین علیه السلام وارد مرحله نهادینه سازی و به عنوان آیین ویژه به منظور حفظ آرمان ها، اهداف متعالی اسلامی می شود.

مرحله دوم سوگواری: برگزاری مراسم سوگواری آیینی، مذهبی از سوی ائمه علیهم السلام

اشاره

مرحله دوم سوگواری: برگزاری مراسم سوگواری آیینی، مذهبی از سوی ائمه علیهم السلام

زیر فصل ها

دوره زمینه سازی

سوگواری امام حسین علیه السلام در دوره امام باقر علیه السلام

کمیت اسدی در خانه امام باقر علیه السلام

شیوه های ائمه علیهم السلام در سوگواری امام حسین علیه السلام

دوره زمینه سازی

دوره زمینه سازی

در این مرحله زمینه سازی لازم برای شکل گیری سنت سوگواری و آیین سوگواری انجام می شود و بستر مناسبی برای به وجود آمدن آیین مذهبی، پدید می آید. حادثه کربلا، افزون بر غم و اندوهی که در جامعه اسلامی بر جای نهاد به لحاظ عقیدتی و سیاسی نیز تحول شگفتنی به وجود آورد امام سجاد علیه السلام پس از شهادت امام حسین علیه السلام در چنین فضایی در مدینه ساکن شد. این دوره بی گمان سیاه ترین، خفقان آمیزترین و در عین حال تئبه آفرین ترین روزگار تاریخ شیعه است.

امام سجاد علیه السلام شاهد، ناظر و حاضر در صحنه کربلا بود. ایشان ابعاد فاجعه را با تمام وجود احساس کرده بود، تا آنجا که وقتی برای آن حضرت آب می آوردند، اشک از چشمان مبارکشان جاری می شد و می فرمود: چگونه آب بیاشامم در حالی که پسر پیامبر را تشنه کشتند. (۱)

گریه های امام سجاد علیه السلام به ویژه هنگام نگاه کردن به آب و غذا بسیار پرسش برانگیز بود، فراوانی و گستره گریه امام علیه السلام نیز چنان بود که مردم به ایشان سفارش کردند، برای حفظ سلامتی خود کمتر گریه کنند؛ اما امام علیه السلام با اشاره به عمق فاجعه روز عاشورا و جایگاه اجتماعی و مذهبی چهره هایی که به شهادت رسیده اند، از یک سو گریه کردن بر آن عزیزان را امری لازم می دانست و از سوی دیگر، دیگران را نیز به گریستن بر امام حسین علیه السلام و یاران شهیدش ترغیب می کرد و آن

ص: ۸۹

را مایه نجات از عذاب خدا و قرار گرفتن در دایره امن الهی و وارد شدن به بهشت می دانست. (۱) از این رو، خود تا پایان عمر از سوگواری پدر دست نکشید. (۲)

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده که آن حضرت فرمود:

«علی بن حسین علیه السلام پس از شهادت حسین بن علی علیه السلام تا آخرین لحظات زندگی بر مصیبت پدر گریه کرد. بخصوص هر گاه می خواست دست به سوی طعام برد یا آب بنوشد. تا جایی که یکی از یاران به او عرض کرد: یا بن رسول الله چقدر گریه می کنید؟ می ترسم جان خود را از دست بدهید. حضرت در پاسخ این آیه را خواند.

«قال إِنَّمَا أَشْكُوا بَثِّي وَخُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَ أَعْلَمَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ.» (۳) «همانا اندوه و غصه ام را تنها به خدا می گویم (شکایت نزد او می برم) و از خدا چیزهایی می دانم که شما نمی دانید. و می فرمود: من هیچگاه به یاد شهادت اولاد فاطمه نمی افتم مگر آنکه گریه راه گلویم را می بندد.» (۴)

در جایی دیگر آمده است که آن حضرت در پاسخ یکی دیگر از کسانی که به گریه های شدید ایشان اعتراض کرد، فرمودند:

«وای بر تو! یعقوب پیامبر دوازده فرزند داشت که خدا یکی را از چشم پدر دور کرد. یعقوب در فراق یوسف به قدری گریه کرد که دو چشمش نابینا و سفید شد و کمرش از غصه یوسف خمیده گشت. در حالی که فرزندش زنده و سالم بود، ولی من با دو چشمم دیدم که پدرم

۱- شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۸۳.

۲- جعفر بن محمد ابن نما حلی، مثيرالاحزان، ص ۱۱۵.

۳- یوسف: ۸۶.

۴- شیخ صدوق، امالی، مجلس ۲۹، ص ۱۴۱؛ کامل الزیارات، ص ۱۰۷، باب ۳۵، ح ۱؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۷.

و برادر و عموهایم و هفده تن از اهل بیت در کنارم کشته شدند، من چگونه می توانم گریه نکنم»^(۱).

فارغ از عمق فاجعه و ناراحتی شدید امام سجاد علیه السلام سوگواری آن بزرگوار هوشمندانه و به منظور روشنگری و افشای جنایات بنی امیه بود. آنچه در ابتدا برای اهل بیت علیهم السلام و امام سجاد علیه السلام به طور ویژه اهمیت داشت، این بود که وجدان های خفته را بیدار کنند و اندیشه های گرفتار از تبلیغات گسترده بنی امیه را رها سازند و این رسالت از همان روز عاشورا آغاز شد و در فرصت های پیش آمده، زمینه ها، علل و اهداف قیام امام حسین علیه السلام را برای مردم تبیین می کردند و بدین سان حرکت تبلیغی دشمن را برای بزرگ جلوه دادن پیروزی خود، به اقدامی ضد تبلیغی بدل کردند.

آنچه از سوگواری امام سجاد علیه السلام آشکار شد به صورت اشک، حالت حزن و اندوه و اهتمامی بود که آن حضرت در زنده ماندن یاد و خاطره شهدای عاشورا داشتند و رفتار ویژه دیگری که بتوان سبک خاص از سوگواری قلمداد کرد، از آن حضرت گزارش نشده است.

سوگواری امام حسین علیه السلام در دوره امام باقر علیه السلام

سوگواری امام حسین علیه السلام در دوره امام باقر علیه السلام

دوره امام باقر علیه السلام از جهاتی با عصر امام سجاد علیه السلام متفاوت است. از یک سو بیدارگری های امام سجاد علیه السلام و روشنگری یاران ایشان تا اندازه ای توانست فضای فکری و سیاسی جامعه را دگرگون کند. از سوی دیگر، رهایی عراق از سلطه امویان در یک دوره ده ساله پس از عاشورا زمینه را برای سوگواری ابا عبدالله علیه السلام، مهیا تر کرد. حضور پررنگ و حماسه

۱- کامل الزیارات، باب ۳۲، ص ۱۱۵.

توابع بر سر مزار امام حسین علیه السلام مصداقی از دگرگونی فکری در جامعه است. در این دوره قیام‌های چون قیام مردم مدینه به رهبری عبدالله حنظله، ابن زبیر، توابع و مختار رخ داد. گرچه این قیام‌ها در انگیزه، هدف و جهت‌گیری واحد نبودند و هر کدام هدف خاصی را پی‌ریزی کرده بودند، اما در برانگیختن و دگرگونی سطوح مختلف سیاسی و فکری جامعه بی‌تردید اثرگذار بودند.

با وجود این ویژگی و اینکه مختار قاتلان امام حسین علیه السلام را تا حدودی مجازات کرده بود و چندین سال نیز از شهادت امام حسین علیه السلام گذشته بود، باز هم امام باقر علیه السلام یادآوری فاجعه کربلا را به یک سو نهاد و به فراموشی نسپرد؛ بلکه چونان پدر بزرگوارش از هرگونه فرصتی برای بیداری جامعه اسلامی، چرایی و چگونگی حادثه کربلا، آیینی کردن سوگواری امام حسین علیه السلام و تبدیل آن به جریانی دینی و فکری استفاده نمود و اقداماتی انجام داد که سوگواری امام حسین علیه السلام را از محدوده خاندان بنی‌هاشم خارج ساخت و آن را به برنامه‌ای فراگیر، با گستره بیشتر تبدیل کرد.

امام باقر علیه السلام در توصیه‌ای به مالک جهمی می‌فرماید:

«در روز عاشورا برای امام حسین علیه السلام مجلس عزا بر پا نمایید و بر مصایب آن حضرت همراه با خانواده بگریید و ناراحتی خویش را ابراز و ضمن ملاقات با یکدیگر بر آن حضرت گریه کنید و یکدیگر را تعزیت دهید».^(۱)

شیخ حر عاملی روایتی را در وسائل الشیعه نقل می‌کند:

«امام باقر علیه السلام در روز عاشورا - به تمامی اهل خانه که از آنها تقیه

ص: ۹۲

نمی‌کرد- می‌فرمود: بر امام حسین علیه السلام، گریه کنند و در خانه مجلس عزا برپا کرده و اظهار جزع کنند.» (۱) یعنی بی‌تابی خود را آشکار کرده و نشان دهند و همدیگر را تعزیت دهند. (۲)

کمیت اسدی در خانه امام باقر علیه السلام

کمیت اسدی در خانه امام باقر علیه السلام

کمیت اسدی شاعر بزرگ شیعی، هنگامی که به مدینه وارد شد، خدمت امام باقر علیه السلام رسید اجازه خواست، شعرهایی را بخواند. امام فرمود: ای کمیت ایام البیض است [و شعر خوانی در آن، روا نیست] گفتم: اشعار درباره شماست. فرمود «بخوان» و من خواندم:

أَضْحَكُنِي الدَّهْرُ وَأَبْكَانِي وَالدَّهْرُ ذُو صَرْفٍ وَأَلْوَانٍ

لِشَعْبِهِ بِالطَّفِّ قَدْ غَوِدِرُوا صَارُوا جَمِيعًا رَهْنًا أَكْفَانٍ

فَبَكِي وَبَكِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ سَمِعْتُ جَارِيَةَ تَبْكِي مِنْ وَرَاءِ الْحِجَابِ فَلَمَّا بَلَغْتُ إِلَيَّ قَوْلِي

وَ سِتَّةٌ لَا يَتَجَاوَزِي بِهِمْ بَنُو عَقِيلٍ خَيْرٌ فُؤَادٍ

ثُمَّ عَلَيَّ الْخَيْرِ مَوْلَاهُمْ ذِكْرُهُمْ هَيَّجَ أَحْزَانِي

روزگار گاهی مرا به خنده و گاهی به گریه؛ روزگار پیوسته در حال دگرگونی است. برای نه نفر که در کربلا (پس از قتل) رها شدند و همه در کفن به ودیعت گذاشته شدند.

در این هنگام آن حضرت به همراه فرزندش امام صادق علیه السلام گریست و صدای گریه اهل خانه نیز از پشت پرده به گوش رسید. کمیت می‌گوید چون به این بیت رسیدم: شش نفر فرزندان عقیل که بهترین

۱- شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴ ص ۵۰۹.

۲- شیخ طوسی، مصباح المتعجد، ص ۷۷۲.

ص: ۹۳

سوارکاران بودند، همسانی نداشتند. پسران عقیل، بهترین جوانان؛ و آن گاه علی، خوب و مولای شما؛ که یادشان اندوه هیم را بر می‌انگیزاند.

امام باقر علیه السلام گریست و فرمود:

«اگر کسی (خاندان) ما را یاد کند یا نزد او خاندان ما را یاد کنند و از چشم او اشک جاری شود، کم باشد، خداوند متعال در بهشت خانه‌ای برای او بنا می‌کند و این اشک را میان او و آتش حایل قرار می‌دهد».

آنگاه دست مرا گرفت و به درگاه الهی عرضه داشت: «خداوندا! گناهان گذشته و آینده کمیت را بیامرزد». (۱)

کمیت اسدی در سفری که به مدینه داشت، خدمت ابوجعفر امام باقر علیه السلام رسید و ایشان شبانه به او اجازه وارد شدن داد. وقتی او در قصیده اش به این جا رسید که «قتیل بالطفِّ عَوْدِرَ مِنْهُمْ...» و کشته شدن آن کشته در طف، نیرنگی از جانب آنان بود... امام باقر علیه السلام گریه زیادی کردند و فرمودند:

«ای کمیت! اگر نزد ما مالی بود، به تو می‌دادیم، اما پاداش تو همان دعایی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به حسان بن ثابت فرمودند که: همواره به روح القدس تأیید شده‌ای، تا زمانی که از ما اهل بیت دفاع کنی». (۲)

البته نباید از این نکته غافل بود که شرایط دوران امام باقر علیه السلام به گونه‌ای بود که محافل عزا بسیار سخت و دشوار برگزار می‌شد؛ زیرا حکومت بنی‌امیه روشی اتخاذ کرده بود که از هر نوع حرکت و برنامه‌ای

۱- بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۹۰؛ عبدالحسین امینی، الغدیر فی الکتاب و اللغه والادب، ج ۲، ص ۲۰۲.

۲- محمد محمدی ری شهری، دانشنامه امام حسین علیه السلام، ج ۱۰، ص ۹۸، به نقل از: ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۴۲؛ شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۷، صص ۸۳ ۸۴.

که در راستای بیداری امت اسلام و افشاگری چهره ستمگران اموی باشد، جلوگیری شود؛ از این رو، مجالس عزاداری بیشتر به صورت محدود و با حضور افراد خاصی از یاران مخفیانه برگزار می شد از این رو، امام باقر علیه السلام اقداماتی چند را به منظور زنده نگهداشتن نهضت عاشورا توصیه و سفارش کردند:

۱. تشکیل محافل عزا در خانه ها. (۱)

۲. توجه به ادبیات و شعر در جاودانه سازی جریان کربلا. (۲)

۳. تعطیلی کارهای عادی در روز عاشورا و تأکید بر اینکه سوگواری سیدالشهداء در دنیا به دین آنها یاری می رساند و در روز قیامت آنها را با امام حسین علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله هم جوار می گرداند. (۳)

دوره امام صادق علیه السلام

در اواخر دوره زعامت امام محمد باقر علیه السلام و ابتدای دوره امام صادق علیه السلام به دلیل درگیری های سیاسی امویان و عباسیان، اندک فرصتی برای برگزاری شعائر دینی و اظهار عقاید دینی پدید آمد. امامان بزرگوار این دوره، عزم وافر به برگزاری شعائر دینی از جمله برنامه سوگواری سیدالشهداء داشتند به گونه ای که بیشترین سفارش ها، تأکیدها و دستورها درباره اقامه عزای سیدالشهداء در بزرگداشت روز عاشورا از سوی امام باقر علیه السلام و به ویژه امام صادق علیه السلام است.

هنگامی که امام صادق علیه السلام امامت شیعیان را به عهده گرفت، نیم

۱- رجال کشی، ص ۴۶۶.

۲- شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۱۱۰؛ کامل الزیارات، ص ۲۱۰، ح ۳۰۰.

۳- کامل الزیارات، ص ۳۲۶؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۴۲، رجال کشی، ص ۴۶۶.

ص: ۹۵

قرن از حادثه کربلا گذشته بود و جامعه نیز دگرگونی های بسیار گسترده ای یافته بود. امام صادق علیه السلام از این فرصت نهایت بهره را برد و در تبیین ابعاد دین اسلام کوشید. واقعه عاشورا نیز در گفتار و سیره عملی آن حضرت از جایگاه ویژه ای برخوردار بود. به طوری که در منابع روایی و تاریخی ما محورهای برخی اقدامات آن حضرت عبارتند از:

توصیه به گریستن و گریاندن دیگران در مصیبت امام حسین علیه السلام؛

توصیه به یادآوری مصیبت های آن حضرت در مواقع مختلف به ویژه موقع نوشیدن آب؛

ترغیب به تشکیل مجالس سوگواری؛

تشویق شاعران به بهره گیری از هنر شعر در تبیین ابعاد حرکت امام حسین علیه السلام؛

دعوت از مرثیه سرایان برای خواندن سرودهای خود در حضور امام علیه السلام؛

پیشوای ششم شیعیان درباره عاشورا آموزه ها و رهنمودهایی دارد که تأمل برانگیز است، از آن جمله اینکه روز عاشورا باید در یادها بماند و مصیبت این روز، مهم تلقی شود و در بزرگداشت آن تلاش شود. و نیز سفارش می فرمود که در روز عاشورا به عزا بنشینند و آنان که برای شان ممکن است، سر مزار آن حضرت حضور یابند. (۱)

چون روز عاشورا می شد، امام صادق علیه السلام اندوهناک می گشت و بر جد بزگوارش می گریست و مردم از هر سو به خدمت ایشان آمده و با او

۱- کامل الزیارت، ص ۳۲۶، ح ۵۵۶؛ شیخ طوسی، مصباح المتعجد، ص ۷۷۲.

ص: ۹۶

هم ناله می شدند و به آن حضرت تعزیت می دادند و چون از گریه فارغ می گشتند، حضرت می فرمود:

«ای مردم بدانید که حسین علیه السلام در نزد پروردگار خود زنده و در تنعم است و پیوسته به عزاداران خود توجه می کند و...» (۱).

عبدالله سنان می گوید: «در روز عاشورا بر امام جعفر صادق علیه السلام وارد شدم در حالی که جمع زیادی در محضر ایشان بودند و ایشان چهره ای اندوهناک و غمگین و چشمانی اشک آلود داشتند؛ عرض کردم: «یابن رسول الله سبب گریه شما چیست؟ خداوند دیدگان شما را نگریند»، فرمود:

«آیا تو در بی خبری به سر میبری؟ مگر نمی دانی در چنین روزی حسین علیه السلام به شهادت رسید.»

گریه به او مهلت نداد تا سخن بیشتری بگوید و همه حاضران به گریه افتادند. (۲)

معاویه بن وهب یکی از یاران امام صادق علیه السلام است می گوید: «روز عاشورا خدمت حضرت رسیدم و ایشان را در محراب عبادت و سجده یافتم، انتظار کشیدم تا عبادت ایشان پایان یابد، سجده امام طولانی بود. در حال سجده گریه می کرد و با پروردگار خویش مناجات می کرد و برای خود و برادران و زائران امام حسین علیه السلام طلب آمرزش می کرد. آنگاه به من فرمود: ای پسر وهب! حسین را از راه دور و نزدیک زیارت کن، اندوه و حزن خود را تجدید و زیاد گریه کن. آنگاه خود امام علیه السلام بسیار گریستند به گونه ای که قطرات اشک محاسن مبارکشان را فرا گرفت. آن

۱- کامل الزیارت، باب ۳۲، ص ۱۱۲.

۲- شیخ صدوق، امالی، مجلس ۲۷.

ص: ۹۷

روز را تا پایان اندوهناک بود. من نیز همراه آن حضرت گریستم و بر اندوه ایشان اندوهناک بودم». (۱)

هارون بن خارجه یکی دیگر از یاران حضرت امام صادق علیه السلام می گوید:

در خدمت امام صادق علیه السلام بودیم که از امام حسین علیه السلام یاد کرد. ایشان گریست و ما هم گریه کردیم. امام علیه السلام سرش را بلند کرد و فرمود: حسین فرمود: من کشته اشکم و هیچ مؤمنی مرا یاد نمی کند مگر اینکه می گرید. (۲)

امام صادق علیه السلام از فضیل پرسیدند: «آیا دور هم می نشینید و سخن ما را می گوئید؟» گفتم: «آری».

فرمودند: «اینگونه مجالس را دوست دارم، پس امر (امامت) ما را زنده بدارید، خدا رحمت کند کسی را که امر و راه ما را احیا کند». (۳)

زید شحام می گوید: «به همراه عده ای از اهل کوفه خدمت امام صادق علیه السلام بودیم، جعفر بن عفان وارد شد. آن حضرت او را احترام نمود و در نزدیک خود نشاند، آنگاه فرمود:

به من گفته اند که اشعار نیکی درباره حسین بن علی سروده ای؟ عرض کرد: آری. حضرت فرمود: اشعار خود را بخوان. جعفر عفان شعر می خواند امام و اطرافیان می گریستند به گونه ای که قطرات اشک روی صورت و محاسن آن حضرت جاری بود. سپس امام فرمود:

ای جعفر! فرشتگان الهی حضور دارند و صدای تو را شنیدند و

۱- سید صالح شهرستانی، تاریخ النیاحه علی الحسین، ص ۱۲۷.

۲- کامل الزیارات، ص ۲۱۶، ح ۳۱۳.

۳- شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۰؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۱۸۷.

ص: ۹۸

چنان که ما گریه کردیم، آنها نیز گریستند؛ بلکه بیشتر از آن، خداوند در این ساعت برای تو بهشت را واجب کرده و تو را ببخشد. (۱)

ابوعماره می گوید:

هرگز نمی شد که نام حسین علیه السلام نزد امام صادق علیه السلام برده شود و آن حضرت تا شب خنده کند و می فرمود:

«الْحُسَيْنُ عَبْرَةٌ كُلُّ مُؤْمِنٍ؛ حسین علیه السلام سبب ریزش اشک هر مؤمنی است». (۲)

عبدالله بن حماد در حدیثی طولانی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرمود: «به من خبر رسیده است که جمعیتی از اطراف کوفه و جاهای دیگر از زن و مرد در نیمه شعبان به زیارت حسین بن علی علیه السلام می آیند و سخن ها و داستان ها و ندبه ها و سوگواری و مرثیه خوانی دارند» او گفت: «آری چنین است، خود من نیز برخی از این صحنه ها را دیده ام»، حضرت فرمود:

«سپاس خدایی را که در میان مردم، کسانی را قرار داده است که به سوی ما می آیند و ما را می ستایند و برای ما مرثیه می سرایند، و خداوند کسانی را دشمن ما قرار داده که بر آنان طعنه زده، ملامت می کنند و تهدیدشان کرده و کارشان را تزیین می کنند». (۳)

ابوهارون مکفوف یکی دیگر از یاران امام صادق علیه السلام گفته است: «خدمت حضرت شرفیاب شدم حضرت فرمود: ابوهارون برایم شعر بخوان، پس اشعاری را خواندم، ایشان گریه کرد و فرمود:

نه، همان گونه که خودتان می خوانید بخوان. مراد ایشان با دقت و

۱- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲.

۲- کامل الزیارات، ص ۱۰۸.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۹۹.

ص: ۹۹

حزن بود؛ پس خواندم ایشان می گریست، سپس فرمود: بیشتر بخوان، قصیده ای دیگر خواندم. حضرت گریه می کرد و صدای گریه [زنان] را هم از پشت پرده می شنیدم، در پایان امام فرمود:

ای ابا هارون کسی که درباره حسین علیه السلام شعر بخواند و گریه کند و ده نفر را بگریاند بهشت بر او واجب می شود» (۱).

پیشوای هفتم شیعیان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در سخنی می فرمایند:

«چون ماه محرم فرا می رسید پدرم خندان نبود؛ بلکه اندوه از چهره اش نمایان می شد و اشک بر گونه اش جاری بود، تا آن که روز دهم محرم فرا می رسید. در این روز مصیبت و اندوه امام به نهایت می رسید، پیوسته می گریست و می فرمود: امروز روزی است که جدم حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسید».

همان گونه که گفته شد امام صادق علیه السلام توجه ویژه به عاشورا داشتند و تلاش زیادی برای زنده نگهداشتن نهضت امام حسین علیه السلام و پویایی آن می کردند. افزون بر سیره عملی، آن حضرت در سخنان خود نیز بر گرامیداشت حادثه کربلا تأکید فراوانی می کردند. در گزارشی آمده است: «مِسمَع بن کَرْدِین بصری در گفت و گویی با آن حضرت بیان می کند که به دلیل وجود جاسوسان بنی امیه نمی تواند در کربلا حاضر شود حضرت به او فرمود: آیا در [خانه ات] مصیبت حسین علیه السلام را به یاد می آوری؟

گفتم: آری، حضرت فرمود: ناراحت می شوی؟ گفتم: آری به خدا

ص: ۱۰۰

سوگند، طوری که خانواده ام اثر غم و اندوه را در من مشاهده می کنند و از خوردن امتناع می کنم، به طوری که آثار حزن در من ظاهر می شود.

حضرت فرمود: خدا اشک چشم تو را رحمت کند. آگاه باش که از کسانی به حساب می آیی که در شادی ما شاد می شوند و در غم و عزای ما غمگین [هستند]». (۱)

در این گفت و گو نکته ای هست که امروزه ما کمتر به آن توجه داریم و کمتر در سوگواری های هایمان رد پای از آن، می بینیم و آن امتناع شونده روضه از خوردن غذا بر اثر مصیبت است. به گونه ای که بر روح و جان او اثر گذاشته است. از این رو، نه تنها از طعام لذت نمی برد؛ بلکه میل و اشتها به خوردن ندارد و این نخوردن به گونه ای است که اثر آن در چهره او نمایان می شود. غذا نخوردن نباید به دلیل بی میلی به غذا باشد؛ بلکه از تأثیر مصیبت و سوگواری واقعی و حقیقی است که به طور معمول چنین حالتی در هنگام مصیبت، به افراد دست می دهد و میل به غذا خوردن ندارند.

سوگواری امام کاظم علیه السلام

امام هشتم، حضرت رضا علیه السلام حالات و رفتار پدر را در آستانه ماه محرم چنین توصیف می کند: «روش همیشگی پدرم این بود که هر گاه محرم می رسید، پیوسته اندوهناک بود و خنده ای در چهره نداشت تا دهه عاشورا سپری شود. روز عاشورا هم روز گریه و سوگواری و مصیبت

۱- کامل الزیارات، ح ۷، ص ۹۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۸؛ حسینی موسوی، محمد بن ابی طالب، تسلیه المجالس و زینه المجالس، ج ۱، ص ۶۳.

ص: ۱۰۱

او بود و می گفت: این همان روزی است که حسین علیه السلام در آن کشته شد.^(۱)

آنچه از رفتار امام هفتم علیه السلام با توجه به شرایط حاکم بر جامعه و شرایط خاصی که برای حضرت ایجاد شده بود، می توان دریافت آن است که ایشان با توجه به همین روایت، سوگواری دهه اول محرم را پایه گذاری کرد. امام علیه السلام با اتخاذ این رویکرد به مؤمنان این نکته را گوشزد کردند که باید به استقبال روز عاشورا بروند و از چند روز قبل بدان توجه کنند تا روز عاشورا که در سوگواری به اوج خود برسند. امام کاظم علیه السلام چونان سلف صالح خود، مرثیه سرایان را نیز به سرودن مرثیه درباره این واقعه تشویق می کردند.^(۲)

گفتنی است، به دلیل گسترش فشار و خفقان حکومت عباسی بر جامعه، عرصه بر آن حضرت تنگ شده بود و ایشان بخش زیادی از دوره امامت خود را در زندان به سر می برد؛ بنابراین طبیعی است که سفارش های آن حضرت درباره سوگواری امام حسین علیه السلام به گستردگی آموزه های امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نباشد.

امام رضا علیه السلام و سوگواری امام حسین علیه السلام

امام رضا علیه السلام در سخنانی می فرماید: محرم ماهی بود که مردم در زمان جاهلیت جنگ را در آن حرام می دانستند، اما این امت خطاکار احترام این ماه را نگه نداشتند و خون ما را حلال و حرمت ما را ضایع و اهل بیت ما را اسیر کردند. خیمه های اهل بیت را سوزانده و اموال آنان را

۱- شیخ صدوق، امالی، ص ۱۹۱.

۲- ۱۸. ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۳۱۹.

ص: ۱۰۲

به غارت بردند و هیچ حرمتی از برای رسول خدا در حق ما لحاظ نکردند. روز قتل امام حسین علیه السلام چشم های ما را مجروح و اشک ما را جاری و عزیزان ما را ذلیل گردانیدند. پس گریه کنندگان بر مثل حسین علیه السلام، باید بگریند؛ زیرا گریستن بر او گناهان بزرگ را محو می کند» (۱).

مرور این گزارش عمق فاجعه کربلا- را به خوبی ترسیم می کند و بر سوگواری آن حضرت تأکید دارد و از ظلمی که در حق خاندان نبوت رفته، پرده برمی دارد.

ریان بن شیب می گوید:

«روز اول ماه محرم بر ابوالحسن الرضا علیه السلام وارد شدم. حضرت به من فرمود: ای پسر شیب اگر بر حسین بگریی، چندان که اشک بر گونه هایت جاری شود، خدای متعال هر گناهی که کرده ای بیامرزد؛ سپس فرمود: اگر می خواهی در درجات بهشت با ما باشی در اندوه ما اندوهناک باش و در خوشحالی ما شادمان» (۲).

دعبل خزاعی، شاعر معروف اهل بیت می گوید: روزی خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. در حالی که یاران آن حضرت پیرامون او نشسته بودند و حزن و اندوه از چهره آن حضرت پیدا بود. با ورود من فرمود: خوشا به حالت ای دعبل که ما را به وسیله دست و زبان خود یاری می نمایی! آنگاه مرا احترام کرد و نزدیک خود جای داد و فرمود:

دوست دارم شعری بگویی، این روزها، روز حزن و اندوه اهل بیت علیهم السلام و روز شادی دشمنان ما به ویژه بنی امیه بوده است. ای دعبل!

۱- شیخ صدوق، امالی، مجلس ۲۷، ص ۱۲۸؛ شیخ فریدالدین طریحی، المنتخب، ج ۲، ص ۴۸۳.

۲- امالی، مجلس ۲۷، ص ۱۲۸؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۹.

ص: ۱۰۳

کسی که بگریید و بگریاند بر مصیبت ما و آنچه را که دشمنان بر ما وارد کرده اند، حق تعالی او را در زمره ما محشور گرداند. ای دعبل! کسی که در مصیبت جدم امام حسین علیه السلام بگریید، البته خداوند گناهان او را بیامرزد. سپس برخاستند و پرده ای میان ما و اهل منزل زدند و آنان را پشت پرده نشانید تا در مصیبت جد خود بگریند سپس به من فرمود:

ای دعبل! مرثیه بخوان برای حسین علیه السلام، که تو تا زنده ای یاری کننده و مداح ما هستی، با این کار به ما کمک کن و در این باره کوتاهی مکن»^(۱).

دعبل می گوید: «اشک از چشمان من جاری شد و شروع کردم به خواندن این اشعار:

أَفَاطِمُ لَوْ خَلَّتِ الْحُسَيْنَ مُجَدَّلًا وَقَدَمَاتٍ عَطَشَانًا بَشَطِ فُرَاتٍ

إِذَا لَلَطَمَتِ الْخَدَّ فَاطِمٌ عِنْدَهُ وَأَجْرِيَتْ مَعَ الْعَيْنِ فِي الْوَجَنَاتِ

آه، ای فاطمه! اگر حسین را می دیدی که چه سان افتاده و در کنار فرات، تشنه کام، کشته شده است. بی تردید، در کنار پیکرش، بر سر و صورت می زدی و بر چهره ات اشک جاری می کردی.

و در بخش دیگر از این قصیده می گوید:

أَفَاطِمُ قَوْمِي يَا ابْنَةَ الْخَيْرِ فَأَنْدَبِي نُجُومَ سَمَاوَاتٍ بِأَرْضِ فَلَاهِ^(۲)

ای فاطمه! ای دختر خوبی ها! به گریه و ناله بخوان در مرگ ستارگان آسمان که در سرزمین خشک فرو افتاده اند.

افزون بر تشکیل این محافل، امام رضا علیه السلام در فرصت های مختلف

۱- ابن قولویه، کامل الزیارات، باب ۳۲، ص ۱۱۲؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۵۷.

۲- ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۲، ص ۱۴۸؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۵۷.

ص: ۱۰۴

برای زنده کردن یاد عاشورا در ذهن و باور مردم می‌کوشید و در فرصت اواخر عمر که فضای سیاسی برای فعالیت ایشان بازتر شده بود، اهتمام بیشتری به سوگواری امام حسین علیه السلام داشت، به ترویج آن همت می‌گماشت و به جرئت می‌توان گفت، در دوران امام رضا علیه السلام ساختار کلی سوگواری سید الشهداء علیه السلام مشخص شد؛ چنان که از پیش امام باقر علیه السلام با تعطیلی فعالیت‌های کسب و کار تا اندازه‌ای آن را نمایان کرده بودند. بر این اساس، دیگر ائمه علیهم السلام پس از امام رضا علیه السلام فراخور شرایط حاکم به سوگواری امام حسین علیه السلام می‌پرداختند.

دوره امام جواد علیه السلام

دوره امامت امام جواد علیه السلام با خلافت مأمون و معتصم هم‌زمان بود. دوران زندگی آن حضرت بسیار کوتاه بود. ارتباط با شیعیان با تشکیلات و کالت چشمگیر بود. به راستی می‌توان مدعی شد، شیعیان با توجه به تربیتی که از محضر امامان یافته بودند، سوگواری امام حسین علیه السلام را جدی گرفته، در محافل خصوصی خود نیز برگزار می‌کردند؛ اما شرایط حاکم و اختناق که از سوی حاکمان جور وجود داشت، مانع از انعکاس این محافل در منابع تاریخی شده است.

با توجه به نهادینه شدن سازمان و کالت و ارتباط امام با نمایندگان و دانشمندان، نیازهای معنوی و هدایتی با این شبکه به مردم می‌رسید. از این رو، روشن است که موضوعاتی چون سوگواری امام حسین علیه السلام انعکاس مناسبی در منابع پیدا نمی‌کند؛ زیرا فلسفه وجود تشکیلاتی چون سازمان و کالت با توجه به خفقان حاکم، بر پنهان‌کاری است و راهکاری برای برون‌رفت از چنین شرایطی است.

ص: ۱۰۵

دوره امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام

دوره امامت امام هادی علیه السلام با یکی از دشوارترین دوره های حیات تاریخ شیعه همزمان بود؛ آن حضرت ۲۱ سال از دوران امامت خود را به اجبار در سامرا گذراند که پادگان نظامی بزرگی بود. در دوره امامت آن حضرت متوکل به تعقیب و آزار شیعیان پرداخت و در سال ۲۳۶ دستور داد تا مرقد امام حسین علیه السلام و خانه های اطراف آن را ویران کنند و شخم بزنند.

ابوالفرج اصفهانی می گوید:

«متوکل نسبت به خاندان ابوطالب بسیار سخت گیر بود و به شدت مراقب رفتار و اعمال علویان بود. بغض و کینه فراوانی از آنان در سینه داشت و بر این اساس تهمت های ناروایی به آنان نسبت می داد. سخت گیری متوکل به جایی رسید که هیچ یک از خلفای پیش به اندازه وی تندروی نکرده بودند. وی پس از تخریب مرقد امام حسین علیه السلام به نحوی که هیچ آثاری از آن باقی نماند دستور داد، پایگاه هایی در مسیر قبر آن حضرت بسازند تا هر کسی را که به زیارت آن حضرت می رود دستگیر و مجازات نمایند.»^(۱) این کینه تیزی تا بدان اندازه بود که اگر کسانی مخفیانه به زیارت آنجا می رفتند، محکوم به مرگ یا زندان طولانی مدت می شدند.^(۲) به راستی متوکل با این کار بر آن بود تا یاد و خاطره امام حسین علیه السلام و قیام او را- که همواره الگوی مناسب نهضت های شیعی بود- از ذهن و یاد پاک کند.^(۳)

۱- ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۳۹۵ (ذکر ایام المتوکل جعفر بن محمد المعتصم).

۲- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۷؛ ص ۵۵.

۳- ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۳۹۶.

اما این شرایط دیری نپایید و در سال ۲۴۸، زمام حکومت به دست منتصر عباسی افتاد. او بر خلاف متوکل زیارت امام حسین علیه السلام را آزاد کرد و دستور داد تا مرقد شریف آن حضرت را باز سازی کنند.^(۱)

در هر صورت، گزارش ابوالفرج اصفهانی یک واقعیت را روشن می کند که یاد، خاطره و نام امام حسین علیه السلام در جامعه زنده است و مطالبه ای است که از سوی پیروان آن حضرت مطرح می شود و حکومت ها با توجه به ویژگی های فردی که خلافت را در دست دارد، در این حوزه سیاست های را اعمال می کنند، اما سیاست کلی حکومت های بنی امیه و بنی عباس بر سخت گیری و ممانعت از برگزاری این نوع محافل و مجالس بود.

با توجه به کنترل شدید امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام توسط خلفای عباسی در این دوره گزارش خاصی از سیره ایشان منعکس نشده است.

شيوه های ائمه عليهم السلام در سوگواری امام حسين عليه السلام

شيوه های ائمه عليهم السلام در سوگواری امام حسين عليه السلام

آنچه گذشت، نگاهی گذرا به سیره امامان پس از قیام امام حسین علیه السلام بود که به اقامه سوگواری بر امام حسین علیه السلام اهتمام و تأکید داشتند و در روایات زیادی نیز منعکس شده است. دیگری بزرگداشت روز عاشورا و برپایی عزا در آن روز است و تا جایی که شرایط اجازه می داد ائمه عليهم السلام در برپایی، ترغیب و تأکید بر سوگواری امام حسین علیه السلام کوشا بودند. موارد ذیل را می توان به عنوان محورهای مهم سوگواری آنان بر شمرد.

۱- ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۲۱۱.

ص: ۱۰۷

۱. بیان فضایل و مصیبت های اهل بیت علیهم السلام

یکی از بهترین نوع سوگواری ذکر فضیلت ها و مصیبت های اهل بیت و بیان معارف مکتب اسلام است که پیشوایان علاوه بر برگزاری آنها بر انجام این گونه سوگواری ها سفارش می کردند. امام صادق علیه السلام در گفت و گو به فضیل بن سيار فرمود:

«آیا شما در مجالس مرثیه سرایی می نشینید و حدیث می کنید؟ گفتم بلی، حضرت فرمود: بدانید که من این مجالس را دوست دارم، پس امر مرا زنده کنید، خداوند رحمت کند کسی را که امر ما را زنده کند».(۱)

۲. گریه کردن

گریستن بر مصیبت های امام حسین علیه السلام گرامی داشته شده است و نباید در آن کوتاهی کرد؛ گر چه با جاری شدن اندکی اشک باشد.(۲)

در پاره ای از روایات برای حالت گریه داشتن (تباکی) نیز پاداش در نظر گرفته شده است.(۳) در دستوری از امام باقر علیه السلام خطاب به شیعیان آمده است:

«بر حسین، گریه کنید و به اهل خانه، به آنان که پروا و تقیه ای از آنان نیست، دستور داده شود که بر حسین بگریند. در خانه ها مراسم گریه و سوگواری، ناله سر دادن در غم حسین باشد، اهل خانه و شیعیان به یکدیگر تعزیت و تسلیت گویند. اگر چنین کنند من از سوی خدا برای آنان ضامن پاداش حج و عمره و جهاد می شوم».(۴)

۱- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲.

۲- شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۱۰۹، ح ۱.

۳- کامل الزیارات، باب ۴۲، ص ۱۰۶.

۴- کامل الزیارات، باب ۷۱، ص ۱۷۵.

ص: ۱۰۸

۳. مرثیه سرایی و مرثیه خوانی

یکی از شیوه‌هایی که به لحاظ اندازه در میان روش‌های سوگواری ائمه عليهم السلام سهم بیشتری را به خود اختصاص داده، مرثیه و شعر خوانی است. آنان از شعرا دعوت می‌کردند و مجلس سوگواری تشکیل می‌دادند که در این باره روایات بسیاری به ما رسیده است.

از امام صادق علیه السلام روایت شده: «هر کسی درباره حسین علیه السلام شعری بخواند و بگیرد و ده نفر را بگیراند، بهشت برای آنان حتمی خواهد بود».^(۱)

باز در جای دیگر آمده است: «کسی نیست درباره حسین علیه السلام شعری بگوید و بگیرد و بدان بگیراند، مگر این که خداوند بهشت را برایش واجب می‌کند و گنااهش را می‌آمرزد».^(۲)

بدیهی است که هر شعری چنین اهمیتی ندارد؛ بلکه شعر باید منتقل‌کننده فرهنگ ائمه عليهم السلام به مردم و ابزاری برای دفاع از ولایت و احیای امامت باشد. «مرثیه باید آمیخته به حزن و غم انگیز باشد».^(۳)

شاعران، در تبیین مصیبت‌های آن حضرت بکوشند و مؤمنان را بگیرانند.^(۴)

گفتنی است محتوای مرثیه‌ها و شعرهایی که در حضور اهل بیت عليهم السلام خوانده شد عبارت بودند:

۱. بیان فضایل و مناقب اهل بیت عليهم السلام

۲. ذکر مصیبت‌ها و ستم‌هایی که بر اهل بیت عليهم السلام رفته است با محوریت واقعه کربلا.

۳. اشاره به ستمگران و رسوا کردن آنان.

۱- کامل الزیارات، ص ۱۱۰، ح ۳؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۹، ح ۲۹.

۲- رجال کشی، ج ۲، ص ۷۵۴، ح ۵۰۸؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲، ح ۱۶.

۳- رجال کشی، ج ۲، ص ۵۷۴.

۴- شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۱۱۰؛ کامل الزیارات، ص ۲۱۰.

ص: ۱۰۹

۴. مراسم عزای خانگی

برگزاری مراسم سوگواری در خانه ها نیز از سنت و سیره امامان شیعه است. امام محمد باقر علیه السلام نسبت به کسانی که در روز عاشورا نمی توانند به زیارت آن حضرت بروند، این گونه راهکار ارائه دادند و فرمودند: «بر امام حسین علیه السلام گریه و مراسم سوگواری برپا کنند و یکدیگر را با گریه و تعزیت و تسلیت گویی در سوگ حسین علیه السلام در خانه هایشان ملاقات کنند».

۵. پرهیز از کام جویی و لذت

از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت شده است: «در این روز [عاشورا] از کام جویی و لذت خودداری شود و مراسم عزای برپا گردد و از خوردن و آشامیدن تا زوال خورشید خودداری شود و بعد از آن غذایی به مقدار غذای فرد مصیبت دیده، مانند شیر خورده شود و از غذا و نوشیدنی گوارا و لذیذ استفاده نشود».^(۱)

ادب سوگواری چنین است که در روز عاشورا از خوردن غذا و آب تا عصر پرهیز شود و پس از عصر غذاهای ساده بخورند.

۶. تسلیت گفتن به یکدیگر

تسلیت گویی ها و برنامه های سوگواری خانگی و سوگواری برای شهید کربلا، علاوه بر ریشه دارتر کردن باورهای ظلم ستیزانه و حمایت از مظلوم، صدای اعتراضی علیه دشمنان حق و ستمگران است. کانون های سوگواری به مکانی برای افشاگری، خط دهی، تجمع نیروها، شناخت افراد و شناساندن چهره های پاک تبدیل می شود.

۱- شیخ مفید، مسار الشیعه، صص ۴۲۴۴.

ص: ۱۱۰

مالک جُهَنی، درباره برپایی ماتم در روز عاشورا برای امام حسین علیه السلام به امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد: «چگونه به یکدیگر تسلیت بگویند:

حضرت فرمود چنین بگویند: «عَظَّمَ اللهُ اجورَنَا بِمَصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلْنَا وَايَاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَأْرِهِ مَعَ وَلِيهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ خداوند پاداش ما را در مصیبت حسین علیه السلام بزرگ بدارد و ما و شما را از خون خواهان او، در رکاب ولی خود مهدی علیه السلام قرار دهد».^(۱)

۷. تعطیل کردن کارها در روز عاشورا

مالک جُهَنی از امام باقر علیه السلام درباره روز عاشورا نقل کرده است که امام فرمودند: «اگر توانستی در پی برآمدن حاجتی نرو؛ زیرا عاشورا روز شومی است و حاجتی در آن برآورده نمی‌شود و اگر هم برآورده شود برکتی ندارد و پیشرفتی نمی‌بیند. همچنین [در این روز] برای خانه ات چیزی را ذخیره نکن که هر کس در روز عاشورا برای خانه اش چیزی بپزند در اندوخته اش برکتی نبوده و در خانواده اش نیز برکتی نخواهد بود».^(۲)

حسن بن فضال از امام رضا علیه السلام در مورد تعطیل کردن عاشورا روایتی نقل کرده که امام علیه السلام فرمود:

«هر کس در روز عاشورا، تلاش و کوشش برای برآوردن نیازهایش را رها کند، خداوند نیازهای دنیا و آخرت او را برمی‌آورد و هر کس عاشورا را روز ماتم و اندوه و گریه اش باشد، خداوند قیامت را روز

۱- کامل الزیارات، ص ۳۲۶، ح ۵۷۶؛ مصباح‌المتجهج، ص ۷۷۳؛ بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۹۰، ح ۱.

۲- کامل الزیارات، ص ۳۲۶، ح ۵۶۶؛ مصباح‌المتجهج، ص ۷۷۳.

شادی و خوشحالی اش قرار می دهد و چشمش در بهشت، به ما روشن می شود» (۱).

جمع بندی و ارزیابی

جمع بندی و ارزیابی

۱. سوگواری امام حسین علیه السلام از دوره امام سجاد علیه السلام به بعد وارد مرحله جدیدی می شود که از آن به عنوان دوره زمینه سازی سوگواری آیینی می توان یاد کرد و روایات زیادی نیز به گریه کردن بر مصیبت های اهل بیت علیهم السلام به ویژه امام حسین علیه السلام سفارش شده است که بخش عمده ای از آن روایت ها از زبان امام جعفر صادق علیه السلام است.

۲. با توجه به وضعیت فرهنگی و سیاسی جامعه اسلامی آن عصر، می توان دلیل تأکید زیاد ائمه علیهم السلام را در برپایی و اقامه عزا و سوگ بهتر فهمید. در فضای اختناق اموی و عباسی، مجالس عزا به مثابه تنها رسانه ای بود که کارکرد ارتباطی میان شیعیان و رهبران را برعهده داشت. از این رو، تلاش می شد که برگزاری این محافل تا آنجا که ممکن است، به صورت علنی و با حضور یاران و دیگران باشد.

۳. برگزاری سوگواری امام حسین علیه السلام توسط امامان شیعه ادامه یافت و هر کدام با توجه به قدرت و شرایط حاکمیت درباره برگزاری، ترویج و تبیین آن تلاش می کردند.

۴. به طور معمول، زبان مورد استفاده در محافل عزای حسینی زبان شعر و مرثیه است؛ زیرا شعر، ابزار قدرتمند جامعه عرب آن روزگار بوده است و از این رو، تأکید فراوان بر سرودن و خواندن مرثیه شده است. از

۱- شیخ صدوق، علل الشرایع، ص ۲۲۷، ح ۲؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۸، ح ۵۷؛ امالی، شیخ صدوق ص ۱۲۹، مجلس ۲۷.

ص: ۱۱۲

سوی دیگر، شعر کارکرد رسانه جمعی را داشت و در ذهن و جان مردم نقش می بست و سینه به سینه منتقل می شد و در واقع با این روش آن آرمان ها در جامعه گسترش می یافت.

۵. دعوت به گریه بر مصیبت اهل بیت علیهم السلام در واقع دعوت به توجه و شناخت آنهاست. دستیابی به چنین شناختی، هدفی مهم بود که ائمه علیهم السلام تلاش می کردند به هر وسیله مشروع مردم را بدان هدایت کنند. گریه و سوگواری فقط عملی احساسی نیست؛ بلکه هدفی والاتر و مهم تر از تخلیه عاطفی و آشکار شدن احساسات است.

۶. محافل عزای حسینی فاقد هرگونه نظم برنامه ریزی شده ای بود و به طور معمول با حضور یا دستور ائمه علیهم السلام برگزار می شد، شیعیان به صورت پنهانی به دلیل شرایط سیاسی در مکانی گرد هم می آمدند و یک نفر شاعر که صدای خوبی داشت، مرثیه می خواند. از سویی، این مجالس به اجتماعاتی محدود و ویژه منحصر می شد که از لحاظ جمعیت، شرکت کنندگان و مکان با مجالس امروزی قابل مقایسه نبود.

۷. سیره اهل بیت علیهم السلام در این گونه مجالس اکتفا به حزن نمایان در چهره بود و چیزی فراتر از گریه نبود و هیچ گاه گریه آنان با فریاد و شیون همراه نشده است.

۸. بدیهی است که سوگواری اهل بیت علیهم السلام در کربلا- و عاشورا چند رفتار خاص بوده است و سرمنشأ بقیه رسوم و رفتارهای رایج در سوگواری های امروزی را باید در جاهای دیگر به ویژه در دروه آل بویه و صفویه جست و جو کرد.

۹. آنچه در سیره اهل بیت علیهم السلام به عنوان سبک رفتاری گزارش شده است و درباره همه امامان شیعه صادق است، اهتمام زیاد ایشان به روز

ص: ۱۱۳

عاشورا است. به طوری که روز عاشورا اوج سوگواری آنان بوده است. در روایتی از امام رضا علیه السلام داریم که می فرماید: «وقتی روز دهم می رسید، آن روز، روز عزا و اندوه و گریه اش بود و می فرمود این همان روزی است که حسین علیه السلام در آن کشته شد.»^(۱) روزهای قبل از عاشورا، مقدمه روز دهم و روز عاشورا بود که تبدیل به عزا و گریه کردن بر مظلومیت آن حضرت می شد.

۱۰. توجه ویژه به محتوای محافل و مجالس امام صادق علیه السلام از فضیل پرسیدند:

«آیا دور هم می نشینید و حدیث و سخن ما می گوئید؟ گفتم آری، فرمود: این گونه مجالس را دوست دارم. پس امر ما (امامت) را زنده بدارید. خدای رحمت کند کسی را که امر و راه ما را احیا کند.»^(۲)

۱۱. ائمه علیهم السلام در سوگواری سالار شهیدان بر روش خاصی تکیه نکردند و شیوه های سوگواری برای امام حسین علیه السلام باید متناسب با عرف هر جامعه باشد. باید همواره به این نکته نیز توجه داشته باشیم که سوگواری مغایر با احکام شرع نباشد و موجب وهن دین نشود.

۱۲. نکته حائز اهمیت اینکه این افراد در محضر امامان معصوم علیهم السلام به شعرخوانی و مرثیه سرایی می پرداختند و محتوا از هر گونه گزافه گویی، غلو و سخن نادرست به دور بوده است. حادثه کربلا آن قدر دلخراش و حزن انگیز است که برای تحریک احساسات نیازی به قصه پردازی و بیان مطالب نادرست نیست.

۱- شیخ صدوق، امالی، ص ۱۲۸، باب ۲۷.

۲- شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۰؛ شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۱۸۷.

ص: ۱۱۵

فصل چهارم: کژی ها و آسیب های سوگواری

اشاره

فصل چهارم: کژی ها و آسیب های سوگواری

زیر فصل ها

مقدمه

مهم ترین ویژگی های سوگواری دوره ائمه علیهم السلام

ویژگی های سوگواری های امروزی

فلسفه سوگواری

آسیب های سوگواری و مصلحان دینی

عوامل تحریف ها و آسیب ها

آسیب ها و تحریف های سوگواری

ص: ۱۱۷

مقدمه

مقدمه

همان گونه که در فصل پیشین گذشت، سیره اهل بیت علیهم السلام در سوگواری امام حسین علیه السلام نکته مبهم و نامشخصی ندارد. در دوره ای که سوگواری امام حسین علیه السلام به صورت یک آیین در آمد، سوگواری برای آن حضرت در محدوده عرف آن دوره با حضور ائمه علیهم السلام برگزار می شد؛ اما امروزه گونه های سوگواری تغییر و دگرگونی های چشمگیری به خود دیده است که بخشی از این تغییر و تحولات از آداب و رسوم و فرهنگ ها پیروی می کنند که طبیعی هستند، اما بخشی دیگر دگرگونی ها از جای دیگر سرچشمه می گیرد که همین خود زمینه آشکار شدن برخی آسیب ها و انحراف ها را فراهم آورده است.

مهم ترین ویژگی های سوگواری دوره ائمه علیهم السلام

مهم ترین ویژگی های سوگواری دوره ائمه علیهم السلام

۱. برگزاری سوگواری آیینی، فقط برای امام حسین علیه السلام

۲. به طور معمول این محافل با توجه به شرایط سیاسی و خفقانی که وجود داشت در حلقه ای از افراد ویژه و محدود، در زمانی ویژه و بیشتر در سالروز رخداد عاشورا برگزار می شد.

۳. همان گونه که گفته شد این محافل نظم برنامه ریزی شده ای نداشتند.

۴. این نشست ها بر پایه بیان فضایل و مصیبت های اهل بیت علیهم السلام در

ص: ۱۱۸

قالب شعرخوانی شاعران برگزار می شد. بیشتر سوگواری ها در قالب مرثیه سرایی و مرثیه خوانی بود.

۵. سوگواری ایشان مانند عرف آن روز، در حد اظهار اندوه، گریه و نمایان شدن آثار اندوه در چهره بود.

۶. به طور معمول زنان و اهل خانه نیز در این مجالس حضور داشتند.

ویژگی های سوگواری های امروزی

ویژگی های سوگواری های امروزی

با اندکی تأمل در خواهیم یافت که امروزه سوگواری ها در گوناگونی مناسبت ها، قالب ها، محتوا، فراوانی افراد، زمان ها، ساعت ها، مکان و ابزارهای سوگواری قابل مقایسه با سوگواری های عصر امامان شیعه نیست، به طور خلاصه می توان چند ویژگی را برای سوگواری های امروزی برشمرد:

۱. گوناگونی مناسبت ها برای سوگواری بدین معنا است که امروزه افزون بر سوگواری امام حسین علیه السلام که بسیار باشکوه برگزار می شود، در شهادت یا وفات دیگر ائمه علیهم السلام و بستگان آنان نیز مراسم سوگواری برگزار می شود.

۲. سوگواری ها ساختارمند شده اند و بیشتر به صورت دسته جمعی و در قالب هیئت های سوگواری برگزار می شوند.

۳. زمینه نمایشی و راهپیمایی سوگواری ها پررنگ شده است.

۴. مکان هایی ویژه سوگواری مانند تکیه ها، حسینیه ها ساخته شده است.

۵. برخی شیوه های سوگواری امام حسین علیه السلام فراتر از سوگواری های رایج در عرف امروزی است و حتی برخی قالب های ویژه (غیر مرسوم در مراسم سوگواری های عادی) دارند.

ص: ۱۱۹

۶. ابزارمند شدن سوگواری های امروزی که در دوره امامان شیعه وجود نداشت.

۷. قالب بیشتر سوگواری ها مراسم سینه زنی، زنجیز زنی و روضه خوانی است.

۸. نذورات به صورت گسترده توزیع می شوند عزاداران اطعام می شوند.

می توان بر این فهرست موارد دیگری نیز افزود، اما تکمیل این فهرست مشکلی را حل نخواهد کرد؛ بلکه رسالت مهم این نوشتار نشان دادن مواردی از سوگواری امروزی است که با سیره اهل بیت علیهم السلام همگون نیست و در شرع مقدس توجیهی برای درستی آنها وجود ندارد؛ زیرا هر دگرگونی مذموم و ناخوشایند نیست؛ بلکه آن تغییری که از شرع تأییدی نداشته باشد، مورد پرسش است. از این رو، در ادامه به برخی موارد آسیب زای سوگواری های امروزی خواهیم پرداخت.

یادآوری چند مطلب پیش از ورود به این جستار ضروری است.

فلسفه سوگواری

فلسفه سوگواری

بی تردید فلسفه سوگواری امام حسین علیه السلام از فلسفه قیام ایشان جدا نیست. همان عاملی که موجب شد، امام حسین علیه السلام قیام کند و شهادت را با افتخار بپذیرد، دلیل و فلسفه ای برای اقامه سوگواری ایشان است. اگر آن حضرت برای زنده نگه داشتن اسلام، دفاع از آموزه های دینی و اقامه امر به معروف و نهی از منکر قیام کرد، سوگواری برای آن حضرت نیز باید ابزاری برای تحقق و ترویج آموزه های دین مبین اسلام، اقامه عدل و امر به معروف و نهی از منکر باشد. بنابراین، محافل و مجالس سوگواری

ص: ۱۲۰

که این اهداف را دنبال نکرده، چنین خواسته‌هایی را برآورده نکنند و محتوا و جهت‌گیری درست نداشته باشند، با اهداف حسینی سازگار نیستند.

شناخت فلسفه سوگواری امام حسین علیه السلام نخستین گام، در راه تأمین اهداف بلند این سنت مهم و سرنوشت‌ساز است؛ زیرا سوگواری بدون شناخت نه تنها ارزشمند نیست؛ بلکه چه بسا به اهداف اصلی این حرکت الهی ضرر برساند.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «ما من حركة الا و انت محتاج فيها الى المعرفة؛ هیچ حرکتی نیست مگر این که تو در آن به شناخت نیاز داری»^(۱).

زیرا محافل و مجالس سوگواری امام حسین علیه السلام، زنده نگه داشتن اندیشه اهل بیت علیهم السلام و یادکرد فرهنگ آنان است. از این رو، می‌توان مواردی را فلسفه برای سوگواری آن حضرت شمرد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. مبارزه با جهل و نادانی

اصلی‌ترین فلسفه قیام و شهادت امام حسین علیه السلام و یاران با وفایش، مبارزه با جهل است. ایشان درصدد بودند با این روش و برای حاکمیت ارزش‌های انسانی و اسلامی زمینه‌سازی کنند. امام صادق علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: «وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لَيْسَ يَنْقُذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ؛ خودش را به خاطر تو بذل کرد تا بندگانت را از جهالت و سرگردانی و گمراهی بیرون آورد»^(۲).

۱- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۱.

۲- ابن جعفر محمد بن حسن شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۱۳، ح ۲۰۱؛ علی بن موسی سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۰۲.

ص: ۱۲۱

۲. نشر و انتقال فرهنگ شیعی

محافل سوگواری با قالب و محتوای مناسب، بهترین روش برای تعلیم و تربیت نسل جدید، آشنایی آنان با گفتار، کردار و فضایل اهل بیت علیهم السلام و آموزه های دین مبین اسلام است؛

زیرا توانمندی های قیام امام حسین علیه السلام و نیز کارکردهای تربیتی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مجالس سوگواری ایشان در رشد و بالندگی انسان و جامعه نقش بسزایی دارد. از سویی، این گونه محافل یکی از مهم ترین ارکان فرهنگ و جامعه شیعی است که این فرهنگ با مراسم سوگواری به نسل بعد منتقل می شود. محافل سوگواری فرصتی است ارزشمند تا الگوهای کامل معرفی شوند و زمینه استفاده از آموزه های ارزشمند فرهنگ عاشورا را برای نسل آینده رقم بزند.

۳. زنده نگهداشتن مکتب اسلام و تجدید بیعت با ائمه علیهم السلام

اگر به هدف قیام حضرت امام حسین علیه السلام توجه کنیم در می یابیم مهم ترین هدف آن حضرت زنده نگهداشتن مکتب اسلام بوده است. از این رو، فلسفه تأکید فراوانی بر اقامه سوگواری و پاداش هایی که برای آن دیده شده است، مشخص می شود و به گفته شهید مطهری: «تکالیف شرعی بدون حکمت نیست، منظور این نبوده که همدردی و تسلیتی باشد برای خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، بلکه مقصود این است که داستان کربلا- به صورت یک مکتبی تعلیمی و تربیتی همیشه زنده بماند.»^(۱) که از این رهگذر به حفظ دین، بسط عدالت، آزادگی و رهایی از ستم یاری

۱- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ۴۷۶.

ص: ۱۲۲

برساند. افزون بر این، روی دیگر سکه این است که عزاداران در آیین‌های عاشورایی آرزوی حضور در کربلا را اعلام و ویژگی جمعی آرمانی را که باید با تمام وجود آماده تبعیت از امام خود و همراهی او باشد، آشکار می‌کند گرچه ما توفیق حضور و همراهی نداشتیم، می‌توانیم با آن حضرت عهد ببندیم که همانند یاران با وفای ایشان، امام زمان خویش را یاری کنیم.

امام باقر علیه السلام در بیانی نورانی در توصیف این اجتماعات و فلسفه سوگواری می‌فرماید:

«فَإِنَّ فِي إِجْتِمَاعِكُمْ وَ مُذَاكَرَتِكُمْ إِحْيَاءُنَا وَ خَيْرُ النَّاسِ مِنْ بَعْدِنَا مَنْ ذَاكَرَ بِأَمْرِنَا وَ دَعَا ذِكْرِنَا؛ به درستی که در گرد آمدن شما و سخن گفتن شما زنده نگه داشتن ما است و بهترین مردم پس از ما کسی است که ما را در یادها قرار دهد و امر ما را در آن محافل مطرح کند و مردم را به سوی اهل بیت بخواند» (۱).

در فرمایشی دیگر امام صادق علیه السلام بر این امر تأکید کردند که پیش از این آمده است.

با توجه به این فرمایش‌ها، برگزاری مجالس به یاد خاندان رسالت، احیاگری برتری‌های آنان است و اهل بیت علیهم السلام نیز این گونه محافل را دوست دارند. امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيَا فِيهِ أَمْرَنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ؛ هر کس در مجلسی بنشیند که در آن امر ما احیا می‌شود، دلش در روزی که دل‌ها می‌میرند، نمی‌میرد» (۲). امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۵۴.

۲- امالی، ص ۷۳، مجلس هفدهم.

ص: ۱۲۳

«تَزَاوَرُوا وَ تَلَاقُوا وَ تَدَاكَّرُوا أَمْرَنَا وَ أَحْيُوهُ؛ به دیدن یکدیگر بروید و همدیگر را ببینید، و امر ما را به پا دارید و زنده نگاه دارید» (۱).

علامه مجلسی در تفسیر کلمه امر توضیح داده که مراد از «امر ائمه» امامت و دلایل امامت ائمه علیهم السلام، فضیلت ها، صفات، نقل آثار، یاد آوری علوم و احیای دانش آنان با نوشتن و نقل کردن است به گونه ای که مانع از فراموش شدن گردد.

بر این اساس اصل تشکیل جلسات ذکر، حدیث خوانی، منقبت خوانی، مقتل خوانی و نقل معارف اهل بیت علیهم السلام، موجب زنده شدن و زنده ماندن فکر و فرهنگ سازنده شیعی است.

۴. حرکت در مسیر کمال طلبی و انسان سازی

وقتی سوگواری همراه با معرفت باشد، سبب شکوفایی معنویت است. یادآوری برتری ها و مناقب و آرمان های اهل بیت علیهم السلام آدمی را به سمت الگو گیری و الگوپذیری از آنان سوق می دهد.

حضور آگاهانه در مجالس سوگواری بذر محبت و فضیلت را بارور می سازد و انگیزه لازم برای دریافت فضیلت ها را در افراد ایجاد می کند. افزون بر این، اشکی که نشانه ای از اهداف امام داشته باشد، عامل نجات است. از منظر قرآن کریم، مراسم سوگواری از شعائر الهی است که تعظیم آن نشانه تقوا است. «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ». (حج: ۳۲) شرط ورود در صف عزاداران امام حسین علیه السلام آمادگی قلبی است، پرهیزکاران در این مصیبت عزادار می شوند.

محافل سوگواری امام حسین علیه السلام احیای اندیشه اسلامی، آموزه ها و

۱- الکافی، ج ۲، ص ۱۷۵، باب التراحم والتعاطف؛ مرآت العقول، ج ۹، ص ۵۰.

ص: ۱۲۴

معارف دینی است و روشن است که یادآوری اهل بیت علیهم السلام که نمونه های انسان کامل بودند، زنده نگه داشتن ارزش هاست. ارزش هایی که می توان با آنها در مسیر کمال و انسان کامل گام برداشت. برای پی بردن به راز تأکید زیاد ائمه علیهم السلام به سوگواری و پاداش های مقرر شده برای آن، درک فلسفه سوگواری امام حسین علیه السلام مهم است؛ زیرا راز این همه تأکید و اهتمام به سوگواری، در فلسفه آن نهفته است.

آسیب های سوگواری و مصلحان دینی

اشاره

آسیب های سوگواری و مصلحان دینی

از دیرباز تاکنون دغدغه دلسوزان و مصلحان دینی مسئله آسیب ها و به ویژه تحریف های عاشورا بوده است. آنان تلاش های ارزنده ای برای زدودن غبار تحریف از چهره نهضت کربلا کرده اند و این کار همواره سرلوحه فعالیت های علمی و رفتاری آنان بوده است. چنانچه بخواهیم این بخش را به طور کامل و گویا مطرح کنیم، ناچاریم از افراد زیادی به ویژه در قرن کنونی سخن بگوییم، اما از آنجا که این نوشتار درصدد بیان تاریخچه فعالیت مصلحان دینی در این باره نیست، برای آشنایی خوانندگان محترم با بخشی از این تلاش ها، کارهای چند تن از افراد شاخص در بخش تحریف ستیزی عاشورا را مرور می کنیم.

۱. محدث نوری (۱۲۵۴-۱۳۲۰ ه. ق)

۱. محدث نوری (۱) (۱۲۵۴-۱۳۲۰ ه. ق)

وی کتاب لؤلؤ و مرجان را در سال (۱۳۱۹ ه. ق) یک سال قبل از

۱- حسین بن محمدتقی نوری طبرسی (۱۲۵۴-۱۳۲۰ ه. ق) صاحب آخرین مجموعه حدیثی شیعه یعنی کتاب مستدرک الوسائل است او را خاتم المحدثین وصف کرده اند و مشهور به میرزای نوری و محدث نوری است. وی در عصر خود، افزون بر حدیث پژوهی در علم رجال و کتاب شناسی نیز سرآمد بود و شاگردان موفق و تأثیرگذاری را تربیت کرد که از میان آنان، محدث قمی (شیخ عباس قمی) و آقا بزرگ تهرانی را می توان نام برد.

ص: ۱۲۵

وفاتش به درخواست عده ای نوشت تا برای تحریقاتی که رایج شده بود و هر روز بردامنه آن افزوده می شد، چاره ای باشد. میرزای نوری، اولین کسی است که نظراتش درباره اصلاح روضه خوانی و پاک سازی قیام امام حسین علیه السلام از تحریف را به صورت مکتوب و در اثر مستقلی به نگارش درآورد.

استاد شهید مطهری در چند جای کتاب حماسه حسینی از این اثر ارزشمند نام برده و از آن به نیکی یاد کرده است: «لؤلؤ و مرجان... چنین کتابی شاید در دنیا وجود نداشته باشد.» «لؤلؤ و مرجان که در نوع خود کتاب بی نظیری است و از یک تبحر واقعی مؤلف مرحومش حکایت می کند.» در جای دیگری نیز می گوید: «این کتاب با اینکه کتاب کوچکی است اما فوق العاده کتاب خوبی است.» (۱).

محدث نوری در این کتاب دو شرط را برای اهل منبر ضروری می داند، یکی اخلاص و دیگری راست گویی؛ ایشان به باورها، روضه ها و گفتارهایی توجه دارد که در دسته بندی تحریفات، در تحریف های لفظی قرار می گیرند و به تحریف های معنوی توجه کمتری کرده است. از آنجا که محدث نوری حدیث شناس توانمندی است، استدلال های محکم روایی او، ارزش ویژه ای به این کتاب بخشیده است.

۲. سید محسن امین عاملی (۱۲۸۴-۱۳۷۱ ه ق)

۲. سید محسن امین عاملی (۱۲۸۴-۱۳۷۱ ه ق)

وی صاحب کتاب ارزشمند اعیان الشیعه است و بیشتر با این اثر شناخته می شود. ایشان همچنین در مبارزه با آسیب ها و تحریف های

۱- نک: شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، صص ۶۱۳ ۵۹۱ ۷۸ ۷۱.

ص: ۱۲۶

سوگواری سید الشهداء علیه السلام فعالیت های چشمگیری را انجام داد و در دوره حیات خود توانست جریان مبارزاتی ضد تحریف های سوگواری را شدت بخشد و سید ابوالحسن اصفهانی رحمه الله در حمایت او به میدان آمد.

تلاش های او تا آن روز سابقه کمتری داشت و توانست پرسش های جدی در برابر برخی رفتارها طرح نماید که به اسم سوگواری انجام می گرفت. او موافقان و مخالفان را وادار به بازخوانی برخی آیین ها کرد و درباره سوگواری امام حسین علیه السلام شش اثر را در مقاطع مختلف، به نگارش درآورد که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. لواعج الاشجان؛ این اثر در سال ۱۳۲۹ (ه ق) درباره قیام امام حسین علیه السلام و در ذکر مصیبت های سیدالشهداء نوشته شد.

۲. المجالس السَّنیه؛ این کتاب در ۵ جلد در سال های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ به نگارش درآمد. هدف از تألیف این اثر تصحیح اخبار نادرستی است که در مجالس سوگواری به ائمه علیهم السلام نسبت می دهند.

۳. التنزیه لِأعمال الشَّبیه؛ این کتاب در سال ۱۳۴۶ نگاشته شد و آخرین اثر در این باره است. کتاب در بردارنده نظرهای سید محسن امین در عاشورا پژوهی است.

گرچه سید محسن امین رحمه الله کتاب های دیگری در عاشورا پژوهی دارد، هدف او از نگارش این آثار اصلاح کردارها، رفتارها (آداب سوگواری و روضه خوانی) بود، البته نگاهی هم به احادیث ساختگی و تحریفات عاشورا دارد.

انتشار کتاب التنزیه در عراق، لبنان و ایران بسیار کارآمد بود. جلال آل احمد در سال ۱۳۲۲ (ه.ش) آن را به فارسی ترجمه کرد و به نام

ص: ۱۲۷

عزاداری های نامشروع منتشر ساخت که بلافاصله توسط بازاریان و روضه خوانان از بازار کتاب، گردآوری و سوزانده شد. (۱)

بیشترین تلاش سید محسن امین عاملی، درباره آسیب ها و تحریف های لفظی یا روشی است. وی در آثار خود از دو روش بهره گرفت: یکی استقرای تاریخی و دیگری استفاده از ادله اربعه فقهی که نادرستی پاره ای از اعمال سوگواری ها را نمایان کرد.

۳. شهید مطهری

۳. شهید مطهری

حرکت های اصلاحی شهید مطهری در فرهنگ عاشورا هم به لحاظ گستره و هم میزان اثرگذاری، فصل مستقلی در این بخش است. شهید مطهری شخصیتی برخاسته از پایگاه حوزه علمیه است که تفکرات فلسفی و عقلانی عمیقی دارد، تلاش های او را در سخنرانی های ایشان در سال های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۶ می توان جست و جو کرد که حاصل آن مجموعه ای سه جلدی به نام حماسه حسینی (۲) است. در بحث تحریف ها، هم به تحریف لفظی پرداخته، هم تحریف های معنوی را مطرح کرده است.

وی دو گروه عوام جاهل و عالمان خاموش را مسئول می داند و بر آنان خرده می گیرد و به شدت از انحطاط اندیشه های مربوط به فلسفه قیام سید الشهداء علیه السلام، فلسفه سوگواری، برداشت های عوامانه از قیام، و

۱- محمد اسفندیاری، کتاب شناسی تاریخی امام حسین علیه السلام، ص ۱۵۵.

۲- این مجموعه در سال ۱۳۶۰ به کوشش محمدحسین حق جو از پنج نوار سخنرانی استاد مطهری پیاده و با نام «فریادهای شهید مطهری بر تحریف های عاشورا» منتشر شد. سپس با افزودن چندین سخنرانی دیگر و به ضمیمه یادداشت های شهید مطهری پیرامون عاشورا و امام حسین علیه السلام در سه جلد با عنوان «حماسه حسینی» نشر یافت.

ص: ۱۲۸

ورود شیوه‌ها و مسائل غیر دینی و ناهمخوان با روح تعالیم دینی و اسلامی اظهار گلایه می‌کند. (۱)

۴. مقام معظم رهبری

۴. مقام معظم رهبری

ایشان همواره بر سوگواری هدف دار و پیرایه از آسیب‌های لفظی و معنوی تأکید دارند. و سخنرانی ایشان در سال ۱۳۷۳ را می‌توان نقطه عطفی در پیرایش فرهنگ سوگواری از تحریف‌ها دانست. ایشان به طور جدی درباره آسیب‌ها و تحریف‌های عاشورا، به ویژه مراسمی همچون قمه زنی هشدار دادند. گفتنی است، نگرش ایشان در بردارنده هر دو بُعد لفظی و معنوی بوده است. چنان که در جایی چنین می‌گویند:

«ما به برکت امام حسین علیه السلام و حفظ فرهنگ آن توانستیم نظام اسلامی را در جامعه خود به وجود آوریم. علمای دین، مبلغان و ذاکرین باید مسئله عاشورا و مصایب امام حسین علیه السلام را به صورت یک مسئله جدی و اساسی مورد توجه قرار دهند و در این راه حادثه کربلا را از بیراهه‌ها مضر و خلاف واقع جدا سازنده و پس از خالص کردن آن با انواع هنرهای بیانی، به ذکر این مصیبت بزرگ پردازند. این حادثه پشتوانه یک نهضت است و باید آبرومند، پر طپش و پر قدرت باقی بماند.» (۲)

عوامل تحریف‌ها و آسیب‌ها

اشاره

عوامل تحریف‌ها و آسیب‌ها

پیدایش و گسترش تحریف‌ها، بدعت‌ها، آسیب‌ها و خرافه‌ها ریشه در

۱- مجموعه آثار، ج ۱۷، صص ۱۲۰، ۱۲۵.

۲- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از روحانیون در آستانه ماه محرم، ۱۱/۰۵/۱۳۶۸ <http://farsi.khamenei.ir>

ص: ۱۲۹

عواملی دارد که اگر آنها اصلاح شوند، به یقین زمینه و ریشه پیدایش بسیاری از مشکلات موجود، خشکیده خواهد شد.

۱. نشستن وسیله به جای هدف

۱. نشستن وسیله به جای هدف

گرچه تئوری هدف وسیله را توجیه می‌کند، مربوط به دین ما نیست و آن را به ماکیاولی نسبت می‌دهند، متأسفانه این نگرش، به گونه‌ای در بین برخی از مقتل نویسان و عزاداران پذیرفته شده است که هدف ما گریاندن و سوگواری است؛ چه بسا «هدف از خلقت، اقامه عزا برای امام حسین علیه السلام است.»^(۱) از این رو، برای رسیدن به این هدف از بسیاری از خطوط قرمز می‌توان عبور کرد.

در حالی گریه هدف شد که ائمه علیهم السلام ما را به احیای اصل قیام امام حسین علیه السلام دعوت کرده‌اند؛ البته ما به ذکر مرثیه امام حسین علیه السلام و حتی گریه و گریاندن برای ایشان سفارش شده‌ایم، اما این هدف نیست، ابزاری است برای رسیدن به هدف مهم‌تر و والاتر؛ چه بسا در دیگر مظاهر سوگواری چنین کاستی‌ای نیز وجود دارد، اصرار بر این ظواهر و ایستایی در قالب‌ها و شکل‌ها به راه نیافتن از پوسته به مغز، منجر خواهد شد. از این رو، شناخت آفت‌ها نظری و علمی و آسیب‌های ذهنی و عینی حادثه کربلا در طول تاریخ امری پسندیده و لازم است، ولی شناخت و تحلیل ریشه‌ها و علل پیدایش آنها یک ضرورت تاریخی، عقلانی و رسالتی دینی است تا در سایه چنین تلاشی نهضت کربلا که رسالتی تاریخی بر عهده دارد، از این آسیب‌ها رها شود و بتوان تر از پیش به مأموریت‌های خود ادامه بدهد.

۱- اسرار الشهاده، ص ۵.

ص: ۱۳۰

به راستی که دو وظیفه مهم داریم: نخست کاستن و برداشتن سایه شوم تحریف‌هایی که در این رخداد عظیم وارد شده و در طول تاریخ نیز بر آن افزوده شده است و دوم پیشگیری از ورود تحریف‌های دیگری به پیکره نهضت عاشورا؛ یعنی وظیفه نخست رفع و وظیفه دوم دفع است.

۲. اسطوره پردازی

۲. اسطوره پردازی

اسطوره پردازی سابقه دیرینه‌ای به قدمت تاریخ پیدایش بشر دارد. اسطوره سازی بیشتر ریشه در کمال جویی و قهرمان طلبی دارد. چنانکه انسان نتواند حس غریزی و فطری خود را تأمین کند، به اسطوره سازی پناه می‌برد.

نخستین کسی که این عامل را به عنوان عاملی محوری و مهم برای تحریف‌های عاشورا برشمرد، شهید مطهری است و شواهد زیادی درباره این مسئله در نهضت عاشورا ارائه می‌دهد. ایشان می‌گوید: «...قسمتی از تحریفاتی که در حادثه کربلا صورت گرفته معلول حس اسطوره سازی است. اروپایی‌ها می‌گویند: در تاریخ مشرق زمین مبالغه‌ها، و اغراق‌ها زیاد است و راست هم می‌گویند»^(۱) و دردمندانه ادامه می‌دهد: «این حس اسطوره سازی خیلی کارها کرده است ما نباید یک سند مقدس را در اختیار افسانه سازها قرار دهیم»^(۲).

«وی از تلاش‌های ارزنده محدث نوری یاد می‌کند و ضمن تجلیل از او و کتاب لؤلؤ و مرجان نمونه‌هایی را از آن کتاب آورده است.»^(حاجی)

۱- مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، صص ۴۴-۴۵.

۲- مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۴۶.

ص: ۱۳۱

نوری این مرد بزرگ، در کتاب لؤلؤ و مرجان ضمن انتقاد از جعل این گونه افسانه‌ها می‌گوید: برای شجاعت حضرت ابوالفضل علیه السلام نوشته‌اند که در جنگ صفین که اصلاً شرکت حضرت معلوم نیست و اگر شرکت هم کرده باشد پانزده سال عمر داشته‌مردی را به هوا انداخت، دیگری را انداخت، نفر بعدی را تا هشتاد نفر، نفر هشتادم را که انداخت هنوز نفر اول به زمین نیامده بود! بعد اولی که آمد، دو نیمش کرد، دومی نیز همچنین تا نفر آخر». (۱)

فاضل دربندی در کتاب اکسیرالعبادات فی اسرار الشهاده در نقل و پردازش این گونه مطالب ید طولایی دارد و مواردی از این قبیل، فراوان در آن کتاب مشاهده می‌شود از جمله اینکه:

تعداد لشکر عمر سعد بیش از یک میلیون و ششصد هزار نفر بود؛

۳۳۰ هزار نفر به دست امام حسین علیه السلام کشته شدند؛

روز عاشورا ۷۲ ساعت بوده است. (۲)

حد و مرزهای عقیدتی نیز در تولید و پردازش اسطوره مانعی برای اسطوره پردازان نیست و حتی برای توجیه عمل به خود به مطالب و موضوعاتی از شرع تمسک می‌جویند.

ناگفته پیداست که نقش اسطوره سازی در تولید تحریفات چشمگیر است. به طوری که، عوام مردم هر چیز را که عجیب تر و گزافه تر باشد بیشتر پسندند، به ویژه در بخش‌هایی همچون، مبارزه، جنگ و قهرمان پرستی.

مرحوم مامقانی معتقد است: «انگیزه‌های جعل حدیث و تحریف

۱- حماسه حسینی، صص ۴۴ و ۴۵.

۲- نک: اکسیرالعبادات فی اسرار الشهاده، فاضل دربندی.

ص: ۱۳۲

حقایق، در باب احکام عملی خیلی کم است اما در اصول عقاید و بیشتر از همه در باب فضایل و مناقب این انگیزه خیلی زیاد است»^(۱).

در بخش فضیلت ها و سوگواری سیدالشهداء مانع جدی برای جعل وجود ندارد، بلکه در مواردی با استناد به برخی آموزه ها به جعل مطالب و تولید اسطوره ها می پردازند. غافل از اینکه دروغ گفتن از گناهان کبیره و حرام است و نمی توان با سخنی که مبنای درستی نیز ندارد، به تولید و پردازش رفتارهای نیک پرداخت و آن را امر مستحبی معرفی کرد.

۳. واکنش نشان ندادن به طرح مطالب دروغ، سست و بی پایه

۳. واکنش نشان ندادن به طرح مطالب دروغ، سست و بی پایه

برخی از مرثیه خوانان و مداحان در خواندن و نقل مطالب دروغ، غلوآمیز و بدون سند هیچ ابایی ندارند و توجه کافی به سند، اعتبار، وثاقت و اتقان گفته های خویش ندارند.

از سوی دیگر، واقعیت تلخ تر و فاجعه بارتر اینکه مخاطبان و حتی در پاره ای از موارد بزرگان حوزه دین، در رویارویی با مطالب دروغ، غلوآمیز و تحریف شده واکنش به موقع و لازم را از خود نشان نمی دهند و این خود سبب ترویج و نهادینه شدن آن مطالب خواهد شد که در صورت واکنش نامناسب و بی موقع، به مرور زمان آن مطالب به امری مسلم و مقبول تبدیل می شود که مبارزه با آن سخت تر شده، و ریشه کن کردن آن نیز به آسانی ممکن نخواهد بود؛ زیرا برای پاک کردن آن از ذهن جامعه، باید هزینه های زیادی را متحمل شد.

این واقعیت را نیز نباید از نظر دور داشت که متولیان این بخش در تولید و بازآفرینی متون منابع معتبر و قابل قبول، کم کاری کرده اند؛ زیرا

۱- محمد صحتی سردرودی، عاشورا پژوهی، صص ۴۰۹-۴۱۹.

ص: ۱۳۳

اگر تولیدات مناسب صورت بگیرد و حاصل کار آنان به صورت مطلوب و مناسب در اختیار جامعه هدف قرار بگیرد، به طور یقین، انگیزه نقل مطالب سست و بی پایه فروکش خواهد کرد؛ بسیاری از مداحان و مرثیه خوانان خواهان چنین منابع بازتولید شده هستند و از این گونه محصولات، استقبال خواهند کرد.

توجه به این نکته ضروری است که در شرع مقدس اسلام، دروغ گفتن حرام و از گناهان کبیره است. عذاب الهی را در پی دارد و بدترین دروغ‌ها، دروغ بستن به خدا، پیامبر و اهل بیت علیهم السلام است که در مواقعی روزه، فرد را نیز باطل می‌کند. (۱) به یقین عملی که ذیل امور حرام قرار بگیرد، نمی‌تواند مقدمه و پیش‌نیاز عمل مستحبی باشد و برای عامل آن نیز ثواب داشته باشد. نبودن منابع معتبر و در دسترس نیز نمی‌تواند دلیل و توجیهی برای نقل مطالب دروغ باشد.

۴. کم دانشی متولیان و مجریان مجالس سوگواری

۴. کم دانشی متولیان و مجریان مجالس سوگواری

در اختیار گرفتن مجالس سوگواری توسط افراد کم‌دانش و در مواردی بی‌سواد، منجر می‌شود تا عزاداران به جای پرداختن به محتوای مجالس و افزودن به عمق آن، به مداحی‌ها، مرثیه‌های بی‌روح، بی‌محتوا و بیشتر به امور ظاهری روی آورند.

باید افراد آگاهی که از بینش و دانش مناسب برخوردارند برای جان بخشیدن و ارتقای محتوای مجالس سوگواری، مدیریت مجالس سوگواری را بر عهده گیرند و تا هنگامی که نقش فرهیختگان و فرزنانگان منفعلانه است، نباید انتظار تحول چشمگیری داشته باشیم؛ چه بسا باید

۱- نک: توضیح المسائل، مسائل روزه، مبطلات روزه.

ص: ۱۳۴

شاهد فاصله گرفتن از فلسفه و هدف های برگزاری این گونه مجالس نیز باشیم.

گستره این کم دانشی و بسنده کردن به سطح اولیه اطلاعات، بیشتر مداحان، مرثیه خوانان و روضه خوانان را نیز در برمی گیرد و نتیجه آن به روشنی قابل مشاهده می باشد. دستگاه سوگواری امام حسین علیه السلام برای پویایی رسالت تاریخی که بر عهده دارد نیازمند حضور مقتدرانه و فعالانه عالمان دینی در عرصه های مختلف است که شامل اجرا، نظارت، تبیین، تحلیل و فراهم سازی منابع متقن، معتبر و مستدل است. به طور یقین در صورت رخ دادن چنین اتفاقی، دگرگونی بنیادینی در هدف گذاری مجالس سوگواری رخ خواهد داد که آثار و برکات فراوان آن، جامعه را بیش از پیش بهره مند خواهد ساخت.

به طور خلاصه می توان گفت، یکی از عوامل زمینه ساز آسیب ها و تحریف ها به صورت کلی حضور افراد غیر متخصص در عرصه فرهنگی، علمی و تبلیغی قیام کربلا است. ورود عناصر ناآشنا، کم دانش به تاریخ مکتب اسلام، تشیع و نهضت عاشورا، آرام آرام زمینه افزودن، کاستن و تحریف را فراهم می کند و چنانچه تعصب، سطحی نگری و کج سلیقه‌گی و بدفهمی با این عامل همراه شود، کار نیز دشوارتر خواهد شد.

۵. کم توجهی به معیار درستی عمل

۵. کم توجهی به معیار درستی عمل

هر عملی که به نیت عمل عبادی می خواهد انجام شود باید دارای مجوزی از ناحیه شرع باشد و با اصل عملی که شارع از مکلف خواسته همخوان است، باشد. دخالت دادن سلیقه های فردی و اغراض شخصی، در افزودن به آن و کاستن از آن، به طور یقین نقض غرض شارع

ص: ۱۳۵

خواهد بود و از ناحیه شرع نیز دارای منع شدیدی است. به یقین اگر قرار باشد چنین دخالت‌هایی صورت بگیرد سنگ روی سنگ بند نخواهد شد و پس از مدت کوتاهی از اصل عمل، رد پای باقی نخواهد ماند.

دین مبین اسلام برای جلوگیری از بروز چنین آسیب‌های ویرانگری، در کاستن و افزودن و تفسیرهای به رأی کردن، به پیروان خود هشدار جدی داده و آنان را از عواقب چنین پنداری بر حذر داشته است.

سوگواری امام حسین علیه السلام عملی است که آثار و برکات فراوان برای آن مترتب است؛ در بخش تعظیم شعائر الهی جای می‌گیرد و به عنوان عملی عبادی قلمداد می‌شود. از این رو، ضرورت دارد که انجام این مراسم در چارچوب‌های تعیین شده صورت گیرد. عمل ما باید ناظر به عمل الگو، معیار و مطلوب باشد که در رفتار و گفتار امامان شیعه آشکار شده و گزارش‌های آن به ما رسیده است. همان گونه که در دیگر امور شرعی به بیان و خواسته شارع توجه داریم، در این گونه اعمال که با نیت ثواب و کسب آگاهی و پاداش انجام می‌شوند نیز باید به ملاک‌ها و معیارهای درستی عمل توجه کنیم.

توجه داشتن به معیارها و شیوه رفتاری امامان شیعه در امر سوگواری یکی از روش‌های مهم و بنیادین است که از بروز انحراف در اقامه عزای سالار شهیدان جلوگیری می‌کند. بخشی از کژی‌هایی که دست‌داران اهل بیت علیهم السلام در سوگواری‌ها پدید می‌آورند، از کم توجهی به سیره و سبک رفتاری ائمه علیهم السلام سرچشمه می‌گیرد.

با کمال تأسف باید گفت که برخی از شیوه‌ها و رفتارهای ناپسند در مراسم سوگواری، به حساب شرع گذاشته می‌شود و نام عبادت نیز به آن

ص: ۱۳۶

می دهند. رفتارهایی که نه تنها از ناحیه شرع دلیلی بر آن نداریم؛ بلکه با دیگر آموزه ها و تکالیف شرعی مخالفت و سرستیز دارد.

آسیب هایی که از ناآگاهی دوستانان به پیکره آیین سوگواری امام حسین علیه السلام رفته است، کمتر از تحریف ها و تلاش های تخریبی دشمنان نبوده و نیست؛ چه بسا فردی عملی را به نیت عمل مستحبی و توصیه شده، انجام می دهد، اما توجه ندارد که این عمل بدعت است و در حوزه محرمات قرار می گیرد؛ اصرار بر این گونه رفتارها دستمایه ای برای حمله دشمنان به معارف شیعیان شده و با استناد به برخی از همین رفتارها اصل سوگواری را مورد حمله قرار داده، زیر سؤال می برند.

پس فهم درست عمل پیش از اقدام، ضرورتی انکار ناپذیر است و حساسیت برای انجام عمل در چارچوب شرع امری بدیهی است که همواره باید مورد توجه باشد؛ زیرا بدون این شاخص راه به جایی نخواهیم برد. پیش از ورود به آسیب ها، یادآوری چند نکته ضروری است:

نخست اینکه پرداختن به مسئله تحریف ها و آسیب های سوگواری به معنای مخالفت با سوگواری امام حسین علیه السلام نیست؛ بلکه در یک نگاه به معنای مبارزه با علف های هرزی است که به درخت تناور سوگواری هجوم آورده است.

از سوی دیگر، عاشورا و مکتب حسینی به مثابه سرمایه ای بزرگ و ارزنده است که باید تلاش شود تا به آن آسیبی نرسد. به همان دلیل است که آن سرمایه برای ما ارزشمند است و باید در برابر آسیب ها و خطرهایی که آن را تهدید می کند، حساس باشیم.

دوم اینکه انگیزه تولید آسیب ها و تحریف ها در این بخش زیاد است.

ص: ۱۳۷

دشمنان به دلیل کارکرد های ویژه و سازنده ای که سوگواری دارد و دوستان نادان به دلیل برخی نگرش‌ها و رویکردهای ویژه که به نهضت امام حسین علیه السلام دارند، دست به تحریف می‌زنند. دشمنان هدف و انگیزه های قیام امام حسین علیه السلام و پیروان و دوستان بیشتر حوزه شکلی و محتوایی را تحریف کرده‌اند.

سوم اینکه برخی از آسیب‌های سوگواری‌ها، آسیب‌های محتوایی است؛ آسیب محتوایی بدین معنا که از جنبه‌های اصلی و محوری نهضت امام حسین علیه السلام سخنی به میان نمی‌آید و اگر می‌آید در حد انتظار نیست. برای نمونه مرثیه سرایان به جای پرداختن به هدف و پیام اصلی عاشورا بیشتر به توصیف حاضران کربلا و جنبه‌های عاطفی آن همت گماشتند که برخی این تلاش‌ها نیز ستودنی و در جای خود نیز لازم است، اما محدود کردن آن رخداد بزرگ که از ظرفیت‌های زیادی نیز برخوردار است در قالبی تنگ و کوچک، گناهی نابخشودنی است.

گروه دیگر از آسیب‌های سوگواری شکلی است؛ بدین معنا که شکل و قالب، مشکلاتی را همراه دارد. برای نمونه استفاده از ابزار آلات موسیقی حرام، قمه زنی، و مانند آن، از جمله آسیب‌های شکلی هستند و چالش‌های این بخش نیز کمتر از آسیب‌های محتوایی نیست.

آسیب‌ها و تحریف‌های سوگواری

اشاره

آسیب‌ها و تحریف‌های سوگواری

زیر فصل‌ها

۱. غلبه جنبه عاطفی بر حماسی و عقلانی

۲. تبدیل شدن عمل به عادت

۳. مداح محوری

آسیب‌های حوزه مداحی

۴. اسراف در نذرهای غذایی

۵. قمه زنی

۶. ترویج دهه‌های سوگواری

۱. غلبه جنبه عاطفی بر حماسی و عقلانی

۱. غلبه جنبه عاطفی بر حماسی و عقلانی

سوگواری امام حسین علیه السلام بر دو بنیان استوار است. یکی عاطفی و دیگری عقلانی؛ این دو بال در کنار هم و با همدیگر فرم، محتوا و پیام عاشورا را به دوش می‌کشند.

ص: ۱۳۸

روضه خوانی و سوگواری و یادآوری مصیبت‌های اهل بیت علیهم السلام بُعد عاطفی این نهضت را تشکیل می‌دهند، اما روح قیام امام حسین علیه السلام در فلسفه قیام آن حضرت نهفته است. حفظ دین، آزادی، مبارزه با ظلم نیز در جهت گیری عقلانی سوگواری خلاصه می‌شود.

شهید مطهری می‌نویسد: «هر مکتبی اگر چاشنی‌ای از عاطفه نداشته باشد و صرفاً فلسفه و فکر باشد آن قدر در روح‌ها نفوذ نمی‌کند و شانس ماندگاری ندارد؛ ولی اگر چاشنی‌ای از عاطفه داشته باشد، این عاطفه به آن حرارت می‌دهد. آن مکتب را منطقی می‌کند. بدون شک مکتب امام حسین علیه السلام منطقی و فلسفه دارد...، اما اگر دائماً این مکتب را صرفاً به صورت یک مکتب فکری بازگو کنیم، حرارت و جوشش آن گرفته و کهنه می‌شود. این بسیار نظر بزرگ و عمیقانه‌ای بوده است. یک دور اندیشی فوق العاده عجیب و معصومانه، که گفته‌اند برای همیشه این چاشنی را شما از دست ندهید»^(۱).

بی‌توجهی به هر کدام از این دو موجب خسران دیگری است، اما گفتنی است بی‌توجهی به بُعد عقلانی حماسه عاشورا، باعث فاصله گرفتن از فلسفه آن می‌شود، هر چند بُعد عاطفی در مسئله سوگواری مهم است و نقش ویژه‌ای نیز دارد و جنبه تضمینی برای حفظ پیام و انتقال پیام حماسه امام حسین علیه السلام دارد، اما مقدمه‌ای برای بُعد عقلانی است.

متأسفانه در طول تاریخ به بُعد عقلانی عاشورا کمتر توجه شد و در مقاطعی نیز به طور عمد به بُعد عقلانی آن پرداخته نشد و بر جنبه

۱- مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۵۷.

ص: ۱۳۹

عاطفی آن تأکید و بیشتر تعبدی با آن برخورد می‌شد تا تعقلی. این مسئله نیز دستمایه ساخت و پرداخت آسیب‌هایی شد.

محافل سوگواری توانمندی‌ها و ظرفیت‌های بالایی دارند. این نشست‌ها می‌توانند در ارتقای شناخت عزاداران درباره آموزه‌های دینی و مقام‌والای اهل بیت علیهم‌السلام نقش بسزایی ایفا نمایند، اما متأسفانه به جایگاهی برای تحریک عواطف تبدیل شده‌اند و به‌طور معمول در همین مرحله نیز می‌مانند و به حرکت نمی‌رسند. در صورتی که این مرحله گذرگاهی است که باید از آن گذشت و از برانگیختن احساسات به حوزه عمل پُل زد. سوق دادن تمامی این ظرفیت‌ها به جنبه عاطفی و خلاصه کردن آن در جنبه عاطفی، ظلمی است بر پیکره این قیام که نابخشودنی است.

به گفته آیت‌الله جوادی آملی: «مجالس سوگواری نباید صرفاً کانونی برای اشک و آه و احساسات بدون معرفت باشند، بلکه می‌بایست به عنوان جایگاهی برای شناخت و آموزش نیز مطرح باشند، اشکی که از روی اندیشه و خرد جاری می‌شود، چونان چشمه زلال زمزم به انسان شجاعت، شهادت و صفای باطنی می‌بخشد کسی که از سر عاطفه محض و احساس خام می‌گرید، گریه‌اش ذلیلانه است و اجر و ارزشی چندانی ندارد اما کسی که عارفانه متأثر می‌شود و قبض و بسط وی عاشقانه است» (۱).

ضروری است در کنار بُعد عاطفی به بُعد حماسی و عقلانی عاشورا پرداخته شود و از تمامی توانمندی‌های آن به موازات همدیگر استفاده کرد. چرا از سرمایه‌ای که در اختیار داریم و می‌توانیم از آن استفاده‌های گوناگون و فراوانی بکنیم، فقط استفاده‌ای ویژه و جزئی کنیم.

۱- عبدالله جوادی آملی، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ص ۲۵۰.

ص: ۱۴۰

مراسم سوگواری می‌تواند عواطف و احساسات انسان را زنده نگه دارد و آن را ارضاء و تقویت نماید. باید با مطرح کردن مباحث درباره این رخداد، بُعد دیگر شخصیت انسان را تقویت کرد که مربوط به شناخته و بینش است. اگر بخش‌های حادثه کربلا شناخته و تحلیل شوند، افزون بر اینکه از نظر عاطفی تأثیر خواهند داشت، می‌توان آنها را در زندگی نیز بیشتر به کار برد و از آنها نتیجه بهتری گرفت.

خلاصه اینکه اگر تهییج عواطف به همراه بینش، معرفت و شناخت دیگر ابعاد قیام کربلا نباشد، به یقین نمی‌تواند نقش سازنده‌ای در تربیت و ساختار شخصیتی افراد داشته باشد. تأکید بیش از اندازه بر جنبه عاطفی کربلا نیز یکی از جدی‌ترین عامل‌های ورود آسیب‌ها در بنیاد و بنیان فرهنگ عاشورا است و در نتیجه ضربات جبران‌ناپذیری بر پیام و هدف کربلا وارد می‌سازد.

به تعبیر استاد محمد رضا حکیمی: «روضه خوانی و سوگواری، مظهر بُعد سوم عاشورا است، یعنی مصیبت جنبه احساسی و عاطفی دارد، و برای فراموش نشدن عاشورا است، تا جنبه حماسه و پیامش زنده بماند، پس این بعد هنگامی ارزش دارد که با منشأ اصلی آن از هر حیث مطابق باشد، بنابر این، همان‌گونه که مصیبت عاشورا در خدمت حماسه دین و عدالت بوده است، باید مجالس ذکر مصیبت نیز در خدمت همان حقیقت والا- باشد تا معنا دهد و به مسخ ماهیت عاشورا نینجامد، و مورد رضای خدا و قبول امام باشد» (۱).

شهید مطهری رحمه الله که در مبارزه با تحریفات و آسیب‌های سوگواریها تلاش‌های خوب و ارزنده‌ای داشت، می‌گوید:

۱- محمد رضا حکیمی، تفسیر آفتاب، ص ۲۶۴.

ص: ۱۴۱

«اینکه من تأکید می‌کنم حماسه حسینی و حادثه کربلا و عاشورا باید بیشتر از این جنبه مورد استفاده قرار گیرد، به خاطر درس‌های بزرگی است که این قیام می‌تواند به ما بیاموزد. من مخالف رثا و مرثیه نیستم، ولی می‌گویم این رثا و مرثیه باید به شکلی باشد که در عین حال آن حس قهرمانی حسینی را در وجود ما تحریک و احیا بکند و حسین بن علی یک سوژه بزرگ اجتماعی است. حسین بن علی در آن زمان یک سوژه بزرگ بود. هر کس می‌خواست در مقابل ظلم قیام بکند، شعارش یا لثارات الحسین بود. امروز هم حسین بن علی علیه السلام یک سوژه بزرگ است، سوژه‌ای برای امر به معروف و نهی از منکر، برای اقامه نماز، برای زنده کردن اسلام، برای این که احساسات و عواطف عالی‌ه اسلامی در وجود ما احیا شود.»^(۱) نکته پایانی این بخش:

سوگواری عامل مهم و مؤثری در انگیزش آدمی برای تحقق آموزه‌های دینی و حرکت در مسیر آنها است که به صورت رفتار آشکار می‌شود. در شکل‌گیری رفتار انسانی نیز دو عامل مهم وجود دارد:

نخستین عامل شناخت است. این عامل سبب می‌شود که آدمی درباره مطلب و موضوعی آگاهی پیدا کند، آن را بفهمد یا بپذیرد. این عامل گرچه برای آشکار شدن رفتار لازم و پیش‌نیاز است، اما کافی نیست و برای اینکه این شناخت به رفتار منجر شود به عامل دیگری نیاز است. این عامل شور، شوق و انگیزه است.

پس از آگاهی و شناخت، ایجاد شور و انگیزه در فرد برای عمل به دانسته‌ها ضروری است. برای نمونه، شرکت در مجالس سخنرانی، علمی و آموزشی، شناخت را به فرد می‌دهد، اما شرکت در مجالس مداحی،

۱- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۷۵.

ص: ۱۴۲

نوحه سرایی آن شور و انگیزه را به فرد می دهد. پیوند این دو می تواند فرد را به سوی آموزه های دینی و دریافت پیام عاشورا هدایت کند.

خلاصه اینکه نخست باید احساساتمان برانگیخته شود تا بتوانیم کار حسینی بکنیم؛ زیرا از شور و شوق تنها کاری بر نمی آید. پس شعوربخشی در افکار و شور آفرینی در دلها، محرک آدمی به سوی عبرت گیری، الگو گیری و الگو پذیری از آنان است.

۲. تبدیل شدن عمل به عادت

۲. تبدیل شدن عمل به عادت

نبود درک درست از محتوا، پیام فلسفه و هدف اصلی عمل و تکرار آن عمل در مواقع مختلف به عادت منجر می شود. اگر عمل سوگواری به یک عادت تبدیل شود، یعنی ابزار به هدف تبدیل شده و همین موجب دور شدن سوگواری ها از هدف اصلی خود شود، سوگواری از رسیدن به مقصد باز می ماند. گرچه تبدیل شدن عمل به یک عادت و از دست دادن محتوای آن، فقط به سوگواری اختصاص ندارد؛ بلکه هر عملی از چنین ظرفیتی برخوردار است بستگی به نوع رفتار افراد دارد. اگر عملی بدون توجه به کارکرد اصلی و فلسفه وجودی اش انجام گیرد، به یقین آثار زیان باری را نیز در پی خواهد داشت. پس این گونه تعامل فرد با عمل ممکن است در بسیاری از اعمال ما رخ دهد و برای این که در چنین دامی گرفتار نشویم، مهم این است که شناخت کافی و لازم درباره اصل عمل و هدف آن داشته باشیم.

گفتنی است، وجود آفت نمی تواند مجوز تعطیلی اصل عمل شود؛ بلکه باید در صدد رفع آفت و ارتقای سطح شناخت از عمل باشیم و به عمق و روح عمل توجه کنیم.

ص: ۱۴۳

۳. مداح محوری**۳. مداح محوری**

در گذشته سنت بر این بود که مداح هنر خود را در آماده سازی عواطف و احساسات مخاطبان به خدمت می گرفت تا آنان را به پای منبرها بکشاند و با مرثیه سرایی یا مولودی خوانی مخاطبان را آماده دریافت آموزه های بلند معارف اسلام کند تا کار دانشمندان آگاه، مروجان و مبلغان اسلام در القای معارف اسلامی آسان تر شود، اما امروزه این سنت پسندیده جابه جا شده و مداحی به محور اصلی و رکن پایه ای بیشتر محافل سوگواری تبدیل شده است. به گونه ای که در آن مجالس و محافل بزرگ سوگواری رد پای از وعظ و خطابه نیست و مداح، کار مبلغ دینی را نیز به عهده گرفته است و به مرور وعظ و منبر به حاشیه رانده شده است. در صورتی که باید این دو در عرض و به موازات هم رسالت خود را به پیش ببرند و هر کدام نقش خود را ایفا نمایند؛ زیرا مداحی بیشتر شورآفرینی و برانگیختن احساس است، ولی در منبر برانگیختن تفکر، تبیین، تحلیل و تفسیر، فلسفه قیام امام حسین علیه السلام، عمق بخشی و نهادینه سازی معارف و حقایق دین صورت می گیرد؛ به عبارتی مداح محوری تأکید بر بُعد عاطفی و احساسی عاشورا است. بدین سان تجدید نظر در این مسئله ضروری است و منبر و موعظه که در دوره ای مهم ترین بخش از برنامه های مجالس سوگواری بودند، باید دوباره به جایگاه اصلی خود باز گردند.

آسیب های حوزه مداحی**آسیب های حوزه مداحی**

مداحی با توجه به نقشی که در برپایی مجالس سوگواری و جذب مخاطبان بر عهده دارد و از سوی دیگر، با توجه به حجم گسترده این

ص: ۱۴۴

برنامه ها، به رکن و عنصر اساسی مجالس سوگواری تبدیل شده است. به گونه ای که جانشینی ندارد و دیگر عناصر سوگواری نیز چنین نقشی را ایفا نمی کنند.

بدون تردید مداحی نقش اثرگذار و بی بدیلی در برگزاری و رونق بخشی به مجالس سوگواری و مولودی دارد؛ زیرا عامل مهم در گردآوری و ایجاد انگیزه در مخاطبان برای شرکت افراد در هیئت ها یا محفل های سوگواری و مولودی، مداح و جذابیت های مداحی است. در پاره ای از موارد دیده می شود که بعضی از افراد برای شرکت در هیئت ها در ابتدا اطلاعاتی درباره مداح مجلس به دست می آوردند و پس از آن دست به انتخاب می زنند و اینکه مداح مجلس سوگواری یا مولودی چه کسی باشد، برای آنان مهم است.

همین اهمیت است که اقتضا می کند. مداحی را مقوله ای نیازمند تخصص و نوعی حرفه به شمار آوریم تا آنجا که می توان از پیدایش صنعت مداحی در سال های گذشته سخن گفت. (۱) برای مداحی تنها داشتن صدای خوب کافی نیست، گر چه بتوان آن را شرط لازم پنداشت، اما برای اینکه یک مداح بتواند از نعمت صدای خوب خویش بهره بگیرد و به عمق بخشی دانش و معرفت و فضیلت های دینی و اخلاقی کمک کند، کافی نیست. از این رو ضرورت دارد، مداح برای کسب مهارت ها و فضایل اخلاقی تلاش فراوان کند.

توضیح این مطلب ضروری است که در کنار این گونه مداحی های آسیب زا، مداحان مخلصی که به معنای واقعی کلمه مشغول ترویج و تعظیم شعائر الهی هستند و جامعه از فیض حضور آنان در رونق مجالس

۱- محسن حسام مظاهری، رسانه شیعه، ص ۳۰۲.

ص: ۱۴۵

سوگواری و مولودی بهره می برد، فراوانند و در خدمت گذاری آنان تریدی نیست، اما مداحانی نیز هستند که متأسفانه در این حوزه بی محابا وارد شده، با نگاه مخاطب و آنچه او می پسندد یا اینکه چیزی را که به نظر خود مناسب و خوشایند می آید به نام مذهب ارائه می کند و توجهی به خطوط قرمز و اسناد بالا دستی ندارند.

از این رو، در این نوشتار به برخی آسیب های دامن گیر مجالس و مداحی اشاره می شود که حوزه مداحی را تهدید می کنند. البته این نوشته در صدد استقرار و پرداختن به تمامی آسیب های این حوزه نیست، بلکه به آسیب هایی توجه دارد که بیشتر با رویکرد این نوشته همخوانی دارند.

با اذعان به تمامی این واقعیات و نقش ویژه مداحی و کارکردهای آن، باید اعتراف کرد این حوزه به سان دیگر حوزه ها در معرض آسیب ها و چالش هایی قرار دارد؛ چه بسا انگیزه و دامن زدن به آسیب ها در این حوزه با توجه به جذابیت ها و ویژگی هایی که دارد، از دیگر حوزه ها نیز بیشتر باشند. در ادامه به بخشی از این آسیب ها اشاره می شود:

۱. برتری فرم بر محتوا

فرم و قالب در سوگواری سیدالشهداء یک شکل و ابزار برای ارائه پیام رخداد سال ۶۱ (ق.ه) است، از این رو، نباید در قالب گرفتار شد؛ بلکه باید از قالب مناسب و خوب برای ارائه پیام بهره گرفت. محتوا را فدای قالب کردن آسیبی جدی است که حوزه مداحی ما را تهدید می کند. در گذشته مداحان، مضامین و محتوای عالی و بلند را در قالب اشعار، نوحه ها و سبک های مناسب در عمق جان و روح مخاطبان می نشانند. شوربختانه امروز این مسئله دگرگون شده و قرار است محتوای نامناسب

ص: ۱۴۶

در فلان قالب و فلان سبک، به گوش مخاطبان برسد. توجه بیش از اندازه به فرم، آسبیبی است که به طور قطع، محتوا را مورد غفلت قرار داده و به حاشیه خواهند راند، و ما را از هدف اصلی دور خواهد ساخت.

افزون بر این، تداوم چنین شیوه ای در پاره ای از موارد به مسئله تقلید کورکورانه از سبک های مبتذل و غربی می انجامد که آن سبک ها هیچ گاه همخوانی و قرابتی با فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و مجالس آنان ندارد.

در گذشته اشعار مرثیه ها و سینه زنی ها بیشتر دارای مضامینی بسیار غنی و کاملاً برگرفته از تعالیم اسلامی بوده است. امروزه شاهد به کارگیری اشعار با محتوای عامیانه و کاملاً سطحی هستیم که معرفت عمیقی را به مخاطبان منتقل نمی کند، حتی در برخی محافل گاهی اوقات مطالب کاملاً انحرافی بوده و با هیچ قاعده و قانون عقلی و شرعی سازگار نیستند.

از سویی، ذائقه برخی از شرکت کنندگان با توجه به چنین سبک های نادرست سوگواری دچار دگرگونی شده و فقط با سبک های این گونه ای اقناع و سیراب می شوند.

۲. غلبه نوحه خوانی بر دیگر آیین های سوگواری

نوحه از دیرباز به مجالس سوگواری راه یافته و به شیوه ای متداول در سوگواری به صورت سینه زنی تبدیل شده است. اگر چه قالب آیینی آن دارای قدمت چندانی نیست، اما عرف آن را به عنوان آیینی سوگواری پذیرفته و به لحاظ شرعی نیز منعی درباره آن وجود ندارد.

این برنامه در ایام سوگواری حجم زمانی زیادی را در نسبت با دیگر آیین های سوگواری به خود اختصاص می دهد و از سوی مخاطبان نیز

ص: ۱۴۷

مورد اقبال قرار گرفته است. با توجه به نظم و ریتم موسیقایی خاصی که در اجرا بر آن حکم فرما است، مداحان نیز بیشتر مایل به برگزاری این آیین هستند.

انجام این عمل به خودی خود مشکلی ندارد، اما اختصاص ساعت‌های زیادی به برگزاری این برنامه سبب می‌شود که خیلی از برنامه‌های دیگر مثل سخنرانی، روضه خوانی و... تحت تأثیر قرار گیرند و به حاشیه رانده شوند و در نتیجه اشتیاق چندانی از سوی مخاطبان به این محافل صورت نمی‌گیرد.

بیشترین کارکرد نوحه با توجه به محتوای که در این قالب ریخته می‌شود مربوط به بخش عاطفه و مسائل احساسی است و کمتر به بخش حماسی، تفکر و فلسفه قیام عاشورا می‌پردازد.

گرچه این شورها و سینه‌زنی‌ها نیز در نهایت به تقویت دین و نشر معارف دینی کمک می‌نماید، اما اقتضای بخش احساس، زودگذر بودن آن است. که پیوند آن با بُعد عقلانی و حماسی و فلسفه عاشورا نیز ضروری بوده و ماندگاری این شورها در گرو گره خوردن آن با شعور است.

از این رو، باید نخست در پی پیوند این دو حوزه با یکدیگر باشیم تا در این هم‌افزایی نتایج چشمگیری حاصل شود و باید اشعار نوحه را به لحاظ محتوای غنا بخشید و ارتقا داد.

دوم اینکه در برگزاری این برنامه با دیگر آیین‌های سوگواری تعادلی برقرار شود و سهم هر کدام به اندازه اثرگذاری و نزدیک کردن عزاداران به فلسفه سوگواری عاشورا تعیین شود.

سوم مجالس سوگواری فرصت‌های مناسبی را خلق می‌کند و در

ص: ۱۴۸

اختیار دین قرار می دهد که باید از این فرصت ها برای آموزش و نهادینه سازی آموزه های دینی بهره گرفت؛ بنابراین تقویت نگرش محتوایی این مجالس ضرورت دارد.

۳. طرح مسائل ضعیف و سست

طرح مطالب ضعیف و سست در دیگر حوزه های دین نیز محتمل است و مختص مجالس سوگواری نیست و شوربختانه دایره آن متولیان، مجریان، سخنرانان روضه خوانان، نویسندگان، گویندگان و توده عزادار را در بر می گیرد. بنابراین همه وظیفه دارند در نقل مطالب به منابع معتبر استناد کنند و با وسواس با آن برخورد نمایند.

با توجه به جایگاه ویژه ای که مداحان در دستگاه سوگواری دارند، وظیفه ای مهم تر و حساس تر دارند. آنان ممکن است بیشتر آسیب ببینند. یکی از عوامل آسیب زا طرح مطالب ضعیف و سست و کم دانشی افراد نقل کننده است. نداشتن تحصیلات حوزوی و اطلاعات دقیق تاریخی و سیره شناسی اهل بیت علیهم السلام از جمله واقعیت هایی است که بیشتر مداحان از آن محروم هستند.

گفتنی است نداشتن تحصیلات حوزوی، مانعی برای مداحی نیست، اما شایسته و ضروری است که مداحان دست کم آگاهی و شناخت لازم را داشته باشند که از نمونه ها و جلوه های آشکار آن مطالعه در زمینه علوم اسلامی، قرآن و اهل بیت علیهم السلام است.

از سوی دیگر، باید مداحان در سطح و اندازه اطلاعات و دانش خود به معارف اسلامی بپردازند و از ورود به مسائل تخصصی و حوزوی که لازمه آن داشتن اطلاعات کافی و تخصص ویژه است، پرهیز کنند.

شعر یکی از محتواهایی است که مداحان در سوگواری ها بیشتر از آن

ص: ۱۴۹

استفاده می‌کنند، اما متأسفانه از آنجا که مداحان شاعر نیستند، بیشتر مصرف‌کننده می‌باشند؛ از این رو، توجه بیشتری به سبک و قالب دارند و کمتر به محتوای آن توجه دارند.

در گذشته آشنایی با ادبیات، شناخت شعر و تسلط بر نحوه اجرای اشعار مختلف، یکی از پیش‌نیازهای مداح شدن بود، اما امروزه برخی مداحان به این مسئله توجه کمتری دارند و آن را رعایت نمی‌کنند.

با جست‌وجو در محافل مرثیه‌سرایی که در حضور ائمه علیهم‌السلام برگزار شده و گزارش آنها به ما رسیده، در می‌یابیم که به طور معمول مرثیه‌سرایان خود از شاعران بلند آوازه بودند، شعر آنان به لحاظ محتوایی نیز از جایگاه والایی برخوردار بوده است و می‌توان در این باره به اشعار هاشمیات^(۱) کمیت اسدی اشاره کرد که به لحاظ ادبی و قوت شعر در جایگاه رفیعی قرار داشته و جزء اشعار متقن و مشهور زمان خود شمرده می‌شده و حتی امروز نیز جایگاه ویژه‌ای دارد.

در گذشته مرثیه‌سرایان از قالب کلاسیک همچون، قصیده، غزل، مثنوی و اشعار بلند استفاده می‌کنند، اما امروزه مرثیه‌سرایان از ترانه‌های

۱- هاشمیات به عنوان هشت چکامه عربی، کلامی، سیاسی، اجتماعی و انقلابی است از ابو مستهل کمیت بن زید اسدی هلالی کوفی (۱۲۶ ق) است. وی از اصحاب امام سجاد ۷ و امام صادق ۷ و مورد تأیید و تشویق ایشان بود. اشعار کمیت و نیز هاشمیات او بسیار بیش‌تر از این بوده است که از گزند روزگار در امان مانده و امروزه اندکی از آن به دست ما رسیده است با توجه به جایگاه و ارزش شعری اشعار کمیت، برخی نیز به شرح و تفسیر «هاشمیات» او، پرداختند. کمیت برخلاف مرثیه‌سرایان پیشین خود که شعر آنان آکنده از عاطفه و سرشار از گریه و اشک بود وی در کنار بیان عاطفه، زبان عقل و اندیشه را نیز در اشعارش استخدام کرد و با این اقدام حساب شده، گام بلندی را در تکمیل و تداوم مرثیه‌سرایی در حوزه فرهنگ شیعی برداشت. کمیت به عنوان نخستین مرثیه‌سرای شیعی که شاعر بودنش را دوست و دشمن قبول داشت. (با اندکی تصرف، نک: محمد صحتی سردرودی، عاشورا پژوهی، ص ۱۲۴ ۱۵۱)

ص: ۱۵۰

کوتاه استفاده می نمایند که دارای شاخصه های همچون: اشعار نیم بند و آهنگین است که قابلیت افتادن سر زبان ها را دارد.

اشعاری که در بخش های مختلف آیین های سوگواری به خصوص نوحه خوانی توسط برخی از مداحان استفاده می شود، دارای مشخصاتی چون: اغراق، غلو، اسطوره پردازی، تأکید بر جنون، بهره گیری از مفهوم عشق، ادبیات سلطنتی، مطالب شرک آلوده است. برای روشن شدن مطلب به نمونه هایی از این اشعار که در مجالس سوگواری توسط برخی از مداحان مشهور به کار رفته اشاره می شود که خوانندگان خود قضاوت خواهند کرد آیا این ابیات مناسب شأن و مقام اهل بیت علیهم السلام و مجالس آنان است یا خیر؟

تمام حرف دلم خلاصه در یک کلام

که من سگ زینب و حسینم والسلام

خوب می دانی نیم قابل ولی

تا ابد من را سگ عباس کن

مانند سگ گرسنه و گربه لوس

سایم رخ به آستان شه دوست

زیرا که سگ گرسنه و گربه زار

از سفره اغنیا نگردد مأیوس

ندار من ولگرد بشم

یه سگ دوره گرد بشم

قلاده بنداز گردنم

پاسیون خونه ات می شم

قابل دم نباشه هر که سگ فاطمه نیست ج

یعنی آدم نباشه هر که سگ فاطمه نیست

چشای قشنگ عباس

دل مو هوایی کرده

ص: ۱۵۱

مدد آقا ابوالفضل

منو کربلایی کرده

ابروهای کمونی داشت

نگاه مهربونی داشت

خوشگلی و مه جبینی

مایه فخر زمینی

دوست دارم دیوونه باشم، اسیر میخونه باشم

مست برپیمونه باش، به کسی ربطی نداره

لا اله الا زینب،

لا اله الا حسین،

لا اله الا عباس، ج

انا عبد الرقیه،

لا خالق الا علی،

لا فائق الا علی

لا عاشق الا علی،

لا رازق الا علی (۱)

لا هو الا محمد

لا محمد الا علی

لا علی الا زهرا

علی علی یا علی علی حق(۲)

من خدا را با حسین

مردونه بر هم می زنم

بهشت بی روی حسین

یک سره بر هم می زنم

اسم خدا اسم حسین

را مردونه دوست دارم

دم از خدا هم می زنم

دم از حسین هم می زنم(۳)

اگر بخواهیم گزارش کاملی از این قبیل ادبیات که شوربختانه تولید و

۱- ۳قصاب یزدلی، حسن، عشقستان، ص ۱۲

۲- نوری، مهدی، آیین مستان، ج ۲، ص ۱۰.

۳- قصاب یزدلی، حسن، عشقستان، ص ۳۳۵.

ص: ۱۵۲

مورد استفاده بعضی از مداحان قرار می‌گیرد، به دست دهیم، خود اثر مستقلاً را می‌طلبند. این ادبیات البته واکنش‌هایی را از سوی علما و رهبران دینی در پی داشته است؛ رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در جمع مداحان متذکر این مسئله شدند و هشدار لازم را دادند:

«... چیز دیگری که بنده در بعضی از خوانندگان جلسات مداحی اطلاع پیدا کردم؛ استفاده از مدح‌ها و تمجیدهای بی‌معناست؛ که گاهی هم مضر است. فرض کنید راجع به حضرت ابوالفضل علیه السلام صحبت می‌شود؛ بنا می‌کنند از چشم و ابروی آن بزرگوار تعریف کردن: مثلاً- قربون چشمت بشم! مگر چشم قشنگ در دنیا کم است؟ مگر ارزش ابوالفضل به چشم‌های قشنگش بوده... اینها سطح معارف دینی را پایین می‌آورد... ارزش ابوالفضل العباس به جهاد، فداکاری و اخلاص و معرفت او به امام زمانش است؛ به صبر و استقامت اوست؛ به آب نخوردن اوست در عین تشنگی و بر لب آب، بدون این که شرعاً و عرفاً هیچ مانعی وجود داشته باشد».^(۱)

سخنرانان و مداحان دو رکن اصلی و محتوایی و به بیان دیگر دو معلم این کلاس درس و محافل سوگواری‌اند. همان‌گونه که معلم در یک کلاس آموزشی وظائفی را برعهده دارد بر همین اساس یک سخنران و یا مداح مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام نیز باید سه حیطه معرفتی، عاطفی و رفتاری مخاطبان را تقویت نماید.

با حضور در این گونه مجالس باید احساساتمان برانگیخته شود تا بتوانیم کار حسینی بکنیم. بنابراین، برای حرکت در مسیر اهل بیت علیهم السلام

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مداحان ۰۵/۰۵/۱۳۸۴ به نقل از www.khamenei.ir..

ص: ۱۵۳

نیاز به دو عنصر اساسی داریم: یکی شناخت پیام امام و دیگری، ایجاد انگیزه در جهت حرکت بر طبق مکتب امام علیه السلام که در دستیابی به چنین خواسته‌ای، امری ضروری و حتمی است.

۴. اغراق و غلو

عرصه تاریخ اسلام همانند دیگر مکاتب و فرهنگ‌ها از جریان غلو در امان نماند و جریان غلو نیز در آن شکل گرفت و در بخش‌های مختلف فرصت یافت، آشکار شود. دین مبین اسلام درباره این مسئله هشدارهای لازم را داده است چنانکه در قرآن کریم آمده است:

«يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ؛ ای اهل کتاب در دین خود غلو نکنید و بر خداوند جز گفتار حق و حقیقت مگویید» (۱).

در روایتی از امام صادق علیه السلام داریم که می‌فرماید: «احذروا علی شبابکم الغلاه لا یفسدوهم فأن الغلاه شر خلق الله یصغرون عظمه الله و یدعون الربوبیته لعبادالله و الله وان الغلاه اشر من الیهود و النصراری و المجوس و الذین اشركوا؛ جوانان خود را از شر غلوکنندگان بر حذر دارید، مبادا آنها را فاسد کنند. همانا اهل غلو بدترین بندگان خدا هستند و عظمت خداوند را تحقیر کرده و ادعای خدایی برای بندگان خدا دارند. به خدا اهل غلو بدتر از یهود و نصاری و مجوس و مشرکان هستند» (۲).

دین اسلام همواره از ناحیه این تفکر و فعالیت غلوکنندگان آسیب‌هایی دید که این آسیب‌ها امروزه نیز در قالب‌های جدید بازسازی و به روز شده، محافل معنوی ما را هدف قرار داده است. از این رو،

۱- نساء: ۱۷۱.

۲- شیخ طوسی، امالی، مجلس ۲۳، ص ۶۵۰؛ بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۶۶.

ص: ۱۵۴

ضروری است که با هوشیاری و تیزبینی فعالیت های مذهبی را رصد کنیم تا از این کژی ها مصون بمانند؛ زیرا جریان غلو در پاره ای از موارد پا از دایره شرع و عقل بیرون می گذارد و به شرک و کفر نزدیک یا منجر می شود.

بخش مداحی با توجه به این که در ضمن مداحی و مرثیه سرایی، به ارائه اطلاعات تاریخی و سیره اهل بیت علیهم السلام می پردازد از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار بوده و ضرورت دارد در نقل مطالب و توصیفات که از ائمه علیهم السلام توسط مداحان صورت می پذیرد، با وسواس بیشتری برخورد کرد.

بخشی از اقبالی که از سوی مخاطبان به مجالس مداحی صورت گرفته است، بخشی به دلیل تغییر ذائقه مخاطبان است که در گذر زمان و به مرور پدید آمده است؛ البته مداحان نیز در این تغییر ذائقه نقش داشتند و بخش دیگر این تغییر ذائقه به عوامل بیرونی، تعاملات، تبادل و ارتباطات فرهنگی بازمی گردد.

نتیجه چنین رویکرد و اقبالی به مداحی سبب شد، منبر و خطابه که در گذشته در خیلی از مجالس سوگواری رکن اصلی و نقش محوری داشت، به حاشیه رانده شود. گرچه این مسئله به عمد صورت نگرفت، اما برآیند آن چندان مطلوب نیست و ضرورت دارد به گونه ای مناسب این کاستی جبران شود؛ البته جامعه مداحان نیز در بازگرداندن نقش منبر و خطابه به مجالس سوگواری، نقش بی بدیلی دارند و آنان همواره باید مخاطبان را برای دریافت پیام عاشورا و به روز رسانی اطلاعات و معارف دینی به متخصصان آگاه و دانشمند حوزه های علمیه دینی ارجاع دهند. از سوی دیگر، مداحان باید ارتباط خودشان را با حوزه های علمیه

ص: ۱۵۵

و روحانیت بیش از پیش محکم کنند زیرا این ارتباط تأثیرات مثبتی بر حوزه فعالیت آنان برجای خواهد گذاشت.

بازگرداندن جایگاه منبر و خطابه به مجالس سوگواری، باید به گونه ای باشد که این جایگاه نهادینه شود و به محور اصلی برنامه های سوگواری تبدیل شود. از سویی، انتظار می رود متولیان مسئول امور فرهنگی و دینی نیز فعالانه با این مسئله برخورد کنند و راهکارهای علمی و عملی برای حضور مؤثر و نقش آفرینی عالمان دینی در مجالس و محافل حسینی تدارک دیده، برنامه هایی برای ارائه معارف و حقایق اسلامی در قالب های مناسب تدارک ببینند که شرایط زمانی، مکانی و ذائقه مخاطبان را نیز لحاظ کند.

۴. اسراف در نذرهای غذایی

۴. اسراف در نذرهای غذایی

هر ساله با فرا رسیدن ایام سوگواری ماه محرم، مردم و هیئت های سوگواری اقدام به تهیه و توزیع غذای نذری به سوگواران سالار شهیدان می کنند. به گونه ای که غذای نذری یکی از برنامه های بی چون و چرای ماه محرم است که از گذشته نیز رایج بوده و هنوز هم به قوت خویش باقی است. بیشتر نذرهای مردم در این ایام به صورت مواد غذایی است؛ البته نذر غذایی مختص ماه محرم نیست؛ بلکه نذر یکی از اعتقادات نهادینه شده در بین مسلمانان به ویژه شیعیان در ماه هایی چون شعبان، رمضان و محرم، به ویژه در تاسوعا و عاشورا است. که بنا به بضاعت و توان مالی هر شخص، هیئت و میزان مشارکت محبان اهل بیت مقدار و نوع غذا نیز متفاوت است، اما همچنان تناول مقداری از این غذا، برای مردم از لحاظ معنوی اهمیت فراوان دارد. برخی بعضی ها حتی در دهه

ص: ۱۵۶

اول محرم، به اصطلاح آشپزخانه شان را تعطیل می کنند و فقط با نذرهای هیئت های عزادار تغذیه می کنند. روزهای عاشورا و تاسوعا در کم تر خانه ای پخت و پز می شود، زیرا مردم ترجیح می دهند در این روزها از غذاهای متبرک نذری بخورند.

تا اینجای کار، نه تنها مشکلی ندارد؛ بلکه کارکردهای مثبت پنهان و آشکاری نیز بر آن مترتب است و نذری دادن نشانه ای بارز از ارزش های اجتماعی، انسانی و اسلامی است که افزون بر تقویت باورهای جمعی، تقرب هر چه بیشتر به خدای متعال و اهل بیت علیهم السلام را در پی دارد، اما مشکل زیاده روی، اسراف و چشم و هم چشمی، ریخت و پاش و سفره هایی است که از حضور مستحقین در پای آنها خبری نیست که متأسفانه دامن برخی محافل سوگواری را گرفته و آنها را به چنین آسیبی گرفتار ساخته است. در کنار نذری های زیاد اسراف هم می شود، اسراف کردن غیر از این که گناه بزرگی است، در قبولی نذر نیز شبهه پدید می آورد و آفت بزرگی برای عمل عبادی شمرده می شود و پیامدهای منفی نیز دارد. علاوه بر آن این گونه پذیرایی فرهنگ جامعه را به سوی اسراف و ایجاد ناهنجاری های اجتماعی سوق می دهد. مدیران هیئت های سوگواری باید فکری برای این کاستی کنند.

در این باره نکته ای قابل توجه وجود دارد که کمتر بدان توجه می شود. امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام همان گونه که در فصل سوم همین نوشتار نیز آمده، فرموده اند: «در این روز [عاشورا] از کامجویی و لذت خودداری شود و مراسم عزا برپا گردد و از خوردن و آشامیدن تا زوال خورشید نیز خودداری شود و بعد از آن غذایی به مقدار غذای فرد

ص: ۱۵۷

مصیبت دیده، مانند شیر، خورده شود و از غذا و نوشیدنی گوارا و لذیذ استفاده نشود».

چنانکه خواهیم رفتار عزاداران را در روز عاشورا با روح و متن این روایت بسنجیم در خواهیم یافت که در عمل این روایت کنار گذاشته شده است و ملاک و معیار عمل قرار نمی‌گیرد. در صورتی که غیر از این روایت، روایت‌های دیگری نیز با همین مضمون در منابع حدیثی شیعه وجود دارد.

از این رو، ادب سوگواری اقتضا می‌کند که در روز عاشورا از خوردن غذا و آب تا عصر پرهیز شود و استفاده از غذاهای ساده پس از عصر صورت پذیرد و عزاداران را نیز به این نکته توجه دهند. تجدید نظر در برنامه پذیرایی این روز، ضرورت دارد؛ البته این سفارش تنها برای روز عاشوراست و محدود به این روز می‌شود.

متأسفانه، آنچه که از نذر در ذهن افراد وجود دارد، انجام نذرهایی همانند: غذای نذری، نماز و روزه نذری، کمک مالی به دیگران و مواردی از این دست است. کمتر از نذرهای فرهنگی سخن به میان می‌آید که جای خالی نذرهای فرهنگی در این میان به خوبی احساس می‌شود، نذوراتی که می‌تواند به تبیین و تشریح هر چه بیشتر ارزش‌های والای قیام عاشورا منجر شود و از سویی این نذرها می‌توانند در کنار نذرهای غذایی جانشین خوب برای نذرهایی شود که با اسراف همراه است.

بنابراین، نذرهای فرهنگی افزون بر ایجاد زمینه‌های رشد و تعالی انسان و در نهایت رسیدن به رشد و کمال، حس مسئولیت و تعهد در قبال سایر هموعان را فراهم می‌کند و بر اثربخش تر شدن فرهنگ

ص: ۱۵۸

عاشورایی و گسترش آن خواهد افزود. نذرهای فرهنگی با اهداف عاشورایی گزینه خوبی برای مقابله با تهاجم فرهنگی است و از پیامدهای مهم آن پیشگیری از بروز ناهنجاری‌ها و معضلات اجتماعی در سطح جامعه است. با توجه به اینکه انجام این عمل خیرخواهانه نیاز به شناسایی افراد در لایه‌های مختلف جامعه و آگاهی از امکانات و نیاز آموزشی آنها دارد؛ بنابراین سوق دادن اعتقادات پاک و خدایسنده در قالب نذرهای در این ایام به سوی رفع نیازهای جامعه می‌تواند برکت و خیر فراوانی را در پی داشته باشد و از بسیاری از اسراف‌ها پیشگیری کند.

رسانه ملی می‌تواند این موضوع را در دستور کار قرار بدهد و در فرصت‌های گوناگون به ویژه در ایام عزادری به تبیین، تبلیغ، و ترویج آن کمک نماید و با معرفی برخی از این گونه نذرهای بخشی از ظرفیت موجود را به این مسیر هدایت کند.

۵. قمه زنی

۵. قمه زنی

قمه زنی یکی از رفتارهایی است که به عنوان سوگواری از سوی برخی شیعیان در گوشه و کنار جهان در ایام عاشورا صورت می‌گیرد؛ البته مناقشه‌ها و مخالفت‌های جدی در جامعه و اهل علم درباره آن وجود دارد.

قمه زنی امروزه پراستر از یک معضل گذاشته و وارد فاز بحرانی شده است و در فضاهای مجازی، مکتوب، دیداری و شنیداری نیز بازتاب‌های گسترده‌ای می‌یابد؛ به ویژه در ایام سوگواری ماه‌های محرم و صفر رسانه‌ها به صورت چشمگیری به آن می‌پردازند. در این میان رسانه‌های غربی از آن به عنوان سوژه‌ای برای معرفی تصویری غلط از مسلمانان به

ص: ۱۵۹

طور عام و شیعیان به طور ویژه بهره می‌برند؛ زیرا این سوژه از هر تبلیغ ضد دینی اثرگذارتر است. از سویی، با عنوان مذهب، کیان مذهب را نشانه رفته‌اند و بدین وسیله درصدد دستیابی به اهداف شوم پنهان و آشکار خود هستند. از سوی دیگر، قمه زنی دستمایه تولید برنامه‌های هنری مستند شده است که این برنامه‌ها را به منظور معرفی چهره‌ای خوشونت آمیز از تفکر شیعه، روانه آنتن‌های پخش می‌کنند.

رسانه‌های غربی و حتی عربی با تمام توان به این مسئله می‌پردازند و از آن برای طرح اتهام‌هایی بر ضد شیعه، بهره می‌برند. با این ملاحظه و حساسیت بالایی که این مسئله دارد، لازم است رسانه ملی نیز جهت‌گیری مناسب درباره این مقوله داشته باشد و در راستای سیاست‌های اعلامی و با تکیه بر نظرات فقهی علمای بزرگ هوشمندانه برای رفع و اصلاح این معضل گام بردارد.

با توجه به انعکاس این مسئله در سطح جهانی و بازتاب‌هایی که از سوی محافل علمی و حوزوی داشته است بزرگان حوزه نیز با حساسیت بیشتری این مسئله را پی‌گرفته‌اند و موج مخالفت‌ها بیش از پیش آشکار شده است.

با توجه به حساسیت بالایی که این مسئله دارد، مناسب است که بیش از دیگر کاستی‌ها و آسیب‌ها بدان پرداخته شود. از این رو، موضوع قمه زنی را در محورهای ذیل بررسی می‌کنیم:

۱. پیشینه تاریخی قمه زنی

درباره منشأ اصلی قمه زنی، نظرات مختلفی وجود دارد، اما آنچه بیشتر از همه مستند و قابل اثبات است، این است که تیغ زنی و قمه زنی رسومی

ص: ۱۶۰

هستند که از ناحیه ترکان آذربایجان به فارس ها و سپس به اعراب منتقل شده است. طبق پژوهش های صورت گرفته توسط برخی از پژوهشگران، مراسم قمه زنی در عراق از اواخر قرن نوزدهم رواج پیدا کرده است.^(۱) بنابراین قمه زنی از خارج عراق به آن کشور وارد شده و ریشه عربی ندارد.^(۲)

شهید مطهری درباره سابقه قمه زنی می نویسد: «قمه زنی و بلند کردن طبل و شیپور از ارتدوکس های قفقاز به ایران سرایت کرده و چون روحیه مردم برای پذیرفتن آنها آمادگی داشت، همچون برق در همه جا دوید».^(۳)

آیت الله یوسفی غروی در این باره می نویسد:

«از نظر تاریخی، ظاهراً آن وقت که صفویه سرکار آمدند، قمه زنی پدید آمد و مسلماً هیچ سابقه ای هم بر صفویه ندارد... . روال حکومت ها این است که اعمال و رفتارها را از همدیگر یاد می گیرند: عثمانی ها گروه فدائیان داشتند؛ صفویه هم یک گروه فدائیان درست کرده بودند و مانند آل بویه که در قرن سوم و چهارم در بغداد، عمدتاً دسته های اولیه سوگواری شان، دسته های نظامی شان بود، به ارتش دستور داده بودند که به طور منظم و دسته بندی شده، دسته سوگواری راه بیاندازند. صفویه هم وقتی سرکار آمدند این برنامه را تکرار کردند. یکی از انواع فدائیان، قزلباش صفوی بودند که همیشه به نشانه آماده به خدمت سرشان تراشیده بود. در وصف آنان آمده که حتی در تمریناتشان گوشت

۱- عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی اداری دوره قاجاریه، ج ۱، ص ۲۷۵.

۲- ۱۲. براهیم الحیدری، تراژدی کربلا، ترجمه: علی محمودی، ص ۴۷۵

۳- مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۲۳۱؛ جاذبه و دافعه علی علیه السلام، ص ۱۵۴.

ص: ۱۶۱

حیوانات مختلف و حتی مار می خوردند که هنوز هم در بعضی ارتش های جهان معمول است؛ این فدائیان صفویه در روز عاشورا شمشیر به دست بیرون آمدند و تصورشان این بود که نوعی همدردی با اصحاب امام حسین علیه السلام داشته باشند. آنان می گفتند در چنین روزی که اصحاب امام حسین علیه السلام و خود امام و بنی هاشم تیر خوردند، پس ما هم این حالت را برای خودمان ایجاد می کنیم؛ یعنی نشان می دهیم که در راه امام حسین علیه السلام فدایی هستیم و حاضریم سرمان بریده شود و این شروع قمه زنی شد»^(۱).

۲. دوره قاجاریه

دوره قاجاریه در نگرش، نوع و تحولات عزادری از ویژگی خاص برخوردار است. که در پیش و بعد از آن سابقه ای نداشته و یا اگر داشته به این گستردگی نبوده است. مسئله قمه زنی نیز از مواردی است که در دوره قاجاریه فراگیر شد و گزارش های آن در منابع تاریخی و سفرنامه ها انعکاس زیادی یافته است. برای نمونه به چند مورد آن اشاره می شود.

پیرلوتی^(۲) درباره قمه زنی می نویسد: «مردان، سر برهنه در میان گیسوان خود شکاف خون آلودی ایجاد کرده اند و قطرات خون روی شانه هایشان جاری است»^(۳).

۱- مصاحبه با آیت الله یوسفی غروی، سایت تبیان.

۲- پیرلوتی (۱۸۵۰-۱۹۲۳). (pierre Loti میلادی) نویسنده جهان گرد فرانسوی است وی در اواخر سده نوزدهم از سوی وزارت برون مرزی فرانسه مأمور شده بود به هند سفر کند تا مراتب دوستی فرانسه را به آگاهی مهاراجه برساند. وی سپس از هند در سال ۱۹۰۱ وارد ایران شد و از اصفهان دیدار کرد و در سال ۱۹۰۴ کتاب به سوی اصفهان را نوشت، این کتاب از سوی بدرالدین کتابی به فارسی برگردانده شد.

۳- اصغر فروغی ابری، ایرانیان و عزاداری عاشورا، ص ۶۸.

ص: ۱۶۲

بنجامین (۱) سفیر کبیر آمریکا در ایران، دوره ناصرالدین شاه در سفرنامه اش در مورد مراسم قمه زنی می نویسد: «سال ۱۸۸۴ میلادی من در تهران اقامت داشتم، دسته هایی در خیابان ها حرکت می کردند و احساسات تند و شدید بی سابقه ای از خود نشان می دادند. در این میان ناگهان جمعی سفید پوش که کاردهایی در دست داشتند، پدیدار شدند که با هیجان زیادی کاردها را بالا برده و به سر خود می زدند و خون از سر آنها فواره می زد و سر تا پایشان را سرخ کرده بود. واقعاً که منظره دلخراش و بسیار تأثر آوری بود که هرگز نمی توانم آن را از یاد ببرم» (۲).

فاضل دربندی (۳) و قمه زنی

کسانی که به حوزه، تحریف ستیزی و آسیب زدایی قیام امام حسین علیه السلام پرداخته اند، به نقش فاضل دربندی در ترویج برخی آسیب ها در سوگواری ها، در دوره قاجاریه اذعان دارند. وی کتابی تحت عنوان اکسیر العبادات فی اسرار الشهاده دارد و بیشتر با این کتاب شناخته می شود که در سال ۱۲۷۱ (ه ق) از نوشتن آن فراغت یافت. بخش هایی از این کتاب توسط نویسنده بنا به درخواست ناصرالدین شاه، به فارسی ترجمه شد و سعادات ناصری، نام گرفت.

او در این اثر مطالبی را آورده که پیش از آن در هیچ منبع معتبری

۱- س. ج. و، بنجامین (S.G.W. Benjamin) وی نخستین نماینده سیاسی ایالات متحده آمریکا در ایران بود. وی در سال ۱۸۸۳ میلادی به تهران آمد و ۲۱ سال به عنوان نماینده ی کشور آمریکا در کشو مان اقامت داشت.

۲- بنجامن. س. ج. و، ایران و ایرانیان، ترجمه محمدحسین کردبچه، ص ۲۸۴.

۳- ملا آقا دربندی معروف به فاضل دربندی (متوفای ۱۲۸۶. ه. ق) فرزند ملا عابد از شاگردان شریف العلماء مازندرانی و شیخ علی کاشف الغطاء، از شخصیت های قرن سیزدهم هجری است، وی فقیهی فاضل و صاحب تالیفاتی از جمله «خزاین الاحکام» در حوزه فقه است.

ص: ۱۶۳

نیامده و تأییدی به همراه ندارند. البته گفتنی است، مطالب این کتاب چنان آکنده از غلو و اغراق و دور از منطق و عقل و آمیخته با اخبار متناقض است که هر پژوهنده و خواننده آگاه به آسانی می‌تواند به غیر واقعی بودن خیلی از آنها پی ببرد. بدین سان خیلی طبیعی بود که واکنش‌های تندی درباره محتوای آن کتاب از سوی اهل علم صورت بگیرد. شهید مطهری در حماسه حسینی به این مسئله واکنش شدید نشان داد و می‌گوید:

«در شصت هفتاد سال پیش، مرحوم ملا آقا دربندی پیدا شد. تمام حرف‌های روضه الشهداء را به اضافه یک چیزهای دیگر، همه را یکجا جمع کرد که دیگر واویلاست! واقعاً به [حال] اسلام باید گریست»^(۱).

در جای دیگر می‌فرماید:

«تفاقی اتفاق نظر است که آدم خوبی بوده است. حتی مرحوم حاجی نوری که این قدر از کتابش انتقاد می‌کند و به حق انتقاد می‌کند، می‌گوید مرد خوبی بوده است. واقعاً نسبت به امام حسین علیه السلام مرد مخلصی بوده، و می‌گوید واقعاً طوری بود که هر وقت نام امام حسین علیه السلام را می‌شنید اشکش جاری می‌شد. فقه و اصول خوبی هم داشته است. خودش خیال می‌کرد که از فقهای درجه اول است، ولی لااقل از فقهای درجه دوم و سوم به شمار می‌رود»^(۲).

شیخ آقا بزرگ تهرانی در مورد فاضل دربندی و کتاب اسرار الشهداء، می‌نویسد:

«خودش قسمت‌های پایانی آن را به فارسی ترجمه کرده است. به آن

۱- مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۹۵.

۲- مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۱۳۲.

ص: ۱۶۴

سعادت ناصری گفته می‌شود؛ چرا که آن را به اسم سلطان ناصرالدین شاه ترجمه کرده است که آن چاپ گردیده است. از شدت خلوص و صفای با نفسی که داشت در این کتاب اموری را نقل کرده که در کتاب‌های معتبر یافت نمی‌شود و او آنها را فقط از مجموعه‌های مجهول گرفته است و با اتکا به قاعده تسامح در ادله سنن این کار را کرده است»^(۱).

محدث نوری در لؤلؤ و مرجان می‌نویسد:

«... فاضل مذکور از علمای مبرز و افاضل معروف، و در اخلاص به خامس آل عبا علیه السلام بی نظیر بود. ولکن این کتاب در نزد علمای فن و نقادان احادیث و اخبار مربوط به سیره و امامان معصوم علیهم السلام بی وقع و بی اعتبار است و اعتماد بر آن کاشف از خرابی کار ناقل در قلت بصیرت او در امور است. با آن که خود در آن کتاب تصریح به ضعف روایات آن اجزاء و ظهور علامات کذب و وضع در آن کرده است...»^(۲).

عبدالله مستوفی تاریخ نگار دوره قاجاریه در باره نقش فاضل دربندی می‌نویسد:

«تیغ زدن روز عاشورا از کارهایی است که فاضل دربندی در سوگواری وارد یا لامحاله آن را عمومی کرده... و ترک‌های عوام هم این سوگواری را پذیرفته‌اند... چنان که ذکر شاخسین و اخسین و حیدر! صفدر! که قبل از تیغ زنی معمولاً می‌گفتند ذکر ترکی [بوده]»^(۳).

وی برخلاف فقهای که حکم جواز به قمه زنی می‌دهند، اما خود هرگز قمه به دست نگرفتند، وارد گود قمه زنی نشدند و قمه پوست سر

۱- آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۲۷۹، نک: ذیل واژه اکسیر العبادات ..

۲- محدث نوری، لؤلؤ و مرجان، ص ۱۶۱.

۳- شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۱، ص ۲۷۷ ۲۷۶

ص: ۱۶۵

آنان را نوازش نکرده است، خود وارد میدان شد و طعم قمه را چشید. «او است که تیغ زدن بر سر، که خلاف اصول اسلامی است و اسلام مافوق این حرف‌ها است، در ایام عاشورا را جایز دانست و خود نیز عمل می‌کرده است»^(۱).

بدیهی است که خواننده در رویارویی با چنین مسئله‌ای، بر سر دوراهی می‌ماند که یک فرد عالم، مخلص و عاشق امام حسین علیه السلام، چگونه در کتاب خود انواع و اقسام تحریف‌ها، اغراق‌ها و مسائل دور از منطق و عقل را مطرح می‌کند و چگونه می‌توان این دو را با یکدیگر جمع کرد.

مرحوم میرزای نآیینی گفته بود: «اگر بخواهیم نقل‌های ایشان [فاضل دربندی] را حمل به صحت کنیم باید بگوئیم ایشان خودش مجتهد بوده است و کذب نافع را جایز دانسته، لذا این دروغ مصلحت‌آمیز را ظاهراً به نفع مذهب تشیع و سبب عشق آنها به تشیع می‌شده را بیان کرده است»^(۲). این که، این توجیه‌ها چقدر پذیرفتنی و قابل فهم هستند خود جای تأمل دارد؛ زیرا چنین رفتارهایی با گوهر دین سازگاری ندارند.

تلاش‌های فاضل دربندی در نهادینه سازی قمه زنی به عنوان یک آیین مذهبی و سوگواری در دوره قاجاریه نقش فراوان داشت. از همین رو، با توجه به موقعیت علمی و اخلاقی وی و اقدام عملی او در انتشار کتاب اسرار الشهاده به برنامه قمه زنی شتاب بخشید و به فراگیری آن کمک شایانی کرد. چنانکه امروزه جامعه اسلامی با

۱- مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ج ۴، ص ۱۳۸.

۲- یوسفی غروی در مصاحبه با سایت تبیان.

ص: ۱۶۶

مشکل‌ها و چالش‌های آن دست به گریبان و در دام آن گرفتار آمده است.

خلاصه اینکه فاضل دربندی برای رسیدن به مقصود خود که سوگواری بود از تمامی ابزارها از جمله تسامح در ادله سنن، «الغایات تبرر المبادی» (هدف وسیله را توجیه می‌کند)، بهره برد و به این ایده خود که «إِنَّ الدُّنْيَا وَمَا خَلَقَ، لِأَجْلِ إِقَامَةِ عِزَّةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيهَا»^(۱) جهان و هر چه که آفریده شده است، برای این است که عزای حسین علیه السلام به پا داشته شود؛ توانست نزدیک شود.

۳. مستندات قمه زنی

قمه زنان و طرفداران این شیوه نیز برای شرعی جلوه دادن رفتار خود، به برخی مطالب استناد می‌کنند که لازم است ادعای آنان بررسی شود که چه اندازه می‌تواند موجه و پذیرفتنی باشد؛ یکی از مهم‌ترین مستندات آنان عبارت است از:

قضیه سر به محمل کوبیدن حضرت زینب کبری علیها السلام

علامه مجلسی در کتاب بحارالانوار مطلبی را بدون نام بردن از منبع آن، آورده و می‌گوید این مطلب را در بعضی از کتاب‌های معتبر یافته‌ام و آن عبارت است از مطلبی طولانی که فردی به نام مسلم جصاص (گچ‌کار) می‌گوید: «هنگامی که به امر عبیدالله بن زیاد در حال بازسازی دروازه اصلی شهر کوفه بود، سر و صدایی بلند می‌شود. او به سمت آن حرکت کرده و می‌بیند که اسرای واقعه

۱- فاضل دربندی، اسرار الشهادة، ص ۵. (مقدمه)

ص: ۱۶۷

عاشورا در کجاوه بودند و در این هنگام افراد سپاه عیبالله سر بریده امام حسین علیه السلام را بالای نیزه بردند که حضرت زینب علیها السلام با مشاهده سر بریده برادر، سر خود را از شدت ناراحتی به چوب محمل می کوبد؛ به طوری که خون از زیر مقنعه اش جاری شد و با چشم گریان اشعاری را می خواند» (۱).

این مطلب مهم ترین دلیل نقلی طرفداران جواز قمه زنی است که سابقه آن به قرن دهم می رسد. در کتب اربعه و دیگر منابع مهم شیعه ردپایی از آن وجود ندارد و پیش از بحارالانوار در دو منبع دیگر آمده است. یکی در کتاب نورالعین فی مشهد الحسین (۲) که نویسنده آن مشخص نیست، اما آن را به ابراهیم بن محمد اسفراینی نسبت می دهند، که وی فردی اشعری مذهب و شافعی مسلک بود. و دیگری در کتاب مقتل الحسین طریحی آمده است.

طرفداران به قمه زنی این گونه استدلال می کنند که حضرت زینب علیها السلام در حضور امام معصوم علیه السلام اقدام به چنین عملی کرد و امام نهی نکردند. بنابراین، نهی نکردن امام دلیلی بر جواز چنین عملی است.

پژوهشگران با واکاوی این خبر به بی اعتباری آن حکم دادند؛ زیرا:

۱. این داستان به لحاظ سند مشکل جدی دارد و سندی برای آن ذکر نشده است.

۲. این قضیه برای اولین بار در کتاب نورالعین آمده است که اعتبار

۱- بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۴.

۲- کتابی است تاریخی و کما بیش روایی در باره قیام و شهادت امام حسین علیه السلام و رخدادهای بعد از آن، روایات کتاب بدون سند و با تعبیر «قال الراوی» ذکر شده و مطالب کتاب چنان تنظیم شده به یک داستان شبیه است و در لابلاهای کتاب مطالب ضعیف و خرافات فراوان یافت می شود. (ر.ک: کتاب شناسی تاریخی امام حسین علیه السلام، محمد اسفندیاری، ص ۶۴)

ص: ۱۶۸

آن مخدوش است و به گفته قاضی طباطبایی «از کتب بسیار ضعیف و غیر قابل اعتماد مطلب نقل کرده»^(۱) و «پر از جعلیات و نقلیات قصه سرایان است»^(۲).

۳. به لحاظ محتوایی نیز دچار مشکل است؛ زیرا مطالبی را به حضرت زینب علیها السلام نسبت می دهد که با دیگر آموزه های دینی و اسناد تاریخی سازگار نیست. برای نمونه، دو مورد از آن عبارتند:

الف) در مصرعی از این ادبیات منسوب آمده است که حضرت زینب علیها السلام خطاب به امام حسین علیه السلام می گوید: اگر با من حرف نمی زنی دست کم با دختر کوچک خود فاطمه سخن بگو.

این در صورتی است که مورخان می گویند، فاطمه بنت الحسین که فاطمه کبری نیز خوانده می شد، در آن زمان زن بزرگی بود و همسر حسن بن حسن علیه السلام بود که وی بازمانده و جانباز عاشورا است.

ب) در بیتی از اشعار منتسب به حضرت زینب، امام حسین علیه السلام به سنگ دلی و قساوت قلب متهم شده است:

«یا اخی قلبک الشفیق علینا ما له قسی و صار صلیبا»^(۳)

۴. این مطلب با سیره و روش نبی اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر ائمه علیهم السلام که به صراحت از چنین کارهایی نهی می کردند، همخوانی ندارد و در تضاد است.

برخی بزرگان به قضیه سر به حمل کوبیدن حضرت زینب علیها السلام واکنش نشان دادند و آن را رد کردند. میرزا محمد ارباب در کتاب

- ۱- سید محمدعلی قاضی طباطبایی، تحقیق در باره اول اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام، ص ۶۰.
- ۲- سید محمدعلی قاضی طباطبایی، تحقیق در باره اول اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام، ص ۶۴۰.
- ۳- سید محمدعلی قاضی طباطبایی، تحقیق در باره اول اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام، ص ۱۱۵.

ص: ۱۶۹

الاربعین الحسینیه بر بی اعتبار بودن کتاب نورالعین و بی اساس بودن گفته های مسلم جصاص تأکید دارد. (۱)

مرحوم محدث قمی، صاحب کتاب مفاتیح الجنان نیز این قضیه را پیش تر در کتاب نفس المهوم بدون اینکه نقد و بررسی کند، آورده بود، اما پس از تحقیق در کتاب منتهی الآمال به نقد و رد آن پرداخته است.

ایشان با استناد به منابع معتبری می نویسد: «اصلاً محمل و هودجی در کار نبوده تا آن حضرت سرش را به آن بکوبد؛ بلکه اسرای کربلا را بر ناقه های بدون جهاز سوار کرده بودند. ذکر محامل و هودج در غیر خبر مسلم جصاص نیست. و این خبر را اگر چه علامه مجلسی فرموده، لکن مأخذ نقل آن منتخب طریحی و کتاب نورالعین است که حال هر دو کتاب بر اهل فن حدیث، مخفی نیست. نسبت سر شکستن سر جناب زینب علیها السلام و اشعار معروفه نیز بعید است از آن مخدره که عقیده هاشمیین و عالمه غیر معلمه و رضیعه ثدی نبوت و صاحب مقام رضا و تسلیم است». (۲)

این مطلب با پرسش ها، ابهام ها و مشکلات فراوانی مواجه است؛ زیرا طرفداران قمه زنی پاسخ قانع کننده ای به خیل عظیم روایاتی که در آنها از ضرب و لطم نهی شده، نمی دهند و توجهی نیز به نهی امام حسین علیه السلام در شب عاشورا به برخی رفتارها نمی کنند که درجه پایین تری از قمه زنی و شکستن سر دارند، در کتاب لهوف آمده است که امام حسین علیه السلام فرمودند:

«ثُمَّ قَالَ يَا أُخْتَاهُ يَا امَّ كَلْثُومٍ يَا أَنْتِ يَا زَيْنَبَ يَا أَنْتِ يَا فَاطِمَةَ يَا أَنْتِ يَا

۱- ۲۳ ارباب، میرزا محمد، الاربعین الحسینیه، ص ۲۳۲

۲- ۲۴ محدث قمی، منتهی الامال، ج ۱، ص ۷۵۴ ۷۵۳

ص: ۱۷۰

رباب انظرن اذا انا قتلت فلاتشققن علی جیبا ولا تخمشن علی وجها ولا تقلن هجرا؛ ای خواهرم ام کلثوم، و تو زینب و هم تو ای فاطمه تو ای رباب توجه کنید! هرگاه کشته شدم، گریبان چاک نزنید و صورت نخراشید و سخن ناروا بر زبان جاری نکنید» (۱).

نکته دیگر، که نباید از آن غافل بود، بر فرض وقوع چنین واقعه‌ای، نمی‌توان استنباط کرد که حضرت زینب به قصد مجروح کردن سر، سر خود را به محمل کوبیدند، چه بسا بر اثر شدت تأثر اندوه از دیدن سر برادر بر نیزه، سر خود را به محمل زدند و این هم مربوط به شرایط خاص و واقعه‌ای ویژه است.

از سوی دیگر، بر فرض وقوع چنین قضیه‌ای، پس از آن دیگر این رفتار حتی از سوی بازماندگان تکرار نشد. افزون بر این تأییدی را دریافت نکرد. به راستی چنانچه عملی ممدوح و نیکو بود، دیگران آن را انجام می‌دادند و سفارش‌هایی بر انجام آن نیز صورت می‌گرفت.

داستان سر به محمل کوبیدن حضرت زینب کبری علیها السلام، قصه‌ای بیش نیست که در رویارویی با سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام و روایات فراوانی که خلاف این مطلب را تأیید و سفارش می‌کنند؛ اعتبار ندارد و نباید به آن اعتنا شود.

مستندات دیگری برای این قمه زنی ذکر شده، اما از آنجا که بسیار کلی است، فقط به آنها اشاره می‌شود.

۱. همدردی با امام حسین علیه السلام؛

۲. زنده نگه داشتن مذهب؛

۱- اللهوف، ص ۸۲.

ص: ۱۷۱

۳. قمه زنی نمونه جزع برای امام حسین علیه السلام است؛

۴. ریشه این رفتار عشق است، نه عقل؛

آیت الله حسین مظاهری در کتاب خون موعود در نقد باور افراد طرفدار قمه زنی که معتقدند این کارها نزاع عقل و عشق است یا این مسئله در محدوده فقه نیست، می گویند: «این گونه بیان ها که نظیر آن را هم اینجانب در کتاب جهاد با نفس نقل کرده ام، فرار از جواب است و چون مسئله یک مسئله فقهی است، باید فقه پاسخ آن را بدهد».^(۱)

فرد مسلمان باید به منویات شرع تن بدهد و از تفسیر و ارائه مطالب از روی ذوق پرهیز کند و وظایف و تکالیف خود را از درون شرع و مفسران شریعت بخواند.

۴. قمه زنی در آئینه فقه

با توجه به ویژگی های قمه زنی و بازتاب هایی که از همان آغاز به همراه داشته در پرسش ها و استفتائات فقها فراوان آمده است؛ بیشتر سؤال کنندگان در پی دریافت پاسخ شرع و موضع دین در انجام عملی با این مشخصه بوده اند که پاسخ ها در دایره حکم های صادر شده از حرمت انجام تا جایز بودن قمه زنی است. حرمت به معنای اینکه عملی خلاف شرع است و فرد انجام دهنده نیز پس از اینکه حکم مسئله را دانست و آن را انجام داد، از فرمان سرپیچی کرده و مستحق عذاب است. در حکم جواز این مطلب نهفته است که شرع حکم خاصی در دایره وجوب، حرمت، استحباب، کراهت برای آن در نظر ندارد و در دایره مباحات قرار

۱- مهرداد آقاشریفیان، خون موعود، ۱۳۰ پرسش و پاسخ پیرامون امام حسین علیه السلام، ص ۵۹.

ص: ۱۷۲

می‌گیرد که فرد انجام دهنده در قبال انجام آن عقاب نمی‌شود و ثواب خاصی نیز برای آن در شرع وارد نشده است. از این رو، به چند فتوای معروف، اشاره می‌شود:

سید ابوالحسن اصفهانی رحمه الله (۱۲۸۴ ۱۳۶۵ ه ق)

فتوای سید ابوالحسن اصفهانی در حمایت از تلاش‌های سید محسن امین عاملی صادر شد که به طور تمام‌قد وارد میدان آسیب‌زدایی سوگواری‌ها از تحریف‌ها، بدعت‌ها و ناهنجاری‌ها، شده بود. سید ابوالحسن اصفهانی در آن فتوا حکم برخی دیگر از ابزارها و آیین‌ها را نیز مشخص کرد و ورود ایشان به این مسئله با توجه به جایگاه علمی و مرجعیت جهانی بود که داشتند. وی در آن فتوا علاوه بر قمه زنی، حکم برخی دیگر از ابزار و آیین‌های سوگواری چون زنجیر زنی و کوبیدن بر طبل‌ها را از نظر شرع اسلام مشخص کرد:

«انَّ استعمال السیوف و السلاسل و الطبول و الابواق و ما یجری الیوم امثاله فی مواکب العزاء بیوم عاشورا انما هو محرم و غیر شرعی؛ استفاده از شمشیر، زنجیر، طبل و بوق و امثال آن چه که امروزه در دسته‌ها و هیئت‌های سوگواری عاشورا رایج است قطعاً حرام و غیر شرعی است»^(۱).

فتوای سید محسن امین عاملی (۱۲۸۴ ۱۳۷۱ ه ق)

قمه زنی و اعمالی دیگر از این قبیل در مراسم سوگواری حسینی به حکم عقل و شرع حرام است و زخمی ساختن سر که نه سود دنیوی دارد و نه پاداش اخروی، ایذاء نفس است که خود در شرع حرام است و در مقابل این عمل، شیعه اهل بیت را در انظار مردم مورد تمسخر قرار داده و آنها

۱- سید محسن امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۷۸؛ دائره المعارف تشیع، ج ۲، ص ۵۳۱.

ص: ۱۷۳

را وحشی قلمداد می‌کنند و شکی نیست که این اعمال ناشی از وسواس شیاطین بوده و موجب رضایت خدا و پیامبر و اهل بیت اطهار علیهم السلام نیست و البته تغییر نام این اعمال ماهیت حکم شرعی آن را که حرمت است، تغییری نمی‌دهد. (۱)

محمد حسین کاشف الغطاء (۱۲۹۴ ۱۳۷۳ ه ق)

اگر بخواهیم موافق قواعد فقهی و استنباط احکام شرعی درباره مسئله لطمه به صورت زدن و اعمالی از این قبیل همچون قمه زنی و مانند آن نظر دهیم، به چیزی جز حرمت دست نیافته و چاره‌ای جز فتوا به تحریم آن نخواهیم داشت؛ زیرا هیچ دلیلی وجود ندارد که بتواند حرمت اضرار و ایذا به بدن و به خطر افتادن جان انسانی را در این باره تخصیص زده باشد. همچنین دلیلی نداریم که بتوانیم این موارد را از حکم به حرمت خارج نمود. (۲) مرحوم کاشف الغطاء در ادامه افزون بر طرح برخی مستندات چنین نتیجه می‌گیرد:

«... این در حالی است که بیشتر اشخاص که این کارها را انجام می‌دهند، بیشتر از روی تظاهر، ریا، تعصب و تملق به عمل می‌آورند؛ بی آنکه قصدی درست و نیت صالحی داشته باشند. که از این جهت نیز خالی از اشکال نبوده؛ بلکه حرام بودن آن به خاطر برخی از دلایل زمانی و مکانی، مضاعف خواهد بود.» (۳)

آیت الله سید ابوالقاسم خوئی (۱۲۷۸ ۱۳۷۱ ش)

«اگر قمه زنی و زنجیر با قلاب‌های فلزی که در ماه محرم انجام می‌گیرد،

۱- اعیان الشیعه، ص ۳۶۳.

۲- محمد حسین کاشف الغطاء، الفردوس الاعلی، ج ۱، ص ۶۰.

۳- محمد حسین کاشف الغطاء، الفردوس الاعلی، ج ۱، ص ۶۱.

ص: ۱۷۴

منجر به ضرر و زیان قابل توجهی شده یا هتک، تمسخر و توهین به دین و مذهب را به دنبال آورد، جایز نیست» (۱).

فتوای مقام معظم رهبری

پس از رحلت حضرت امام خمینی رحمه الله و پایان یافتن جنگ، تظاهر به قمه زنی نیز رو به فزونی گرفت و نزدیک بود قمه زنی به محافل سوگواری بسیاری از شهرهایی که سابقه قمه زنی نداشتند، نیز راه یابد. از سوی دیگر، بازتاب های جهانی آن توسط رسانه ها، نیز شدت گرفت. از این رو، مقام معظم رهبری در آستانه محرم سال ۱۳۷۳ (ه ش)، در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد سخنان مهمی درباره این مسئله داشتند که در آن سخنرانی بر لزوم هر چه باشکوه تر برگزار شدن سوگواری حسینی تأکید و انحرافی بودن جریان قمه زنی در عزای حسینی را روشن کردند.

در دهه هفتاد، بیشترین مخالفت هایی که درباره قمه زنی صورت گرفت، از سوی مقام معظم رهبری است که افزون بر موقعیت علمی ایشان، جایگاه حقوقی و معنوی ایشان موجب شد که بازتاب های وسیعی از فتوای ایشان در مسئله قمه زنی در دنیا شکل گیرد. چنانکه حکم ایشان به عنوان فتوای محوری مخالفین قمه زنی موج جدیدی از مبارزه با قمه زنی را توسط علما و مجتهدان را رقم زد، گستره این مسئله به اندازه ای بود که خیلی از بزرگان حوزه نیز از نظر پیشین خود عدول کردند و بر لایزم الاتباع بودن حکم رهبری تأکید کردند. نظرات رهبری درباره قمه زنی به شرح ذیل است:

۱- سید ابوالقاسم خوئی، المسائل الشرعیه، باب العبادات، ج ۲، ص ۴۴۵.

ص: ۱۷۵

«عده ای قمه به دست بگیرند و به سر خودشان بزنند و خون بریزند! این کار را می کنند که چه شود؟ کجای این حرکت سوگواری است؟! البته، دست به سر زدن به نوعی نشانه سوگواری است. شما بارها دیده اید، کسانی که مصیبتی برایشان، پیش می آید و بر سر و سینه خود می کوبند، این نشانه سوگواری معمولی است، اما شما تا به حال کجا دیده اید که فردی به خاطر رویکرد مصیبت عزیزترین عزیزانش؛ شمشیر بر مغز خود بکوبد و از سر خود خون جاری کند؟! کجا این کار، سوگواری است. قمه زدن سنتی جعلی است. از اموری است که مربوط به دین نیست و بلاشک، خدا هم از انجام آن راضی نیست. علمای سلف دستشان بسته بود و نمی توانستند بگویند این کار غلط و خلاف است. یک وقت بود و در گوشه و کنار، چند نفر دور هم جمع می شدند و دور از انظار عمومی مبادرت به قمه زنی می کردند و کارشان، تظاهر به این معنا که امروزهست نبود. کسی هم به خوب و بد عملشان کار نداشت؛ چرا که در دایره محدودی انجام می شد، اما یک وقت بناست که چند هزار نفر، ناگهان در خیابانی از خیابان های تهران، قم یا شهرهای آذربایجان یا شهرهای خراسان ظاهر شوند و با قمه و شمشیر بر سر خودشان ضربه وارد کنند، این کار قطعاً خلاف است. امام حسین علیه السلام به این معنا راضی نیست. من نمی دانم کدام سلیقه هایی و از کجا بدعت های عجیب و خلاف را وارد جوامع اسلامی و جامعه انقلابی ما می کنند»^(۱).

«در قدیم الایام در بین طبقه عوام الناس معمول بود که روزهای

۱- بیانات مقام معظم رهبری در جمع روحانیون استان کهگیلویه و بویر احمد؛ ۱۳۷۳/۳/۱۷.

ص: ۱۷۶

سوگواری، به بدن خودشان قفل می زدند، بعد هم در مذمت این کار، بزرگان و علما گفتند و برفتاد؛ ولی حالا باز هم شروع کرده اند، قمه زدن نیز همین طور است این کار غلطی است، یک عده قمه ها را بگیرند به سرهای خودشان بزنند و خون ها را بریزند که چه شود؟ کجای این حرکت سوگواری است»^(۱).

ایشان در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که آیا قمه زنی به طور مخفی حلال است؟ فرمودند:

«از نظر عرفی از مظاهر حزن و اندوه محسوب نمی شود و سابقه ای در عصر ائمه علیهم السلام و زمان های بعد از آن ندارد و تأییدی هم به شکل خاص یا عام از معصومان علیهم السلام در مورد آن نرسیده است. در زمان حاضر موجب وهن و بدنام شدن مذهب می شود. بنابراین، در هیچ حالتی جایز نیست»^(۲).

پاسخ رهبر معظم رهبری به نامه امام جمعه اردبیل مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای مروج:

«آنچه از قول مراجع سلف رحمه الله نقل شده است، بیش از این نیست که اگر این کار ضرر معتنی به^(۳) ندارد، جایز است؟ آیا سبک کردن شیعه در افکار جهانیان، ضرر معتنی به نیست؟ آیا مخدوش کردن محبت و عشق شیعیان به خاندان مظلوم پیامبر صلی الله علیه و آله و بخصوص شیفتگی بی حد و حصر آنان به سالار شهیدان علیه السلام را بد جلوه دادن، ضرر نیست؟ کدام ضرر از این بالاتر؟ اگر قمه زدن، به صورت عملی انفرادی در

۱- سایت پرسمان، www.parsemen.org

۲- سید علی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، ج ۲، ص ۱۲۷، شوال ۱۴۱۶.

۳- قابل اعتنا و توجه.

ص: ۱۷۷

خانه های در بسته انجام می گرفت، ضرری که ملاک حرمت است، فقط ضرر جسمی بود، ولی وقتی این کار علی رؤوس الاشهاد^(۱) و در مقابل دوربین ها و چشم های دشمنان و بیگانگان؛ بلکه در مقابل چشم جوانان خودمان انجام می گیرد، آن وقت دیگر ضرری که باید معیار حرمت باشد، فقط ضرر جسمی و فردی نیست؛ بلکه مضرات بزرگ تبلیغی که با آبروی اسلام و شیعه سر و کار دارد نیز باید مورد توجه باشد. امروز این ضرر بسیار بزرگ و شکننده است و لذا قمه زدن علنی و همراه با تظاهر، حرام و ممنوع است»^(۲).

منع قمه زنی از سوی مقام معظم رهبری بازتاب های گوناگونی داشت. یکی از این بازتاب ها استقبال بزرگان حوزه و صدور فتوا و نظرات خودشان در این مسئله بود. ناگفته نماند، برخی حتی از نظر پیشین خود که حکم جواز بود، دست کشیدند که برآیند آن تقویت فتوای رهبری و تأکید بر تبعیت از ولی امر مسلمین بود. برخی از نظرها به شرح ذیل است:

آیت الله اراکی رحمه الله در فتوای جدید خود چنین دارند:

«دستور ولی امر مسلمین مبنی بر جلوگیری از اعمال خرافی در سوگواری محرم لازم الاطاعه است. پیروی از سخنان ایشان در مورد این گونه اعمال خرافی که موجب وهن دین و مذهب و بهره برداری سوء دشمنان اسلام می گردد، بنا به اعلام ولی امر مسلمین که آگاه به مصلحت اسلام و کشور هستند لازم و ضروری است»^(۳).

۱- در انظار بینندگان در معرض عموم.

۲- پاسخ مقام معظم رهبری به نامه امام جمعه اردبیل ۲۷/۳/۱۳۷۳ www.leader.ir.

۳- بهاءالدین قهرمانی نژاد شایق، پیرامون عزاداری، ص ۳۷.

ص: ۱۷۸

آیت الله فاضل لنکرانی رحمه الله نیز در فتوای جدید خود چنین آورده اند:

«... در رابطه با مسائل سوگواری و سوگواری سالار شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام به گونه ای عمل شود که موجب گرایش بیشتر و علاقمندی شدیدتری به آن حضرت و هدف مقدّس وی گردد. پیداست در این شرایط، مسئله قمه زدن نه تنها چنین نقشی ندارد؛ بلکه به علت عدم قابلیت پذیرش و نداشتن هیچگونه توجیه قابل فهم مخالفین، نتیجه سوء بر آن مترتب خواهد شد. لازم است شیعیان علاقه مند به مکتب امام حسین علیه السلام از آن خوداری کنند»^(۱).

آیت الله سید کاظم حائری

«اولاً ما شاهد آنیم که قمه زنی و بعضی اعمال شبیه به آن، ذاتاً موجب تخریب وجهه اسلام و تشیع گشته اند و دشمنان کافر نیز در زمان حاضر برای آسیب وارد کردن به ما در این گونه اعمال تکیه نموده، تا دین ما را دین خرافه و وحشی گری معرفی نمایند. و ثانیاً چه ما چنین دیدی را نسبت به قمه زنی به دست آورده باشیم یا نه، باید از اوامر ولی امر مسلمین حضرت آیت الله خامنه ای (حفظه الله) در این مورد موضع گیری صریح و روشنی نموده اند که دیگر هیچ گونه عذری را برای مخالفت باقی نمی گذارد و بر تمامی مسلمین واجب است که از دستورات ایشان اطاعت نمایند؛ چه کسانی که با ایشان در فتوا هم نظرند و یا از ایشان تقلید می کنند و چه کسانی که در این فتوا با ایشان هم نظر نبوده و یا از کس دیگری تقلید کنند. در هر صورت بر همه مسلمین واجب است که از ایشان به خاطر ولی امر بودن شان تبعیت کنند»^(۲).

۱- محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، سوال ۲۱۷۳، ص ۶۲۲.

۲- به نقل از: پایگاه اینترنتی دفتر معظم له www.alhaeri.com.

ص: ۱۷۹

آیت الله حسین مظاهری

«چون ولایت فقیه نهی از آن کرده اند، همه باید از این کار پرهیز کنند، گرچه مقلد کسی باشند که جایز بداند»^(۱).

آیت الله جوادی آملی

«چیزی که مایه وهن اسلام و پایه هتک حرمت سوگواری است، جایز نیست، انتظار می رود از قمه زنی و مانند آن پرهیز شود»^(۲).

آیت الله مکارم شیرازی

«بر عزاداران عزیز لازم است از کارهایی که موجب وهن مذهب می گردد و یا آسیبی به بدن آنها وارد می کند، خودداری کنند»^(۳).

با توجه به مطالب گذشته می توان گفت:

قمه زنی را نمی توان یک عمل دینی دانست؛ زیرا مهر تأییدی از دین نه به صورت ویژه و نه به طور عام ندارد و در قرار گرفتن آن ذیل عنوان کلی سوگواری نیز مناقشه جدی وجود دارد. وقتی ورود آن به عرصه مصادیق سوگواری محل سؤال است، چرا باید برای کنار گذاشتن آن این همه نزاع و مناقشه کرد؟ و این تعصب نشان دادن، نشانه چیست؟ از سویی، این رفتار برخلاف آموزه های دینی، سیره و روش پیامبر اکرم و ائمه علیهم السلام و روح حاکم بر روایات در موضوع سوگواری است.

قمه زنی نه از واجبات است که برای ترک آن مؤاخذه بشویم و نه جزء مستحبات است که در قبال انجام آن پاداش خاص دریافت

۱- به نقل از پایگاه اطلاع رسانی www.Almazaheri.ir.

۲- واحد پژوهش دفتر فرهنگی فخرالائمه:، دست پنهان، ص ۴۰.

۳- www.makarem shirazi.org.

ص: ۱۸۰

کنیم. بنابراین، حذف آن هیچ گونه کمبودی را متوجه دستگاه سوگواری نمی کند؛ بلکه در نبود آن، محافل سوگواری ها بارورتر خواهد شد.

همچنین ملاحظه می کنیم که بیشتر محافل سوگواری بدون انجام قمه زنی در گوشه و کنار جهان برگزار شده و می شوند و مشکلی نیز پیش نیامده است. پس آیا اصرار بر عملی که خود فاقد ارزش ذاتی است می تواند آن را ارزشمند کند؟ و آیا ارزش این همه هزینه را دارد؟ از سویی ما در برابر این همه هزینه، چه فایده و سودی را دریافت خواهیم کرد؟ آیا این عمل غیر از وهن مذهب و دستمایه و دستاویزی برای تمسخر و تخریب وجهه و جایگاه شیعیان در گستره جهانی، آیا رهاورد دیگری دارد؟ اگر این عمل ارزشمند است و خلاف شرع نیست، چرا عده ای که حکم جواز داده اند، خود نیز تاکنون به این عمل اقدام نکرده اند، آیا خلاف شأن بودن دلیل مناسبی برای عدم انجام آن نمی باشد؟

افراد قمه زن در صدد هستند که قمه زنی را به عنوان شکل و قالبی از سوگواری جای دهند، در صورتی که سوگواری یک امر مقدس و سفارش شده است که نمونه های مشخصی دارد و بزرگان و ائمه دین نیز در سوگواری های خود از آن نمونه ها پیروی کرده اند و رفتار آنان نیز در همین محدوده بوده است.

سؤال جدی که وجود دارد، این است که چرا از این همه نمونه های سوگواری که به لحاظ شرعی مورد مناقشه نیستند، دست بکشیم و به کارهایی پردازیم که جواز شرعی ندارند، حتی در پاره ای از موارد: حکم حرمت و منع شدید درباره آنها صادر شده است.

ص: ۱۸۱

قمه زنی همانند دیگر گونه های سوگواری توسط برخی افراد به عنوان آیین سوگواری به سوگواری ها راه پیدا کرد. هنگامی که عوام میدان دار و نقش آفرین باشند، البته بیشتر این کارها را از سر دلسوزی و حسن نیت انجام می دهند، اما سخن در حسن نیت آنان نیست بلکه سخن در ناآگاهی آنان است که از این رهگذر آسیب های جدی بر پیکره دستگاه سوگواری زده اند.

عرف مردم و جامعه، قمه زنی را از نمونه های سوگواری و نشانه سوگواری نمی داند. شاهد آن، این است که هیچ کس در سوگ عزیزانش از این شیوه استفاده نمی کند.

قمه زنی امروزه موجب وهن و استهزاء مذهب و دین است و دست دشمنان دین قرار داده تا با آن به جنگ اسلام به طور عام و شیعه به طور ویژه بروند.

اینکه فقه بگوید در صورتی که ضرری برای نفس نداشته باشد و وهن مذهب نباشد، جایز است. این جواز، ارزشی را برای قمه زنی ایجاد نمی کند؛ همانند خیلی دیگر از قالب ها و نمادها که در سوگواری هستند. برای نمونه اگر درباره بلند کردن علم و کُتل نیز سؤال شود؛ همین پاسخ را در پی دارد. آیا صدور این جواز، ارزشی برای حمل علم و کُتل در پی دارد؟!

اگر قمه زنی را به گونه ای سوگواری بدانیم و شرع عنوان اولیه آن را مشروع بدانند، باز عناوین ثانویه جلو آن را می گیرد.

پرسش عوام از فقیهان نیز دچار کژی است و باید پرسش این گونه طرح شود: آیا می توان در شرایطی که قمه زنی موجب وهن شیعه است، قمه زد؟

ص: ۱۸۲

مطلب پایانی

همان گونه که ملاحظه شد، قمه زنی با پرسش های بسیاری روبه رو است و موافقان قمه زنی پاسخی برای آن پرسش ها ندارند.

از سویی قمه زنی مصداق سوگواری نیست. حتی اگر ثابت شود که قمه زنی گونه ای از سوگواری است، نوبت جواز یا عدم جواز آن می رسد. مسئله بعدی معیار و هن بودن قمه زنی و مسئله مضر بودن آن برای نفس است.

همان گونه که گفته شد برای قمه زنی سابقه ای پیش از قرن دهم وجود ندارد. همچنین پشتوانه دینی و شرعی قابل اعتنایی ندارد و در هیچ کجای سنت نداریم که پیشوایان شیعه خود به این عمل اقدام یا سفارش درباره آن کرده باشند. بدیهی است وقتی سفارشی بدان نداریم و نتواند نمونه سوگواری نیز قرار گیرد، پس نمی تواند یک عمل شرعی و عبادی باشد و از آن انتظار ثواب داشت.

باید مقداری در مسئله قمه زنی تأمل نمائیم و دور از تعصبات بی جا، آن را واکاوی کنیم. آیا بزرگان دین نسبت به امور دینی دلسوز تر هستند یا دیگران؟ پس در این مسئله باید به بزرگان حوزه دین اقتدا کنیم و مسیر را برای اجرای حکم آنان فراهم سازیم.

سخن پایانی این بخش گفتاری از مقام معظم رهبری است که به نقشه دشمن و استفاده ای که از این گونه برنامه ها می کند، اشاره دارد:

«... کسی که بامسائل کشور شوروی سابق و این بخشی که شیعه نشین است، جمهوری آذربایجان آشنا بود، می گفت: آن زمان که کمونیست ها بر منطقه آذربایجان شوروی سابق مسلط شدند، همه آثار اسلامی را از آنجا محو کردند. مثلاً مساجد را به انبار تبدیل کردند،

ص: ۱۸۳

سالن های دینی و حسینیه ها را به چیزهای دیگر تبدیل کردند و هیچ نشانه ای از اسلام و دین و تشیع باقی نگذاشتند، فقط یک چیز را اجازه دادند و آن قمه زدن بود! دستورالعمل رؤسای کمونیستی به زیردستان خودشان این بود که مسلمانان حق ندارند نماز بخوانند، نماز جماعت برگزار نکنند، قرآن بخوانند، سوگواری کنند، هیچ کار دینی نباید بکنند، اما اجازه دارند قمه بزنند! چرا؟ چون قمه زدن، برای آنها یک وسیله تبلیغ بر ضد دین و بر ضد مذهب تشیع بود. بنابراین، گاهی دشمن از بعضی چیزها، این گونه علیه دین استفاده می کند. هر جا خرافات به میان آید، دین خالص بد نام خواهد شد» (۱).

۶. ترویج دهه های سوگواری

۶. ترویج دهه های سوگواری

چند سالی است که شاهد گسترش دهه های سوگواری هستیم، بدین صورت که روزهای شهادت یا وفات منسوبان اهل بیت علیهم السلام به عنوان روز عزا معرفی و در آن ایام سوگواری اقامه و راه اندازی می شود.

گفتنی است، همواره کیفیت سوگواری مورد دغدغه بزرگان بوده و در صورت مشاهده کثری و انحراف واکنش هایی را از خود در قالب سخنرانی، نوشتار، بیانیه و اقدام عملی بروز می دادند، اما در مورد اندازه سوگواری و ایجاد ایام خاص در طول سال یا نام گذاری آن به عنوان یک ایام سوگواری و به اصطلاح بَرند کردن آن، انتقاد و سخنان کمتری را شاهد بوده ایم.

برپایی مجالس، ضمن بیان مناقب آن بزرگواران و مصیبت های وارد شده بر ایشان، به بزرگداشت مقام آن حضرات می پردازند، که بی تردید

۱- بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ مردم در صحن حرم رضوی مشهد ۱۰/۱۰/۱۳۷۶.

ص: ۱۸۴

این موضوع امری پسندیده و مطلوب بوده، موجب تعظیم شعائر الهی و ترویج معارف اسلامی خواهد شد.

البته گفتنی است همواره صورت این مجالس با مجالسی که در ایام محرم تشکیل می شده، متفاوت بوده است و هدف از تشکیل این مجالس بیشتر آگاهی از مقام و منزلت ائمه علیهم السلام است. افزون بر آن که به طور معمول این مجالس به روز شهادت اختصاص داشته و از آن روزها فراتر نرفته است.

آنچه از سیره ائمه علیهم السلام استنباط می شود، این است که سیره آنان به گونه ای بوده که در سوگ عزیزان خود در همان مدتی که در عرف آن زمان رایج بوده، سوگواری می کردند، اما درباره امام حسین علیه السلام آنچه به وضوح در سیره اهل بیت دیده می شود، اصرار بر تفاوت داشتن مصیبت حسین بن علی علیه السلام بر مبنای «لا یوم کیومک یا ابا عبدالله»^(۱) است. شیوه اهل بیت علیهم السلام این بوده که برای حفظ کارکردهای عزای سیدالشهدا، دیگر مصیبت های خود را هم عرض آن قرار ندهند؛ زیرا آنان در دهه اول محرم و روز عاشورای هر سال مجالس عزا برپا می کردند.

چنان که این روش در میان شیعیان ایشان نیز جریان داشته و آنان در پیروی از ائمه علیهم السلام تنها به سوگواری برای امام حسین علیه السلام بسنده می کردند. همان گونه که گفته شد، سوگواری برای دیگر ائمه علیهم السلام همانند سوگواری به شیوه سوگواری امام حسین علیه السلام رایج نبوده است. یکی از نشانه های آن اختلاف علما در تاریخ شهادت شماری از ائمه علیهم السلام است

۱- شیخ صدوق، امالی، مجلس بیست و چهار، ص ۱۱۶.

که اگر چنین برنامه‌هایی از گذشته مرسوم می‌بود، به یقین محافظت بیشتری در ثبت تاریخ شهادت و درگذشت آنان می‌شد.

مقام معظم رهبری نیز سال‌های پیش اشاره‌ای به این موضوع داشتند، ایشان در ۱۳ اسفند ۱۳۷۰، در دیدار با اعضای گروه معارف اسلامی صدای جمهوری اسلامی ایران فرمودند: «مسئله دیگر، مسئله روضه هاست. روضه خوانی و سینه زنی باید باشد؛ اما نه در هر عزایی، این را بدانید که روضه خواندن و گریه کردن آن سنت سینه مربوط به همه ائمه نیست؛ متعلق به بعضی از ائمه علیهم السلام است. حالا یک وقت در جمع و مجلسی کسی روضه ای می‌خواند، عده ای دلشان نرم می‌شود و گریه می‌کنند، این عیبی ندارد. اصلاً سوگواری کردن یک حرف دیگر است، روضه خوانی و سینه زنی راه انداختن مخصوص امام حسین علیه السلام است؛ حداکثر مربوط به بعضی از ائمه است؛ آن هم نه به این وسعت، مثلاً در شب و روز تاسوعا و عاشورا به خصوص، در شب و روز بیست و یکم ماه رمضان؛ سینه زنی و سوگواری و برپایی جلسات خوب است؛ ولی مثلاً در مورد حضرت موسی بن جعفر علیه السلام با این که وفات آن بزرگوار از وفاتهای دارای روضه خوانی است من لزومی نمی‌بینم که سینه زنی بشود؛ یا مثلاً در سالگرد شهادت حضرت زهرا علیها السلام مناسبتی ندارد که ما بیاییم نوحه خوانی و سینه زنی کنیم؛ بهتر این است که در آن موارد، شرح مصائبشان گفته بشود. شرح مصایب، گریه آور است»^(۱).

مطلب دیگر اینکه شکی نیست افرادی که اقدام به تأسیس و

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار گروه معارف اسلامی صدای جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۱۲/۱۳.

ص: ۱۸۶

اختصاص ایامی به نام ائمه علیهم السلام یا منسوبین به ائمه علیهم السلام برای سوگواری می کنند، نیت خیر دارند و قصدی جز تکریم، تعظیم و بزرگداشت اهل بیت علیهم السلام ندارند. این نیت به جای خود ستودنی است، اما آیا تنها قصد و نیت خیر برای ایجاد یک آیین و برنامه مذهبی و عبادی، کافی است؟

پاسخ خیلی روشن است که کافی نیست و نیت خیر داشتن مجوزی برای انجام چنین کارها نمی تواند باشد و نکته ای که نباید از نظر دور داشت این است که ما باید همواره در عمل و رفتار خودمان اقتدا به بزرگان حوزه دین که نمونه کامل آن، ائمه علیهم السلام هستند، بکنیم و در این مورد هم، باید به سراغ سیره و سبک رفتاری اهل بیت علیهم السلام برویم و عمل خود را بر مبنای سیره و روش آنان بنا کنیم نه تشخیص خودمان، در دایر کردن این گونه آیین ها باید ملاک های شرع را مورد توجه قرار بدهیم و اعمال و رفتارهایمان را نیز در محدوده شرع سامان دهیم و افزون بر آن را بر شرع تحمیل نکنیم. ضرورت دارد که در این گونه امور با احتیاط و ظرافت عمل کنیم و زمام امر هدایت فرهنگ عمومی را به دست آگاهان و عالمان فرزانه و دلسوز قرار دهیم که صلاحیت و مرجعیت این امور را دارند و نه کسانی که تنها دغدغه شور و انگیزه مذهبی دارند.

چه بسا این قبیل رفتارها، برای فرد انجام دهنده و برای کسانی که بدان عمل می کنند، گرفتاری هایی به همراه داشته باشد. اقامه شعائر من در آوردی، آن هم در حد افراطی اش و استناد دادن آن به شرع، قطعاً شبهه بدعت در آن وجود دارد»^(۱).

۱- عاشورا، عزاداری، تحریفات، مصاحبه با آیت الله محمد هادی معرفت، ص ۵۲۸.

ص: ۱۸۷

آنچه مسلم است اینکه دامن زدن به چنین رفتارهایی و تأسیس دهه های سوگواری با بسیاری از آموزه های دینی همخوانی ندارد و متأسفانه گسترش فزاینده این روش ها، نیز به میدان رقابت هم کشیده شده است و عدم مخالفت صریح علما با آن موجب شده تا بعضی از مردم ناآگاه، در دو راهی تفریط و افراط قرار گرفته و یکی از این دو مسیر را دنبال کنند.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

«إِنَّ الْبُكَاءَ وَالْجَزَعَ مَكْرُوهٌ لِلْعَبْدِ فِي كُلِّ مَا جَزَعَ مَا خَلَا الْبُكَاءَ وَالْجَزَعَ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ فِيهِ مَأْجُورٌ؛ برای بنده، سوگواری و گریستن در تمام امور مکروه و ناپسند است؛ مگر گریستن و سوگواری کردن بر حسین بن علی علیه السلام که شخص برای گریستن مأجور است»^(۱).

سوگواری امام حسین علیه السلام ابزاری برای رشد معنوی انسان ها و احیای ارزشهای الهی است و همین فلسفه است که آن را در طول تاریخ زنده نگه داشت و به رسانه ای قوی تبدیل کرد. تلاش همگان باید معطوف به حفظ این رسانه باشد و از آن پاسداری کنند.

البته همواره بزرگانی بودند که در مواقع حساس به میدان آمدند و هشدارهای لازم را داده اند. نمونه اخیر آن سخنان آیت الله شبیری زنجانی در جمع شماری از طلبه ها و روحانیون حوزه علمیه قم است که ترویج دهه های پیاپی سوگواری را زمینه ساز رویگردانی جامعه از سوگواری اهل بیت علیهم السلام دانستند و گفتند:

«همین طور پشت سرهم دهه درست کردن، توسط جامعه قابل

۱- جعفر بن محمد ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، باب ۳۲، ص ۱۰۰.

ص: ۱۸۸

پذیرش نیست و به مرور زمان زمینه انکار مجموعه سوگواری ها را به وجود می آورد. افراط در سوگواری ها به تفریط می انجامد. حدیث خاصی راجع به مدت زمان سوگواری ها وجود ندارد. از نظر شرعی هتک حرمت عزای اهل بیت علیهم السلام خلاف شرع است، اما اینکه چه کاری هتک حرمت است را خود افراد باید تشخیص بدهند.

امروزه برخی از منبری ها و بعضی از مداح های بی تقوا حرف های بی سند و مجالس بی سندی را ترویج می کنند. نظر عرف، پس از ترویج آن در جامعه، ممکن است به اینکه هر گونه مجلس شادی در این ایام، هتک حرمت باشد تغییر کند؛ البته در این صورت موضوع هتک حرمت محقق است و افراد هم شرعاً موظف اند هتک حرمت نکنند، ولی آیا ما باید دنبال این باشیم که آن قدر در اذهان مردم بعضی از مصادیق را به عنوان هتک سوگواری مطرح کنیم و آن را تبلیغ کنیم تا واقعاً عرف آن را هتک بدانند؟ آیا شرع چنین سفارشی به ما کرده است؟^(۱)

گفتنی است فرهیختگان حوزوی باید در این بخش نیز فعالیت کنند، زمام امور را به دست بگیرند و به نقش رهبری خود پردازند، نه اینکه نظاره گر باشند و در مواقعی نیز موضع انفعالی داشته باشند.

در این باره توجه به دو نکته حائز اهمیت است: نخست تأسیس دهه های سوگواری نیاز به واکاوی کنکاش فقهی و مطالعه جدی دارد و آیا می توان از شرع بر شرعی بودن آنها تأییداتی اقامه کرد یا نه؟ و در

۱- سخنان آیت الله شبیری زنجانی در جمع عده ای از طلاب در دفتر معظم له در تاریخ WWW.Zanjani.ir ۲۱/۱۲/۱۳۹۲

ص: ۱۸۹

صورتی که این قبیل دهه های سوگواری تأسیس شود، باید در نمونه های هتک حرمت با حساسیت بیشتری رفتار کرد؛ زیرا در عزاداری با این گستره نمونه های هتک حرمت زندگی اجتماعی با مشکلات و ابهاماتی مواجه می شود که ضرورت دارد متولیان امور دینی تکلیف را درباره آنها بیان نمایند.

ص: ۱۹۱

فصل پنجم: راهکارها و پیشنهادات

اشاره

فصل پنجم: راهکارها و پیشنهادات

زیر فصل ها

راهکارها و پیشنهادات

۱. راهکارهای رسانه ای

۲. راهکارهای پژوهشی و علمی

۳. سازماندهی های امور فرهنگی و تبلیغی

ص: ۱۹۳

راهکارها و پیشنهادات

اشاره

راهکارها و پیشنهادات

مبارزه با آسیب‌ها کاری آسان نیست و جریان‌سازی، بسیج امکانات و ظرفیت‌ها از پیش‌نیازهای آن است. انجام چنین‌مأموریتی آن‌هم به‌گونه‌ای مناسب و همه‌جانبه از عهده رسانه ملی خارج است، بلکه همکاری و همراهی تمامی نهادهای علمی، پژوهشی مرتبط و به‌ویژه حوزه‌های علمی را می‌خواهد. در این فصل با توجه به آسیب‌های مطرح‌شده به راهکارهای غیررسانه‌ای نیز اشاره می‌شود؛ زیرا در امر سوگواری چندین نهاد و سازمان دخالت دارند و این نهادها مانند قطعات پازلی هستند که در پیوند با یکدیگر، هم‌راست می‌کنند. رسانه ملی در این راهکارها نقش بزرگی را می‌تواند ایفا نماید و آن‌هم عبارت است از: جریان‌سازی و پرسش‌گری که می‌تواند به کمک آن بسیاری از این موضوعات و مباحث را در جایگاه خواسته‌جامعه‌مذهبی، علمی و دینی، با متولیان این حوزه مطرح کند و با طرح مباحث مرتبط با سوگواری در قالب برنامه‌های میزگرد و گفت‌وگومحور با حضور کارشناسان این بخش، به بسط و فراگیری آن کمک نماید.

بدین‌سان در بخش اول راهکارهای رسانه‌ای، در بخش دوم راهکارهای پژوهشی، فرهنگی و تبلیغی و در بخش سوم به سازماندهی

ص: ۱۹۴

امور فرهنگی، پرداخته خواهد شد؛ اما پیش از ورود به راهکارها یادآوری چند نکته ضروری است:

نکته اول

نکته اول

در مبارزه با آسیب‌های سوگواری باید دقت نظرهای لازم صورت بگیرد تا نتیجه عکس به دست نیاید؛ زیرا شمار زیادی از این آسیب‌ها به مرور زمان، بخشی از بدنه و ساختار سوگواری پنداشته شده است و بسیاری از افراد به نیت اینکه اینها جزء آیین‌های سوگواری هستند و سوگواری تلقی می‌شوند، آنها را انجام می‌دهند و هرگز به این مسئله توجهی ندارند که اینها خلاف واقعیت است یا مصداق سوگواری نیست. از این رو، این افراد در رویارویی با مخالفت‌هایی که حتی از سوی افراد آگاه و عالم صورت می‌گیرد، از خود واکنش‌های شدید بروز می‌دهند و درباره عمل مزبور تعصب می‌ورزند و ترک آن رفتار و عمل را کوتاهی در عرض ارادت به محضر امامان معصوم علیهم السلام می‌پندارند. بنابراین، قبول کردن خلاف آن پندار، برای آنان سخت می‌نماید. از سویی این واکنش‌ها معمولاً حد و مرزی نمی‌شناسد و حتی در برخی موارد در برابر سخنان، نظر و رأی مراجع نیز رخ داده است.

مرحوم آیت‌الله محمد هادی معرفت در گفت و گویی به نمونه‌ای از این رفتارها و واکنش‌های نادرست افراد ناآگاه با مرجعیت دینی اشاره می‌کند و می‌گوید: «آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی مرجع تقلید جهان تشیع در یک مواجهه با عوام که نظرش خلاف آنان بود شرایط به گونه رقم خورد که ایشان ناچار به ترک نجف و راهی کربلا گردید

ص: ۱۹۵

و در آنجا نیز محافظینی بر ایشان گماشتند که نجفی‌ها به او آسیبی نرسانند»^(۱).

یا در ماجرای درباره آیت الله بروجردی رحمه الله گفته اند: «ایشان برخی از این برنامه‌ها را که به عنوان سوگواری انجام می‌شد، زیر سؤال بردند. عده‌ای از رؤسای هیئت‌ها رفتند خدمت آقای بروجردی و گفتند: ما در این دهه مقلد شما نیستیم؟»^(۲).

نکته دوم

نکته دوم

مسئله فرهنگ‌سازی، بدون حمایت‌های همه‌جانبه و اساسی قوای سه‌گانه نظام، مراکز و سازمان‌هایی چون، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، ستاد ائمه‌جمعه، سازمان اوقاف و امور خیریه و از همه مهم‌تر و اثرگذارتر صدا و سیما امکان‌پذیر نیست.

بدیهی است که در نبود راهبردی بلندمدت، چشم‌انداز و تقسیم‌کار نمی‌توان نتیجه ملموس و مشخص را انتظار داشت؛ چه بسا اگر وحدت‌رویه و هم‌افزایی در میان این مراکز و سازمان‌ها وجود نداشته باشد، به جای کمک به یکدیگر، به موازی‌کاری و تضعیف یکدیگر می‌انجامند و حرکت به سوی هدف را بیش از پیش کند خواهند کرد.

با توجه به تلاش دشمنان و فعالیت‌های چشمگیر آنان؛ ضروری است که تمام نهادها و سازمان‌های مرتبط با این موضوع، هم‌افزایی و مشارکت

۱- عاشورا، عزاداری، تحریفات، مصاحبه با آیت الله محمد هادی معرفت، صص ۵۲۳ و ۵۲۲.

۲- عاشورا، عزاداری، تحریفات، مصاحبه با آیت الله محمد هادی معرفت، صص ۵۲۳ و ۵۲۲.

ص: ۱۹۶

همه جانبه ای را در دستور کار خود قرار دهند تا بتوان در تغییر وضع موجود و حرکت به سوی وضع مطلوب گام برداشت؛ گرچه دگرگون کردن وضع موجود کار ساده ای نیست و همواره با مقاومت هایی همراه است. از این رو، تلاش های تدریجی، مستمر و حساب شده، بیش از پیش ضروری می نماید.

نکته سوم

نکته سوم

نخستین گام برای بهره مندی درست از آیین های مذهبی شناخت ماهیت آنهاست و با واکاوی این مناسک باید درون مایه آنها را به مخاطبان شناساند. در این صورت است که مخاطب می تواند با آگاهی کافی درباره آن آموزه ها اقدامی مناسب کند.

۱. راهکارهای رسانه ای

اشاره

۱. راهکارهای رسانه ای

رسانه ملی همچون سایر متولیان دینی و فرهنگی در بخش تحریف ها و آسیب های سوگواری، وظیفه سترگی بر عهده دارد. از این رو، این بخش به راهکارهای رسانه ای اختصاص یافت تا بتوان از توانمندی، کارکردها و ظرفیت های رسانه ملی در ارائه سوگواری مطلوب کمک گرفت و در پیراستن سوگواری از چنین آسیب هایی گام مؤثری برداشت؛ زیرا رسانه ملی از سویی باید مراقبت کند تا در دام تحریف ها و آسیب های سوگواری گرفتار نشود و خود عامل ترویج آنها نباشد و از سوی دیگر، با شناسایی آسیب ها و ارائه راه حل های مناسب به مبارزه با چنین کاستی هایی برخاسته، مخاطبان را درباره پیامدهای چنین معضلاتی آگاه سازد.

ص: ۱۹۷

تلویزیون

تلویزیون

نقطه کانونی راهکارها در این پژوهش متوجه تلویزیون است؛ زیرا کارکرد و گستره استفاده از آن موجب می شود که در راهکار بیشتر به آن پرداخت. از این رو، مرور کارکردها و ویژگی های آن ضروری می نماید.

گرچه تلویزیون ابزاری چند رسانه ای است، ولی تصویر است که در آن برجسته است و زبان تصویر نیز از بیان مفاهیم کلی عاجز است. در مجموع، تلویزیون رسانه ای است که ماهیت سرگرمی دارد و القای تفکری سطحی به مخاطب نیز از آفت های آن است؛ اما این تلقی مانعی برای بهره مندی از ظرفیت رسانه ملی برای تبلیغ آموزه های دینی نیست؛ چه بسا شناخت درست ماهیت تلویزیون به استفاده بهتر از ظرفیت ها و توانمندی های آن در این بخش کمک می نماید.

تلویزیون با ترغیب مخاطب به مشاهده و ارائه سریع پیام مجالی برای تفصیل و اندیشیدن نمی گذارد؛ بلکه بیشتر با اجمال سر و کار دارد؛ حوزه عمومی را تنگ و افراد به جای تبادل نظر با یکدیگر (دیالوگ) به سمت خویش و گوش دادن به خویش (منولوگ) فرا می خواند. (۱) تلویزیون واقعیتی است که در کنار ما وجود دارد و بخش زیادی از عمر آدمیان پای این جعبه جادویی می گذرد و مرکز و محور خانه است. به گونه ای که حتی وسایل خانه پیرامون آن سامان می گیرد و تزئین می شود. امروزه حضور تلویزیون به عنوان یک واقعیت، پذیرفته شده است و کمتر سخن از جایگزین آن به میان می آید؛ بلکه معمولاً همواره سؤال از این است که محتوای تلویزیون چه باشد؟

۱- محمد الیاس قنبری، سایت فارس نیوز.

ص: ۱۹۸

رسانه ملی نیز تلاش کرده است تا از این ابزار قدرتمند برای نشر معارف و آموزه های مذهبی بهره گیرد و از این فرصت برای تقویت معرفت دینی مخاطبان استفاده کند. برنامه های مذهبی رسانه ملی، در عین تأثیرات مثبت و سازنده از آسیب نیز به دور نیست.

از سویی مخاطب، تلویزیون را در قالب یک واحد تأیید شده می یابد؛ در کشور ما رسانه ملی به ویژه بر توده های مختلف مردم اثر انکارناپذیری دارد، از سویی در بخش برنامه های اسلامی نیز مرجعیت ویژه ای نزد عوام دارد. از این رو، مخاطب رسانه ملی تمام سخنان کارشناسان، سخنرانان و حتی مجریان این رسانه را به عنوان سخن دینی و مقبول می شناسد و معیار عمل خود قرار می دهد، به آن استناد می کند و این تلویزیون را به یکی از منابع اعتبار؛ بدل می کند.

با چنین تصویری از رسانه ملی، حساسیت رسانه در طرح تمامی مطالب و موضوعات بسیار بالا بوده و البته در موضوعات دینی و مذهبی صدچندان خواهد شد؛ زیرا یک بحث ترویج و اشاعه است و دیگری بحث جهت، اعتبار و مرجعیت است که رسانه در این میان دارد. همچنین یکی دیگر از مسائل مهم این است که محتوای رسانه ملی زیر ذره بین شبکه های مختلف دینی و ضد دینی و ماهواره ای به ویژه وهابی مسلک است تا بتوانند نکته ای را به عنوان سوژه بیابند و به کمک آن علیه مذهب شیعه جریان سازی نمایند.

مجالش سوگواری امام حسین علیه السلام و ظرفیت رسانه ای آن

مجالش سوگواری امام حسین علیه السلام و ظرفیت رسانه ای آن

سوگواری سید و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام از دیرباز تاکنون فعالیت های چشم گیری را بر جای گذاشته است و مهم ترین و

اثرگذارترین آیین شیعه شمرده می شده است. امروزه حتی با وجود رسانه های مدرن، کارکرد آن بیش از پیش مورد توجه و اقبال عموم قرار گرفته و جانشینی نیز ندارد. با اذعان به اینکه «رسانه های جمعی با همه توانمندی های خود نمی توانند جایگزین رسانه های سنتی شوند» (۱) سوگواری نیز از این قاعده پیروی می کند.

در مجالس سوگواری امام حسین علیه السلام با مخاطب تماس مستقیم و چهره به چهره وجود دارد و این به هیچ وجه قابل مقایسه با رسانه ای چون تلویزیون نیست که تماس مستقیم ندارد؛ زیرا: ارتباطات جمعی بر خلاف ارتباطات سنتی تماس مستقیم پیام دهنده و پیام گیرنده را از میان می برند. (۲) ارتباط مستقیم و دو طرفه، کنش و واکنش های عاطفی و روانی دو جانبه را در بر دارد. از این رو، در گذشته آموزش های مذهبی و عمومی نیز به صورت مجالس وعظ و خطابه در منبرها، نمازهای جماعت و جمعه، سوگواری، روضه خوانی و کلاس های درس بوده است و ارتباط با مردم نیز به همین روش بود. مردم نیز مسائل دینی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی خود را به صورت چهره به چهره و بدون هیچ گونه واسطه ای دریافت می کردند و در متن واقعیت قرار می گرفتند.

گفتنی است، هر یک از رسانه ها فضای خاصی از سپهر رسانه ای ملی یا جهانی را اشغال کرده اند؛ بدین سان می توان گفت که وسایل ارتباط جمعی رقیب یکدیگر هستند. این نوشتار در صدد بیان کند که چگونه می توان از ظرفیت و کارکردهای رسانه ملی در جهت ترویج

۱- کاظم معتمدنژاد، وسایل ارتباط جمعی، ص ۱۳۷.

۲- کاظم معتمدنژاد، وسایل ارتباط جمعی، ص ۱۲۸.

ص: ۲۰۰

شیوه های مطلوب سوگواری بهره گرفت؛ زیرا امروزه تلویزیون به عنوان رسانه ای پر مخاطب، گسترده، در دسترس و ارزان کمابیش در هر خانه ای یافت می شود و رسانه ای با قابلیت های فراوان است. و از سوی دیگر، رسانه ملی اهداف و سیاست های کلان نظام اسلامی را الگوی برنامه ریزی خود قرار داده است و در این میان ساخت برنامه های مناسبی برای رسانه ملی از حساسیت و اهمیت دو چندان برخوردار هستند؛ بنابراین همواره تلاش می کند تا از تمامی توانمندی های خود در این بخش بهره بگیرد تا بتواند با عمق بخشی به آموزه های دینی مخاطبان را در شناخت بهتر شعائر دینی یاری نماید.

ناگفته پیداست همه افرادی که در مجالس سوگواری شرکت می کنند، در پی کسب فضیلت و معنویت (کارکرد ارشادی) هستند، اما زمانی که چنین برنامه و مراسمی از تلویزیون پخش می شود، این امکان بسیار است که تمایل مخاطب به ارضای نیازهای تفریحی خود بر کارکرد ارشادی تلویزیون مقدم گشته و غلبه یابد.

اذعان به این نکته که ماهیت تلویزیون در جایگاه رسانه ای مدرن، تفریحی و سرگرمی است، نباید مورد غفلت قرار بگیرد؛ زیرا «وسایل ارتباط جمعی به عنوان مهم ترین ابزار تفریحی و سرگرمی افراد به شمار می روند که با پخش و انتشار برنامه های سرگرمی کننده بر الگوی رفتار اوقات فراغت انسانی اثراتی تعیین کننده دارند و از این طریق است که فرد از تنهایی و زندگی روزمره اش رهایی می یابد و با محیط بیرونی تماس برقرار می کند»^(۱).

چنین کارکردهایی، رسانه های سنتی را از رسانه های مدرن متمایز

۱- محمد دادگران، مبانی ارتباطات جمعی، ص ۱۲۶.

ص: ۲۰۱

می‌کند. به گونه ای که می‌توان گفت، در رسانه مدرن کارکرد سرگرمی غلبه دارد، اما در رسانه های سنتی کارکرد ارشادی بیشتر چیره است.

به هر حال، همان گونه که اشاره شد سوگواری امام حسین و دیگر ائمه علیهم السلام فرصتی استثنایی برای ترویج، تبلیغ، تبیین و معرفی آموزه های دینی به طور عام و سیره اهل بیت علیهم السلام و معارف بلند شیعی به طور ویژه است. بنابراین، مسئولیت ها و تکالیفی متوجه رسانه ملی است که نیاز است در این بخش نقشی فعال و پیشرو داشته باشد.

در کنار پوشش خبری و اطلاع رسانی مراسم سوگواری در گوشه و کنار کشور و جهان، وظیفه مهم تر، برنامه ریزی و برنامه سازی برای بهره مندی از این فرصت استثنایی است، از این رو، رسانه ملی باید در پوشش خبری و اطلاع رسانی از آیین های در حال اجرا و برنامه های هنری تولید شده تعادل برقرار کند؛ یعنی از آنچه هست بگذرد و به آنچه باید باشد، پردازد و رعایت سهم و وزن هر کدام از این دو بخش را به صورت جدی در دستور کار قرار بدهد. چند سالی است که صدا و سیما روشی رو به پیشرفت را برای برنامه سازی ماه محرم پیدا کرده است. در ماه محرم جامعه ما با توجه به صبغه فرهنگی و حافظه تاریخی اش روحیه ای غمگین دارد. از همین رو، ساخت و پخش برنامه هایی در دستور کار قرار گرفته و مورد توجه واقع شده. که با چنین فضایی همخوانی دارد.

نگاهی به برنامه های سوگواری رسانه ملی

نگاهی به برنامه های سوگواری رسانه ملی

ارائه راهکارهای مناسب برای بیان مطلوب دین به طور عام و امر سوگواری به طور ویژه از زبان رسانه ملی، به برداشتن گامی اولیه و در

ص: ۲۰۲

عین حال اساسی نیاز دارد و آن شناخت و آگاهی از وضعیت موجود برنامه های سوگواری رسانه ملی است؛ اینکه رسانه ملی چه سطحی از این سوگواری ها را پوشش می دهد. از این رو، مروری اجمالی بر گونه های مختلف برنامه هایی که در ایام سوگواری از رسانه ملی پخش می شوند، لازم است. اگر بخواهیم با رویکرد گونه شناسی به برنامه هایی که رسانه ملی در سال های گذشته پخش کرده نگاه کنیم می توان سه گروه برنامه را شناسایی کرد و بر شمرد:

۱. برنامه های نمایشی

در برنامه های نمایشی که بیشتر آن پخش قصه هایی است که محرم و مناسبت های آن به عنوان مؤلفه اصلی داستان و در بستر درام به تصویر کشیده می شود. رسانه ملی در این چند سال، تعدادی اثر نمایشی را تولید و پخش کرد که کمابیش تجربه موفقی بود، اما به صورت منظم ادامه نیافت. به طوری که به نظر می رسد نهان سازی تولید برنامه های نمایشی مناسب ایام سوگواری، ضرورت دارد و باید برای شبکه ها ماموریت هایی تعریف شود تا بتوانند برنامه های مناسب هنری را تولید و پخش کنند. گزارش برخی از تلاش هایی که در سال های گذشته صورت گرفته و کم و بیش تجربه موفقی نیز بوده در ذیل می آید:

نوروز ۱۳۸۰، با ماه محرم و سوگواری سید و سالار شهیدان مصادف شد. تدبیر صدا و سیما آن بود که برنامه هایی تولید شود که در عین سرگرم کردن مردم، ارزش های ماه محرم را نیز با خود به همراه داشته باشد. به همین دلیل، ساخت یک سریال با این اهداف، در دستور قرار گرفت و سناریوی شب دهم به تصویب رسید. این سریال با استقبال

ص: ۲۰۳

قابل توجهی از سوی مخاطبان مواجه شد. به گونه ای که بهترین سریال مناسبتی محرم تا به امروز بوده است و توانسته نظرات مخاطبان هدف و حتی مخاطبان گذری تلویزیون را به خود جلب کند. و به گونه ای مقدمه ساخت سریال های محرمی شد. در این سریال افزون بر ارتباط نمادین مضمون قصه با فلسفه عاشورا، مراسم سوگواری و به ویژه تعزیه به عنوان نمایش و هنری مذهبی به شکلی دراماتیک مورد استفاده قرار گرفت.

معصومیت از دست رفته (۱) این سریال به دلیل طولانی بودن قسمت های آن، پس از دهه اول ماه محرم به صورت هفتگی به پخش ادامه داد و توانست نظرات بسیاری را به خود جلب نماید. این سریال در مقایسه با سریال های سال های قبل، در زمان قدیم روایت می شد و با توجه به خط سیر اصلی داستان و بدون بهره گیری از حوادث فرعی در داستان، شکلی قدرتمند از روایت را به تصویر بکشاند. این سریال با همین رویکرد داستانی توانست موفقیت شب دهم را به نوعی تکرار نماید.

سریال جابربن حیان (۲) اگرچه با دقت بسیاری ساخته شده بود، اما به دلیل نگرش مستندگونه سناریوی این سریال، به بعد داستانی آن توجه چندانی نشده بود تا این سریال نیز دچار همان مشکلی شود که عمده فیلم ها و سریال های تاریخی گرفتار آن می شوند و با اقبال چندانی از سوی مخاطبان روبه رو نشد و متأسفانه در زمان پخش چندان توجهی به سریال جابربن حیان نشد.

۱- این سریال در ایام محرم سال ۱۳۸۲ از رسانه ملی پخش شد.

۲- این سریال در محرم سال ۱۳۸۵، پخش شد.

ص: ۲۰۴

اگرچه فیلمنامه سریال پریدخت (۱) پر جزئیات و بازی های خوبی داشت، اما نتوانست بین سریال های ماه محرم به اثری جریان ساز تبدیل شود.

بررسی سریال های پخش شده در مناسبت های سوگواری نشان می دهد، سریال شب دهم، نخستین سریال جدی صدا و سیما در ایام محرم بود و همین سبب شد تا مردم از برنامه هایی که بیش از ۲۰ سال بود که در این ایام از صدا و سیما پخش می شد و ساختار چندان نویی نیز نداشت، به سریال های این چینی گرایش پیدا کنند؛ در آن زمان تلویزیون توانست مخاطبان بیشتری را جلب کند و به بینندگان خود حق انتخاب دهد؛ زیرا هم برنامه ها با ساختار پیشین ادامه یافت و سریال هایی مناسبتی برای این ایام پخش می شد. تولید و پخش این چند اثر نشان داد؛ چنانچه مدیران رسانه ملی عزم خود را جزم نمایند، سوژه های مناسبی برای تولید برنامه هایی با موضوع محرم وجود دارد. همچنین ساخت برنامه های هنری می تواند به بهبود دانسته ها و سطح عمومی آگاهی جامعه در عرصه های مختلف کمک کند. ساخت مجموعه های تلویزیونی به دلیل پاره ای از مسائل همچون، هزینه بالای تولید، فقدان فیلمنامه های مناسب و... چندان با اقبال مدیران رسانه ملی روبه رو نمی شود و آن اهمیتی که برای تهیه برنامه های ویژه ماه رمضان هست، برای تولید برنامه های ویژه محرم وجود ندارد؛ در صورتی که جای خالی چنین برنامه هایی روی آنتن رسانه ملی به طور چشمگیری محسوس است. بنابراین، رسانه ملی

۱- این سریال در محرم سال ۱۳۸۶، پخش شد.

ص: ۲۰۵

باید برای انتقال بهتر پیام، با برنامه ریزی دقیق و حساب شده، ساخت برنامه های هنری و فاخر را در دستور کار شبکه ها قرار بدهد.

۲. برنامه های ترکیبی

این بخش شامل انواع میزگرد و برنامه های گفت و گومحور است که به طور معمول در آنها به تبیین، تجزیه و تحلیل نهضت حسینی و فلسفه قیام آن حضرت علیه السلام می پردازند. این برنامه ها به دو شکل ساخته می شوند: یا در خود صدا و سیما و استودیو ها تولید شده؛ یا سخنرانی های سخنرانان مشهور در مساجد و مجالس سوگواری، ضبط و پخش می شود. از سویی، بیشتر برنامه های گفت و گومحور رسانه ملی از سبکی ویژه و شیوه ای ابتدایی پیروی می کنند و کمتر شاهد نوآوری در این گونه برنامه ها هستیم. همچنین به گونه ای پخش پر شمار آنها موجب ملال مخاطب شده و نیازمند بازنگری جدی در قالب و ساختار هستند.

۳. برنامه های آیینی سوگواری

این برنامه خود گستره ای از برنامه ها چون: مداحی، سخنرانی ها و روضه خوانی را در بر می گیرد که در ذیل به آنها اشاره می شود.

الف) مداحی ها

این گونه از برنامه ها بخش زیادی از برنامه های رسانه ملی در روزهای محرم را شامل می شود و بیشتر به صورت سینه زنی و زنجیر زنی است. نشان دادن دسته های سوگواری، سینه زنی و زنجیر زنی و مراسم سوگواری از مهم ترین اجزای این برنامه ها است. برخی از این برنامه ها

ص: ۲۰۶

نیز گونه های مردم شناختی و فرهنگ شناسانه دارد و آیین و مناسبات ویژه بومی و منطقه ای را درباره محرم به تصویر می کشد؛ زیرا تلویزیون در این برهه از زمان نیز درصدد است در کنار توجه و تبلیغ ارزش های معنوی و اعتقادی این ماه به رسالت آگاهی بخشی و اطلاع رسانی خود در مقام رسانه عمل کند.

پخش زنده برنامه های سوگواری به ویژه سینه زنی و زنجیر زنی در گوشه و کنار کشور یکی دیگر از گونه های پخش مداحی است که تحسین بزرگان حوزه دین و مسئولان فرهنگی را در پی داشته است و به طور معمول با صدور بیانیه های سپاسگزاری نیز همراه است.

یکی از مسائلی که در سالهای گذشته در ایام سوگواری ماه محرم شاهد آن هستیم، راه افتادن هیئتها، دسته ها و گردهم آیی های بسیار بزرگ برای سوگواری است. در پی پخش این گونه برنامه ها و برجسته سازی برخی از نمونه های آن، رقابت سنگینی را در این بخش میان استان ها و شهرستان ها پدید آمده، انتظاراتی را نیز ایجاد کرده و به خواسته و حقی برای آنان تبدیل شده است؛ به طوری که همه هیئتها، دسته ها و همایش های سوگواری انتظار دارند که رسانه ملی برنامه های آنها را پوشش دهد؛ گر چه بسیاری از برنامه های سوگواری به دلیل ویژگی های زمانی، مکانی و یا دیگر ملاحظات رسانه ای مجال پخش از رسانه ملی را ندارند. اگر رسانه ملی انتظارات ایجاد شده را مدیریت نکند؛ چه بسا همین فرصت تبدیل به تهدید و چالش شود.

آنچه در این میان قابل تأمل و دقت نظر است، بررسی محاسن و آسیب های احتمالی شکلگیری این نوع از سوگواریهاست و پخش تلویزیونی برخی از این همایش ها است.

ص: ۲۰۷

در مجموع یادآوری چند نکته در این باره ضرورت دارد:

۱. نوع پرداختن این چینی از سوی رسانه ملی باید مورد مطالعه، واکاوی، بازنگری و بازخوردگیری قرار بگیرد، که دامن زدن به چنین شیوه ای مطلوب است یا خیر؟ و اینکه تداوم آن چه فرصت ها و تهدیداتی را در پی خواهد داشت؟
 ۲. در مجموع رسانه ملی در این نوع پرداخت، تناسب و تعادل بین گونه های سوگواری را رعایت نکرده و بیشتر مراسم سینه زنی و زنجیر زنی را پخش می کند که به حوزه احساس و عاطفه بازمی گرداند؛ البته وجود شور نیز در کنار حماسه ضرورت دارد و لازم است، اما سخن این نوشتار توجه به این نکته است که باید تعادل بین گونه های مختلف سوگواری رعایت شود، و با توجه به درجه اهمیت و کارکرد گونه های سوگواری به آنها پرداخته شود.
 ۳. به وجود آمدن فرصت های پیام آفرینی طولانی (چند ساعته) برای کسانی که برای هدایت گری و پیام آفرینی دینی تربیت نشده اند، در نهایت به کمرنگ شدن جایگاه منبر در مقام رسانه اصیل و سنتی، منجر می شود.
 ۴. برجسته شدن برخی از گونه های سوگواری و غفلت از دیگر آیین های سوگواری.
 ۵. کم شدن حضور پیام آفرینان با صلاحیت حوزوی به عنوان حاملان پیام های اصیل دینی در این گونه مجالس.
- ناگفته پیداست که ظرفیت رسانه ملی به مراتب بیش از این است و توانایی ایفای نقش های مهم تر و بیشتری را دارد. بنابراین، انتظار می رود در این بخش هوشمندانه تر و با حساسیت بیشتری حاضر شود و به ملاحظات ویژه سوگواری نیز توجه کند.

ب) سخنرانی و روضه خوانی

بخش دیگری از برنامه های ایام سوگواری پخش سخنرانی و روضه خوانی است. ناگفته پیداست که منبر رسانه ای منحصر به فرد برای جوامع اسلامی است که از آغاز ظهور اسلام تاکنون آثار و برکات خود را در جامعه به گونه های مختلف نشان داده است؛ در دوره های مختلف از جمله در جریان پیروزی انقلاب اسلامی نیز توان اطلاع رسانی و اثر گذاری خود را اثبات کرده است. آنچه مهم است اینکه از منبر با این رسالت عظیم تاریخی به درستی، بجا و به بهترین شکل استفاده بشود؛ زیرا «اگر منبر در ایران روزی جایگاهش را از دست بدهد، به این علت خواهد بود که ممکن است بکار گیرندگان آن ماهیتش را از یاد ببرند یا آن را به کار دیگری بگیرند که فاقد خصلت منبر است، فرستادن مداح به پله های منبر به جای فرستادن واعظ، یکی از چنین فرضیاتی است» (۱).

پخش سخنرانی ای که در شرایط ویژه، با حضور مخاطب خاص و برای شماری از افراد محدود بیان شده است از تلویزیون برای مخاطبان میلیونی در گستره وسیعی، چندان مناسب نیست و شرایط دیگری را می طلبد. از این رو، پیشنهاد می شود رسانه ملی به تولید برنامه هایی از این قبیل و نیز متناسب با فضای رسانه ای پردازد تا از آسیب ها و شیوه های نادرست مصون باشد.

روضه خوانی، از حساسیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا روضه هنگامی تأثیر مطلوب خود را به جای می گذارد که در فضایی ویژه خود

۱- مهدی محسنیان راد، منبر رسانه ای که نمی میرد، رونامه ایران، ۱۳۸۲/۰۸/۲۴.

ص: ۲۰۹

به مخاطب عرضه شود و نمی توان آن را در خیلی از حالات شنید و بهره های لازم را از آن برد.

در پایان، شکی نیست که پخش سخنرانی، مداحی و روضه از تلویزیون فایده ها و آثار فراوانی دارد، از جمله اینکه دست کم برای برخی افراد که از شرکت حضور در این مناسک (به دلایلی چون کهولت سن، بیماری و...) محروم هستند، دسترسی را آسان می سازد و تبلیغ و اطلاع رسانی بی مانندی برای آشنایی یا شرکت کردن در این مراسم می کند، اما اینها نمی تواند دلیل بی برنامهگی رسانه ملی در این میدان شود؛ زیرا روشن است که پخش همه جانبه، یک سویه و افراطی این گونه مراسم آسیب هایی در پی خواهد داشت که ضرورت دارد تهیه این گونه برنامه ها در قالب های تلویزیونی، کوتاه مدت و هنری در دستور کار قرار گیرند و از شیوه رایج که بیشتر تأمینی است، فاصله بگیرد.

یکی از کارویژه های روضه خوانی و مداحی، گردهم آیی عزاداران و چهره به چهره شدن آنان است و پدید آمدن اثر گذاری و پدید آمدن حال و هوای دینی در آنها منجر می شود، انتقال این جمع ها به دورن خانه ها و شخصی سازی آنها، روح جمعی را نیز می ستاند. این کارکرد نیز باید همواره مد نظر رسانه ملی باشد.

سوگواری و کارکردهای رسانه

سوگواری و کارکردهای رسانه

کارکردهای رسانه در هر جامعه ای معطوف به آمیزه ای از نظام رسانه ای و نقش های پذیرفته شده است. رسانه ملی نیز از این چنین قانونی پیروی می کند و با توجه به کارکردهایی که دارد می تواند در تحقق مأموریت ها، برنامه ها و وظایف خود در این حوزه نقش آفرین باشد.

ص: ۲۱۰

رسانه ملی با توجه به گستره شبکه‌ها و تنوع فعالیت‌هایش، همچنین برخورداری از امکانات و فرصت‌های فراوانی که در اختیار دارد، می‌تواند نقش ممتازی در ترویج فضیلت‌های اسلامی و آموزه‌های اخلاقی ایفا کند؛ زیرا این رسانه تأثیر و نفوذ شگفت‌انگیزی در افکار، نگرش‌ها، باورها، عواطف و رفتارهای مخاطبان دارد و مستقیم یا غیرمستقیم بر مخاطبان اثر می‌گذارد.

کارکردهای رسانه ملی، که به اقتضای بایسته‌ها و آرمان‌های فرهنگی ناشی از انقلاب اسلامی، دانشگاه عمومی (۱) لقب گرفته و به رشد و هدایت توده‌ها بر اساس باورها، ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها، الگوها و رفتارهای دینی یا مورد تأیید دین مأموریت یافته، مضاعف خواهد بود. بدین سان به برخی از کارکردهای رسانه (۲) ملی اشاره می‌شود که با سوگواری امام حسین علیه السلام می‌تواند تعامل داشته باشد، و به ترویج آن کمک کند:

کارکرد الگوسازی

مجالس مذهبی به ویژه سوگواری‌ها تحت قالب‌های مختلفی چون روضه خوانی، نوحه خوانی، تعزیه و سخنرانی است که سخنرانان نقاط عطف و برگزیده‌ای از زندگی اهل بیت علیهم السلام را برای مخاطبان خود بیان می‌کنند. این سخنرانی‌ها خود به خود و با توجه به معیار بودن سیره و منش اهل

۱- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۶، ص ۳۹۹، ۱۳۵۷/۱۲/۲۹.

۲- نک: ورنر سورین و جیمز تانکارد، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، ص ۴۲۶ و ۴۵۴؛ علی اسدی، افکار عمومی و ارتباطات، صص ۱۰۸، ۱۱۹؛ کاظم معتمدنژاد، وسایل ارتباط جمعی، ص ۲۰.

ص: ۲۱۱

بیت علیهم السلام برای شیعیان منجر به کارکرد الگو سازی می شود؛ زیرا افزون بر تأکیدهایی که در متون دینی درباره الگو بودن پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او برای مؤمنان شده است، به طور طبیعی، در رابطه ای مبتنی بر محبت و عاطفه، محب همواره سعی می کند، هر چه بیشتر خود را به محبوب خود نزدیک کند و این مهم را با شبیه کردن هر چه بیشتر خود به او عملی می کند. حرکت عظیم کربلا نیز از آغاز تا انجام مجموعه ای بزرگ از این الگوها را گرد آورده است که رسانه ملی می تواند به معرفی آنها بپردازد که الگوی عملی، اخلاقی و رفتاری برای قشرهای مختلف مخاطب به شمار می آید.

از سویی، وظیفه ای که متوجه رسانه ملی است، مسئله چهره سازی است. این مسئله را نباید از نظر دور داشت که افرادی هستند که برای بهره مندی از همین ویژگی به دنبال دوربین و آنتن پخش هستند. هنگامی که رسانه از فردی در جایگاه کارشناس یا سخنران موضوع سوگواری استفاده می کند، باید دقت های لازم را داشته باشد که آن فرد واجد آن جایگاه باشد و از تخصص و تعهد لازم برخوردار باشد. بنابراین، رسانه ملی باید هوشمندانه در این بخش برخورد کند و هر کس را به اندازه خودش و با توجه به محتوایی که ارائه می کند، مطرح کند.

کارکرد آموزشی

آموزش یکی از کارکردهای مهم رسانه است. رسانه ها همواره در صدد هستند تا داشته ها و یافته های جدیدی را در اختیار مخاطبان قرار دهند. «آموزش اعم از آموزش کلاسیک و آموزش عمومی و غیر رسمی، که

غالباً به صورت غیرمستقیم و با هدف ایجاد، اصلاح و تغییر نگرش‌ها و رفتارهای عموم مخاطبان صورت می‌پذیرد» (۱).

آموزش عبارت است از: «مقام کنش‌ها، اثرات، راه‌ها و روش‌هایی که رشد و تکامل توانایی شخصیت انسان را تا ممکن‌ترین حد آن تعالی بخشند» (۲). آموزش یک فرآیند فراگیر است که تداوم آن تمامی حیات انسانی را در برمی‌گیرد و از این رو، برای آموزش نه‌زمان‌معین و نه‌مکانی‌مشخص وجود دارد، بدین‌سان رسانه‌های ارتباطی خواه برای این‌کار برنامه‌ریزی شده باشند و خواه نشده باشند، آموزش‌دهنده‌اند. در هر صورت رسانه‌ها شکل‌دهنده ارزش‌ها هستند و همواره مخاطبان از آنها اثر می‌پذیرند و می‌آموزند. آموزش اعم از آموزش کلاسیک و آموزش عمومی و غیررسمی است که بیشتر به صورت غیرمستقیم و با هدف ایجاد، اصلاح و تغییر نگرش‌ها و رفتارهای عموم مخاطبان صورت می‌پذیرد.

وسایل ارتباط جمعی به لحاظ ویژگی منحصر به فردی که دارند، چنانچه به درستی به کار گرفته شوند، می‌توانند همانند مدرسه و دانشگاه، در تربیت و آموزش افراد جامعه به خوبی عمل کنند. رسانه‌ها حتی از جهاتی نسبت به مدرسه و دانشگاه از امتیازاتی برخوردارند. برای نمونه، صحنه‌آرایی، تنظیم نور، صدا، حرکت و حتی برخورداری از قابلیت‌های تکرارپذیری برخی از صحنه‌های آموزشی به وسیله تلویزیون، می‌توان آموزش را از طریق این رسانه، با جاذبه بیشتر و کیفیت بهتر ارائه داد. (۳)

۱- ورنر سورین و جیمز تانکارد، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، ص ۴۲۶.

۲- محمد دادگران، مبانی ارتباط جمعی، ص ۱۰۹.

۳- باقر ساروخانی، جامعه‌شناسی ارتباطات، ص ۸۳.

ص: ۲۱۳

جامعه‌شناسان معتقدند که وسایل ارتباط جمعی با پخش اطلاعات و معلومات جدید، به موازات کوشش معلمان و استادان وظیفه آموزشی انجام می‌دهند و دانستنی‌های عملی، فرهنگی و اجتماعی دانش آموزان و دانشجویان و مخاطبان را تکمیل می‌کنند. (۱) رسانه ملی باید کارکرد آموزشی خود را در جهت درست و همگام با آموزه‌های دینی بکار گیرد که مدد کار این حوزه باشد.

در امر سوگوارى مسائل مهم و زیادى وجود دارد که رسانه می‌تواند با استفاده از فرصت‌ها و توانمندی‌هایی که در اختیار دارد به حوزه‌های مربوط به سوگوارى از جمله: بایسته‌های سوگوارى، فلسفه سوگوارى، آداب و فرهنگ سوگوارى، فقه سوگوارى، نذورات، آموزه‌ها دینی و اخلاقی، احکام، و... بپردازد و معارف بلند اسلامی را آموزش دهد.

کارکرد ارشادى و رهبرى

نقش رهبرى وسایل ارتباط جمعی در هدایت افکار عمومی، امری بدیهی است و تردیدی در آن نیست و بر اهمیت آن تأکید می‌شود.

در این کارکرد رسانه نقش رهبرى، هدایت و جهت‌دهی به افکار، باورها، علایق و رفتار جامعه را برعهده دارد و تلاش می‌کند تا در نقش یک هماهنگ‌کننده و هدایت‌گر خیرخواه، اهداف، روش‌ها، ابزارها، اصول و فرصت‌ها و تهدیدهای نهفته را به جامعه بشناساند و فرصت‌ها، خطرها و آسیب‌ها را رصد کند و در هنگام نیاز اخطارهای لازم را بدهد.

۱- کاظم معتمدنژاد، وسایل ارتباط جمعی، ص ۱۱۰.

ص: ۲۱۴

شاید مهم ترین انتظار که از رسانه ملی در مناسبت های دینی و مذهبی می رود، همین کارکرد باشد. انگیزش احساسات معنوی مخاطبان و تشویق آنها به رفتار بر مبنای باورهای دینی، نقطه محوری این کارکرد به شمار می آید.

«رسانه های گروهی با انگیزه سازی در مخاطب می توانند مشارکت اجتماعی را که از عمده ترین نقش های رسانه هاست، محقق سازند. این مهم یعنی انگیزه سازی برای مشارکت، نیازمند شناخت درست از نیازهای مخاطبان است»^(۱).

هدف در این کارکرد بهره مندی از ظرفیت رسانه ای برای بهبود و عمق بخشی به آموزه های دینی است تا جامعه را به سوی ارزش ها و باورها سوق دهد و از چنین توانمندی برای نهادینه سازی فضایل اخلاقی در جامعه استفاده کند.

همچنین در این کارکرد رسانه ملی می تواند مرجعی برای ارائه الگوی مناسب سوگواری باشد و این الگو را هم به مردم ارائه نماید و هم بتواند محافل سوگواری را تحت تأثیر قرار بدهد نه اینکه خود اثر پذیرد.

در این کارکرد رسانه باید بتواند مخاطب را به اندیشیدن وادار نماید و جایگاه امنی برای نقد، ارزیابی و نظارت دلسوزانه فراهم سازد تا با بهره مندی از بازوان مشورتی و پژوهشی بتواند سطح دانش، معرفت و آگاهی مخاطبان را در حوزه های مختلف ارتقا بخشند. همچنین با طراحی، برنامه ریزی و تولید برنامه در قالب های جذاب و هنری و با اولویت دادن به برنامه های کوتاه مدت می توان کارکرد ارشادی و رهبری را به گونه ای مؤثرتر نشانده رفت.

۱- سعید کریمی، رسانه و راه های تقویت مشارکت در حوزه های سیاسی و اجتماعی، ص ۱۲۴.

ص: ۲۱۵

انعکاس برنامه های سوگواری با رویکرد ارشادی از جهت شکل و محتوا نیاز به بررسی دارد؛ زیرا این گونه برنامه ها دارای چند ویژگی هستند که سبب روی گردانی و کاهش مخاطبان می شود:

۱. شکل، قالب و ساختار این برنامه ها با توجه به پخش آنها از تلویزیون بیشتر رادیویی هستند؛

۲. غالب این برنامه ها مستقیم گویی است، که این شیوه ابتدایی ترین روش است و ضرورت دارد شیوه های نوین جانشین آن شوند؛

بهره گیری از شیوه های مستقیم در انتقال و آموزش معارف دینی عادتى دیرینه در ارتباطات دینی ایران به شمار می آید، حال آن که دستاوردهای جدید در حوزه روان شناسی و آموزشی بر استفاده از روش های غیر مستقیم تأکید دارند؛(۱)

۳. در شیوه ارائه نیز تفکیک مخاطبان و توجه به ویژگی ها و امتیازهای آنها از سوی برنامه سازان صورت نمی گیرد.

برای تحقق این کارکرد در رسانه ملی، موارد ذیل پیشنهاد می شود:

۱. ایجاد فضای معنوی و ترغیب مخاطبان برای دریافت فضیلت ها و استفاده بهینه از این فرصت؛

۲. تقویت روحیه انقلابی و شهادت طلبی در راستای تحقق آرمان های اسلامی؛

۳. پیوند عاطفی میان امت ها، ملت ها و احاد جامعه اسلامی؛

۴. تلاش برای کسب آرامش و برطرف کردن دردهای درونی؛

۵. جهت دهی به تلاش ها و فعالیت های مذهبی در راستای فلسفه قیام عاشورا و بیداری امت اسلامی.

۱- ناصر باهنر، رسانه ها و دین، ص ۱۵۱.

کارکرد اطلاع رسانی

کسب اطلاع از حوادث و وقایع مهم داخلی و خارجی از طریق فرایند رصد و نظارت و انتقال آن به توده‌ها، با هدف افزایش آگاهی و ایجاد آمادگی‌های لازم برای رویارویی نظری و عملی با این مسائل؛^(۱) ارائه اطلاعات به روز و تازه از ویژگی‌ها و کارکرد‌های اصلی رسانه‌ها است. به گونه‌ای که چنین کارکردی با ماهیت رسانه‌ها گره خورده است و فلسفه وجودی آنها در این کارکرد نهفته است. زمان، سرعت انتقال و اطلاع رسانی نیز در این کارکرد از جایگاه خاصی برخوردار است. این نیازی است که انسان‌ها برای موفقیت در زندگی روزمره خود به دنبال تأمین آن هستند و «هر رسانه‌ای که بتواند زمان این دست‌یابی را کوتاه‌تر و دسترسی به آن را ساده‌تر نماید در عهده گرفتن این کارکرد نسبت به سایر وسایل ارتباط مزیت خواهد داشت».^(۲)

در این کارکرد رسانه ملی باید در کنار اطلاع رسانی از برنامه‌هایی که در جای‌جای کشور برگزار می‌شود، مخاطبان را به حضور در این محافل تشویق و ترغیب نماید.

براساس این کارکرد می‌توان چند راهکار را پیشنهاد داد:

۱. انعکاس رویدادها و فعالیت‌هایی که در چارچوب سوگواری مطلوب می‌گنجد؛
۲. انعکاس نظرات مراجع، کارشناسان و متخصصان خبره دینی در موضوع سوگواری و شیوه‌های سوگواری بر اساس مبانی دینی و سیره رفتاری اهل بیت علیهم السلام؛

۱- ورنر سورین و جیمز تانکارد، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، ص ۴۲۸.

۲- محمدرضا جوادی یگانه، و حمید عبداللهیان، دین و رسانه، ص ۸۱.

ص: ۲۱۷

۳. شناسایی و معرفی مجالس سوگواری که با سیره رفتاری سوگواری ائمه علیهم السلام همخوانی بیشتری دارد، به منظور الگودهی؛

۴. اطلاع رسانی از سوگواری های اهل سنت و غیر مسلمانان؛

۵. اطلاع رسانی از مباحث نظری و پژوهشی در بخش سوگواری؛ در قالب های گوناگون اعم از خبری، ساخت برنامه و...؛

۶. آشنایی عزاداران با مسائل فرهنگی و اجتماعی روز.

در این کارکرد رسانه می تواند محافل سوگواری را که با حضور علماء برگزار می شوند، از طریق پوشش و انعکاس مناسب به عنوان نمونه و الگو معرفی نماید. مراسم سوگواری که به طور معمول توسط بزرگان حوزه دین برگزار می شوند، یکی از نمونه های مناسب سوگواری است؛ زیرا در این مجالس از سخنرانان و مداحان دعوت می شود و در کنار ذکر فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام نیز مراسم سینه زنی و نوحه خوانی برگزار می شود که نمونه آشکار آن مراسم سوگواری در حضور رهبر معظم انقلاب است که به طور معمول از سیمای ج.ا. ایران نیز پخش می شود. سنت تمام علمای اسلام و مراجع تقلید بزرگوار شیعه گذشته و حال، همین شیوه در برگزاری سوگواری بوده و هست و می توان بسیاری از این برنامه ها را به صورت هوشمندانه و با ملاحظات رسانه ای انعکاس داد.

کارکرد برجسته سازی

از ویژگی های رسانه این است که می تواند با تمرکز بر روی یک موضوع آن را به موضوع در خور توجه و مهم تبدیل کند. با توجه به این ویژگی، رسانه ها می توانند با تمرکز بر روی یک ارزش فرهنگی

ص: ۲۱۸

آن را به گفتمان همگانی تبدیل نماید. از این رو، رسانه این توان را دارد که ارزشی را در نزد مردم جامعه به ارزشی معتبر تبدیل کند.

برجسته سازی یکی از کارکردهای ویژه رسانه است؛ زیرا اولویت بخشیدن به برخی موضوعات که برای یک سازمان رسانه ای اهمیت دارند با این کارکرد معنا و مفهوم پیدا می کنند. این نظریه معتقد است که رسانه در انتقال پیام ها نوعی اولویت یا برجسته سازی به وجود می آورند.

بر اساس نظریه برجسته سازی رسانه ها نمی توانند به مردم بگویند که درباره یک موضوع چگونه بیندیشند؛ اما به مردم می گویند که راجع به چه چیزی فکر کنند و چه بیندیشند. (۱)

نقش رسانه ها در برجسته سازی به گونه ای است که هیچ دستگاه، نهاد و سازمانی نمی توانند رقیب جدی آنها باشند.

نمی توان نقش این کارکرد را در سوگواری کتمان کرد. این کارکرد می تواند دستاوردهای خوبی برای معرفی و شناسایی سیره معصومان علیهم السلام در سوگواری داشته باشد. اگر رسانه ملی هوشمندانه این کارکرد را در دستور کار قرار بدهد و از آن بهره گیرد، دیری نخواهد پایید که دگرگونی هایی در سوگواری ها رخ خواهد داد.

رسانه ملی در این کارکرد می تواند بخش های چون: فلسفه سوگواری، فلسفه قیام عاشورا، و جنبه های اجتماعی، اخلاقی را به صورت هوشمندانه برجسته نماید.

در این راستا می توان اقدامات ذیل را انجام داد:

۱- محمدرضا دهشیری، اصول خبررسانی و برنامه سازی در رسانه ملی، ص ۸۱.

ص: ۲۱۹

۱. معرفی و شناسایی الگوهای مطلوب، آداب و رسوم مرتبط با سوگواری به منظور الگو دهی و استمرار شیوه های مطلوب و معیار؛
۲. تلاش در بازتولید مفهوم سوگواری در قالب های جذاب هنری چون: نماهنگ، فیلم، سریال، مستند و گونه های متفاوت برنامه های نمایشی؛
۳. انعکاس و پوشش مناسب برخی از محافل سوگواری های مطلوب و معیار؛
۴. تأکید بر گونه های مطلوب سوگواری؛
۵. تأکید بر فقه سوگواری و احکام گونه های سوگواری؛
۶. تأکید بر فلسفه سوگواری و تقویت جنبه حماسی و عقلانی سوگواری؛
۷. برجسته کردن روحیه همدلی، همگرایی و همکاری میان عزاداران؛
۸. تأکید بر سوگواری مطلوب و پیرایه شدن آن از تحریفات و آسیب ها و تبدیل این امر به یک مطالبه عمومی و ایجاد زمینه برای تکاپوی علمی و پژوهشی حوزه های مسئول.

کارکرد جامعه پذیری

جامعه پذیری عاملی برای انتقال فرهنگ از نسلی به نسل جدید است و همین حرکت به ثبات و دوام جوامع و نظام حاکم کمک می کند، و در یک کلام آنکه: جامعه پذیری فرایند انتقال هنجارها و ارزش های جامعه به فرد است. (۱) ایجاد تداوم و پیوستگی فرهنگی از طریق جامعه

۱- علی اخترشهر، جامعه پذیری سیاسی در حکومت دینی، ص ۱۰۰.

پذیری، انتقال میراث فرهنگی، ایجاد پیوند میان نسل های متوالی، بازتولید و تقویت اصول و مفروضات مشترک، شکل گیری و تعمیق روح و هویت جمعی (۱) از جمله کارکردهای تلویزیون است.

در فرآیند انتقال فرهنگ ها، هنجارها و ارزش های به فرد، نقش رسانه های جمعی غیرقابل انکار است. رسانه ها ضمن آنکه اوقات مردم را پر می کند به مرجعی مورد اطمینان برای به دست آوردن اطلاعات و آگاهی تبدیل شده اند. از این رو، آنها ابزاری اثرگذار بر اخلاق، رفتار و گفتمان افراد جامعه هستند. با توجه به چنین جایگاهی، رسانه ها اهمیت بسزایی در روند جامعه پذیری افراد جامعه یافته اند. آنها با پر کردن اوقات مردم و پخش برنامه های مختلف، مستقیم یا غیرمستقیم افراد را تحت تاثیر قرار می دهند و افکار، اندیشه ها و رفتارهای آنها را شکل می دهند.

در مجموع، می توان گفت: رسانه ها می توانند در جامعه پذیری افراد نقش مثبتی داشته و همچون ابزاری کارآمد، در خدمت اعتلای ارزش های والای انسانی و پروراندن فضایل اخلاقی قرار گیرند. بنابراین، می توان گفت رسانه های جمعی می توانند در فرایند انتقال ارزش ها و هنجارهای دینی از جامعه به فرد نقش مؤثری ایفا کنند و با تبلیغ و ترویج ارزش های مورد حمایت، می توانند الگویی را همگانی و به عنوان فرهنگ و گفتمان عمومی تثبیت کنند. حال آنکه موارد نامقبول را یا مسکوت می گذارد تا به فراموشی سپرده شود یا با مذمت کردن آنها از اینکه مردم اقبالی به آنها نشان دهند، جلوگیری می کند و در نتیجه از تثبیت و تداوم آنها در جامعه ممانعت می نمایند.

۱- ورنر سورین و جیمز تانکارد، نظریه های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، ص ۴۳۰.

ص: ۲۲۱

یکی از مواردی که می‌تواند به بررسی رابطه جامعه‌پذیری دینی کمک نماید، انعکاس مراسم سوگواری ایام محرم در رسانه هاست. این مراسم به صورت سنتی با شرکت افراد در مراسم سخنرانی و سینه‌زنی در مساجد و تکایا و راه اندازی دسته‌های عزادار در محله‌ها یا تماشای آن با حضور در محل این مراسم، صورت می‌گیرد. رویکرد رسانه‌ها به موضوعی مثل دهه محرم و واقعه عاشورا که از ظرفیت جامعه‌پذیری فراوانی بهره می‌برد، می‌تواند در جهت ایجاد همبستگی هر چه بیشتر در جامعه و تثبیت و تأیید نظام سیاسی باشد.

کارکرد تفریحی و سرگرمی

ماهیت رسانه کارکرد تفریحی است و دیگر کارکردهای رسانه برای اثرگذاری عمیق از شیوه کارکرد تفریحی بهره می‌گیرند. «وسایل ارتباط جمعی به عنوان مهم‌ترین ابزار تفریحی و سرگرمی افراد به شمار می‌روند که با پخش و انتشار برنامه‌های سرگرم‌کننده بر الگوی رفتار اوقات فراغت انسانی آثار تعیین‌کننده‌ای دارند. با کمک این شیوه است که فرد از تنهایی و زندگی سخت روزمره‌اش رهایی می‌یابد و با محیط بیرون تماس برقرار می‌کند.»^(۱) سرگرمی، اگرچه در محاورات اصحاب رسانه، به سنخ‌نه‌چندان مشخصی از برنامه‌ها اطلاق می‌شود، اما از منظر کارکردی، هر برنامه رسانه بالقوه می‌تواند دست‌کم برای برخی مخاطبان اثر سرگرم‌کننده داشته باشد.^(۲) همه اقداماتی که رسانه به صورت آشکار

۱- ۱۴. محمد دادگران، مبانی ارتباطات جمعی، ص ۱۲۶.

۲- سید حسین شرف‌الدین، «الگوی مطلوب سرگرمی در یک رسانه دینی»، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۸، ص ۷۸.

ص: ۲۲۲

و پنهان برای پرکردن اوقات فراغت و با هدف ایجاد شادی، خشنودی، رفع ملالت، رهایی از روزمرگی و... صورت می دهد، جزو این کارکرد محسوب می شوند.

البته کارکرد سرگرمی را نمی توان به عنوان کارکرد غالب این نوع از ارتباطات قلمداد کرد؛ زیرا که مجالس برپا شده در این اماکن اغلب برای روضه خوانی و بیان مصائب اهل بیت علیهم السلام و تبیین قیام عاشورا و اهل بیت علیهم السلام بوده است. (۱)

کارکرد سرگرمی زمینه مناسبی برای استفاده بیشتر از الگوی غیر مستقیم را فراهم می آورد در حالی که کارکرد اطلاع رسانی بیشتر اقتضای روش های مستقیم است در برنامه هایی با کارکرد آموزشی یا ارشادی می توان از امکان استفاده از قابلیت های روش های غیر مستقیم در جذب و تأثیر مخاطبان بیش از گذشته بهره برد. «این سنخ برنامه ها، علاوه بر کارکرد معمول، نقش قابل توجهی در افزایش اطلاعات، رشد خلاقیت ها، توسعه مهارت ها، شکوفایی استعدادها، تغییر نگرش ها، پرورش قوای جسمی و روحی و... دارند». (۲)

برنامه هایی که با هدف سرگرمی تهیه می شوند، می توانند اهداف آموزشی و ارشادی را نیز به طور جدی تعقیب کنند؛ نکته ای که حائز اهمیت است؛ البته، برای دستیابی به اهداف آموزشی، دینی و ارتقای سطح معلومات مخاطبان نباید فقط نظر خود را به تولید برنامه هایی با ساختارهای خاص آموزشی معطوف بسازیم؛ بلکه با استفاده از سایر

۱- «از دین تلویزیونی تا آرمان تلویزیون دینی»، مجله سروش، اسفند ۱۳۸۰، ص ۱۴۴.

۲- کاظم معتمدنژاد، وسایل ارتباط جمعی، ص ۲۲.

ص: ۲۲۳

کارکردها می‌توان بخش قابل توجهی از نیازها و مقاصد آموزشی را برطرف ساخت.

ارزیابی کارکردهای رسانه در سوگواری

ارزیابی کارکردهای رسانه در سوگواری

از مرور کارکردهایی که برای رسانه برشمرده شد نکات ذیل قابل استخراج هستند:

۱. سهم رسانه ملی در حوزه سوگواری از میان کارکردهایی که برای رسانه‌ها برشمرده شد، بیشتر کارکرد اطلاع‌رسانی بود و سهم دیگر کارکردها کمتر بوده است. در صورتی که دیگر کارکردها به ویژه کارکرد سرگرمی، از آنجا که مستقیم‌گویی ندارد، به مراتب کارایی بالایی دارد که از آن غفلت شده است.

۲. رسانه ملی نقش گروه‌های مرجع را دارد که مأموریت‌ها و وظایف سنگینی بر دوش دارد. بنابراین، باید از این فرصت، بهترین بهره را در بخش برنامه‌سازی و ارائه الگوهای مطلوب، برد.

۳. کارکردهای چندگانه تلویزیون، غالباً درهم آمیخته و ترکیبی‌اند. هر برنامه سرگرم‌کننده، ممکن است کارکرد شناختی، عاطفی، یکپارچه‌سازی شخصی (اعتماد سازی)، یکپارچه‌سازی اجتماعی و رهایی از تنش را نیز به همراه داشته باشد. هدف اولی مخاطب از سوق‌یابی به تلویزیون، ممکن است رهایی از تنش و لذت‌جویی باشد، اما ثانیاً و بالتبع، به اطلاعات نیز دست یابد. (۱)

۴. رسانه ملی همواره باید این نکته را مد نظر قرار بدهد که برنامه‌های رسانه تنها جنبه و کارکرد سرگرمی ندارند.

۱- شرف‌الدین، سید حسین، همان، ص ۸۰.

ص: ۲۲۴

۵. قیام عاشورا دارای کارکردهای چون: تقویت همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی و تثبیت نظام اخلاقی است، که رسانه می تواند چنین کارکردهای را در جامعه تقویت نماید.

۶. ویژگی سرگرمی، اگر کارکرد ذاتی رسانه ها هم نباشد، دست کم تحت تأثیر ضرورت های فرهنگی تاریخی، در زمره اصلی ترین کارکردهای آنها قرار گرفت. «به هر حال، کارکرد سرگرمی در جهت تأمین اهداف مورد نظر، اگر نگوییم تنها، دست کم رایج ترین، برجسته ترین، پرمصرف ترین و مؤثرترین کارکرد رسانه های تصویری از جمله تلویزیون، از ابتدای ظهور تاکنون بوده است» (۱).

۷. رسانه ملی آنچه را هست، جلوی دید بینندگان گذاشته و کمتر به حوزه باید و تولید برنامه های هنری روی آورده است.

۸. آنچه از رسانه ملی پخش شده، بیشتر در قالب برنامه های تأمینی و گزارشی بوده است و کمتر به پخش برنامه های تولیدی پرداخته است.

۹. یقیناً افراط در استفاده از برخی کارکردها و بی توجهی به سایر کارکردها آسیب زا خواهد بود.

۱۰. مهم ترین دلیل تماشای برنامه های تلویزیونی برای مخاطبان به کارکرد سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت با ۵۰ درصد و سپس کارکرد اطلاع رسانی با ۲۵ درصد باز می گردد (۲) که نشان دهنده اهمیت و جایگاه کارکرد سرگرمی است.

۱- شرف الدین، سید حسین، همان، ص ۸۰.

۲- برای آگاهی از این که وزن هر کدام از کارکردهای رسانه در سبد مصرف رسانه ای مخاطبان چه اندازه است و سهم رسانه های سنتی به چه میزان است یک مطالعه خوبی توسط آقای دکتر ناصر باهنر در سال ۱۳۸۱ انجام شده که نتایج آن مطالعات در کتاب «رسانه ها و دین از رسانه های سنتی اسلامی تا تلویزیون» منعکس شده است. جامعه آماری این پژوهش، افراد ۷ سال به بالای شهر تهران هستند که ۹۳۹ نفر آنان حجم نمونه را تشکیل می دهند.

ص: ۲۲۵

۱۱. یافته های پژوهشی نشان می دهد که حدود ۶۰ درصد مردم، رسانه های سنتی دینی را به عنوان اصلی ترین منبع دینی خود استفاده می کنند و رسانه های جدید نیز برای ۴۰ درصد از مردم، نقش اولین گزینه رسانه ای دینی را دارند. (۱) با وجود چنین اقبالی باید از ظرفیت سوگواری بهره بیشتری برد.

۱۲. خانواده و پس از آن مجالس و مراسم مذهبی نخستین رسانه های سنتی مورد نظر برای استفاده تغذیه دینی و مذهبی افراد به شمار می روند. (۲)

بایسته های رسانه ملی در سوگواری

بایسته های رسانه ملی در سوگواری

۱. برنامه های سوگواری نقاط مختلف کشور که از گوناگونی و جذابیت های هنری نیز برخوردار است، باید برای مخاطب هدف گذاری شده و در ساعات مشخص و شبکه های ویژه، تهیه و پخش شوند و از پخش خام فاصله بگیرد که کمتر کار کارگردانی و بصری روی آن صورت می گیرد.

۲. اگر قرار باشد رسانه ملی در ماه محرم به مثابه یک هیئت سوگواری، رفتار کند و در این سطح ظاهر شود بدون شک مخاطب و اثرگذاری خود را از دست خواهد داد. از این رو، توجه به تمامی کارکردها و توانایی های رسانه ای ضرورت دارد و با توجه به مأموریت شبکه ها، هر شبکه وظیفه و رسالت برنامه سازی ویژه خود را به بهترین شکل به انجام

۱- ناصر باهنر، رسانه ها و دین، ص ۱۵۹.

۲- ناصر باهنر، رسانه ها و دین، ص ۱۵۹.

ص: ۲۲۶

برساند که در این صورت نوعی تقسیم کار و وظایف نیز صورت خواهد گرفت.

۳. رسانه ملی باید این ذهنیت را اصلاح کند که در ماه محرم و ایام سوگواری هنگامی که سراغ هر شبکه می رویم، باید برنامه مناسبی داشته باشد. برنامه مناسبی یا سخنرانی است و یا پخش سوگواری اصلاح این رویه و خارج شدن از این قالب های کلیشه ای امری است ضروری که رسانه چاره ای ندارد و باید در این مورد تجدید نظر بکند.

۴. رسانه افزون بر اینکه باید رسانه بودن خود را حفظ کند، باید به فضای عمومی جامعه که متأثر از فضای ماه محرم و سوگواری است، توجه نماید.

۵. رسانه ملی باید در ایام محرم و سوگواری از قالب کلیشه ای، سخنرانی و پخش سوگواری فراتر رود؛ زیرا خیلی از این برنامه ها دارای ساختار رادیویی هستند و از ملاحظات بصری کمتری برخوردارند؛ اما به طور معمول در برنامه سازی از جلوه های بصری کمک گرفته می شود که بخشی از انتقال پیام را به عهده دارد.

۶. بدون تردید برخی از آیین های سوگواری در فرهنگ ما با آموزه های دینی و اسناد بالا دستی مخالف و مغایرند. از این رو، در رسانه ملی باید نظارت و ممیزی برنامه ها را بر اساس شیوه نامه ای جامع انجام دهد تا از اعمال سلیقه های شخصی و پخش برنامه های مخالف آموزه های دینی جلوگیری شود.

۷. تدوین سیاست های راهبردی و کلان در امر سوگواری یکی از ضرورت های حیاتی است تا در سایه چنین سیاست های اعلامی

و

ابلاغی، زمینه تهیه و تولید برنامه های فاخر برای برنامه سازان شبکه ها و مراکز استانی فراهم شود.

۸. تنظیم جدول برنامه های پخش باید به گونه ای باشد که مخاطبان آزادی عمل کافی برای انتخاب برنامه های مورد علاقه خود داشته باشند تا مخاطبان ناچار به انتخاب برنامه های مغایر با علایق و سلیق خود نشوند؛ زیرا نتیجه چنین عملی روی گردانی از رسانه خواهد بود؛ چه بسا گوناگون نبودن برنامه ها - پیام آفرینان و نحوه تنظیم پخش - به محدوده علایق فرد درباره مذهب نیز سرایت بکند و فرد به طور شرطی از تماشای برنامه های مذهبی در مواقع دیگر نیز روی گردان شود.

۹. رسانه ملی در امر سوگواری باید در پخش برنامه های آیینی انتخاب کند و بهترین ها را برگزیند.

۱۰. از آنجا که برنامه های مناسبی رسانه ملی در شبکه های مختلف از جهت ساختار، فرم، محتوا، پیام آفرینان دارای شباهت های بسیار به یکدیگر می باشند، از این رو، شایسته است رسانه نسبت به تغییر و ارتقای سطح برنامه در قالب های قابل قبول و با کارکردهای ویژه اقدام نماید.

۱۱. مداح محوری که در سوگواری ها امروزه رایج شده، آفتی است که سوگواری های ما را تهدید می کند. رسانه ملی باید بیش از پیش مراقب باشد که در این دام قرار نگیرد و به این مسئله دامن نزند و مداح محوری را ترویج کند.

۱۲. رسانه ملی باید در کنار پوشش خبری، اطلاع رسانی و ارشادی

ص: ۲۲۸

برنامه‌هایی را تدارک ببیند که کمتر یا اصلاً مستقیم‌گویی نداشته باشد؛ البته باید همواره به این نکته توجه داشت که یک اثر هنری تولیدی باید ساختار و بافتش دینی باشد؛ نه اینکه فقط عناصر دینی را نمایش دهد.

۱۳. برای بهره‌مندی بیشتر از آثار و برکات سوگواری امام حسین علیه السلام، فرهنگ‌سازی برای همه قشرها و گروه‌های سنی لازم و ضروری است.

محورهای برنامه‌سازی

محورهای برنامه‌سازی

رسانه ملی می‌تواند با توجه به ظرفیت موجود، ساخت برنامه‌های هنری را در دستور کار قرار بدهد و مسئولان و مدیران را به ایجاد ظرفیت‌های جدید ترغیب کند. این برنامه‌ها می‌توانند محورهای ذیل را در دستور کار قرار بدهند:

۱. منبع‌شناسی

در مسئله سوگواری امام حسین علیه السلام مطالعات کمابیش خوب و مناسبی صورت گرفته، گرچه کافی نیست؛ اما آنچه انجام شده به ویژه مطالعات پس از انقلاب اسلامی از کیفیت خوبی برخوردار هستند.

الف) تهیه و پخش گزارش‌هایی از منابع موجود در موضوع عاشورا و سوگواری امام حسین علیه السلام؛

ب) معرفی منابع تحریف‌ستیز؛

ج) کتاب‌شناسی توصیفی گزارشی با رویکرد معرفی منابع تحریف‌ساز؛

ص: ۲۲۹

البته برای تهیه این گونه برنامه ها، پژوهش های برنامه ای قوی، با نظارت و اشراف چندین نفر از پژوهشگران عاشورا پژوهی، لازم است.

۲. نمونه های تأیید شده پژوهشگران عاشورا پژوه که به عنوان تحریف شناسایی شده، در قالب برنامه های جذاب، گفت و گو محور و... به مخاطبان معرفی شوند.

۳. تهیه برنامه های مستند از برخی آیین های سوگواری با توجه به قومیت ها و فرهنگ های گوناگونی که در کشور وجود دارد. بررسی دگرگونی این آیین ها در گذر زمان، ریشه یابی این دگرگونی ها مواردی از این دست می تواند برای مخاطب جذاب باشد.

۴. تهیه برنامه های مستند از برخی تکیه ها، حسینیه ها و هیئت های سوگواری که سابقه زیادی در برپایی سوگواری سنتی و درست دارند.

۵. معرفی برنامه های سوگواری جامع و کامل (که گونه های مختلف سوگواری از جمله: پرداختن به فلسفه عاشورا و جنبه حماسی آن در کنار جنبه عاطفی) به عنوان الگوی مطلوب معرفی نماید.

به طور معمول سوگواری هایی که در دفتر مراجع و با حضور آنان برگزار می شود و یا مراسم سوگواری که در محضر مقام معظم رهبری برگزار می شود از این نمونه اند که با سخنرانی، روضه خوانی، مداحی و سینه زنی همراه اند و اندازه هر کدام نیز فراخور نیاز مخاطب است. بنابراین شناسایی گونه های مطلوب و معرفی آنان از رسانه ملی ضرورتی است.

۶. برگزاری برنامه های گفت و گو محور

رسانه نیز باید در ماه محرم برنامه گفت و گو محور موفق همچون ماه

ص: ۲۳۰

عسل، سمت خدا و این شب‌ها را طراحی و تولید کند. گرچه امروزه برنامه‌های گفت و گومحور در رسانه ملی به وفور با موضوعات و ادبیات برای مخاطب خاص تولید و پخش می‌شوند، اما باید دقت داشت که برای مخاطب ملال آور و خسته کننده نباشد. با ملاحظه این شرایط باید برنامه‌ای با قابلیت بالا و با اجراء و محتوای خوب و مناسب تهیه شود. انتخاب موضوع، نحوه ورود و کارشناسانی که در برنامه حضور می‌یابند نیز اهمیت دارد، و در پذیرش آن از سوی مخاطبان اثرگذار است.

۷. آموزش احکام و آداب سوگواری، اسراف، نذرها، انواع و گونه‌های نذر که می‌تواند شرعی باشد و هدایت جامعه به نذرهای فرهنگی از جمله این کارهاست.

۸. تهیه برنامه‌های مستند یا مستند گزارشی از زندگی منبری‌های به نام و گم نام، مداحان پیشکسوت، رؤسای هیئت‌های سوگواری، پیرغلامان حسینی و پیشکسوتان برتر سوگواری.

۹. مزاحمت‌ها، استفاده از ابزار آلات موسیقی، حمل علم و کتل، سر و صدای بلندگوها، ترافیک و... مسئله‌ای است که رسانه می‌تواند درباره آن نقش فعال داشته باشد. بیان حکم شرعی این مزاحمت‌ها و موشکافی آنها به لحاظ اخلاقی و انسانی و قانونی می‌تواند برای مخاطبان جالب باشد.

۱۰. ساخت قالب‌های گوناگون برنامه با توجه به مأموریت‌های هر شبکه؛ برای نمونه:

شبکه ۱: فیلم‌های داستانی، سریال و برنامه‌های نمایشی با موضوع سوگواری امام حسین علیه السلام به منظور بازنمایی سوگواری مطلوب و ارتقای شناخت بینش و نگرش دینی مخاطبان؛

ص: ۲۳۱

شبکه ۲: تولید و ساخت برنامه‌هایی متناسب با کودکان و نوجوانان در قالب پویانمایی، داستانی، شناسایی و معرفی کودکان و نوجوانان حاضر در کربلا؛

شبکه ۳: برنامه جوانان عاشورا و تبیین و تحلیل شخصیت جوانان حاضر در حرکت امام حسین علیه السلام، نقش آنان و...؛

شبکه ۴: برگزاری نشست‌های علمی، معرفی و نقد کتاب‌های این حوزه، تأکید بر نذر فرهنگی و...؛

شبکه مستند: ساخت و تولید برنامه‌هایی در حوزه فرهنگ سوگواری، سوگواری ملت‌های مختلف اعم از مسلمان و غیر مسلمان، تهیه برنامه‌هایی از فضاهای غیر رسمی هیئت‌های سوگواری، پشت صحنه و تدارکات محافل سوگواری، گونه‌های مختلف نذر و نوع نذرهای که صورت می‌گیرد و...؛

شبکه سلامت: مسائل بهداشتی فردی و جمعی و استفاده از ظروف یک بار مصرف، نحوه پخت و توزیع نذورات، نحوه تهیه و تدارک غذاها، آشامیدنی‌ها و شربت‌های سالم و... .

۲. راهکارهای پژوهشی و علمی

اشاره

۲. راهکارهای پژوهشی و علمی

محافل سوگواری و مذهبی مهم‌ترین فرصت تبلیغی را در اختیار حوزه‌های علمیه و دستگاه‌های فرهنگی قرار داده است که چنانچه آگاهانه و هوشمندانه و با مطالعه وارد این حوزه نشویم، فرصت‌های ما به فرصت‌های سوخته تبدیل خواهند شد. از این رو، مدیریت هوشمندانه این فرصت‌ها امری ضروری است که می‌توان در این فرصت به ارائه محتوا در قالب مناسب و نهادینه سازی آموزه‌های دینی، باورها و

ص: ۲۳۲

ارزش های اخلاقی و مباحث فقهی پرداخت. البته بیشتر مسئولیت ها متوجه عالمان دینی است که باید همواره در جهت پالایش و ارائه قرائت درست از قیام حسینی در آینه تاریخ و حدیث بکوشند و آن را تحلیل، و بازخوانی کنند تا از سویی ناب بودن و خلوص و توانمندی و حماسه سازی آن از سوی دیگر از سیمای نهضت حسینی زدوده نگردد و زمینه آشکار شدن آن در همه بخش های زندگی فردی و جمعی فراهم شود؛ از آنجا که این مجالس و محافل دینی مرتبط با اسلام هستند، حضور علما و اشراف آنان بر آنچه در این مجالس می گذرد لازم و ضروری است.

تهیه، تولید، تأمین و معرفی منابع متقن و مطمئن در سوگواری امام حسین علیه السلام، کاری است که از عهده مراکز علمی، پژوهشی، تخصصی و حوزه های علمیه بر می آید و از پیش نیازهای حوزه برنامه سازی است. بر اساس چنین پژوهش هایی است که رسانه ملی می تواند برنامه سازی بکند. از سویی آشکار است که تولید چنین منابعی از تولید برنامه های هنری و الگویی ضروری تر است؛ زیرا:

۱. تمییز مطالب سره از ناسره و تفکیک مطالب تحریف آمیز از مطالب متقن و درست و نیز تفکیک منابع تحریف ساز از منابع تحریف ستیز نیاز به مطالعات تخصصی و داشتن مهارت هایی چون: فقه، حدیث، رجال و تاریخ دارد.

۲. فراوانی و پراکندگی مطالب در این حوزه و آمیخته شدن آنها به پاره ای از تحریف ها و جهت گیری های نادرست، مسئله را پیچیده تر و دشوارتر ساخته و بر مشکلات این بخش افزوده است. رهایی از این معضل نیازمند همراهی و همکاری نهادهای علمی و پژوهشی است.

۱. تولید محتوای سالم و مطمئن

۱. تولید محتوای سالم و مطمئن

تهیه و تأمین منابعی متقن، مستند و مستدل که از نیازهای ضروری یک مبلغ دینی است در مرحله نخست بر دوش حوزه های علمیه و متولیان امور دینی است، تا به چنین نیازی پاسخ مطلوب بدهند و محتوای لازم را تأمین کنند.

محتوا باید برخاسته از منابع اصیل دینی و اسلامی و بر اساس تمییز سره از ناسره باشد، به گونه ای این محتوا تولید شود که مصرف کنندگانی همچون: واعظان، مبلغان، مداحان و ترویج کنندگان احکام اسلامی با اطمینان خاطر، اعتماد و استناد به چنین منابعی در امر تبلیغی گام نهند و دغدغه ای درباره آن نداشته باشند.

در نبود محتوای مناسب، مورد نیاز و در دسترس، متأسفانه شاهد ارائه مطالبی ضعیف از سوی برخی افراد هستیم که کاستی هایی چون: کم مایگی و کم محتوایی، تکرار مطالب، کشکولی بودن، پراکندگی مطالب، تک بُعدی بودن مطالب، بی بهره بودن از اطلاعات عمومی روز و ناآشنایی لازم با زبان مخاطبان دارد.

گرچه حوزه های علمیه فعالیت های چشم گیری در تولید مفاهیم و دانش های تخصصی داشته اند، اما مراکز مهم علمی و پژوهشی نیز به صورت تخصصی وارد این حوزه نشده اند. حوزه های علمیه به عنوان متولیان امور دینی و مذهبی وظایفی چون استخراج، تبیین، تدوین، تبلیغ و ترویج را بر عهده دارند. پر کردن خلأهای علمی نباید فقط به خلاقیت ها و تلاش های فردی واگذار شود؛ بلکه حوزه های علمیه نیز باید با هدف گذاری مشخص و درست به تولیدات مورد نیاز

ص: ۲۳۴

اهتمام ورزند و با پشتیبانی و مدیریت منابع سخت افزاری و نرم افزاری هدف های صحیح را برای همگان تبیین و ترسیم نمایند.

تولید محتوای درست، سالم در تمامی حوزه های مورد نیاز اعم از تاریخی، سیره، مقتل، شعر، مرثیه و... متناسب با ارزش های اسلامی، و نهضت عاشورا از جمله مأموریت های حوزه های علمیه و بزرگان حوزه دین می باشد.

در این راستا می توان تأسیس پژوهشگاه تبلیغی و عاشوراپژوهی را برای تولید منابع مورد نیاز پیشنهاد کرد؛ البته فقط تأسیس چنین مکانی مورد نظر نیست؛ بلکه پژوهشگاهی فعال و پویا مدنظر است که بتواند مسایل این حوزه را به گونه ای تخصصی پوشش بدهد؛ ایجاد پژوهشگاهی با رویکرد تبلیغی که بخشی از فعالیت های آن نیز مباحث سوگواری را برعهده بگیرد، ضرورت دارد تا با نگاهی جامع این حوزه را مطالعه و واکاوی کنند و برای تولید منابع مطمئن گام بردارند.

۲. پرداختن به فقه سوگواری

۲. پرداختن به فقه سوگواری

یکی از راه های نفوذ برخی آسیب ها به مجالس سوگواری امام حسین علیه السلام بیان نکردن شفاف حکم کارهای مکلفین در رساله های عملیه، فقها است. به طور معمول حکم سوگواری ائمه علیهم السلام از طریق استفتاء بیان می شود که این شیوه خود نارسائی هایی دارد؛ زیرا افراد به درستی و به موقع از نظر مرجع تقلید خود آگاهی نمی یابند.

گسترده گی سوگواری در سده های گذشته و ابزارمند شدن آن یعنی استفاده از امکاناتی که در عصر حاضر به وجود آمده، ایجاب می نماید

ص: ۲۳۵

که فقهای شیعه به فقه سوگواری پردازند و باید ها و نباید های آن را تبیین کنند. در حالی که مردم در هر سال دو ماه به سوگواری می پردازند، اما حتی یک کتاب وجود ندارد که به گونه ای مستدل به فقه سوگواری پردازد. سوگواری از جمله مباحثی است که نیاز به موضوع شناسی دارد؛ زیرا حکم بسیاری از نمونه ها با موضوع شناسی مشخص خواهد شد.

مراد از بحث فقهی تنها بیان حکم و فتوا، نیست؛ بلکه فقه مورد نظر در اینجا بحث های استدلالی عمیق را در برمی گیرد که در نتیجه همه مستندات قرآنی و روایتی این موضوع همانند دیگر موضوعات فقهی کنکاش شده، در کرسی های تدریس نظرات دیگر فضلا نیز مطرح می شود و پس از محک خوردن های لازم، تمامی احکام و فروع آن استخراج و در قالب رساله های علمیه و عملیه به مردم ارائه می شود. این کار باید چنان جدی گرفته شود که عوام نتوانند مخالفت کنند و کسی نتواند بگوید ما در این مسئله تقلید نمی کنیم.

ورود فقها به صورت دقیق و روشمند به این حوزه به بسیاری از مباحث چالشی و آسیب زا خاتمه خواهد داد که در این مقطع زمانی نیز شعله ور شده است. همچنین می تواند از بسیاری از کژی ها پیشگیری کند.

بنابراین نباید فقط به معیارهایی چون اینکه سوگواری برای امام حسین علیه السلام، مغایرتی با قوانین اسلام و شرع نداشته باشد؛ و یا موجب وهن دین و مذهب نشود، بسنده کرد. گرچه اینها درست هستند، اما کافی نیستند.

واقعیت تلخ اینکه بسیاری از موضوعات فقهی با اینکه به مراتب

ص: ۲۳۶

اهمیت کمتری از سوگواری دارد، دارای بخشی مستقل است، اما مسائل سوگواری به صورت جسته و گریخته و پراکنده در برخی ابواب فقهی آمده است؛ تداوم این وضعیت خوب نیست و انتظار می رود بخش مستقلی به این موضوع اختصاص پیدا بکند.

۳. سازماندهی های امور فرهنگی و تبلیغی

اشاره

۳. سازماندهی های امور فرهنگی و تبلیغی

در کشور ما بیش از بیست نهاد، سازمان و ارگان متولی امور فرهنگی وجود دارد که هر کدام بخشی از وظایف این بخش را بر عهده دارند. این نهادها در عرصه سوگواری باید برای مدیریت داشته ها و برنامه ریزی به منظور دستیابی به منابع جدید همکاری و هم افزایی کنند. در این باره می توان به اقدامات ذیل به اختصار اشاره داشت:

۱. مدیریت و سازماندهی مبلغان و فرصت های تبلیغی

۱. مدیریت و سازماندهی مبلغان و فرصت های تبلیغی

برنامه ریزی برای استفاده بهینه از ظرفیت ها و توانمندی های موجود امری است تا بتوان در پرتو آن بیشترین بهره را از امکانات برد و پس از آن برای بهره مندی بیشتر، ظرفیت سازی جدید کرد.

گرچه سازمان تبلیغات اسلامی مأموریت سازماندهی مبلغان را برعهده دارد اما به نظر می رسد این سازماندهی ناچیز است و ما به سازماندهی فراتر از این نیاز داریم؛ زیرا سازماندهی فرآیندی از نیاز سنجی، اثرسنجی و نظرسنجی است و درباره اینکه چقدر از مبلغان و با چه سطحی نیاز است باید به صورت تخصصی و حساب شده بررسی شود.

بخش دیگر این سازماندهی مربوط به حوزه آموزش، ارتقاء

ص: ۲۳۷

مهارت های تبلیغی، مجهز کردن مبلغان به دانش های جدید و کار آمد است تا با اتکا به چنین توانمندی هایی بیشترین فرصت های موجود را به منظور ارتقای دانش و معرفت دینی مخاطبان به کار گرفت.

۲. برنامه ریزی برای استفاده کافی از ابزارهای جدید تبلیغی و آموزشی

۲. برنامه ریزی برای استفاده کافی از ابزارهای جدید تبلیغی و آموزشی

امروزه، شیوه های تبلیغی و اطلاع رسانی به طور کامل تغییر کرده و روش های تبلیغاتی و اطلاع رسانی با شعاع جهانی به میدان آمده است.

به همین منظور، باید در تبلیغ، از وسایل پیشرفته ای که در دسترس است، استفاده کنیم. آیه «وَأَعِزُّوا لَهُمْ مِمَّا اسَفَا تَطَعْتُمْ مِنْ قُورِهِ» (۱) بیانگر این نکته است که ما باید از همه وسایل تبلیغی که دشمن علیه ما به کار گرفته است، استفاده نماییم؛ زیرا امروزه در جهان، وسایل تبلیغی سنتی کاربرد چندانی ندارد. (۲)

حوزه های علمیه نیز باید ابزارهایی چون رادیو، تلویزیون، سینما و دیگر رسانه ها را به کار گیرند. این ارتباط دوسویه است و حوزه های علمیه باید منابع متقن و مورد نیاز را در اختیار رسانه ها قرار بدهند و رسانه ها نیز فرصت های تبلیغی در اختیار مبلغان و مروجین آموزه های دینی برای بیان معارف بلند اسلامی بگذارند.

۳. ضرورت سازماندهی مداحان

۳. ضرورت سازماندهی مداحان

یکی از مشکلات اساسی کنونی در مجالس سوگواری و حوزه مداحی

۱- انفال: ۶۰.

۲- محمدهادی معرفت، «ویژگی های تبلیغ و مبلغ»، روزنامه رسالت، ۲۹/۹/۷۷، ص ۲.

ص: ۲۳۸

فقدان یک سازمان منظم برای سرپرستی امور مربوط به این حوزه است. بی تردید اگر هر گروه و صنفی در مسیر حرکت خود از تشکل و سازماندهی قوی و فعالی برخوردار نباشند، کاستی‌ها و آسیب‌های فراوانی دارد. مداحان در سایه وجود چنین ساختاری افزون بر اینکه می‌توانند از اعتبار و ظرفیت تشکل خود بهره‌مند شوند، در مواقع لازم نیز می‌توانند از خود نیز دفاع نمایند.

ضروری است مداحان اهل بیت علیهم السلام به دلیل گستره فعالیت و فراوانی شمارشان، از تشکلی قوی و کارآمد بهره‌مند شوند، تا شرایط و معیارهای لازم، برای ورود به این عرصه را تعیین کنند و مجوزهای لازم برای فعالیت آنان صادر شود. از آنجا که برخورد بخشنده‌ای و دولتی در این گونه امور، مؤثر نه به مصلحت نیست، پیشنهاد می‌شود این امر را خود مداحان یا افراد با نفوذ آنان انجام دهند.

همان گونه در فصل گذشته گفته شد یکی از ورودی‌های تحریف و آسیب به سوگواری، مداحی است در صورتی که مداحان به بال علم و دانش مجهز بشوند، نه تنها از ورود آسیب‌ها جلوگیری می‌شود؛ بلکه خود آنان نیز به جهادگران علیه آسیب‌ها می‌پیوندند و برای پیراستن نهضت کربلا از آسیب‌ها تلاش خواهند کرد.

تشکیل جامعه یا انجمنی فعال و پویا از مداحان در کشور با حضور روحانیون اندیشمند و مداحان دلسوز راهکاری مناسب است. به طوری که جنبه تشریفاتی نداشته باشد؛ بلکه به گونه فعال امور مربوط به این حوزه را رصد و راهکارهای لازم را با در نظر داشتن ضمانت اجرایی ارائه کند.

در کوتاه مدت تشکیل جامعه مداحان، براساس سازماندهی مداحان

ص: ۲۳۹

ضرورت دارد و در بلند مدت نگاه تخصصی به این مقوله با توجه به مأموریت هایی که این حوزه بر عهده دارد اجتناب ناپذیر است. ایجاد رشته های تخصصی دانشگاهی و گذراندن دوره های آموزشی و تخصصی مداحان باید از شرایط اولیه فعالیت مداحی باشد.

چنانچه جامعه مداحان دارای سامان و تشکل ساختارمندی شد، می توان امیدوار بود که بسیاری از مسائل این بخش سامان یابند، اما وقتی سازماندهی، آموزش و مورد نیاز نباشد برخی افراد وارد این بخش ها می شوند که تنها آورده آنان صدای خوب است و شرایط دیگر را ندارند. متأسفانه در چنین فضایی، زمینه خیلی از آسیب ها نیز فراهم می شود.

خلاصه ای از راهکارهای رسانه ای و غیر رسانه ای

خلاصه ای از راهکارهای رسانه ای و غیر رسانه ای

۱. استفاده مناسب از تکنولوژی و امکانات آموزشی و تبلیغی؛

بهره مندی و بهره گیری از ظرفیت آموزشی کشور اعم از مدارس، دانشگاه ها، رسانه ها از سویی و استفاده از تکنولوژی آموزشی از سوی دیگر، به منظور ارتقای سطح آگاهی و معلومات مخاطبان با تکیه بر به منابع غنی و مستند و معتبر؛

۲. ایجاد زنجیره ای همگون از گروه های مرجع و تأثیر گذار برای مبارزه با آسیب ها؛

خرافه زدایی و پیراستن قیام عاشورا از تحریف ها نیازمند جریانی بزرگ، فراگیر و چند لایه بر پایه فرهیختگان و دانشوران است تا برای گسترش فرهنگ ناب و اصیل عاشورا گام های مؤثر برداشته شود و برخوردی فعال و پویا در پیراستن و زدودن آسیب ها، تحریف ها و

ص: ۲۴۰

مشکلاتی شود که به هر انگیزه پیرامون درخت تنومند و تناور نهضت بزرگ عاشورا به وجود آمده است.

۳. اتخاذ رویکرد آموزشی و پژوهشی به مقوله تحریف‌ها، بدعت‌ها و آسیب‌ها، و شناسایی نمونه‌های تحریف و ارائه روش‌های مناسب به منظور کاستن از ورود و اثرگذاری آنها و عمق بخشیدن به سطح آگاهی‌ها و اطلاعات مخاطبان در حوزه تاریخ و فرهنگ و فلسفه عاشورا.

۴. تحلیل، تبیین و ارائه نگرش‌های فکری، فلسفی و کلامی از واقعه عاشورا.

۵. اصلاح کانون‌های مساجد و هیئت‌های امناء مساجد، حسینیه‌ها و تکیه‌ها و حضور پررنگ عالمان در این گونه‌ها

۶. مدیریت متمرکز امور فرهنگی با ساختاری توانمند و پویا؛ و نقد علمی کارکرد مراکز فرهنگی و تبلیغی و عناصر دخیل در آن.

۷. اهتمام دانشمندان اسلامی به انجام رسالت خویش در امر پژوهش، تدوین، تبیین، تبلیغ، خطابه، نقد، تحلیل و ارزیابی و تأمین منابع به گونه‌ای که آن را یک جهاد فرهنگی تلقی کنند.

۸. برنامه ریزی آموزشی و پژوهشی به منظور ارتقای سطح دانش و آگاهی مداحان، روضه‌خوانان، سخنرانان و مبلغان فرهنگ عاشورا.

۹. ایجاد پژوهشگاه عاشورا پژوهی به منظور بازنمایی ابعاد این قیام با پژوهشکده‌های مورد نیاز.

۱۰. ایجاد رشته‌های دانشگاهی و تخصصی حوزوی به منظور تربیت کارشناسان و متخصصان این حوزه.

۱۱. پرداختن به فقه سوگواری به صورت اجتهادی و فقاهتی.

ص: ۲۴۱

۱۲. تربیت مبلغ رسانه ای ویژه ماه محرم و عاشورا و سطح بندی تخصصی مبلغان.

۱۳. برگزاری کرسی ها و نشست های علمی به منظور معرفی و اندیشه های جدید و پژوهش هایی در خور توجه.

۱۴. انتشار نشریات علمی، تخصصی و تحلیلی در فلسفه قیام امام حسین علیه السلام، فلسفه سوگواری، آثار و برکات سوگواری سید شهداء علیه السلام و رسالت تاریخی آن و...

۱۵. انجام فعالیت های فرهنگی و علمی ایجابی و معرفی چهره ناب سوگواری های اصیل و مورد تأکید ائمه علیه السلام، که این خود موجب نقد و سلب اندیشه های و حرکت های انحرافی و کژدار و مریض می شود.

ص: ۲۴۳

کتاب نامه

اشاره

کتاب نامه

زیر فصل ها

کتاب

مقاله

نرم افزار

سایت ها

ص: ۲۴۵

کتاب

کتاب

قرآن

آرین پور، یحیی، از صبا تا نیما، تهران، زوار، ۱۳۷۴.

آزند، یعقوب، نمایش در دوره صفویه، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۵.

آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ ه.ق.

آقاشریفیان، مهرداد، خون موعود؛ ۱۳۰ پرسش پیرامون امام حسین علیه السلام، اصفهان، شهید حسین فهمیده، ۱۳۸۴.

ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صار، ۱۳۹۹ ق.

ابن اثیر، مبارک بن محمد بن عبدالکریم شیبانی جزری، جامع الاصول فی احادیث الرسول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ه.ق.

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الاسلام، مصحح: آصف، فیضی، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۳۸۵ ه.ق.

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ ه.ق.

ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ اندیشه، ۱۳۷۴.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ه.ق.

ص: ۲۴۶

ابن شهر آشوب، المناقب، سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارت علامه، بی تا.

ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، مصحح: هارون، عبدالسلام محمد، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ه.ق.

ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الریارات، ترجمه: محمد جواد ذهنی تهرانی، تهران، انتشارات پیام حق، ۱۳۷۷.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، مصحح: جمال الدین میر دامادی، بیروت دارالفکر، ۱۴۱۴ ه.ق.

ابن نما حلی، جعفر بن محمد، مثير الاحزان، مصحح: مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام ۱۴۰۶ ه.ق.

ابن هشام، عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، بیروت، دارالقلم، بی تا.

ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، الاغانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ ق.

ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، کتابفروشی صدوق، بی تا.

اخترشهر، علی، جامعه پذیری سیاسی در حکومت دینی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶،

ارباب، میرزا محمد، الاربعین الحسینیه، تهران، چاپ اسوه، ۱۳۷۹.

اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشم، ۱۳۸۱ ه.ق.

اسفندیاری، محمد، از عاشورای حسین تا عاشورای شیعه، قم، انتشارات صحیفه خرد، چاپ دوم، ۱۳۸۴.

، کتابشناسی تاریخی امام حسین علیه السلام، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.

افندی اصفهانی، میرزا عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق سید احمد حسینی اشکوری، قم، بی نا، ۱۳۵۹.

ص: ۲۴۷

امام خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۷۹.

امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعه، تهران، سازمان چاپ و انتشار، ۱۳۶۱.

، سیره امامان: امام حسن، امام حسین علیه السلام و امام زین العابدین علیه السلام، ترجمه: حسین وجدانی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۶.

امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب والادب، قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۳۷۴.

بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، تهران، نشر زوار، ۱۳۷۱.

باهنر، ناصر، رسانه ها و دین؛ از رسانه های سنتی اسلامی تا تلویزیون، مرکز تحقیقات صدا و سیما، ج. ۱. ایران، تهران، چاپ اول ۱۳۸۵

بروجردی، سید حسین، جامع احادیث الشیعه، مصحح جمعی از محققان، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶.

بستانی، فواد افرام، المنجد الطلاب، تهران، اسلامی، ۱۳۶۲.

بلاذری احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق: محمد باقر محمودی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴ ه.ق.

بلوکباشی، علی، تعزیه خوانی: حدیث قدسی مصائب در نمایش آیینی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۲.

بنجامین، س. ج. و، ایران و ایرانیان (عصر ناصرالدین شاه)، ترجمه محمد حسین کردبچه، تهران، جاویدان، ۱۳۶۳.

جعفریان، رسول، تأملی در نهضت عاشورا، قم، انتشارات انصاریان، چاپ دوم، ۱۳۸۱.

، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹.

جوادی آملی، عبدالله، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۱.

ص: ۲۴۸

جوادی یگانه، محمد رضا و حمید عبداللہیان، دین و رسانه، تهران، طرح آینده، ۱۳۸۶

چلکووسکی، پیتر، تعزیه: آیین و نمایش در ایران، ترجمه: داوود، حاتمی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۴.

حائری یزدی، عبدالهادی، نخستین رویارویی های اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۲.

حسینی موسوی حائری کرکی، محمد بن ابی طالب، تسلیه المّجالس و زینه المّجالس، مصحح: کریم، فارس حسون، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۸ ه.ق.

حکیمی، محمد رضا، تفسیر آفتاب، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵.

حلبی شافعی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، تحقیق: مظفر احسان، بیروت، المكتبه الاسلامیه، ۱۴۲۳ ه.ق.

حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، مصحح: مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام ۱۲۱۳ ه.ق.

حیدری، ابراهیم، تراژدی کربلا، ترجمه: علی معموری، قم، دارالکتاب اسلامی، ۱۳۹۲.

خامنه ای، سید علی، اجوبه الاستفتائات، ترجمه: احمد رضا حسینی، تهران، الهدی، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۸.

خزاز رازی، علی بن محمد، کفایه الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر، مصحح: عبدالطیف، حسینی کوه کمبری، قم، دلیل ما، ۱۳۸۸.

خوئی، سید ابوالقاسم، المسائل الشرعیه؛ استفتائات الامام خوئی.

خوئی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، مصحح: ابراهیم میانجی، تهران، مكتبه الاسلامیه، بی تا.

ص: ۲۴۹

دادگران، محمد، مبانی ارتباطات جمعی، تهران، انتشارات فیروزه، ۱۳۷۴.

دفلور، ملوین و دنیس، اورت، شناخت ارتباطات جمعی، ترجمه: سیروس مرادی، زیر نظر ناصر باهنر، تهران، انتشارات دانشکده صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۳

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران موسسه لغت نامه دهخدا، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الشامیه، ۱۴۱۳ ه. ق.

رجبی، حسین، پاسخ به شبهات سوگواری، قم، دفتر نماینده مقام معظم رهبری در امور اهل سنت بلوچستان، مرکز انتشارات، ۱۳۷۹.

ساروخانی، باقر، جامعه شناسی ارتباطات، تهران، اطلاعات، بی تا.

سید بن طاووس، علی بن موسی، اللهوف فی قتلی الطفوف، ترجمه: احمد فهری زنجانی، تهران، جهان، ۱۳۴۸.

سید بن طاووس، علی بن موسی، الملهوف علی قتلی الطفوف، تحقیق: فارس حسون تبریزیان، تهران، دارالاسوه، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.

سید بن طاووس، علی بن موسی، الاقبال بالاعمال الحسنه (اقبال الاعمال)، تحقیق: قیومی اصفهانی، جواد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.

شریف طباطبایی، میرزا محمدباقر، اسرار شهاده آل الله صلوات الله علیهم، مشهد، بی تا، ۱۴۱۳ ق.

شوشتری، جعفر، خصائص الحسینیه، ترجمه: محمدحسین شهرستانی، دارالکتاب، ۱۳۷۴.

شهرستانی، سید صالح، تاریخ النیاحه علی الحسین علیه السلام، تهران، جماعه النشر و العلاقات الاسلامیه، ۱۳۹۴ ه. ق.

شهید ثانی، زین الدین بن علی، مُسکنُ الفؤاد عند فقد الاحبّه و الاولاد، قم، بصیرتی، بی تا.

ص: ۲۵۰

شیخ حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه. ق.

شیخ صدوق، محمد بن علی، الامالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.

، الخصال، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین ۱۳۶۲.

، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه: ابراهیم محدث، قم، اخلاق، ۱۳۷۹.

، علل الشرایع، قم، کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵.

، عیون اخبارالرضا، ترجمه: علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۲.

، کمال الدین و تمام النعمه، مصحح: علی اکبر، غفاری، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ ه. ق.

، من لا یحضره الفقیه، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ه. ق.

شیخ طوسی، ابن جعفر محمد بن حسن، مصباح المتهدج و سلاح المتعبد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۸ ه. ق.

، تهذیب الاحکام، مصحح: حسن الموسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ه. ق.

شیخ عباس قمی، سفینه البحار، قم، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۴۱۴

شیخ مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تصحیح مؤسسه آل البیت علیه السلام، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ه. ق.

، الامالی، مصحح: علی اکبر غفاری و حسین استاد ولی، قم، کنگره، شیخ مفید، ۱۴۱۳ ه. ق.

، مسارالشیعه، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ه. ق.

صحتی سردرودی، محمد، عاشورا پژوهی با رویکرد تحریف شناسی، تاریخ امام حسین علیه السلام، قم، انتشارات خادم الرضا، چاپ دوم ۱۳۸۵.

ص: ۲۵۱

صدر حاج سید جوادی، احمد، دائره المعارف تشیع، تهران، نشر شهید سعید محبی، ۱۳۷۵.

طبری، احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی من مصادر کتب اهل السنه، قم، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۲۸ق.

طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه: محمد روشن، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۸.

طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرين، مصحح: سید احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

عسکری، سید مرتضی، گریه بر میت از سنت های رسول خدا صلی الله علیه و آله، ترجمه محمد جواد کرمی، مجمع علمی اسلامی، ۱۳۷۶.

عناصری، جابر، شبیه خوانی گنجینه نمایش های آیینی مذهبی (مجموعه مقالات سمینار پژوهشی تعزیه)، تهران، نمایش (مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ۱۳۷۲.

فاضل دربندی، آقا بن عابد، اسرار الشهاده، تهران، منشورات اعلمی، بی تا.

فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، قم، چاپ اول، چاپ مهر، ۱۳۷۵.

فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ه. ق.

فروغی ابری، اصغر، ایرانیان و سوگواری عاشورا؛ مراسم سوگواری در گذر تاریخ، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۴.

فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، مؤسسه دارالهجره، ۱۴۱۴ ه. ق.

قاضی طباطبایی، سید محمد علی، تحقیق در باره اول اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام، چاپ سوم، قم، بنیاد علمی و فرهنگی شهید آیت اله قاضی طباطبایی، ۱۳۶۸.

ص: ۲۵۲

قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۸.

قصاب یزدلی، حسن، عشقستان، قم، نشر مؤسسه صاحب الامر، ۱۳۸۲

قهرمانی نژاد شایق، بهاء‌الدین، پیرامون سوگواری، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۵.

قیومی اصفهانی، جواد، صحیفه الحسن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵.

کاشف العطاء، محمد حسین، الفردوس الاعلی، پاورقی: محمد علی قاضی طباطبایی، قم، دارانوار مهدی، ۱۳۸۴

کریمی، سعید، رسانه ها و راههای تقویت مشارکت در صحنه های سیاسی و اجتماعی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲

کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی اختیار المعرفه الرجال، مصحح: مهدی رجایی، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۳۶۳.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، ترجمه جواد مصطفوی، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه، ۱۳۶۳.

گلی زواره، غلامرضا، ارزیابی سوگواری های نمایشی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایه فی علم الدرایه، تحقیق: محمدرضا، مامقانی، قم، دلیل ما، ۱۳۸۵.

مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.

، مرآت العقول فی شرح اخبار آل الرسول، مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۱.ق.

مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم، عاشورا، عزاداری، تحریفات، قم، صحیفه خرد، ۱۳۸۵.

محدث قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، قم، هجرت، ۱۳۷۳.

ص: ۲۵۳

، نفس المهموم و نفثه المصدور، ترجمه: محمد باقر کمره ای، قم، مسجد جمکران، ۱۳۷۸.

محدث نوری، حسین بن محمد تقی، چشم اندازی به تحریفات عاشورا (لؤلؤ و مرجان)، تحقیق و تعلیق مصطفی درایتی، قم، انتشارات استاد احمد مطهری، چاپ اول، ۱۳۷۹.

، مستدرک الوسائل الشیعه و مستنبط المسائل، مصحح: مؤسسه آل البیت علیه السلام، قم، مؤسسه آل البیت علیه السلام، ۱۴۰۸ ه ق. محدثی، جواد، فرهنگ عاشورا، قم، نشر معروف، ۱۳۷۴.

محسینان راد، مهدی، ارتباط شناسی، تهران، سروش، ۱۳۸۲.

محمد رضا، دهشیری، اصول خبر رسانی و برنامه سازی در رسانه ملی، تهران انتشارات سروش، ۱۳۸۴.

محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه امام حسین علیه السلام، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، چاپ چهارم، ۱۳۸۹.

مرتضی عاملی، سید جعفر، سیره صحیح پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، ترجمه: محمد سپهری، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.

مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من، یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران، نشر زوار، چاپ سوم، ۱۳۷۱.

مصباح یزدی، محمد تقی، در پرتو آذرخش، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی «ره»، ۱۳۸۲.

مصطفوی، سید حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵.

مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه علی علیه السلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.

، حماسه حسینی، تهران، انتشارات صدرا، چاپ نهم، ۱۳۷۹.

، سیری در سیره نبوی، تهران، انتشارات صدرا، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۴.

ص: ۲۵۴

، مجموعه آثار جلد ۱۷، تهران، انتشارات صدرا،

مظاهری، محسن حسام، رسانه شیعه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۰

مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، انتشارات دارالتعارف، بیروت، چاپ چهارم ۱۴۰۳ق.

معمد نژاد، کاظم، وسایل ارتباط جمعی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۲.

معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۸.

میر صادقی (ذوالقدر)، میمنت، واژه نامه هنر شاعری: فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فن شعر و سبک ها و مکتب های آن، تهران، کتاب مهناز، ۱۳۷۳.

نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، موسسه المرتضی العالمیه؛ دارالمورخ العربی، ۱۴۱۲ق.

نوری، مهدی، آیین مستان، قم، مشهور، ۱۳۸۵.

واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۶۹.

همایونی، صادق، تعزیه در ایران، شیراز، نوید، ۱۳۶۸.

یزدانی، محمود، قمه زنی؛ آبروداری یا آبروریزی شیعه، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۹۲

یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.

مقاله

مقاله

ناصر بخت، محمدحسین، «تعزیه خوانی یک هنر است»، زائر، شماره ۱۳، (شماره پیاپی ۲۲۰) سال آذر ۱۳۹۲

ص: ۲۵۵

محسنیان راد، مهدی، «منبر رسانه ای که نمی میرد»، روزنامه ایران، ۲۴/۸/۳۸۲.

باهنر، ناصر، «از دین تلویزیون تا آرمان تلویزیون دینی»، مجله سروش اسفند ۱۳۸۱.

شرف الدین، سید حسین، «الگوی مطلوب سرگرمی در یک رسانه دینی»، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۸.

معرفت، محمدهادی، «ویژگی های تبلیغ و مبلغ»، روزنامه رسالت، ۲۹/۹/۱۳۷۷.

نرم افزار

نرم افزار

جامع الاحادیث، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

مجلسین، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

شیخ طوسی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

شیخ مفید، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

نور السیره، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

شیخ صدوق، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

گنجینه نور، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

مکتبه الشامله.

دانش نامه نبوی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

دانش نامه، علوی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

سفینه النجاه، مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان.

سایت ها

سایت ها

www.Zanjani.ir

www.Khamene.ir

ص: ۲۵۶

www.Magirn.com

www.irc.ir

www.parsemen.org

www.alhaeri.com

www.Almazaheri.ir

www.makaremshirazi.org

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

